

تكاليف الانام في غيبة الامام

پیوند مغنوی

باساحت قدس مهدوی

صدر الاسلام ہمدانی



پیوند معنوی

باساحت قدس مہدوی

(تکالیف الانام فی غیبة الإمام)

دیبرال دین صدر الاسلام علی اکبر ہمدانی



* بیوند معنوی، با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الأنام فی غیبة الإمام علیه الصلوة والسلام)

* دبیرالذین صدر الاسلام علی اکبر همدانی

* چاپ : نسرین

* پخش : دفتر نشر کویک

خیابان انقلاب، خیابان ابودر (صفي عlishاه)، شماره ۱/۱۵، تلفن ۳۰۰۹۵۶

* بهار ۱۳۶۱ (نیمه شعبان ۱۴۰۲)

* کلیه حقوق مخصوص ناشر است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای ایمان آوردگان :

پایدار باشید و در شکیبایی بیشتان شوید و دلبده‌وری
و مرزبان‌نمائید و از خدا بپروا کنید، امید است که
رستگار گردید .

سخن ناشر

اعْلَمَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَالْإِخْلَاصِ نُزْعُ
إِلَيْكَ مِثْلَ الطَّيْرِ إِلَى أَوْكَارِهَا .

— فرزندم ، مهدی — بدان که دل‌های مردم با
خلوص و طاعت پیشه ، بسان پرنده‌ای که بسوی
آشیانه پر می‌کشد بیتابانه و مشتاقانه ، راهی
کوی تواند . (۱)

شب بدرازا کشید ، چشمها ، همه فروخفتند جز چشمان شیدای
شیفتگان ، که در سیاهی آسمان ، فروغ ترا می‌جوید ؛ ای خورشید
فروزان وجود .

دریا توفانی شد ، زورقها ، همه در هم شکستند جز زورق
سرخ چشم براهان ، که بر فراز امواج ، کرانه ترا می‌جوید ؛ ای
ساحل آرام نجات .

پهنه زمین خشکید ، گل بوته‌ها ، همه پژمردند جز لاله زار
خون‌رنگ دل‌باختگان ، که در گویر گدازنده صحرای تراوش ترا می‌جوید ؛
ای چشمه جوشان حیات .

آری ، تیره شب غیبت ، بدرازا کشید ، دریای سیاه زندگی ، سراسر
گرداب و توفان شد ، پهن‌دشت انسانیت گویری تفتان گشت و منتظران ،
نستوه و پایدار ، همچنان ترا می‌جویند ؛ ای مهدی موعود ، ای منجی

محبوب ، ای قائم منتقم .

براستی که ، در تاریخ " وصل و هجران " و " عشق و حرمان " ،
محبّتی چنین دیر پای ، محبّانی چنین پای بند و محبوس چنان گریز
پای ، هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده ، که هزار و صد و چهل
سال است این " جذبه و ناز " و " راز و نیاز " ادامه دارد .
وای بر تو ، ای قلم ، بشکنی که چه نسنجیده و ناهنجار نوشتی !
گجا آن یوسف عزیز ، بی پای خویش ، راهی چاهسار غیبت شد ؟ مگر
نه اینکه بیوفائی و ناشکیبائی و پراکنده دلی مدعیان حبّ و ایمان ،
سبب رخ پوشاندن و دوری گزیدن و در زندان نهان زیستن آن محبوب
عالمیان است که خود ، در لفاقی از اندوه ، فرمود :

" اگر شیعیان ما - که خدا آنرا بر طاعت
خود توفیق دهداد - برپایه شناختی شایسته
و صادقانه ، در راه وفا به پیمانی که بر دوش
دارند همدل می شدند برکت دیدار ما از ایشان
واپس نمی افتاد و سعادت دیدار ما برای آنان
زودتر دست می داد ، پس ما را از ایشان دور
نمی دارد مگر رفتار ناشایست و ناپسند آنان
که خبرش بما می رسد ." (۲)

آری ،

از جذبه اوست که پرستوی عشقش در دل شوریدگان آشیان
می کند .
از شراره اوست که آتش ارادتش در جان دلدادگان زبانه
می کشد .
از یاد آوری اوست که گلبن یادش در روان فریفتگان بهار
می آفریند .

هیچ عاشق خود نباشد وصل جو که نه معشوقش بود جویای او
از این رواست که درک محبّت و مودّت او - همانند حبّ خدا و پیامبر

— نیازمند به تلاش و تکاپوی دشوار و توانفرسا نمی باشد. کافیس
 سراچه دل را به اشک توبه بشوئی و به مژگان استغفار بروبی و به
 دو پاسدار تقوی و اخلاص بسیاری تا دریچه اش را هر بامداد بسوی
 آفتاب ولایت بگشایند که سرلوحه ایمان هرایماندار را این گفته اند:
 "هیچ بنده ای بخدا ایمان نیاورده مگر آنگاه
 که مرا بیش از خودش دوست بدارد و فرزندان
 مرا بیش از فرزندانش و خاندان مرا بیش از
 خاندانش".

پیامبر اکرم (صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ) (۳)

بویژه که دوستی و سرسپردگی به آستان مهدی علیه السلام ،
 با شور و اشتیاق ظهورشکوهمند وجهانگیر اودرهم می آمیزد ، راستی ؛
 کدام انسان حق پرستی است که آرمان حکومت عدل و
 دادگری را در سر نپرورد ؟
 کدام روان شرافتمندی است که بانوید امنیت و آزادی همگانی ،
 حیات تازه نگیرد ؟
 کدام تن ستم کشیده ای است که بامید روزگار مساوات و برابری
 بر کوشش و مقاومت نیفزاید ؟
 کدام جان درد آشنائی است که بایاد پرچمدار الفت و برادری ،
 آرامش و آسایش نیابد ؟
 کدام چشم جستجوگری است که در انتظار جمال انسانیت و
 مردانگی به شگ نشیند ؟
 کدام دل اندوهباری است که از شوق پایان غیبت و پنهانی ،
 شادمانه نتپد ؟
 بس کن ، ای جگر سوخته قلم ، نالیدن را ، گریستن را ، و شور
 آفریدن را ، که این سوز را درمانی و این فراق را پایانی نمی بینم ،
 جز هنگامه ظهور ، که آنرا نیز ، زمانی معین نیست و یا اگر هست :

لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ. (۴)

اما ، چه سود ؟ که اگر من بس کنم قلبهای گداخته از شوق مهدی ، آرام نخواهند نشست و اگر من ننویسم قلمهای آکنده از اشتیاق منجی ، بیگار نخواهند ماند . همانگونه که در این یازده قرن ، بسیاری از عالمان نامی و دانشوران گرامی ، از شیعه و سنی ، در عرصه شناخت حضرت مهدی ، آثاری گرانقدر از خود بیادگار نهاده‌اند که نام نیکشان را جاودانه ساخته است .

* * *

دو سال پیش ، که نمایشگاهی ، بهمت جوانانی پر شور و دلباخته ، از نسخ خطی و کتب چاپی ، در موضوع مهدویت ، ترتیب یافته بود نزدیک به ششصد کتاب و رساله عربی و فارسی ، در برابر دیدگان پژوهندگان قرار داشت که کتاب حاضر ، یکی از آنها می باشد . این کتاب ، که در موضوع خود - تکالیف شخصی مردم در رابطه با امام غائب - قدیمی ترین متنی است که بطوریکه پارچه مستقل نگاشته شده و در دسترس میباشد ، از آثار عالم ربّانی و ادیب صمدانی ، مرحوم حجة الاسلام والمسلمین ، دبیرالدین ، ابوالمکارم ، میرزا علی اکبر صدرالاسلام همدانی بشمار می آید .

کتاب که نثری شیوا و استوار دارد بسال هزار و سیصد و هفده قمری ، برشته تحریر در آمده و برای نخستین بار ، بهمت محقق گرانمایه آقای فخرالدین نصیری امینی در سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار شمسی از روی خط مؤلف بعینه فیلمبرداری و در تیراژ محدود اداقت شده و بعلاقمندان اهدا گردیده است .

نسخه اصلی محقق فوق الذکر ، در ۲۵۸ صفحه ۱۵ سطری روی کاغذ سبز رنگ فرنگی ، با خط شکسته تحریری (عبارت فارسی) و خط نسخ قرآنی (عبارات عربی) و عناوین قرمز رنگ با جلد تیماج سبز مقوایی میباشد .

در چاپ نخست، ناشر، تاریخ حیات نویسنده، معظم را از برخی آثار او مانند کتاب "کاسه درویشان" بتفصیل آورده که اینک فشرده آنرا می‌نگرید:

مرحوم صدرالاسلام، میرزا علی اکبر فرزند مرحوم میرزا شیر محمد نواده، پسری مرحوم آقا محمد طاهر همدانی و نوه، دختری آقا محمد شریف همدانی در همدان بدنیا آمد.

در نو جوانی، بتحصیل ادبیات فارسی و عربی تاحداثشاء وترسل کامل و معارف دینی تا حدود "شرح لمعه" و نیز ریاضیات و هیئت در همان شهر سرگرم شد اما، چون بدین پایه رسید بخلاف میل شخصی و باصرار پدر، دست از تحصیل شسته و بکار دبیری و منشیگری و حسابرسی در دارالحکومه استان کرمانشاهان پرداخت در این ایام از محضر مرحوم حاج شیخ ابراهیم یزدی، خا صه در زمینه تفسیر قرآن، بهره‌ها جست تا بسال ۱۳۰۹ قمری پدرش، رخت بسرای دیگر کشید و او که دیگر مانعی در برابر تحصیلات دینی نمی‌دید از شغل و منصب دنیوی کناره گرفت و عازم عتبات عالیات و آستانه بوس بارگاه حضرت امیر مؤمنان گشت تا از باب عِلْمِ نَبَوِی پرتو فیضی گیرد بگفته خودش:

از علم و عمل مرا نَبْد هیچ بکف

جز نطق، به حیوان نَبدم هیچ شرف

اندر حرم علی، مجاور گشتم

این هر دو کرم کرد بمن شاه نجف

قریب ۶ سال در حوزه مقدسه علمیه نجف اشرف از حضور اساتید گرانقدر و بلند مرتبت آن سرزمین استفاده نمود سپس بضرورت رسیدگی و همراهی والده اش به ایران باز گشت و چند سالی در تهران و همدان به تصنیف و ارشاد و تعلیم پرداخت آنگاه، به نجف اشرف مراجعت نمود و دو سال دیگر به تلاشهای علمی و گوششهای معنوی سرگرم بود اما عدم مناسبت مزاج او با هوای گرم عراق و

بیماری شدید ، وادارش ساخت که با حسرت تمام به ایران کوچ و تا پایان عمر در همدان سکونت نماید و به تدریس و تربیت مردم پردازد . مشهورترین اساتیدی که صدر الاسلام از محضر پر فیض آنان حقائق دینی و فضائل اخلاقی آموخته و از ایشان اجازتی در نقل و روایت تمامی مرویات و مصنفات آن بزرگواران و مشایخ عالیقدرشان بدست آورده عبارتند از :

الف : مولای معظم و استاد اعظم خاتم المحدثین والرجالین مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری (قدس الله سره) که نویسنده تصریح می‌کند : "عالم غریبی از آن وجود مقدس مشاهده نمودم که تحریری نیست."

این بزرگوار آثار فراوانی از خود بیادگار گذارده (بیش از بیست و پنج کتاب) که سه کتاب زیردر موضوع امام زمان ارواحنا فداه است :

- ۱- " كُنْفُ الْأَسْتَارِ عَنْ وَجْهِ الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ " (عربی)
- ۲- " جَنَّةُ الْمَأْوَى فِي مَنْ فَازَ بِلِقَاءِ الْحُجَّةِ (عَلَيْهِ السَّلَام) " (عربی)
- ۳- " نَجْمُ الثَّاقِبِ " (فارسی)

گمان بنده اینست که پیوند قلبی مرحوم صدرالاسلام با ساحت قدس ولی زمان (عج) بدست این استاد مکرم انجام پذیرفته است .

ب : حکیم ربّانی و فقیه صمدانی آقا سید محمد مجتهد موسوی نجفی هندی که خود از شاگردان نامور شیخ الطائفة قائد الفقهاء الاصولیین شیخ مرتضی انصاری بشمار می‌آید و صاحب مؤلفاتی چون : "شوارع الاعلام" و "اللئالی الناظمه" و "حقائيق الأصول" و "السببکة الذهبیه" و "نظم اللئال" و "منهج القويم" و "الصراط المستقیم" و "الکشاکیل" است .

ج : عالم جلیل و فاضل نبیل آیه الله فی الارضین مرحوم حاج میرزا حسین رازی طهرانی .

از مرحوم صدر الاسلام همدانی آثار متعددی باقی مانده که اغلب نایاب است مانند:

- ۱- "ناسخ التفسیر در تفسیر قرآن قریب بیست و چهار جلد
- ۲- "دعوة الحسنى في أدعية الحسنة"
- ۳- "جواهر الایمان في آداب تلاوة القرآن"
- ۴- "توضیح القرآن" در تفسیر
- ۵- "منوی صدریه در عقائد شیخی و صوفی و اصولی
- ۶- "منوی آب حیات در سلوک ظاهر و باطن
- ۷- "خرابات" در چهار مجلد اشعار آموزنده بالغ بر صد هزار بیت.

- ۸- "إخوان الریاء في معرفه الأحباء والأعداء"
- ۹- "شرح دعای سمات"
- ۱۰- "رساله يد بيضاء"
- ۱۱- "كشف الجباب في الرد على الباب المرناب"
- ۱۲- "عين تمنا در كشف مكاشفات یوحنا و رد باب
- ۱۳- "سیف الدین علی رقاب المبتدعین" در رد میرزا ابوالفضل

کلیپایکانی بهائی

- ۱۴- "إيقاظ النائمين"
- ۱۵- "تحفة الحجّة في آداب الجمعة"
- ۱۶- "کاسه درویشان"
- ۱۷- "دم عیسوی" در جواب مسائل نصرانی همدانی
- ۱۸- کتاب حاضر یعنی "تکالیف الانام فی غیبة الامام"

این کتاب، همانگونه که از نامش پیداست یکپارچه پیرامون تکالیف و مسئولیت‌های فردی شیعیان در رابطه با حضرت صاحب الزمان نگاشته شده و به حدود شصت تکلیف با توضیحات لازمه اشاره می‌کند.

کتابهای مشابه ، تا آنجا که بدست آمده ، همه بعد از این کتاب نگاشته شده‌اند همچون :

۱ - "صَحِيفَةُ الْهَادِيَةِ وَالتَّحْفَةُ الْمَهْدِيَّةُ" از ابراهیم بن محسن

الکاشانی در ۱۳۱۸ قمری

۲ - "وِظِيْفَةُ الْأَنَامِ فِي زَمَنِ غَيْبَةِ الْإِمَامِ" از میرزا محمد تقی

موسوی اصفهانی در ۱۳۲۳ قمری

۳ - "مَكِّيَالُ الْمَكَارِمِ فِي فَوَائِدِ الدُّعَاءِ لِلْقَائِمِ" از میرزا محمد تقی

موسوی اصفهانی در ۱۳۴۸ قمری

۴ - "وِظَائِفُ الشَّيْعَةِ فِي زَمَنِ الْغَيْبَةِ" از احمدزاده حسینی

۵ - "وظیفه مردم در زمان غیبت امام زمان" از قوام الدین

وشنوی

از آنجا که کتاب "تکالیف الأنام" ، نکات سودمند و مطالب ارزشمند بسیاری داشت و نسخه های آن بدست نمی آمد با محقق خیر اندیش آقای فخرالدین نصیری امینی که به همت ایشان چاپ و نشر نخست این کتاب انجام یافته تماس گرفتیم . ایشان ، ضمن تأیید و تشویق ، آمادگی خود را برای در اختیار نهادن فیلم وزیننگ کتاب نیز اعلام داشتند. لکن ، متن اصلی کتاب با خط مؤلف ، در عین اعتبار بیشترش ، چون بخط ریز شگسته تحریر شده و برای اغلب خوانندگان امروزی قابل مطالعه و استفاده نبود با دقت کامل ، ابتدا استنساخ و سپس بوسیله تایپ آی - بی - ام حروفچینی و آنگاه با وسواس زیاد تصحیح و اعراب گذاری شد تا نظر مرحوم مؤلف در بی غلط بودن متن در حد وسع و امکان رعایت گردد . در ضمن برای آشنائی خواننده با نسخه اصلی خط مؤلف ، سه برگ از کتاب عیناً فیلم گرفته و در متن قرار داده شد . یادآوری این نکته لازم است که مؤلف محترم در این کتاب ، به مسئولیت های اجتماعی منتظران حضرت مهدی پرداخته و در

یک مورد هم که اشارتی اجمالی نموده آنچنان سطحی و یک بعدی و مختصر شده که در نظر اول، خواننده را بشگفت می‌آورد بحدی که شاید مسئله را بکلی غلط و بی‌اساس انگارد. در حالیکه، موضوع مورد اشاره، با نگرش عمیق و دقیق بتامای ابعادش، قابل هضم و فهم خواهد شد.

ما، ضمن اینکه، در قبال آراء و افکار نویسندگان، هیچگونه مسئولیتی نپذیرفته‌ایم برای رفع این کمبود، هم‌زمان با کتاب تکالیف، ترجمه بخش "التکلیف الاسلامی خلال عصر غیبة الکبری" از کتاب کبیر تاریخ الغیبة الکبری نوشته استاد مجاهد حجة الاسلام "سید محمد صدر" را تحت عنوان "رسالت اسلامی در عصر غیبت" تقدیم خوانندگان پژوهشگرمی‌نمائیم چنانچه پیشتر هم، در کتاب "انتظار، بذر انقلاب" به تجزیه و تحلیل ابعادی از مسئله پرداخته‌ایم.

امید است، انتشار کتاب حاضر، بتواند میان دل‌های بخواب رفته امت غافل و قلب همیشه بیدار و تپنده حجت غائب (عج) پیوندی بیش از گذشته ایجاد نماید و گامی یا آبی، لحظه شکوه آفرین و حماسه ساز ظهور را به پیش اندازد.

وَالسَّلَامُ عَلٰی سَيِّدِنَا وَ مَوْلَانَا وَ اِمَامِنَا وَ
هَادِيْنَا بِالْحَقِّ حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ وَعَلَى
مُحِبِّهِ وَ مُعْتَقِدِيهِ وَ نَاصِرِيهِ وَ مُنْتَظِرِيهِ .

دفتر تحقیقات و انتشارات بدر

پي نويس

- ۱- کمال الدين ، جلد ۲ ، صفحه ۴۴۸ .
- ۲- "بحار الانوار" ، جلد ۵۳ ، صفحه ۱۷۷ .
- ۳- "سيرتتا و سنتنا" علامه اميني ، صفحه ۹ و ۱۰ .
- ۴- قرآن ، سورہ اعراف ، آيہ ۱۸۷ .

مقدمه مؤلف

يا صاحب الزمان آيدنى ووقنى وسدنى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْمَعْصومِينَ، وَالصَّلَاةُ
الزَّكَايَاتُ وَ التَّحِيَّاتُ النَّامِيَّاتُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ، الْغَائِبِ
عَنِ الْأَبْصَارِ وَ الْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ وَالْمُطَّلِعِ عَلَى الْأَفْكَارِ، سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَدِينِي وَ
إِيمَانِي وَصَوْمِي وَصَلَاتِي وَحَجِّي وَجِهَادِي وَزَكَاتِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي :
أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ إِمَامِ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ
عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْمَعْصومِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمَنَانِ .

ثُمَّ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى أَوْلَادِهِ وَ عِتْرَتِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ نَوَابِهِ وَ أَوْلَادِهِ وَ
أَبْدَالِهِ وَ خُدَامِهِ وَ أَمَنَائِهِ وَ خَوَاصِّهِ وَ أَمْرَائِهِ وَ جُنُودِهِ وَ عَسَاكِرِهِ، وَ عَلَى حُجَّجِهِ
وَ رُؤَاةِ أَحَادِيثِهِ الَّذِينَ هُمْ فِي غَيْبَتِهِ يَنْفُونَ عَنِ الدِّينِ تَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَتَأْوِيلَ
الْجَاهِلِينَ وَ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ . اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) اسْئَلُكَ بِحَقِّ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ
وَ تَعْجَلَ فَرَجَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَعْوَانِهِ
وَإِنصَارِهِ وَالمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَ لَا تَفْرُقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَ
لَا أَقْلَ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ .

ای آقای من تو دانی که مرا چه مقصودی و منظوری در این کتاب است
و هم تو دانی که چون مرا دسترس بحضرت اقدس نمی باشد، لهذا مشق
محبت تو را می نمایم و می خواهم کلک و بنام را به نوشتن نام مقدس و ذکر

اقدس مشغول کنم و قلب و زبان را بی یاد مبارکت نگذارم :
ذکر نواز زبان من فکر تو از خیال من

کی برود که رفته‌ای در رگ و در مفاصلم
یا سیدی و مولای، این اوقات که از نجف اشرف (عَلِيٍّ مُشْرِفَهَا آلاَفُ
التَّحِيَّةِ وَ التَّحَفِ) دور و از آن آستان مقدس مهجور گردیده، خاطر من شوریده
و ظاهر من ژولیده، عالم منقلب و احوال من مضطرب، حواس من پریشان و حالت
من پژمان، " یکدم نمی‌رود که نه در خاطر منی " .

ای آقای من، خود در اول، ملاطفت فرمودی :

در عشق تو از جهان گذشتم

و از حمله جهانیان گذشتم

الحال :

روز و شب بیاد تو، می‌گذرد نه این عجب

أَدَاؤُكُمْ بِذِكْرِكُمْ مِنَ الْغَدَاءِ إِلَى الْعِشَاءِ

یا للعجب، مرا چه افتاده که از وصالت محروم و از مشاهده جمالت مهجور

گردیده‌ام :

شی نمی‌گذرد کار غمت نمی‌گذرد

شرار آهم از انجم، فغانم از افلاک

از دوری دیدارت نه روز آرام دارم و نه شب قرار، و از مهجوری رخسارت

نه حالت صبر دارم و نه طاقت انتظار، چشمی نمناک و جسمی دردناک، نه رفیقی

و نه انیسی و نه شفیقی و نه جلیسی، نه حرمت اظهار اشتیاق و نه قدرت کتمان

أَلَمْ فِرَاقٌ :

نه هم‌زبانی که من زمانی، بدوشمارم غمی که دارم

نه نیکخواهی که گاهگاهی، ز من بپرسد: غم که داری؟

اَيُّ وَاللَّهِ يَا سَيِّدِي :

أَخَافُ عَلَيْكَ مِنْ غَيْرِي وَ مِنْنِي

و مِنْكَ وَ مِنْ مَكَانِكَ وَ الزَّمَانِ

وَلَوْ أَنَّ نَبِيَّ جَعَلْتُكَ فِي عَيْونِي
إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَا كَفَانِي

وَمُسْتَخِيرًا عَن سِرِّ لَيْلِي أَجَبْتُهُ
بِعَمِيَاءٍ مِّن لَّيْلِي بِلا تَعْيِينِ
يَقُولُونَ خَبِّرْنَا فَاَنْتَ أَمِينُهَا
وَ مَا أَنَا إِنْ خَبَّرْتَهُمْ بِأَمِينِ

طَلَبَ الْحَبِيبِ مِّنَ الْحَبِيبِ رِضَاهُ
وَمُنَى الْحَبِيبِ مِّنَ الْحَبِيبِ لِقَاهُ
أَبَدًا يُّلَاحِظُهُ بِعَيْنِ قَلْبِهِ
وَالْقَلْبُ يَعْرِفُ رَبَّهُ وَ يَرَاهُ
يَرْضَى الْحَبِيبُ مِّنَ الْحَبِيبِ بِقَرِيْبِهِ
دُونَ الْعِبَادِ فَمَا يُرِيدُ سِوَاهُ

سر عشقت داشتم پنهان و لیک
زاه سرد و ناله جان سوز من
صَحَّ عِنْدَ النَّاسِ إِنْ نَبِيَّ عَاشِقُ
غَيْرَ أَنْ لَمْ يَعْلَمُوا عِشْقِي لِمَنْ

يَا حَسْرَةً تَقْلَعُ الْأَحْشَاءَ زُفَرْتُهَا
عَلَى بُعَادِ إِمَامِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ
تَكَادُ تَنْشَقُّ نَفْسِي لَوْعَةً وَأَسَى
إِنْ خَانَنِي فِيكَ دَهْرِي وَأَنْقَضَى زَمَنِي
هَانُورُ شَخْصِكَ فِي عَيْنِي يُقَدِّمُنِي
وَ حُسْنُ ذِكْرِكَ يُحْيِيْنِي وَ يَلْزِمُنِي

اَيَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّذِي لَيْسَ جَارِيًا
 بِغَيْرِ الَّذِي يَرْضَاهُ سَابِقُ أَقْدَارِ
 وَ يَا مَنْ مَقَالِيدُ الزَّمَانِ بِيَدِهِ
 وَ نَاهِيكَ مِنْ مَجْدِهِ بِخَصِّهِ الْبَارِي
 أَغِثْ حَوْزَةَ الْإِيمَانِ وَ اعْمُرْ رُبُوعَهُ
 فَلَمْ يَبْقَ عَنْهَا غَيْرَ دَارِسِ آثَارِ
 وَ انْقُذْ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ يَدِ عَصَبَةٍ
 عَصَا وَ تَمَادُوا فِي عُتُوِّ وَ إِصْرَارِ
 وَ انْعَشْ قُلُوبًا فِي انْتِظَارِكَ قَرَحَتْ
 وَ اضْجَرَّهَا الْأَعْدَاءُ آيَةً اضْجَارِ
 وَ خَلَّصَ عِبَادَ اللَّهِ مِنْ كُلِّ غَاشِمٍ
 وَ طَهَّرَ بِلَادَ اللَّهِ مِنْ كُلِّ كُفَّارِ
 وَ عَجَّلَ فِدَاكَ الْعَالَمُونَ بِأَسْرِهِمْ
 وَ بَادِرَ عَلَيَّ أَسْمٍ مِنْ غَيْرِ أَنْظَارِ

ای برادر دینی و ایمانی من ، بیا قدری از برای یکدیگر راز دل گوئیم :

بیا سوت‌ه‌دلان گرد هم آئیم

که قدر سوت‌ه دل دلسوت‌ه دونو

ما مشت‌ی شیعه را که خداوند تبارک و تعالی در غیبت امام عصر (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَهُ) خلق فرموده و بدین سبب ما را به معرض امتحان آورده ، به موجب حدیث ما را غربال نمایند و به محک امتحان در آورند که صادق از کاذب و منافق از موافق و مخالف از مؤلف جدا شود . چون از روی دقت ملاحظه شود اِختِبار و امتحان ماها در این زمان غیبت اشد از امتحان و آزمایش سایر مردم در ازمناه سالفه می‌باشد . از این جهت است که ثواب و اجر ماها هم در این زمان غیبت ، اعظم از اجر و ثواب سایر مؤمنان و موالیان سایر ائمه هدی (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) است - موافق نص احادیث که حاجت بذکر آنها نیست ، امیدوارم که خود تو بصیرت داشته باشی - پس در

این صورت نمی‌دانم چرا ماها ابداً در قید دین و ایمان و متذکر امام زمان خود (اَرواحُ الْعَالَمِينَ فِدَاهُ) نیستیم . آیا معتقد هستیم که امام ما (عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ) اگر چه غائب از ابصار است لکن حاضر در اَمصار است و ناظر در افکار است ، می‌بیند آنچه را که بحا می‌آوری و می‌داند آنچه را که خیال می‌کنی :

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ .

اگر شک کنی در عقیده و محبت و معرفت تو در حق امام قصور و فتور است .

در کتاب " اِكْمَالُ الدِّينِ " روایت شده از اسدی - که راوی توقیع مبارک است - از ابوجعفر محمد بن عثمان عَمْرِي (قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ) که گفته است : بی‌آنکه سؤال نمایم ، توقیعی از جانب حضرت حجت ((عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ)) بمن رسید به این مضمون :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ
عَلَى مَنْ اسْتَحَلَّ مِنْ أَمْوَالِنَا دِرْهَمًا .

یعنی لعنت خدا و ملائکه و تمام مردمان بر کسی از اموال ما یک درهم حلال بدانند . اسدی راوی توقیع می‌گوید :

بخاطرم چنین خطور کرد که : این حکم در حق کسی است که یکدرهم از مال ناحیه را حلال بدانند ، نه در حق کسی است که از آن بخورد ولیکن حلال ندانند ، و در نفس خود گفتم که : این حکم در حق آن کسی که مطلق حرام را حلال بدانند جاری است ، خواه مال امام باشد و خواه غیر آن . اختصاص ندارد به کسی که مال امام (علیه السلام) را حلال می‌داند . پس بنابراین مَرْحُجَّتِ را بر دیگران چه فضیلت و زیادتیی می‌باشد ؟ پس سوگند یاد می‌کنم به آن خدائی که محمد را (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) براستی برای بشارت به سوی خلائق

فرستاد ، هرآینه دوباره به آن توقیع نگاه کردم ، دیدم که توقیع تغییر کرده و به همان نهج شده که در دل من بود :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، لَعْنَةُ اللّٰهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ
اَجْمَعِیْنَ عَلٰی مَنْ اَكَلَ مِنْ اَمْوَالِنَا دِرْهَمًا حَرَامًا .

یعنی لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی باد که از مال ما یک درهم به وحه حرام بخورد .

ابوجعفر محمد بن محمد خزاعی گفته که :

ابوعلی بن الحسین اسدی این توقیع را آورد به ما نشان داد
به آن نگاه کردیم و آنرا خواندیم .

این حدیث را برای اطمینان قلب شما ذکر کردم ، و الّامی دانم که می دانی امام تو (ارواحنا فداه) کمتر از موسی و عیسی (عَلَیْهِمُ السَّلَام) نیست که خبر می دادند آنچه مردم در خانه های خود می کردند و ذخیره ها می نمودند . و می دانم که می دانی عرض اعمال تو در روز دو شنبه و پنجشنبه هر هفته به سید انبیاء و ائمه هدی (عَلَیْهِمُ السَّلَام) می شود و آنچه در عرض هفته کرده ای ، تمام رابه آنها (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ) عرضه می دارند . و در این مطلب هم امیدوارم شکی وریبی بدل راه ندهی و این مرتبه و مقام و درجه را برای پیغمبر خود و امامان خود (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ) بالنسبه به سایر مراتب شئون ایشان (عَلَیْهِمُ السَّلَام) خیلی اندک شماری ، که ظرفیت ما و شما از اینها بالاتر نیست . آنچه گفته اند بقدر حوصله و ظرفیت و گنجایش عقل بنده و شما بوده ، و الا شئون و درجات و مراتب عظمت و جلال محمد و آل محمد (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ) مانند بحراست و ظرفیت ما و شما مانند سبو ، بدیهی است که گنجایش بحر در سبو ممکن نیست . خلاصه ، کاری کن که چون امام زمان تو (ارواحنا فداه) از تو غافل نیست ، تو هم از او غافل نباشی و مسلم بدان که :

مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ اِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ . . .

و یقین بدان که رقیب و عتیدهم از جملهٔ خادمان و ملازمان و چاکران امام تو است (عَلِيهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى) و این نیستِ إِلَّا از کمال تَفَضُّلٍ وَ تَفَقُّدِي که خداوند تبارک (جَلَّ شَأْنُهُ وَبَهَّرَ بُرْهَانَهُ) به موالیان تو (عَلِيهِمُ السَّلَام) دارد. چون چنین عقیده‌ای را خالصاً مخلصاً از روی کمال اخلاص و خلوص عقیدت دارا شدی، در این هنگام باید کمال تشکرو تفاخر را نمائی که خداوند (جَلَّ شَأْنُهُ) نعمت عظمائی بتو کرامت فرموده، و باید همیشه دعا کنی که خداوند تو (جَلَّ وَ عَلَا) سلب این نعمت عظمی را از تو نفرماید. در این صورت گمان ندارم که آنی و دقیقه‌ای برای تو تغافل دست دهد که متذکر امام خود (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) نباشی. هر گاه بدین مرتبت عظمی و موهبت کبری فایز و نایل شدی، تمام امورات دنیا و آخرت تو بوفق مرام تو خواهد شد و برای تو بعضی مقامات و حالات دست خواهد داد که قدر خود را خواهی دانست و آثار و نتایج آن در ظاهر و باطن تو بروز و ظهور خواهد نمود. شاید اندک اندک برای تو مقامی حاصل شود که ما فوق تمنا و آرزوی تو بوده و ابداً منتظر آن مقام و مرتبت نبوده و خود را لایق آن مقام نمی‌دانستی، و از این فقره تَحَاشِي و استغراب منما که :

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ
وَلَا يَعْلَمُونَ وَلَا يَفْقَهُونَ.

ایقاظ

بدانکه مردمانی که در غیبت کبری امام عصر (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَهُ) واقع شده‌اند، در مراتب معرفت امام عصر و ناموس دهر (أَرْوَاهُ أَفْدَاهُ) و شعونات خود چندین طایفه و چندین صنفند. طایفه‌ای از خواصند و طایفه‌ای از عوام، و این دو طایفه منشعب و متنوع به چندین شعبه و نوعند. صنفی اشخاص دائم الحضورند و صنفی محرم اسرار آن حضرتند و صنفی خُدَّام آن حضرتند و صنفی اهل و عیال آن حضرتند و صنفی اولاد و نوادگان آن حضرتند. و صنفی کارکنان و کارگزاران آن حضرتند و صنفی شاگردان و اصحاب آن حضرتند

و صنفی روایات احادیث آن حضرت و آباء معصومین آن حضرتند و صنفی حکام و نواب، یعنی مجتهدین و قضات و فقهاء از طرف آن حضرتند که حجت بر خلا یقند و صنفی رعایای آن حضرتند که بعضی آن حضرت رامی بینند و بعضی ندیده و نمی شناسند الا اسمی از آن حضرت و صنفی با آن حضرت بوسایط و وسایل باطنی راه دارند که باطناً از آن حضرت به آنها فیوضات می رسد و می دانند و ملتفت هستند و صنفی دیگر با آن حضرت بوسایط و وسائل ظاهری راه دارند که ظاهراً و باطناً به آنها فیوضات مخصوصه می رسد، بعضی از آنها مأذون به اظهارند نزد اهلس و بعضی از آنها ممنوع از اظهار و مأمور بکتمان، و بعضی هستند ساکت و بعضی هستند ناطق و بعضی هستند که قائل و مصدق آن حضرتند در غیبت کبری لساناً و بعضی قائل و مصدق آن حضرتند لساناً و قلباً و بعضی قائل و مصدق آن حضرتند لساناً و قلباً و ارکاناً. و این طوایف و انواع مذکوره را هر یک تکالیفی است مخصوصه و قوانینی است و وظایفی منصوصه که هیچیک از تکالیف خود نباید تجاوز و تخطی نمایند. چنانکه هر یک از این طوایف و اصناف از تکالیف و وظایف خود سر موئی تخلف نمایند، مُقَصِّر و مُفَرَط و مُؤَاخَذ خواهند بود، مگر آنکه احدی از آنها از درجه ادنی به درجه اعلی ترقی و ترقی نماید یا بعکس - نَعُوذُ بِاللَّهِ - و از برای آن هم شواهدی است ظاهره و باطنه که در طی این عِجَالِه - بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى - مکشوف خواهد شد و چون این خادم العلماء و مَوْلَى الْفُقَهَاءِ دَبِيرِ الدِّينِ صدر الاسلام عَلِيّ اَكْبَرِ الْهَمْدَانِي اصلاً وَالنَّجْفِيّ مَسْكناً و مدفناً (وَقَعَهُ اللَّهُ لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِهِ وَايَّدَهُ بِتَأْيِيدَاتِهِ) در این عصر و زمان مشاهده نمود که امر دین هرج و مرج و غالب انام را از وجود اقدس امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) غفلت تمام است و عموم مردم از تکالیف مقررّه خود تغافل و تجاهل دارند، فریضه ذمّت خود دانستم که مجملی از تکالیف انام در غیبت وجود مقدس امام (عَلَيْهِ وَعَلَيْهِ) آيَاتِهِ الْمَعْصُومِينَ اَلْاَفُ التَّحِيْقِ وَالسَّلَام) بنگارم و حتی المقدور بعضی از تکالیف مردم را بالنسبه به امام عصر (ارواح العالمين فداه) در این غیبت کبری و و بَلِيَّتِ عَظْمِيّ بِشمارم، شاید بعضی از خواص از خواب غفلت تجاهل و تکاهل بیدار و بعضی از عوام از سُكْرِ تَغَاْفَلِ و تَسَاهَلِ خود هشیار شوند و بدانند که

آنها را در این عصر و زمانِ ظهورِ مولانا و امامنا صاحبِ العَصْرِ الزمان تکلیفِ بامامِ زمانِ خود (اَرَوَاحُنَا فِدَاه) چیست و چگونه باید رفتار کردار و زیست .

تکالیفِ خواص

اما تکالیفِ طایفهٔ خواص که از جمله خِصِّصِین و مَحْرَمِ اسرار آن حضرتند (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ آبَائِهِ الْمَعْصُومِینَ) آنها را از قرار اخبار و احادیث و آثار و شواهد عقلیه و نقلیه چندین اشخاص شمرده‌اند . یکی حضرت خضر (عَلَيْهِ السَّلَام) و دیگری الیاس نبی (عَلَيْهِ السَّلَام) و دیگری حضرت جبرائیل و دیگری حضرت اسرافیل و دیگری حضرت میکائیل و دیگری حضرت عزرائیل (عَلَيْهِمُ السَّلَام) و عمومِ روسای ملائکه ارضین و سماوات و عمومِ روسای مسلمانان و مومنان جنّ، و دیگری ابا صالح که یکی از رؤسای اجنه است که موکل در قِفَار و بُراری است برای هدایت گمراهان ، و دیگر حمزه که موکل در بحار است ، کما فی " المکارم " - مجلسی (قُدَسَ سِرُّهُ) در " کتاب آداب و سنن بحار " از " محاسن " برقی نقل می‌نماید در خصوص ابا صالح یا صالح که ابی‌الحسین کنیهٔ او است و این همان جنّیه است که گفت : " من از جنیان سوره جن هستم ، کسی از آنها باقی نمانده مگر من که گمراهان را به منزل می‌رسانم . " و استاد اعظم (مُدَّظِّلُهُ الْعَالِی) ابا صالح را در " نجم ثاقب " از اسماء آن حضرت (اَرَوَاحُنَا فِدَاه) ذکر کرده‌اند - و دیگر عبدالرحمن و عبدالقادر جنّی و ظل‌خوش پادشاه مسلمانان از جنّ - که به لغت ایشان به معنی " سلیم النفس " است و قوم او آدمیان را که در مذهب آنها باشند بغایت دوست دارند - و دیگر فقطس پادشاه جنیان هندوسند و خلیفه و قهرمان او فیقطوس - و او به ملازمت شیث (عَلَيْهِ السَّلَام) رسیده و از او عهد ها گرفته - و دیگر ائمهٔ مسلمانان جنّ مانند ابوفروه و مستور و ریاح و قیس و ابومالک ، و از ایشان فروتر مجتهدند چون ابوالعباس و عبدالشهاب و غیر ذلک که هر یک از اینها مامور کاری بزرگ هستند و مأمور به امر آن حضرتند (اَرَوَاحُنَا فِدَاه) و دیگری ارواحِ نَوَّابِ اربعه آن حضرت

که در غیبت صغری نواب خاصه آن حضرت در میان شیعیان بودند و دیگر ارواح سایر سفرائی که در زمان غیبت صغری در سایر بلاد و اماکن متفرقه بطور آشکارا و پنهان واسطه و وسیله قضا حوائج و اخذ وجوهات و عرایض و غیرها بودند و دیگر کسانی که در غیبت کبری نادراً مفتخر به این موهبت عظمی شده‌اند و می شوند - مثل شیخ سدید مفید (قُدّس سرّه) که توقعات عدیده به جهت ایشان در غیبت کبری شرف صدور یافت و دیگری نوری که همیشه با آن حضرت هستند و آنها را کسی نمی‌شناسد و دیگر برادر و اولاد و نوادگان آن حضرتند که فعلاً در بلاد معموره مشهوره مغموره، حکومت و نیابت از طرف ذی شرف آن حضرت دارند نسلاً بعد نسل، بعضی اسامی آنها مانند موسی - چنانکه در حدیث طویل این مهزبیار است فَرَجِحُ - برادر آن حضرت و اولاد و نواده مانند قاسم و طاهر و ابراهیم و عبدالرحمن و هاشم و شمس‌الدین محمد عالم و غیرهم، این قبیل اشخاص را تکالیفی است معینه مخصوصه که استکشاف و استعلام از آن تکالیف و وظایف برای طوائفی که مادون و پست تر از رتبه آنها هستند شمری ندارد. و لزومی ندارد که از تکالیف آنها کسی استحضار حاصل کند که به آنها عمل نماید، زیرا که مکلف به تکالیفات آنها نیستند، مگر در حوزه و رتبه و درجات آنها داخل شوند که تکالیف آنها تغییر و تبدیل خواهد نمود.

تکالیف عوام

اما طایفه عوام که منشعب به چندین صنفند: صنفی هستند که دائم الحضورند، واضح است تکالیف آنها از قبیل تکالیفی است که غائبین را تکالیفی در دانستن و عمل کردن به تکالیف آنها نیست، همچنین خدام آن حضرت و همچنین اهل و عیال و اولاد آن حضرت که از اولاد ابی‌لهب یا دیگری است و همچنین صنفی که کارکنان و کارگزاران آن حضرتند - که در هر روز و هر شب مترصد و مترقب اوامر و نواهی آن حضرتند - بالنسبه بخودشان یابیه سایر مردم هریک تکالیفی مخصوصه دارند که مادون آنها مأمور به آنها نیست - و شاید

آنها را ابدال و اوتاد و رجال العیب و نقبا و نجبا گویند و به این اسم در السنه وافواه مشهور شده باشند، و در لسان شرع اسامی آنها مختلف ذکر شده مثل ابدال و اوتاد و سُبَّاح و عُبَّاد و مخلصین و زهاد و اهل جدّ و اجتهاد و غیر ذلك - مراتب این اشخاص بالنسبه به یکدیگر مختلف و مؤتلف و در تعریف و تعداد بعض از آن اشخاص علمای اعلام بیاناتی فرموده اند که تا بحال معلوم نشده سندی داشته باشد.

تکالیف روات احادیث و حکام و قضاة و فقهاء

اما اصناف روات احادیث و حکام و قضاة و فقهاء، این اصناف هم در مراتب و تکالیف شخصی، مختلفند بالنسبه به یکدیگر. بعضی از آنها مقاماتی دارند که آن حضرت را می بینند و می شناسند و اخذ مسائل بلا واسطه از آن وجود مقدس می نمایند و هر وقت بخواهند - در خواب یا بیداری - بحضور مهر ظهور آن حضرت مشرف می شوند. برای بعضی از آنها که ظاهرند و مشهور دعوی مشاهده نزد بعضی دون بعض حرام است، و برای بعضی از آنها که مستورند و مغمور و خامل الذکر، کما فی التوقیع الرفیع :

وَهُمْ مَعَشَرٌ يَطَّلِعُونَ بِمَحَايِلِ الذَّلَّةِ وَالْإِسْتِكَانَةِ وَهُمْ عِنْدَ
اللَّهِ بَرَّةٌ أَعْزَاءٌ يَبْرَزُونَ بِأَنْفُسٍ مُخْتَلَّةٍ مُحْتَاجَةٍ وَهُمْ أَهْلُ
الْقِنَاعَةِ وَالْإِعْتِصَامِ ...

- این کلمات مقدسه را مُشَافِهَةً به ابراهیم بن مهزیار فرموده اند (أرواحنا فداه) عبارت توقیع نوشته شد - شاید نزد بعضی دون بعض دعوی مشاهده حلال باشد، و بعضی هستند که بوسایط و وسایل این صنف مذکور با آن حضرت راه دارند، و بعضی هستند که بدون واسطه و وسیله این صنف مذکور باطناً با آن حضرت راه دارند، و بعضی هستند که که ابدانه شخصاً و نه ظاهراً و نه باطناً راهی به آن حضرت ندارند، الا تَوَلَّوْا و محبّت و مودّت آن حضرت (أرواح العالمین له الفداء) و به همین قدر اکتفا کرده اند و به همین درجه مانده اند، و بعضی هستند که ابداداری

این درجات نیستد، اسمی از آن حضرت شنیده و اقرار به امامت و ولایت آن حضرت دارند- پست تر از رتبه اشخاص مذکوره- و این اشخاص هم در درجات و مراتب مختلفند، مثل اشخاصی که در زمان حضرت امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام وَ الصَّلَاة) بودند. بعضی آن حضرت را شجاع و بَطْل و دلیر می دانستند و بعضی او را جواد و سخیّ بی نظیر می دانستند، و بعضی او را اعلم و اورع و ازهد صحابه می پنداشتند، و بعضی او را ولیّ کاینات و خلاصه موجودات می دانستند، و بعضی او را خالق آسمان و زمین و پروردگار عالمین می انگاشتند: هَلَمْ جَرَأِ اشخاصی که در این زمان غیبت کُبریّ واقع شده اند، در مراتب امام شناسی درجات مختلفه دارند که معرفت آحاد و افراد آنها به مراتب مختلف و متشتت می باشد. واز برای عموم این طایفه و اصناف مزبوره که در مقابل خواص قرار داده ایم، تکالیفی است واجبه و مندوبه که باید از قرار آن تکالیف معیّنه مقررّه معمول و رفتار نمایند و در تپه تغافل و تجاهل سرگردان نباشند، تا آنکه شاید از برکت توجهات قدسیه آن حضرت (أرواحنا فداه) منظور نظر الطاف و اعطاف آقا و مولای خود (صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ) شوند. لذا این حقیر تکالیف هریک از این اصناف مزبوره را که فعلاً در زمان غیبت کبرای آن حضرت (عَجَلُ اللّٰهِ فَرَجُهُ وَ سَهْلُ مَخْرَجُهُ) واقع شده اند، بطور استقصا بیان می نماید، شاید این مذاکرات، اسباب تذکر و تنبّه بعضی گردیده اسباب ترقیّات و نجات ابدی دارین برای آنها شود.

تکلیف ۱

از جمله تکالیف واجبه، توکه در غیبت کبرای امام عصر و ناموس دهر (اَرواحُ الْعَالَمِينَ فِدَاهُ) واقع شده‌ای آن است که بدانی خدایتعالی به مفاد اِنْسِيْ جَاعِلٌ فِي الْاَرْضِ خَلِيْفَةً از زمان خلقت آدم اِلَى قِيَامِ الْقِيَامَةِ یا چهل روز به قیامت مانده - خلیفه و جانشینی و نایبی از جانب خود برای مردم در روی زمین نصب فرموده و هیچوقت زمین خالی نبوده از حجتی - یا ظاهر و مشهور یا خائف و مغمور - تا آنکه مردمان در هر عصر و زمان ایراد و حجت بر خدا نگیرند که ماجاهل بودیم و نادان و تو را حجتی و برهانی نبود که از او کسب تکالیف و رفع نادانی خود را نمائیم ، بلکه حَجَّتْ بِالْفَهْمِ الْهَيْهَ (عَزَّ سُبْحَانَهُ وَبَهْرُ بَرْهَانِهِ) بر مردم تمام باشد که : " در هر عصر و زمان ، حجتی از جانب خود روشن و برهانی میرهن برای شما فرستادم و شما را مأمور نمودم که در معرفت و شناسائی کسب معالم و تکالیف دینیّه و دنیویّه و اخرویّه و ظاهریّه و باطنیه و صورتیّه و معنویّه از او بنمائید و تغافل و تساهل نورزید . " اگر بعضی مردم مانند یَوْمِنَا هَذَا وَعَصْرِنَاهَذَا ، بخواهند بگویند ما را حجتی ظاهر و ناطق و مشهود و ملموس نیست ، سخنی است باطل و از درجه اعتبار و اعتماد عاطل است زیرا که پیغمبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) در وقت رحلت خود دستور العملی دادند که بعد از او اُمَّتٌ مَرْحُومَةٌ رفتار نمایند . بهمچنین حضرت امیرالمؤمنین (صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ) و سایر اوصیای مطهرین او که هر یک در زمان خود حُجَجٌ قَاهِرَةٌ ، باهره الهیه بودند ، و اِحْدًا بَعْدَ وَاحِدٍ دستور العمل امتی که در

زمان آنها بودند دادند. تا آنکه نوبت رحلت به حضرت امام همام حُجَّة الْحَقِّ عَلِيَّ الْخَلْقِ امام حسن عسکری (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) رسید و آن حضرت نیز هنگام رحلت در خصوص حجت بعد از خود دستور العمل مرحمت فرمودند و حجت خدا را بر خلق بعد از خود که محمد بن الحسن العسکری ولد سعادت مند آن حضرت باشد و در سن چهار سالگی دارای مرتبه امامت و ولایت بود - مانند عیسی و یحیی (عَلَيْهِمَا السَّلَام) - به مردم نشان دادند. چنانکه بسند صحیح از شیخ ثقه محمد بن عثمان عَمْرِي (قُدَّسَ سِرُّهُ) روایت است که او گفت :

حسن بن علی (عَلَيْهِمَا السَّلَام) روزی از روزها پسر خود محمد مهدی (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) را بر ما عرض کرد و به ما نمود آن وجود مقدس را و ما چهل نفر بودیم که در منزل آن حضرت فرود آمده بودیم و حضرت امام حسن عسکری (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند که : این فرزند من پس از من امام و پیشوای شما است و خلیفه است از جانب من بر شما، فرمان پذیر شوید او را و پس از من پراکنده و متفرق نشوید و بطرق دیگر مروید که هلاک خواهید شد، و بعد از امروز شماها دیگر محمد مهدی را نخواهید دید .
محمد بن عثمان گفت :

چندی نگذشت که حضرت عسکری (عَلَيْهِ السَّلَام) از دار دنیا رحلت فرمود .

و بعد از رحلت آن حضرت ، اِمَامُ الْاِنْسِ و الْجَانِّ صَاحِبُ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ) امام و خلیفه و جانشین الهی شد و از جهت خوف سلاطین جور که می خواستند آن حضرت را بقتل برسانند ، خود را از مردم پنهان می داشت . ولی بعضی موالیان و دوستان و شیعیان آن حضرت بطور پنهان حضور آن حضرت مشرف می شدند و بعضی دسترس نداشتند ، اما بتوسط کسانی که حضور حضرتش درک تشرف حاصل می نمودند ، عرایض و مطالب و حوائج خود را عرضه می داشتند و بجواب نایل می شدند . تا آنکه از آن حضرت دستور العملی رسید که :

چون خوف زیاد شده و امر بسیار مشکل گردیده ، از جانب خود نایب مخصوصی برای شما قراردادم که عموم شماها عرایض و حوائج خود را به توسط او به من برسانید و او شیخ ثقه معتمد عثمان بن سعید عمروی است که در زمان حضرت امام علی النقی و حضرت امام حسن عسکری (عَلَیْهِمَا الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) هم ، منصب وکالت داشت .

و شیخ ثقه مزبور (قُدَّسَ سِرُّهُ) تا مدت سال به منصب نیابت و وکالت خاصه از طرف حضرت حجت (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَهُ) برقرار بود تا در سنه روح پر فتوحش بعالم قدس پرواز نمود ، و بعد از او باز به امر حضرت حجت (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) و لَدَّ ارشاد عثمان بن سعید ، ثقه جلیل القدر محمد بن عثمان بعد از فوت پدر به منصب نیابت و وکالت او زامعین و مقرر فرمودند و او ظاهراً مرجع شیعیان بود تا مدت پنجاه سال و کسری که نوبت او هم بسر آمد ، به روایت "عوامل" در آخر حمادی الاولی سنه سیصد و پنج و بروایت غیر او در سنه سیصد و چهار به عالم باقی شتافت .

پس از رحلت محمد بن عثمان (قُدَّسَ سِرُّهُ) که نایب دوم بود ، باز به امر امام عصر (اَرَوَّاحُنَا فِدَاهُ) شیخ جلیل نبیل شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (قُدَّسَ سِرُّهُ) به منصب نیابت و وکالت در میان شیعیان معین و منصوب گردید ، تا او هم پس از زیاده از بیست و یکسال متصدی بودن به امر سفارت در ماه شعبان سنه سیصد و بیست و شش هجری رحلت کرد و او نایب سیم بود . پس از آن به امر حضرت ، منصب نیابت و وکالت تفویض به ابی الحسن محمد بن علی سمری (قُدَّسَ سِرُّهُ) شد و نایب خاص آن حضرت بود . وقتی که خواست از دار فانی به سرای جاودانی رحلت نماید ، شش روز قبل از فوت او این توفیق رفیع از طرف ذی شرف امام زمان (اَرَوَّاحُنَا فِدَاهُ) شرف صدور یافت ، و دستور العمل در توفیق مبارک به این مضمون مرحمت و عنایت فرمودند ، گمافی " الاحتجاج " ؛

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، یَا عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمُرِیُّ ، اَعْظَمَ
 اللّٰهُ اَجْرَ اِخْوَانِكَ فِیْكَ ، فَانْكَ مَیِّتٌ مَا بَیْنَكَ وَبَیْنَ سِتَّةِ
 اَیَّامٍ ، فَاجْمَعْ اَمْرَكَ وَلا تَوْصِ اِلَى اَحَدٍ یَقُومُ مَقَامُكَ بَعْدَ
 وَفَاتِكَ ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَیْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظَهْرَ لِاِبْعَدَ اِذِنِ
 اللّٰهِ تَعَالٰی ذِكْرُهُ ، وَذَلِکَ بَعْدَ طَوْلِ الْاَمْدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ
 وَامْتِلَاءِ الْاَرْضِ جُورًا ، وَسِیَّئَاتِ شِیْعَتِیْ مَنْ یَدْعِی الْمُشَاهَدَةَ
 الْاَلْفَمِیْنَ اَدْعِی الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفِیَانِیِّ وَالصَّیْحَقِ ،
 فَهُوَ کَاذِبٌ مُفْتَرٍ ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ .

و علی بن محمد سمری هم بعد از شش روز، در ماه شعبان سنه سیصد و بیست و نه بروایت ابن طاوس (قدس سره) و در نصف شعبان سیصد و بیست و نه بروایت صاحب "عوامل" و در سیصد و بیست و هشت بروایت "مدینه المعاجز" بعالم قدس رحلت نمود. و بنا بروایت محمد بن یعقوب، محمد بن علی سمری عریضه به حضرت نوشت و خواهش کفن نمود که معلوم شود وفات او در چه وقت می شود، جواب بیرون آمد که تو در سال هشتاد و یک به آن محتاج شوی. و کفن پیش از مردن او به یکماه رسید و در همان وقت که فرموده بود وفات کرد و بعالم قدس رحلت فرمود و این غیبت صغری هفتاد و چهار سال تقریباً طول کشید و در طول این مدت دستورالعملهای کافی و شافی متدرجاً برای اشخاصی که بعد از این در غیبت کبری خواهند آمد - تا ظهور موفور السرور خود - مرحمت فرموده اند و تکالیفی مخصوصه قرار داده اند - علاوه بر تکالیفی که از آباء کرامش (علیهم السلام) از برای مردم در غیبت کبری آن حضرت (عجل الله فرجه) رسیده - که باید موافق آن دستورالعملها و تکالیف معینه معمول و رفتار شود. از جمله دستورالعملها که از آباء کرامش (صلی الله علیهم اجمعین) رسیده، کافی "الاحتجاج" روی عن علی بن محمد انه قال :

لَوْ لَمْ يَبْقَ بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِيْنَ

إِلَيْهِ وَالِدَاتِيْنَ عَلَيْهِ وَالذَّاتِيْنَ عَنْ دِينِهِ بِحُجِّهِ اللهُ وَالْمُنْقِذِيْنَ
لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ وَمِنْ فِخْخِ
النَّوَاصِبِ لِمَا بَقِيَ أَحَدًا إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللهِ وَلِكِنِّيهِمْ
الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ أَزْمَةً قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِّكُ
صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا ، أَوْلَيْكَ هُمُ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللهِ عَزَّ
وَجَلَّ .

از جمله دستور العملهایی که خود آن حضرت (عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ) مرحمت فرموده‌اند برای مردم و تکلیف خلق را معین فرموده‌اند که در زمان غیبت کبری در امر دین و آئین و اصول و فروع خود چه قسم رفتار کنند ، توقیعی است که در زمان محمد بن عثمان (رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا) بیرون آمد در جواب مسائل اسحق بن یعقوب (رَحِمَهُ اللهُ) چنانچه در " احتجاج " و اکثر کتب معتبره است :

أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ
حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللهِ . . .

پس امام (عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ) امر و مقرر فرموده‌اند که در حوادث وارده واقع رجوع نمائیم بر اوایان احادیث آنها (سَلَامُ اللهِ عَلَيْهِمْ) و این راویان و دانشمندان احادیث را حجت خود بر ما قرار داده ، هر که رجوع کرد در امر دین خود به آنها ناجی و هر که از آنها اعراض کرد ، از حجت خدا اعراض کرده و هالک خواهد بود .

تکلیف ۲

پس از جمله تکلیف انام بعد از معرفت و شناسائی شخص مقدس امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) معرفت و شناسائی و پیروی و فرمان برداری راویان و دانشمندان احادیث و اخبار اهل بیت معصومین (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ) می باشد و این نوع از روایات احادیث و حدیث فهمان، به حسب درجات متفاوت و متغایرند. ایمان آوردن و اقرار نمودن به نوع آنها لازم، و تقلید و پیروی کردن یکنفر از مجتهدین آنها بر مقلد واجب است. الحال، اگر بخواهم رشته سخن را بکشم که آن شخص راوی حدیث و صاحب فهم و متفقه اخبار، چگونه صفاتی علماً و عملاً باید داشته باشد، اصل غرض حقیر از این نسخه از میان خواهد رفت و محتاج به چندین هزار بیت کتابت خواهم شد. همین قدر اجمالاً عرض می کنم، گول و فریب هر ریش و عمامه را نباید خورد. آن شخص باید عالم باشد، عامل باشد، عامل باشد، عادل باشد، صاحب اخلاص باشد. اگر چه مخلصین هم در خطر عظیمند. و موافق سیره^۱ محمد و آل محمد (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِم اَجْمَعِينَ) رفتار نماید، نه موافق سیره^۲ ملوک و ایناء ملوک و اهل دنیا - چنانکه می بینی و در آخر این نسخه انشاء اللّٰه اندک بسطی داده خواهد شد. و این نوع اشخاص مانند پاره ای از الماس هستند که در میان مشتی شیشه و بلور ریخته شود، تو که اهل خُبره نیستی نمی توانی آن پاره الماس را جدا کنی، مگر آنکه ببری نزد اهل خُبره و خُبره که بمجرد نگاه کردن - و خُبره بودن او در آن شرایط و موازین و صفات مقررّه^۳ معهوده - پاره الماس را از آن

شیشه و بلورها جدا می کند و به تو می دهد، بلکه قیمت و قیراط او را هم خواهد گفت . پس ای برادر من اگر از اهل خُبره نیستی :

فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ .

تکلیف ۳

بدانکه یکی از تکالیف مقررّه، مشکله، تودر غیبت امام عصر (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) که مشکل ترین تکالیف است، حالت مراقبه است باخدای خود (حَلَّ جَلَالَهُ) و کیفیت آن در ریاضات شرعیّه، مدوّن و مضبوط و حقیر در کتاب "خرایات" بسط عظیمی داده ام و نظیر آن مراقبه با امام عصر (أرواحنا فداه) است و این حالت مراقبه را معنی آن است که در تمام حرکات و سکنات و افعال و اعمال و اقوال خود مراقب امام خود (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) باشی و بطور یقین بدانی که امام تو (عَلَيْهِ السَّلَام) همه جا با تو همراه است، آنی و دقیقه ای از توجدهائی و انفکاک و غفلت ندارد، چنانکه سابقاً اشاره شد تصور کن که مرشدی یا پیری صاحب ریاضت داری که از کثرت ریاضات شاقّه از اکثر امورات خیالیّه و باطنیه، تو مستحضر و مطلع است و با آن مرشد چندی جلیس و انیس شده ای، تو را بخدا ملاحظه کن تا چه اندازه و درجه ظاهر او باطناً از آن مرشد ملاحظات داری و ادب او را نگاه می داری و مواظب و مراقب خود هستی که ظاهر او باطناً، غیباً و شهوداً خلاف ادبی یا خلاف مرسومی از حیث نشست و برخاست و رفتار و کردار و اکل و شرب و نماز و طاعت و حضور قلب از تو ظاهر نشود و خود را وامی داری اجنبیاً و اضطراراً به اعمال و کردار و رفتار حسنه و مجابیت از اعمال سیئه طوعاً او کرهاً که مبادا خلاف میل او به حسب ظاهر یا باطن ارتو ناشی شود و آن مرشد تو را ملامت و شتاعت نماید، یا از مصاحبت و محالست تو کناره جوئی کند، یا از مرتبه تو نزد او چیزی کاسته شود. خدا شاهد است که

اکثر مردم امام زمان خود را (أرواحُ العالمینِ فداه) از آدنی مُرشدی در این عصر، بی تصرف ترمی دانند و گمان می‌کنند که امام زمان آنها (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) چون از انظار کثیفه، این خلق منکوس در قید غیبت و اختفا محجوب و محبوس است، از ظاهر و باطن مخلوق بی خبر و بی اطلاع است و حال آنکه حاضر در امصار است و ناظر در افکار و غایب از ابصار. در توقیع رفیع شیخ سدید مفید (رِضَاؤُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ) فرموده:

فَإِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ.

و در موضعی دیگر:

وَإِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْ
ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْبَلَاءُ وَاصْطَلَمَتْكُمْ الْأَعْدَاءُ ...

و در دعای سیزدهم ماه رمضان است که معصوم خطاب به آن حضرت فرماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنَّا وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ
لِسَانِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالْمُعَظَّمِ لِحُرْمَتِكَ وَالْمُعَبَّرِ عَنْكَ
وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةَ وَأُذُنِكَ السَّامِعَةَ وَشَاهِدِ
عِبَادِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ...

و گمان می‌کنند که امام آنها (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) نمی‌داند که این مردم به چه کار مشغولند و روز و شب خود را بچه قسم از لهو و لعب می‌گذرانند، و از این جهت چه بی اعتنائی‌ها به امام زمان خود (أرواحنا فداه) می‌کنند و چه مخالفتها با او دارند، بلکه به انواع و اقسام اذیتها آن حضرت را می‌رنجانند و اسباب اعراض و اشمئزاز آن حضرت را (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ) فراهم می‌آورند. در هر ساعتی و در هر دقیقه‌ای و در هر آنی از کثرت حرکات لغو و لهو و کارهای ناشایسته امام خود را مهموم و معوم می‌نمایند و هر لحظه همی بر هم آن حضرت و غمی برغم آن جناب (أرواحنا فداه) می‌افزایند.

با وجود این خود را از مطیعان و شیعیان و دوستان آن حضرت می‌داند و لاف و گزاف تولا و شیعه بودن و جان نثاری در رکاب آن حضرت می‌زنند و ابداً از خدا و رسول و ائمه و امام‌زمان خود (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ) شرم نمی‌نمایند و چنین می‌پندارند که امام آنها از آنها غفلت دارد و از حرکات ناشایست آنها خرسند است . خلاصه ، چنانچه این حالت مراقبه را اتصالاً ملحوظ و منظور داشته باشی ، البته به مقاماتی می‌رسی که " لَمْ یَخْطُرْ عَلٰی قَلْبِ بَشَرٍ " اندک‌اندک تمام حرکات تو موافق رضای آن حضرت خواهد شد و رضای آن حضرت رضای خداست (جَلَّ جَلَالُهُ) همین قدر باید قطع نمائی که هیچ ولی‌ای از اولیاء و هیچ صدیقی از صدیقین و هیچ مخلصی از مخلصین بدرجهء وَكُوَيْتٍ و صَدِّیقِیَّتٍ و غیرها نرسیده‌اند الا از حالت مراقبه ، پس بهتر آن است که تکلیف خود را در حرکات و سکنات ظاهره و باطنه خود بفهمی و بدانی و عقیدهء توبطوریقین این باشد که تمام اعمال و افعال و اقوال تو نزد امام تو (اَرْوَاحُنَا فِدَاهُ) مشهود است و آنی و دقیقه‌ای از تو غفلت ندارد . بعلاوه عرض اعمال تو در هر روز و هر شب - در تمام ایام هفته - در دوشنبه و پنجشنبه به امام زمان تو و سایر ائمه هدی و پیغمبر خدا و اکثر ملائکه (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ) می‌شود و تمام آنها مطلع و مستحضر از اعمال تو هستند و خواهند بود ، چنانکه شرح آن بعد از این خواهد آمد .

تکلیف ۴

بعد از اینکه مواظب حالت مراقبه شدی ، کم کم برای تو مقام انس و استغراق و محبت صمیمی حقیقی با امام و آقا و مولایت (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) حاصل خواهد شد و باید محبت تواز روی صمیم قلب باشد و عشق تو عشق حقیقی باشد نه مجازی ، و به قسمی فانی در محبت و ولای آن محبوب حقیقی (أَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ قَدَاهُ) بشوی مثل حدیدهٔ مُحَمَّاة و خدای نخواسته محبت تو محبت دروغی و عاریه و مجازی و سرسری نباشد و مبدا مثل آن اشخاصی باشی که سید بن طاوس (قُدِّسَ سِرُّهُ) در "كَشْفُ الْمَحْجَه" می گوید بفرزند خود که ترجمهٔ عبارت او مُلَخَّصًا این است :

وصیت میکنم تو را ای فرزند محمد و برادرت را و هر که واقف شود بر این کتاب من ، بر صدق و راستی در معاملهٔ خدا و رسول (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و به حفظ وصیت آن دو بزرگوار دربارهٔ مهدی (عَلَيْهِ السَّلَام) چرا که من یافتم قول و فعل بسیاری از مردم را در باره آن حضرت (عَلَيْهِ السَّلَام) مخالف عقیدهٔ آنها از چند جهت .

از جمله آنکه یافتم که اگر برود از آنکس که اعتقاد دارد به امامت او غلامی یا اسبی یا درهم و دیناری ، ظاهر و باطن او مشغول می شود بطلب آن مفقود و بذل می کند در تحصیل آن گمشده منتهای کوشش و جِدِّو جهد خود را ، و ندیدم که به جهت در آمدن

این بزرگوار عظیم‌الشان به جهت صلاح‌دین و ایمان و قطع نمودن دنبالهٔ اهل‌کفر و عدوان، خاطر آن شخص پریشان شود بگذر آنچه به جهت محقرات دنیا می‌شود. پس چگونه اعتقاد می‌کند کسی که این‌طور باشد که عارف بحق خدا و رسول (صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ) و معتقد به امامت آن حضرت باشد، آن‌طور که ادعای دوستی و مؤالات و گفتهٔ زبانی در مقالات او باشد.

و از جمله آنکه یافتم کسی که اعتقاد او به وجوب ریاست و ظهور مهدی است و انقاد حکم او را لازم می‌داند، اگر صلّیه‌ای برسد از دشمنی به او - خواه سلطان باشد یا غیر سلطان - چونکه آن صلّیه به او رسید، پیوسته دلش به‌مقای آن سلطان یا غیر او بسته و مشغول می‌شود و از مهدی (عَلَیْهِ السَّلَام) غافل خواهد شد.

و از جمله آنکه من یافتم کسانی که ادعای وجوب سرور به سرور مهدی و تکذّربه تکذّر آن حضرت (عَلَیْهِ السَّلَام) می‌نمایند، می‌گویند که هرچه در دنیا است و آنچه در دست ملوک و سلاطین است از دست مهدی (عَلَیْهِ السَّلَام) گرفته شده است و اعتقادی اوست این فقره، با وجود این نمی‌بینم متأثر شود مثل تأثر او اگر پادشاهی از خود او درهمی یا دیناری یا ملکی یا عفاری بگیرد، پس کجا است وجه قدر بِنونیت دارد این حالت با وفای بدوستی معرفت با خدا و رسول و ائمه (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِينَ) ...

پس چنانچه مقام انس و استغراق برای تو حاصل شد، باید بعضی وسائل و اسباب ظاهره و باطنه موجب انفصال و انفکاک این حالت و مقام نشود - که اندک اندک به تسامح و تعلّل این حالت فراموش شود - بلکه ملکهٔ راسخ‌های برای تو حاصل شود. پس از حصول ملکهٔ راسخه در دوستی و ولای آن حضرت (اَرْوَاحُنَا فِدَاه) خالص و بی غلّ و غشّ شوی به قسمی که دوستی و محبت آن حضرت، فانی و مضمحلّ شوی و این حالت به مجرد قول و زبان نباشد، بلکه قلب خود را

از محبت آن حضرت پر نمائی و از محبت غیر خالی و صاف و خالص نمائی که خدای نخواستہ از آن اشخاص نباشی که امام تو (عَلَيْهِ السَّلَام) می فرماید:
والله اگر شما را امتحان کنیم ، یکنفر از شماها خالص پیدا نمی شود .

بلکه از آنهایی باشی که امام تو (عَلَيْهِ السَّلَام) می فرماید:
اگر شمشیر بر خیشوم آنها بگذارند ، از دوستی ما دست بر نمی دارند .

بعد از آنی که سرمایه مراقبه را بدست آوردی و دارای این نعمت عظمی شدی و چنین مقامی را پیدا کردی که خالصاً مخلصاً ولای آن حضرت را (أرواحنا فداه) در دل جای دادی ، آن وقت این اکسیرِ اَحْمَر و کیمیای اعظم سَرِیَان و جریان می نماید به تمام اعضا و جوارح ظاهره و باطنه تو و تمام را خالص عیار می نماید که دیگر قیراطی غلّ و غش در آن نمی ماند . پس از تحصیل و دارائی این مقام تکلیف تو آن است که در درجه یقین قدم گذاری و تحصیل مقام یقین را نمائی ولو بقدر ذره ای باشد . و محال است که مقام سابق تمام شود الا به انضمام درجه یقین ، چنانچه شکاکان مردودند و کسی که در مقام تَوَلَّاشْکَاک باشد ، مطلوب خداوند (عَزَّ و عَلَا) و خاصان درگاه او نخواهد بود .

تکلیف ۵

از جمله تکلیف تو اگز سواد عربیت نداری و ذوق مطلب فهمی داری، باید مشق محبت و ولای آن حضرت را به وسائل مختلفه بنمائی و بخوانی بعض کلمات علمای عاملین و محبین صادقین را که بعض مکنونات قلبیه را بر صحایف اوراق نگاشته‌اند و برخی عوالم محبت و معانی موذت خود را بصورت کتابت بیادگار گذاشته‌اند، مانند استاد اعظم (آدَامَ اللّٰهُ ظَلَّهَ الْعَالِیَ عَلٰی رُؤْسِ الْاَدَانِی و الْاَعَالِی) که در "نَجْم ثاقب" می‌فرماید:

انسان مدعی وصول بدرجهٔ ایمان به جَنان - نه به مجرد قول

به زبان - صادق نباشد جز آنگاه که محبتش به موالیانش چنان باشد که رسول‌خدا (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ) فرموده - چنانچه شیخ صدوق در "آمالی" و شیخ طوسی در "آمالی" و ابن شیرویه در "فردوس" نقل کرده‌اند - که :

ایمان نیاورده بنده تا اینکه بوده باشم من محبوب تر نزد او از جان او ، و اهل من محبوب تر نزد او از اهل او ، و عترت من محبوب تر نزد او از عترت او ، و ذات من محبوب تر نزد او از ذات او .

پس شخصی به عبدالرحمن که راوی حدیث است گفت: " تو

پیوسته حدیثی می آوری که خداوند دلها را به آن زنده می‌کند. " و شاید این مقام اول درجهٔ ایمان باشد که محبتش با موالیانش چون محبت او باشد با یکی از اخصّ اولاد و اقرب و اکمل ایشان نزد

او، و الا عارف به خصایص ذاتیه و کمالات نفسانیّه و نعم و احسان غیر متناهیّه ایشان راه عباد، کارش به حسب اندازه دانش و معرفتش به آنجا کشد که جز آن سلسله معظّمه (عَلَیْهِمُ السَّلَام) کس را قابل محبت در خلق نبیند و اگر ببیند به جهت انتساب و علاقه اوست - هر چند جزئی باشد - به آن خانواده رحمت و عظمت و اگر انسان واقعاً جرعه‌ای از شربت گوارای محبت به امام خود را چشیده و رشته قلبش حسب فطرت و ریاضت پیوسته به آن حضرت مقدس کشیده، البته چنان مهموم شود با فراقی چنین که خواب را از چشم برد و لذت راز طعام و شراب و در "خِصَال" و "مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیْه" از جناب صادق (عَلَیْهِ السَّلَام) مروی است که فرمودند:

پنج نفرند که نمی‌خوایند ...

تا آنکه شمردند از آنها محبّی را که مترقّب مفارقت حبیب خود است و چنین شخصی البته اگر به مفارقت مبتلا شود، همّش بیش و قلقش بی اندازه و اضطرابش زیاد و خواب و راحت را بالمرّه فراموش نماید، که شخصی به این عظمت و جلالت و بزرگی و رافت و احسان و عطوفت و مهربان‌تر از هزار پدر، حاضر و ناظر و لکن چنان در پرده حجابی از حجابهای الهیه پنهان و پوشیده که نه دستی به دامانش رسد و نه چشمی به جمالش افتاد و نه از مقرّ سلطنتش خبری و نماز محل اقامت و رحلتش اثری. هر دون و خسیسی را ببیند، جز آنکه جز او کسی رانجوید و هر لغو و ناملایم و منکری را بشنود، جز سخنی از آنکه جز او نخواهد کسی سخنی گوید. و در "عیون" از جناب رضا (عَلَیْهِ السَّلَام) مروی است که در ضمن خبری متعلق به آن جناب فرمود:

چه بسیار موءنه و چه بسیار موءنی که متأسف و حیران و محزونند در وقت فقدان ماء معین، یعنی حضرت حجت (عَلَیْهِ السَّلَام) و در فقرات شریفه دعای ندبه معروفه - که در چهار عید و روز

جمعه و شب آن باید خواند - اشاره شده برایین مقام که حاصل مضمون بعضی از آنها این است - بعد از ذکر پاره‌ای از اوصاف و مناقب آن جناب (اَرَوَاحِنَا فِدَاه) که :

" کاش میدانستم که تو در کجا اقامت نمودی و کدام زمین و خاک تو را بر گرفته ، آیا به رَضْوِیْ جای داری یابه ذی طُوْیْ . گران است بر من که خلق را بینم و تو دیده نشوی و نشنوم از تونه آوازی و نه رازی . گران است بر من که احاطه کند بتو بلا نه به من ، و نرسد به تو از من نه ناله‌ای ونه شکایتی . جانم فدای تو غایبی که از ماکناره نداری . جانم فدای تو ، دور شده‌ای که از ما دوری نگرفتی . جانم فدای تو ، که آرزوی هر مشتاق آرزومندی از مرد و زن ، که تو را یاد آورند و ناله کنند . گران است بر من که من بر تو بگیرم و خلق از تو دست کشیده باشند . گران است بر من اینکه جاری شود بر تو آنچه جاری شده نه بر ایشان . آیا معینی هست که طولانی کنم با او گریه و ناله را؟ آیا جزع کننده‌ای هست که من او را بر جزعش یاری کنم ، هر آنگاه که خلوتی باشد؟ آیا به چشمی خاشاکی رفته ، که چشم من او را بر آن حالت مساعدت کند؟ آیا به سوی تو راهی هست ای پسر احمد (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که به حضور جناب مشرف شوند؟ آیا متصلبی شود روز ما از تو به فردای او ، پس محظوظ و بهره بریم؟ کی وارد می شویم بر چشمه سارهای سیراب کننده ، پس سیراب شویم؟ کی سیراب می شویم از آب گوارای تو ، که تشنگی بطول انجامید؟ کی صبح و شام به خدمتت خواهیم رسید؟ کی تو ما را می بینی و ما تو را ، و حال آنکه لَوای ظفر و نصرت بر افراشته شده؟ "

تا آخر دعا که نمونه ای است از درد دل آنکه جامی از چشمهٔ محبت آن جناب نوشیده ، و سزاوار است او را که به امثال این کلمات درد دلی کرده و بر آتش هجرانش کفی از آب شورپاشیده . . .

تکلیف ۶

از جمله تکالیف انام در غیبت امام (علیه الصلوة والسلام) در حق اشخاصی که جرعه‌ای از محبت آن جان جهانیان نوشیده، و ردای بندگی آن مولای عالمیان را پوشیده، و به غیر از وجود اقدسش، چشم از تمام عالم امکان پوشیده، بیدار بودن شها و بیاد امام خود بودن و با او گفتگو و درد دل و مناجات نمودن است. *فانتبه ایها النائم الغافل، و تنبه ایها السکران الجاهل، و تذکر غیبة امام العصر و الزمان، و تدبیر بعدک من حضره ذلك السلطان، و تأمل فی مدة الفرقة والهجران، و قل ما قال بعض المحبین العاشقین، بل الکاملین الواصلین فی بعض تدویناته لیهجعة النائمین، و بهجعة العاشقین، فی کتابه المسمی به "دار السلام" (علی مؤلفه آلاف التحية و السلام):*

ثم یرى أن لا طریق له إلی مولاه الذی إلیه ینتهی المکارم
و منه یمتد الفوائد و الغنایم، و لا سبیل له إلی مقدس حضرته و
لا علم له بموضع طعنه و اقامته. قد ضربت بینه و بین مستقره المطهر
استار لا تهتک و حیل بینهما بحار و قفار لا تسلك، أسدلت دون جمی
حرمة الشریف حجب الالهیة لا ترتفع بالامانی و الامال، و أرخیت
دون ظلال قصره المنیع کلل تقصر عن الوصول إلیها الأیدی و یکل
الخبال. فهیهات من لقیاً حسیب تعرضت لنا دون لقیاه مهامة بید
هذا، و الجور قد ساعه و أسفر الظلم ذراعاً و عطلت الحدود و
الأحكام و خفیت معالم الدین و شرایع الإسلام. هجمت جنود الابالسة

عَلَى تَغَوُّرِ الشَّرِيعَةِ وَ صَارَتْ اذَلُّ الطَّوَائِفِ عَصَابَةَ الشَّيْخَةِ . تَعْضُهُمْ
 مِنْ كُلِّ نَاحِيَةٍ كِلَابٌ غَاوِيَاتٍ وَ تَرْضُهُمْ عَسَاكِرُ الْكُفْرِ وَ النِّفَاقِ
 بِخِيُولِ غَادِيَاتٍ . صَارَ الْمَعْرُوفُ اَشَدَّ الْمُنْكَرَاتِ وَ الْمُنْكَرُ مَعْرُوفًا لِاَقْبَحِ
 فِيهِ عِنْدَ الْبَرِيَّاتِ . اَقْبَلَتِ الْفِتْنُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ وَ اَظْلَمَتِ نُوْرَ الْحَقِّ
 سُبُهَاتِ الْاَجَانِبِ . لِاَيِّمَنِ تَحْصِيْلُ مَا بَقِيَ مِنَ الدِّينِ اِلَّا بِجُهْدٍ كَثِيْرٍ وَ
 عَنَاءٍ وَ صَارَ حِفْظُ مَا وَجَدَ مِنْهُ اَصْعَبُ مِنْ اِسْتِمْسَاكِ جَمْرٍ اَلْغَضَاءِ . تَكْشِفُ
 تِلْكَ الْكُرُوْبُ ، لَوْ بَدَى نُوْرٌ وَجْهَهُ مِنْ حُجْبِ الْغِيُوْبِ ، وَ تَحْتَرِقُ
 جَمُوْعُ الشَّيْطَانِيْنَ وَ سُبُهَاتِ الْمَعَانِيْدِيْنَ . لَوْ اَشْرَقَتْ بَضِيَاءُ طَلْعَتِهِ
 الْمُبَارَكَةِ ظُلُمَاتِ الْاَرْضِيْنَ ، لَكَادَتْ يَفْتَتُّ قَلْبَهُ وَ يَطِيْرُ لَبِّهِ ، وَ يَتَشَقَّبُ فِكْرَهُ
 فَكَيْفَ بَانَ يَسْتَلِذُّ طَيْبَ الْمَنَامِ وَ تَهْجَعُ عَيْنُهُ وَ نَارُ الْفِرَاقِ كُلِّ يَوْمٍ
 فِي اَضْطِرَامٍ ، وَ فِي " الْاِكْمَالِ " عَنْ سُدَيْرِ الصِّيْرَفِيِّ قَالَ :

" دَخَلْتُ اَنَا وَ الْمَفْضَلُ بِنَ عَمْرٍ وَ دَاوُدُ بِنَ كَثِيْرِ الرَّقِيِّ وَ اَبُو بَصِيْرٍ وَ اَبَانُ
 بِنَ تَغْلِبٍ ، عَلَيَّ مَوْلَانَا اَبِيْعَبْدَاللّٰهِ جَعْفَرُ بِنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)
 فَرَايْنَاهُ جَالِسًا عَلَيَّ التَّرَابِ وَ عَلَيْهِ مَسْحٌ خَيْرِيْ مُطَوَّقٌ بِلَا جَنِيْبٍ
 مَّقْصَرُ الْكُمَيْنِ وَ هُوَ يَبْكِيْ يَبْكَا الْوَالِهَةَ التُّكْلِيَّ ذَاتَ الْكَيْدِ الْحَرِيِّ قَدْ
 بَانَ الْحَزْنَ وَ جَنَّتِيهِ وَ شَاعَ التَّغْيِيْرُ فِيْ غَارِضِيهِ وَ اَمَلَتِ الدَّمُوْعُ مِحْجَرِيهِ
 وَ هُوَ يَقُوْلُ :

سَيِّدِيْ غَيْبُنُكَ نَفْتٌ رُقَادِيْ وَ ضَيِّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِيْ وَ ابْتَرَزَتْ مِنِّيْ
 رَاحَةَ فَوَادِيْ ، سَيِّدِيْ غَيْبُنُكَ وَ قَلَّتْ مُصَابِيْ بِفَجَائِعِ الْاَبْدِ وَ فَقَدُ
 الْوَاحِدِ بَعْدَ الْوَاحِدِ بِفِنَاءِ الْجَمْعِ وَ الْعُدْدُ فَمَا اَحْسَنُ بِدَمْعَةِ
 تَرَقَّتْ مِنْ عَيْنِيْ وَ اَنْبِيْنَ يَفْتَرُّ مِنْ صَدْرِيْ عَن دَوَارِجِ الرِّزَايَا
 وَ سَوَالِفِ الْبِلَايَا اِلَّا مَثَلٌ لِعَيْنِيْ مِنْ غَوَايِلِ اَعْظَمَهَا وَ اَقْطَعَهَا
 وَ بَوَاقِيْ اَشْدَّهَا وَ اَنْكَرَهَا وَ نَوَاطِبِ مَخْلُوْطَةٍ بِقَضَائِكَ ، وَ
 وَ نَوَازِلِ مَعْجُوْنَةٍ بِسَخَطِكَ .

قال سُدَيْرُ :

" فَاسْتَطَارَتْ عُقُولُنَا وَلَهَا وَ تَصَدَّعَتْ قُلُوبُنَا جَزَعًا
مِنْ ذَلِكَ الْخَطْبِ الْمَهَائِلِ وَالْحَادِثِ الْغَائِلِ ، فَظَنْنَا أَنَّهُ اسْمَتْ لِمَكْرُوهَةٍ
قَارِعَةٍ أَوْ حَلَّتْ بِهِ مِنَ الدَّهْرِ بَائِقَةٍ ، فَقُلْنَا : " لَا أَبْكَى اللَّهُ يَا بِنَ
الْوَرَى عَيْنَيْكَ مِنْ آيَةٍ حَادِثَةٍ تَسْتَدْرِفُ دَمْعَتَكَ وَ تَسْتَمِطِرُ عَبْرَتَكَ وَ آيَةٌ
حَالَةٌ حَتَمَتْ عَلَيْكَ هَذَا الْمَاتَمَ . " قَالَ : فَزَفَرَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ
السَّلَامُ) زُفْرَةً انْتَفَخَ مِنْهَا جَوْفُهُ وَ اشْتَدَّ عَنْهَا خَوْفُهُ فَقَالَ :

وَيَلِكُمْ نَظَرْتُ فِي كِتَابِ الْجَفْرِ صَبِيحَةَ هَذَا الْيَوْمِ ، وَهُوَ
الْكِتَابُ الْمُشْتَمَلُ عَلَى عِلْمِ الْمُنَايَا وَالْبِلَايَا وَعِلْمِ مَا
كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، الَّذِي حَصَّ اللَّهُ تَعَالَى
اسْمَهُ مُحَمَّدًا وَ الْإِسْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ ، وَتَأَمَّلْتُ
فِيهِ مَوْلِدَ قَائِمِنَا وَ غَيْبَتِهِ وَ ابْطَائِهِ وَ طُولَ عُمُرِهِ وَ بَلَوَى
الْمُؤْمِنِينَ مِنْ بَعْدِهِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَ تَوَلَّدَ الشُّكُوكَ فِي
قُلُوبِ الشَّيْعَةِ مِنْ طُولِ غَيْبَتِهِ وَ ارْتِدَادِ أَكْثَرِهِمْ عَنْ دِينِهِمْ
وَ خَلْعِهِمْ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ عَنْ أَعْنَاقِهِمْ ، الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى :
" وَكُلُّ إِنْسَانٍ لِرَؤْسِهِ طَائِرَةٌ فِي عُنُقِهِ " يَعْنِي الْوَلَايَةَ ،
فَأَخَذَنِي الرِّقَّةُ وَ اسْتَوْلَتْ عَلَيَّ الْأَحْزَانُ .

فَإِذَا كَانَ هَذَا حَالُ الْإِمَامِ (ع) فِي حُزْنِهِ عَلَيَّ مَا يَرُدُّ عَلَيَّ الشَّيْعَةَ
فِي غَيْبَتِهِ ، فَبِالْحَرِيِّ لِلْمُؤْمِنِ الْمُبْتَلَى بِتِلْكَ الْهَلَكَةِ أَنْ يَطُولَ حُزْنُهُ
وَ لَا يَنَامُ فِي لَيْلَتِهِ وَ يَتَأَسَّفُ دَائِمًا فِي غَيْبَةِ إِمَامِهِ وَ يَتَحَسَّرُ لِفِرَاقِهِ فِي
آثَاءِ لَيْلِهِ وَ أَطْرَافِ أَيَّامِهِ وَ يُنَاجِي رَبَّهُ تَائِبًا وَ يَقُولُ :

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَفْتَ الْكُرْبَ وَ الْبَلَوَى ، وَ السِّيكَ اسْتَعْدَى ، فَعِنْدَكَ
الْعُدْوَى ، وَ أَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى ، فَاعْتِ يَا غَيْسَاكَ
الْمُسْتَفْغِيثِينَ عِبِيدَكَ ، وَ أَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى ، وَ أَرْزِلْ
عَنْهُ بِهِ الْآسَى وَ الْجَوَى ، وَ بَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَرْ عَلَى السُّعْرَشِ
اسْتَوَى ، وَ يُخَاطَبُ إِمَامَهُ أُخْرَى ، وَ يَقُولُ لَيْتَ شِعْرِي إِسْنُ

استنقرت بك النوى، بل آى أرض ثقلك أو شرى، أ برضوى أو
غيرها أم دى طوى...

إلى أن قال (آدم الله ظله):

نرى يدك ابتلت بقائمة العضب

فحتى م حتى م انتظارك بالضرب

أطلت النوى فاستأمنت مكرك العدى

وظالت علينا فيك السنة النصب

إلى م لنا في كل يوم شكاية

نشج بها الأصوات شجا من الندب

هلم فقد ضاقت بنا سعة الفضا

من الضيم و الأعداء آمنة السرب

و قيت و عهدي إن عزمك لاينى

و لكنما قد يربض الليث للوثب

أحاشيك من غص الجفون على القذا

و أن تملأ العينين نوما على الغلب

متى ينجلي ليل النوى عن صبيحة

نرى الشمس فيها طالعتنا من الغرب

و فيلقك الجرار غصت بخيله

رحاب الفيا في الملس والأكم الحرب

عليها كما عيدها الحرب أفرغت

سوابغ داود على أسد غلب

فديناك أدر كنا فإن قلوبنا

تلظى إلى سلسال منهلك العذب

متى تشفى منك القلوب بسطوة

تدير على أعداك أرحية الحرب

فَقُمْ وَ اَمَلَاءِ الدُّنْيَا فِدَائِكَ اَهْلِهَا
 بَعْدَلٍ تَقِيلُ الشَّاةُ فِيهِ مَعَ الذَّنْبِ
 وَ اعْطِفْ عَلَيْنَا بَرْدِ عَطْفِكَ سَائِسًا
 اُمُورَ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِالْعَزْلِ وَالنَّصْبِ
 وَ دُمُ قَاضِيًا حَقَّ الْعُلَى بِعِزَائِمِ
 تَهَبُّ هُبُوبَ الرِّيحِ فِي الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ
 وَ لَاحَتْ فَارَضَتْ مِنْ يُوَالِيكَ وَ انْتَنَتْ
 بِسُخْطِ عَلِيٍّ مِنْ لَأِ يُوَالِيكَ مُنْصَبِ
 اَقُولُ : هَذِهِ الْقَصِيدَةُ مِنَ الشَّيْخِ الْعَالِمِ الْفَاضِلِ الشَّيْخِ عَبْدِ الْحَسَنِ الْأَعْمَشِ
 (رَحِمَهُ اللَّهُ) فِيهِ قَصِيدَةٌ طَوِيلَةٌ .

وَ يُخَاطَبُ نَفْسَهُ مَرَّةً وَيَقُولُ :
 وَيَحْكُ يَا نَفْسُ اِنْ كُنْتَ قَدْ حَرَمْتَ مِنَ النَّظَرَةِ اِلَى تِلْكَ الطَّلَعَةِ
 الرَّشِيدَةِ وَ الْغُرَّةِ الْحَمِيدَةِ وَ مُنَعْتَ عَنِ الْاِقْتِبَاسِ مِنْ اَنْوَارِ عُلُومِهِ
 الْاَلَهِيَّةِ وَ حِكْمَتِهِ الْمُحَمَّدِيَّةِ بِمَرَأٍ مِنَ النَّاسِ مَسْمُوعٍ مِنْهُمْ وَ مُحَضَّرٍ مِنْ
 الْخَلْقِ وَ مُشْهَدٍ لَهُمْ لِمَصَالِحِ وَ حِكْمِ تَدْوُرَ عَلَيْهَا نِظَامُ الْعَالَمِ ، لَكِنْ
 اَبْوَابُ الْوُصُولِ اِلَيْهِ مَفْتُوحَةٌ وَ مَنَاهِلُ الْظَّمَاءِ لَدَيْهِ مُتْرَعَةٌ دَخَلَهَا
 قَوْمٌ لَمْ يَسْلُكُوا غَيْرَ طَرِيقَتِهِمْ وَ شَرَبَ مِنْهَا زَمْرَةً لَمْ يَشْرَبُوا مِنْ غَيْرِ
 اَنْبِيَتِهِمْ ، فَاَرْجِعِي الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ تَرِيهِمْ بَيْنَ النَّاسِ مُخْتَفِينَ وَقَدْ اَشْرْنَا
 اِلَى بَعْضِهِمْ فِي مَطَاوِي هَذَا الْكِتَابِ وَ لَعَلَّ اللَّهَ يُوقِنُنَا لِاسْتِقْصَاءِ جَمَاعَةٍ
 مِنْهُمْ فِي رِسَالَةٍ مُنْفَرَدَةٍ تَحِنُّ اِلَيْهَا قُلُوبُ اَوْلِيَ الْاَلْبَابِ . فَلَوْ
 شَاجَبْتِهِمْ فِي الْاَعْمَالِ وَالْاَقْوَالِ وَ صِرْتَ كَأَحَدِهِمْ فِي الْاَفْعَالِ وَالْاَحْوَالِ كُنْتَ
 مَعَهُمْ عِنْدَ تَقْسِيمِ هَذَا النَّوَالِ . لَكِنَّكَ تَدَثَّرْتَ بِجَلْبَابِ اَعْدَائِهِ وَ انْحَضْتَ
 رَاجِلَتِكَ بِغَيْرِ فَنَائِهِ تَصْبِحِينَ وَ تَمْسِينَ وَ لَا يَجْرِي ذِكْرُهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ وَ
 لِسَانِكَ وَ تَبْتَغِينَ مَرْضَاتِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ فَضْلَهُ وَ لَا تَقْدَمُهُ فِي اَمَامِكَ
 فَاتَّخَذْتَهُ وَرَائِكَ ظَهْرِيًّا ، فَكَانَتْهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) صَارِنَسِيًّا مَنَسِيًّا فَصِرْتَ

مَحْرُومَةً مِنْ خِصَائِصِ لُطْفِهِ وَ نَفَحَاتِ رَحْمَتِهِ فَأَبْكَ طَوِيلًا فَقَطَّ عَظْمَ
الْمُصَابِ وَطَالَ الْعَذَابَ وَاللَّهِ الْمُشْتَكِيُّ مِنْ إِتِّصَالِ الْغَفْلَةِ وَسُوءِ الْمَاءِ .

تکلیف ۷

بعد از آنی که این درجه و مقام را پیدا کردی ، تکلیف تو آن است که همواره از درگاه حضرت احدیت (جَلَّ جَلَالُهُ) مسئلت نمائی که تو را در این مقامات ثابت و راسخ بدارد ، و سلب این نعمت عظمی و موهبت کبری را از تو نفرماید ، و در یاری نمودن آن حضرت در غیبت و ظهور او (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) استبدال به غیر نشوی ، چنانکه در دعای مخصوص غیبت و غیره ها می خوانی :

وَلَا تَسْتَبَدِّلْ بِنَاغَيْرِنَا ، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَاغَيْرِنَا عَلَيْكَ
يَسِيرٌ ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ .

و از جمله کسی نباشی که اردین خود مانند تیر از کمان بیرون رود . زیرا که استبدال نمودن غیر ما بر خدای تعالی آسان است و بر ما دشوار . امید است که خدای تعالی از برکت وجود مبارک آن حضرت و آباء کرامش (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) تو را ثابت و برقرار بدارد : " بِهِمْ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَبِهِمْ يَثْبِتُ " و گمان ندارم کسی که در عقیده خود نسبت به امام خود خالص و مخلص باشد و خدای تعالی بواند از قلب او درستی و راستی را و سلب این نعمت را از او بفرماید ، مگر آنکه خدای نکرده در عقیده او خُلل و خُطل باشد ، و ایمان او نسبت به خدا و رسول و ائمه (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ) مُسْتَوْدَع باشد نه مُسْتَقَرٌّ . بخدا قسم ، اگر از روی حقیقت درست در این مسئله تفکر و تدبیر کنی ، خورد و خواب بر تو حرام می شود و در بیابانی خواهی رفت خالی از اغیار و خار و خاشاک صحرا را بر سر خواهی

ریخت و خواهی گفت آنچه را که بزرگان دین تو قبل از تو گفتند، که ایکاش ما مرغی در هوا بودیم و می پریدیم، و ایکاش گوسفندی بودیم در بیابان چرا می کردیم و ایکاش مادر ما را نژائیده بود و در این تکالیف مقررّه قصور نمی کردیم.

تکلیف ۸

از جمله تکالیف امام در غیبت امام (عَلِيهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) همه روزه تجدید عهد نمودن به وحدت خدای (عَزَّ وَ عَلَا) و نبوت خاتم انبیاء و ولایت ائمه هدی (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِم) بیعت خود را تازه نمودن و عرض عقاید حقّه خود را به خدا و رسول و ائمه (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِم) نمودن و ایشان را به پاکی و طهارت ستودن و با کمال خضوع و خشوع، استدامت و استقامت عقاید خود را از خداوند تعالی مسئلت کردن است. و این مسئله تجدید عهد و عرض عقاید در هر روز بعلاوه استحباب آن محسناتی ظاهره و باطنه دارد که مستغنی از تفصیل است، ولی طریقه و آداب آن را در این مورد ذکر می نماید که دستور العمل و وظیفه همه روزه تو باشد. شاید بدین وسائل و وسایط و طرق مقررّه اسباب تقرّبی برای تو حاصل شود و با مرکوب صدق اخلاص و توشه علم و عمل خود را به منزل حقیقی خود برسانی. پس درست ملتفت و متذکر باش بعد از آنی که دانستی و یقین کردی که شخص تو همیشه در محضر امام خود (أرواحنا فداه) اگر ظاهراً حضور نداری و تو امام خود را نمی بینی و از حال او اطلاع نداری، او (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) همیشه تو را می بیند و در محضراو همیشه هستی و آنی و دقیقه ای، امورات ظاهره و باطنه تو از آن حضرت (أرواحنا فداه) غایب نیست. پس تکلیف تو آن است، پس از معرفت چنین مولا و آقائی هر روز و هر شب محاسن خدمتگذاری و مراتب جان نثاری خود را در پیشگاه حضرت او (أرواحنا فداه) مکشوف و معروض بداری و بوسایل و وسایط

مختلفه حسن خدمت و اظهار فدویّت و عبودیت خود را قلباً و لساناً و جاناً و مالاً
بنمائی و این فقره به چندین قسم منقسم است که هر یک را در ذیل تکالیف
عدیده ، مُبْرَهَن و مُبَيِّن می‌نمائیم ، بِحَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ قُوَّتِهِ .

تکلیف ۹

یکی از معانی مراقبه و معاهده آن است که غلام جان نثاری که بر حسب ظاهر از آقا و مولای خود دور باشد، فرضاً او را به سفری فرستاده باشد و از برای او دستور العمل و تکالیفی معین و مقرر کرده باشد که: باید همه روزه در هر منزلی که وارد شدی لیلاً و نهراً، این دستور العمل را باز کنی و ملاحظه نمائی و از قراریکه مرقوم و مزبور است، معمول و مسلوک و رفتار نمائی. چنانچه خواهی به خیالات خود رفتار کنی، به خطرات عظیمه گرفتار خواهی شد و بیم ذهاب جان و مال تو خواهد بود، بلکه دنیا و آخرت تو بر باد خواهد رفت. پس چنین عبدی را نمی‌رسد که در این سفر پر خطر و غیبت از حضور مولای خود تابع هوای خود گردیده، من عیندی رفتار کند و دستور العمل مولا و آقای خود را فراموش کند، و بی‌اعتنائی یا بی‌مبالاتی به دستور العمل مولای خود نماید. که من خود فی نفسیه صاحب عقل و شعور و رأی و اجتهاد مخصوص در امر معاش و رفتار و کردار و حرکات و سکنات خود هستم - زیرا که این غرور اسباب ندامت و خسارت دارین برای او خواهد شد. پس تکلیف چنین عبدی آن است که رأی و سلیقه و اجتهاد و استنباط خود را به یکسو نهاده و از وادی پر خطر راجح و مرجوح و غیرها حذر نموده و از قرار دستور العمل مولای خود، حَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ در تمام منازل این سفر معمول و رفتار نماید، تا مَقْضَى الْمَرَامِ به مقصد خود فایز و نایل شود.

تکلیف ۱۰

چون این فقرات را متذکر شدی و بنای خود را بر این گذاشتی که در تمام حالات و حرکات و سکنات خود موافق میل مولای خود رفتار کنی و آنی و لمحه‌ای در تمام اوقات شبانه و روز خود از مولای خود تغافل و تجاهل ننمائی و همیشه در نظر داشته باشی که :

مُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ
أُمُورِي...

و قسم دهی او را که :

أَنْ يَجْعَلَ أَوْقَاتِكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِهِ مَعْمُورَةً ، وَ
بِخِدْمَتِهِ مَوْصُولَةً ، وَأَعْمَالِكَ عِنْدَهُ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ
أَعْمَالُكَ وَ أَوْرَادُكَ كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا وَحَالَكَ فِي خِدْمَتِهِ سَرْمَدًا .

پس چون شب را خواستی بخوابی و به مَضَع خود بروی، بخوان بعضی دعوات و اذکار و سوره‌های قرآنی را که در کتب آداب و سنن فقهاء (رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِمْ) مضبوط است و انتخاب کن از اذکار و اوراد و دعوات چیزی را که نام مقدس و ذکر اقدس آقا و مولای تو بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ السَّمَوَاتِ (أَرْوَاحُنَا فِدَاهُ) تلویحاً اَوْ تصریحاً در آن مذکور باشد - اگر چه روح تمام کتاب و سنت، وجود مقدس آن جناب و آباء معصومین او (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَحْمِينَ)

است - در زیارت مخصوصه سرداب آن حضرت است می خوانی :

أَشْهَدُ أَنْ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَشُرْكِي الْأَفْعَالُ وَتُضَاعَفُ
الْحَسَنَاتُ وَتُمْحَى السَّيِّئَاتُ ...

و امام تو حضرت صادق (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) است می فرماید :

إِنَّ اللَّهَ تَجَلَّى لِعِبَادِهِ فِي كَلِمَاتِهِ وَلَكِنْ أَنْتُمْ لَا تَشْبِرُونَ .

از آن جمله دعائی است که در " خصال " وسایر کتب معتبره ضبط است ، که حضرت امیر المؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند که :

چون اراده خواب نمائی ، دست راست خود را بگذار در زیر
خد راست خود و بگو :

وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَوَلَايَةِ مَنْ
افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ .

پس فرمودند :

هر که این دعا را بخواند در وقت خواب ، خدا او را حفظ
فرماید از دزد و غارت و خراب شدن خانه و استغفار می نماید از برای
او ملائکه .

و در " ثَوَابُ الْأَعْمَالُ " است که حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند :

هر که در وقت خوابیدن تمام مُسَبِّحَاتِ قُرْآن را بخواند ،
نمی میرد تا آنکه حضرت قائم (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) را درک کند ، و اگر
بمیرد در جوار پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) خواهد بود .

واضح است که ولایت کسی که مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ است در این ایام غیبت کبری
امام عصر تو است (أَرْوَاحُنَا قَدَاهُ) باید آن حضرت را قصد نمائی ظاهراً و

باطناً که خوابیدن توهم به اذن و امضاء و رضای آن حضرت بوده باشد .
 و نیز گوید آنچه را که در "فلاح السائل" ابن طاوس (قُدْسِ سِرِّه) از حضرت اَبی
 عَبْدِالله (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) روایت کرده که آن حضرت فرمودند :
 چون در فراش خود رفتی برای خوابیدن ، بگو :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّكَ إِفْتَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
 وَالْإِثْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ وَيَسْمِيهِمْ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى
 الْإِمَامِ الَّذِي فِي عَصْرِهِ ، ثُمَّ مَاتَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ دَخَلَ الْجَنَّةَ .

واضح است در این عصر و زمان که امام تو (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) امام دوازدهم
 است و از انظار غایب شده ، باید بشماری همهء ائمه را تا منتهی شود به امام عصر
 صَاحِبُ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ) و متذکر شوی که
 بطاعت ائمهء خود احیاء و امواتاً بخواب می روی و کآنَّهُ خدای را بشهادت می طلبی که
 من در وقت خواب خود بطاعت مولا و آقای خود حضرت حجّت (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ)
 بخواب می روم که عین طاعت تست . اگر روح مرا قبض نمودی یا ارسال فرمودی ،
 بطاعت تو و ولایت اوست (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْمَعْصُومِينَ) .

تکلیف ۱۱

چون شب را از خواب بیدار شدی اولاً سجده شکر بجا بیاور **اِقْتِدَاءً لِلنَّبِيِّ** (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) واینکه خدای تعالی از روی کمال مرحمت و مکرمت و از برکت وجود مقدس امام عصر (اَرَوَّاحُنَا فِدَاه) روح تو را برگردانید و تو رازنده کرد و در خواب قبض روح تو را نفرمود و بیدار شدی در حالتی که با محبت و ولای موالیان خود ثابت و مستقر هستی و نیت تو این است که روز رابه شام و شام را به روز برسانی با محبت و ولای اهل بیت معصومین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ) و تمام این تَفَضُّلَات از برکت وجود اقدس امام عصر است (اَرَوَّاحُنَا فِدَاه) . پس بعد از سجده شکر بخوان دعائی که در " کافی " و غیره از حضرت اَبی عَبْدِالله (عَلَيْهِ السَّلَام) روایت است که چون شب از خواب بیدار شوی بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِاحْمَدِهِ وَاعْبُدَهُ .

و باز فرموده که حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) چون بیدار می شدند می خواندند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اَحْيَانِي بَعْدَ مَا اَمَاتَنِي وَ اَلَيْهِ التَّشَوُّرُ .

پس متذکر امام عصر (عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ) گردیده سه مرتبه بگوئی:

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ الْحَمْدُ

لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَوْلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ .

و چون بشنوی صدای خروس را ، باز منذر امام زمان خود (ارواحنآفداه) بشوی و متذکر شوی ذکر خروسها را - چنانکه در حدیث است - که می گویند :

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَأَنَّ وَصِيَّهُ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَأَنَّ اللَّهَ سُبُوْحٌ قُدُّوسٌ
رَبُّ الْمَلَكِئِكَةِ وَالرُّوحِ :

و تو کمتر از خروسی نباشی که در این وقت متذکر خدا و رسول و ائمه هدی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) باشد و تو نباشی . پس از آن به آسمان نظر کنی و متذکر امام زمان خود شوی و بخوانی دعائی را که از حضرت ابیعبدالله (عَلَيْهِ السَّلَام) منقول است که :

چون نظر به آسمان انداختی بگو :

سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا
مُنِيرًا وَجَعَلَ لَنَا نُجُومًا وَقِبْلَةً نَهْتَدِي بِهَا إِلَى التَّوَجُّهِ
إِلَيْهِ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ . اللَّهُمَّ كَمَا هَدَيْتَنَا إِلَى
التَّوَجُّهِ إِلَيْكَ وَإِلَى قِبْلَتِكَ الْمَنْصُوبَةِ لِخَلْقِكَ ، فَاهْدِنَا إِلَى
نُجُومِكَ الَّتِي جَعَلْتَهَا أَمَانًا لِأَهْلِ الْأَرْضِ لِأَهْلِ السَّمَاءِ حَتَّى
نَتَوَجَّهَ بِهِمْ إِلَيْكَ ، فَلَا يَتَوَجَّهَ الْمَتَوَجِّهُونَ إِلَيْكَ إِلَّا بِهِمْ ، وَلَا
يَسْلُكُ الطَّرِيقَ إِلَيْكَ مَنْ سَلَكَ مِنْ غَيْرِهِمْ ، وَلَا لَزِمَ الْمَحَجَّةَ مَنْ
لَمْ يَلِزْهُمْ .

واضح است نجومی که امان از برای اهل زمین و آسمان اند ، ائمه هدی (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) هستند ، و مؤید این مطلب است فقره که توفیق رفیع شرف صدور یافته - چنانکه صاحب " احتجاج " (ره) از شیخ کلینی (قُدَسُ سِرِّهِ) روایت می کند - در جواب عریضه اسحق بن یعقوب بدست محمد بن عثمان

عَمْرَى تَوْقِيعَ مَنِيْعٍ صَادِرٍ شَدَّ بِهِ خَطَ مَوْلَايَ مَا صَاحِبُ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ (أَرْوَاحُنَا فِدَاهُ) ، از جمله فقرات آن این است :

وَ أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِنَفْسِي فَكَمَا الْإِنْتِفَاعُ بِالشَّمْسِ
إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَإِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا
أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ ... ۶

پس مسواک کن و وضو بگیر و خود را متعطر کن که تا ثواب نماز هفتاد برابر شود و در تمام آداب و سنن و ادعیه مسواک و وضو باید متوجه امام خود (ارواحنا فداه) باشی .

لِمَوْلَاهُ :

أَيَا سَلَالَةَ طَه نَتِيْجَةُ لَوْلَاكَ

منم که کمترم اندر برت ز چوب اراک

چرا که نام من اندر زبان نمی آری

ولیک در دهن توست روز و شب مسواک

بعد از آن بر خیزی برای نماز شب . چون برخواستی به جهت نماز ،

بگوئی :

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَإِلَى اللّٰهِ ، مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللّٰهِ ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنْ زُوَّارِكَ وَعُمَّارِ مَسَاجِدِكَ ، وَافْتَحْ
لِيْ بَابَ تَوْبَتِكَ ، وَاغْلِقْ عَنِّيْ بَابَ مَعْصِيَتِكَ وَكُلِّ مَعْصِيَةٍ ،
وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ جَعَلَنِيْ مِمَّنْ يُنَاجِيْهِ ، اَللّٰهُمَّ اَقْبِلْ عَنِّيْ
بِوَجْهِكَ جَلِّ شَنَاوُكَ .

واضح است مراد از اقبال نمودن خدا بوجه خودش، به تواتر رسیده که وجه خدای تعالی انوار طیبیه محمد و آل محمد است (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) و توجه

به سوی ایشان (عَلَیْهِمُ السَّلَام) توجه بسوی خدا است لاغیر، وبدون توجّه به سوی آنها هیچ طاعتی و عبادتی مقبول نیست ، بلکه مردود و مطرود خواهد بود. و مؤید این است دعای توجّه که در " فِقْهُ الرِّضَا (ع) " است که مستحب است قبل از شروع به نماز شب خوانده شود و آن این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَبِالْأَعْمَةِ
الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ آلِ طه وَيسَ وَأَقْدَمُهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ
حَوَائِجِي ، فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ
الْمُقَرَّبِينَ وَلَا تُعَذِّبْنِي بِهِمْ وَارْزُقْنِي بِهِمْ وَلَا تُضِلَّنِي بِهِمْ
وَارْفَعْنِي بِهِمْ وَلَا تُضَعِّنِي بِهِمْ وَاقْضِ حَوَائِجِي بِهِمْ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ .

و نیز بخوانی دعائی که در " کافی " است از حضرت ابی عبدالله (عَلَيْهِ السَّلَام) که می فرماید :

چون شب از خواب بر خواستی بگو :

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَاللَّهِ الْمُرْسَلِينَ وَالْمُسْتَضَعْفِينَ
وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .
فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ ، يَقُولُ اللَّهُ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى) :
صَدَقَ عَبْدِي وَشَكَرَ .

مجلسی (عَلَیْهِ الرَّحْمَةُ وَ الرَّضْوَان) در " بَحَارُ الْأَنْوَار " تفسیر نموده مستضعفین را به ائمه (عَلَیْهِمُ السَّلَام) و استشهاد آورده بقول خدای تعالی که :
وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ
أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ .

تکلیف ۱۲

پس از جمله تکلیف تو در خواندن نماز شب ، آن است که در افتتاح و اختتام هر یک از رکعتین توجه و اقبال نمائی به امام خود (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) و بخوانی دعوات ماثوره که قبل از هر دو رکعت و بعد از هر دو رکعت رسیده . از جمله دعائی است که در "مصبح" شیخ طوسی است (قُدْسٌ سِرٌّ) که بعد از دو رکعت نماز شب باید خواند و ابتدای آن این است :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلَكَ ...

تا آنجا که می فرماید :

وَأَنْ تَعْجَلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَتَعْجَلَ خِزْيَ أَعْدَائِهِ ...

که باید متذکر آن حضرت (أرواحنا فداه) شده تعجیل ظهور و فرج آن حضرت را از خدا بخواهی و بر دشمنان آن حضرت نفرین کنی . بهمچنین در قیام و رکوع و قعود و سجود ، کمال توجه را به خدا و رسول و ائمه هدی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) داشته باشی و هنگام خواندن دعوات و مناجات ، صلوات و سلام بر آن حضرت بفرستی و اکثر دعوات خود را در حق آن حضرت قرار دهی ، و ابتدای هر دعائی که برای خود و اخوان و اقارب و حیران می نمائی و هر حاجتی از حوائج دنیا و آخرت می خواهی ، آن حضرت را مقدّم بر نفس خود و بر همه کس قرار دهی و آن حضرت را از نفس خود و تمام اعزّه خود محبوب تر بدانی و منتهای دعای خود را به آن حضرت ختم کنی ، و در این مقام تصوّر نمائی

حالت آن حضرت را که در هر نقطه‌ای از نقاط ارض باشد در این وقت مشغول به نماز شب و تضرع و زاری است . و همیشه در آن حالت که هستی ، صلوات و سلام بر آن حضرت بفرست و آن حضرت را شفیع قرار بده که نزد خدای تعالی (عَزَّ سُبْحَانَهُ وَبَهْرَ بُرْهَانِهِ) شفیع شود در قضاء حوائج و مطالب دنیویّه و اخرویّه تو . و از کسانی نباشی که سلام و صلوات تو از آن حضرت محجوب بماند و خدای نکرده از تو اعراض نماید ، زیرا که آن حضرت مناجات تو را در آن دل شب می‌شنود و چیزی از حمد و ثنا و صلوات تو از او مخفی نیست . اِیُّوَاللّٰهِ اوست سَامِعُ السِّرِّ وَ النَّجْوٰی و اوست که در توفیق شیخ سدید مفید (رِضْوَانُ اللّٰهِ تَعَالٰی عَلَیْهِ) فرموده :

فَقَدَكُنَّا نُنْظَرُ نَامِنَا جَائِكَ عَضَمَكَ اللّٰهُ بِالسَّبَبِ الَّذِي وَهَبَهُ
لَكَ مِنْ اَوْلِيَائِهِ ...

و در قنوت " وتر " بخوانی دعوات مخصوصه‌ای که متضمّن بر صلوات و سلام و تعجیل ظهور آن حضرت و نفرین بر دشمنان اوست ، از قبیل قنوتی که صدوق (قدس سره) در " مجالس " ذکر نموده از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) که فرمودند :

بخوان در قنوت وتر این دعا را :
اللّٰهُمَّ تَمِّنْ نَوْرَكَ فَهَدَيْتَ ...

إِلَىٰ أَنْ قَالَ :

اللّٰهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا (وَلِيِّنَا) وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ
عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بَيْنَنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ ۚ وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ
قِلَّةَ عَدَدِنَا فَفَرِّجْ ذَلِكَ يَا رَبِّ بِفَتْحٍ مِنْكَ تَعْجَلُهُ وَ نَصْرٍ مِنْكَ
تُعَزِّزُهُ وَ إِمَامٍ عَدَلٍ تُظْهِرُهُ ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

و نیز بخوان دعائی که در " فقه الرضا " وارد شده - در وتر بخوانی -

چون اکثر این دعاها طولانی است ، از کتب " بحار " و غیرها باید طلب نمود
و در " دَعْوَةُ الْحُسْنَى " نیز ایراد کرده ام . ابتدای آن این است :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ...

إِلَى أَنْ قَالَ :

اللَّهُمَّ أَظْهِرِ الْحَقَّ وَ أَهْلَهُ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ أَقُولُ بِهِ وَ أَنْتَظِرُهُ ،
اللَّهُمَّ قَوْمِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَظْهِرْ دَعْوَتَهُ بِرِضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ،
اللَّهُمَّ أَظْهِرْ رَأْيَتَهُ وَ قَوِّ عَزْمَهُ وَ عَجِّلْ خُرُوجَهُ وَ انصُرْ جَبُوشَهُ وَ
اعضِدْ انصَارَهُ وَ ابلغْ طَلِبَتَهُ وَ انجَحْ أَمَلَهُ وَ اصْلِحْ شَأْنَهُ وَ
قَرِّبْ أَوَانَهُ ...

و بخوانی قنوتی را که حضرت امام حسن عسکری (عَلِيهِ السَّلَام) اهل قم
را امر بخواندن آن فرمودند ، و آن قنوت مشتمل است بر دعا کردن بوجود
اقدس حضرت حُجَّت (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) و مضامینی دارد که اسباب کوری چشم
دشمنان و روشنی چشم دوستان است ، و اگر مجال نداری تمام آن را بخوانی ،
ابتدای آن را از فقره :

اللَّهُمَّ وَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ وَ القَائِمِ بِقِسْطِكَ مِنْ عِبَادِكَ ...

قرار بده و ملتفت مضامین عالییه آن شده از صمیم قلب آن حضرت را دعا و
عبارات آن را ادا کن .

تکلیف ۱۳

پس از اتمام نماز شب و شفع و وتر و خواندن دعوات مأثوره در قنوت و تعقیب ، تکلیف تو آن است که دو رکعت نافله فجر را به آدابی که وارد شده بحا بیآوری و این اَقْلُ الطَّلَابِ ، فقره آداب نماز شب را در کتاب " دَعْوَةُ الْحُسْنَى فِي ادْعِيَةِ الْحَسَنَاءِ " مختصراً ذکر کرده ام ، که از برای طالب و عامل شاید مکفی باشد . بعد از آن طلوع فجر می شود و در این وقت هنگام صعود ملائکه لیل و هبوط ملائکه نهار است و تفسیر آیه شریفه :

وَقُرْآنَ الْفَجْرِ ، إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ شَهُوداً ...

به نماز فجر شده ، یعنی صلاة فجر را حاضر می شود ملائکه لیل و نهار ، چون کسی نماز صبح را با طلوع فجر بحا بیآوری ، ثبت می کنند آن را ملائکه لیل که می خواهند صعود به آسمان نمایند و ملائکه نهار که تازه از آسمان فرود می آیند و شاید بعضی از نفوس قدسیه هنگام نزول و صعود ملائکه را ملتفت باشند و بدانند هنگام اختلاف ملائکه را چنانکه بعضی از صالحین گذشته ملتفت بودند . پس باید بطور قطع و یقین بدانی که این ملائکه اعمال تو را می برند خدمت امام عصر (ارواحنا فداه) و باذن امام فرود آمده اند و باذن امام (عَلَيْهِ السَّلَام) صعود به آسمان می نمایند .

پس سزاوار است که به مجرد طلوع فجر و آمدن روز تازه خود را مستعدّ نمائی که خطاب اورا جواب دهی ، چنانکه در حدیث است از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) که :

نیست روزی تازه که بیاید بر پسر آدم ، مگر آنکه می‌گوید آن روز تازه : " ای پسر آدم من روز تازه هستم و من بر تو شاهد هستم . پس در من کار خیر کن و عمل خیرجا بیاور تا شهادت دهم برای تو در روز قیامت ، به درستی که هرگز نخواهی دید مرا بعد از این . "

از این جهت است که امام تو سید الساجدین (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) در دعای صباح " صحیفه کامله " می‌فرماید :

وَهَذَا يَوْمٌ حَدِيثٌ جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ اِنْ اَحْسَنَّا
وَدَعَا بِحَمْدِ وَاِنْ اَسَاْنَا فَارْقَنَّا بِدَمِّ ...

و از خدای تعالی مسئلت نمائی که تو را در این روز موفق بدارد برای طاعات و عبادات و خیرات ، و حفظ فرماید از سَيِّئَات و عُثْرَات و آفات . پس اذان به جهت نماز بگوئی و بعد از اذان دعا کنی برای تعجیل فرج آن حضرت (أرواحنا فداءه) چنانکه رسم و دأب شیعیان اهالی جزیره خضرا است . بعد از آن متوجه شوی به سوی امام زمان خود (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) و بخوانی بعض دعوات مأثوره بعد از فجر را که مشتمل است بر دعا و ثنای آن حضرت (أرواحنا فداءه) مثل این دعای جلیل القدر که در " کافی " - کلینی (قُدِّسَ سِرُّهُ) در " کافی " روایت کرده بسند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) که فرموده‌اند :

ترک مکن در هر صبح و شام خواندن این دعا را .

- و " مصباح " از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) منقول است - باختلاف بسیار - و حقیر از " مصباح " شیخ طوسی (قُدِّسَ سِرُّهُ) نقل می‌نماید :

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَصْبَحْتُ اَسْتَغْفِرُكَ فِىْ هَذَا الصَّبَاحِ وَفِىْ هَذَا الْيَوْمِ

لَا هِلَ رَحْمَتِكَ وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِ لَعْنَتِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ
 أَبْرَأُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الصَّبَاحِ مِمَّنْ نَحْنُ بَيْنَ
 ظَهْرَانِيهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ، إِنَّهُمْ كَانُوا
 قَوْمَ سُوءٍ فَاسْقِينِ . اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى
 الْأَرْضِ فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ بَرَكَةً عَلَيَّ وَأَوْلِيَاءِكَ وَ
 هَذَا بَأَعْلَى أَعْدَائِكَ ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَكَ وَعَادِ مَنْ عَادَكَ ،
 اللَّهُمَّ اخْتِمْ لِي بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَيَّيَانِي صَغِيرًا ،
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ
 وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّكَ تَعْلَمُ مُتَقَلِّبَهُمْ
 وَ مَثْوِيَهُمْ ، اللَّهُمَّ احْفَظْ إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَ
 انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لِمَامِ
 الْمُسْلِمِينَ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْفِرْقَ
 الْمُخَالَفَةَ عَلَيَّ رَسُولِكَ وَالْمُتَعَدِّيَةَ لِحُدُودِكَ وَالْعَنِ
 أَشْيَاءَهُمْ وَاتَّبَاعَهُمْ وَاسْئَلْكَ الزِّيَادَةَ مِنْ فَضْلِكَ وَالْإِقْتِدَاءَ
 بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ وَالْمُحَافَظَةَ عَلَيَّ مَا
 أَمَرْتَ بِهِ ، لَا أَبْغِي بِهِ بَدَلًا وَلَا أَشْتَرِي بِهِ شَيْئًا قَلِيلًا ، اللَّهُمَّ
 اهْدِنِي فِي مَنْ هَدَيْتَ وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا
 يُقْضَى عَلَيْكَ وَلَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ وَلَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ تَبَارَكَتَ
 وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ ، تَقَبَّلْ مِنِّي دُعَائِي
 وَمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ فَمَاعِظْهُ لِي يَا رَبَّ أَصْعَافًا
 كَثِيرَةً وَآتِنِي مِنْ لَدُنْكَ أَجْرًا عَظِيمًا ، رَبِّ مَا أَحْسَنَ مَا
 أَبْلَيْتَنِي وَ اعْظَمَ مَا آتَيْتَنِي وَأَطْوَلَ مَا عَافَيْتَنِي وَكَثَرَ
 مَا سَتَرْتَ عَلَيَّ فَالْحَمْدُ يَا إِلَهِي كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا
 وَمِلَاءَ السَّمَوَاتِ وَمِلَاءَ الْأَرْضِ وَمِلَاءَ مَا شَاءَ رَبِّي وَ كَمَا يُحِبُّ
 رَبِّي وَيَرْضَى وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ ذِي الْجَلَالِ

وَالْإِكْرَامِ .

چون باین عبارات رسیدی : **اَللّٰهُمَّ احْفَظْ اِمَامَ الْمُسْلِمِيْنَ بِحِفْظِ الْاِيْمَانِ** قصد نمائی حضرت **صاحب العصر وَ الزمان (ارواحنا فداه)** را و ملتفت معانی آن باشی و از روی غفلت و حرکت زبان بدون توجه قلب نباشد. پس سلام کنی بر آن حضرت و تجدید عهد نمائی از روی صمیم قلب و کمال خلوص عقیدت با خدای و پیغمبر و ائمه و امام عصر خود (**عَلَيْهِمُ السَّلَام**) چنانکه بعد از این ذکر خواهد شد .

پس از آن سلام کنی به روز تازه و ترحیب گوئی به **ملکین کاتبین و ملکین حافظین** که تازه به تو وارد شده اند ، به قسمی که پیشوایان تو (**سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ**) فرموده اند . و سلام کنی بر انبیاء و اولیاء و صدیقین و شهداء و صلحاء از مؤمنین انس و مؤمنین جنّ و یاهمه آنها از روی صمیم قلب تجدید اخلاص و ارادت و حسن عقیدت و اظهار ایمان قلبی نمائی ، بواسطه آنکه تمام آنها در هر طبقه ای که هستند ، از جمله بندگان و دوستان و شیعیان و موالیان امام تو ، امام عصر (**عَجَّلَ اللّٰهُ فَرَجَهُ**) می باشند و به امامت آن حضرت اقرار دارند ، و درجات معرفت آنها به مراتب از درجه معرفت تو بالاتر و والاتر است . و این سلام و صلوات تو به آنها می رسد و می شنوند و باعث آن خواهد شد که آنها نیز تورا همه وقت دعا نمایند و صلوات و سلام به تو فرستند - که از موالیان و شیعیان امام عصر (**عَجَّلَ اللّٰهُ فَرَجَهُ**) هستی - و محسنات و فوائدی دیگر دارد که مرا مجال ذکر آنها نیست و تو را حالت شنیدن .

تکلیف ۱۴

سابقاً مذکور شد که یکی از تکالیف امام در غیبت امام (عَلِيهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) تجدید عهد است در هر روز و در هر شب و بعضی از معانی تجدید عهد را هم ذکر کردیم . پس چون داخل روز تازه شدی ، باید متوجه امام خود (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) شده از روی کمال خلوص عقیدت تجدید عهد و بیعت تازه با آن حضرت نمائی و چنان تصور کنی که امام تو (أَرْوَاخُنَا فِدَاهُ) در پرده اختفاء پنهان نیست و در مقر سلطنت خود جلوس فرموده و تو خدمت آن حضرت مشرف می شوی و در حضور بَاهِرُ النُّورِ آن حضرت ایستاده این کلمات را چنانکه آباء کرامش (عَلَیْهِمُ السَّلَام) فرموده اند ، توهم می گوئی . پس ابتداءً سلام کن به حضرت پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به این نهج ، چنانچه در " قُرْبُ الْأَسْنَادِ " و غیره از کتب معتبره از حضرت امام رضا (عَلِيهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) به سند صحیح روایت است که بَزَنْطِيْ به آن حضرت عرض کرد :

صلوات و سلام بر حضرت رسول (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بعد از هر نماز چگونه است ؟

حضرت فرمودند :

اما سلام فرستادن بر آن حضرت بدین قسم است ، بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، أَسَلَامٌ
عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ ، أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ ، أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ ، وَأَشْهَدُ

أَنْتَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ
 وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ عِبَدْتَهُ حَتَّى أَنْتَ الْيَقِينُ ، فَجَزَاكَ
 اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ
 إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ .

زیارت مختصری دیگر که مخصوص بعد از نماز صبح جمعه است ، انشاء الله
 تعالی بعد از این در محل خود ذکر خواهد شد . و بعد از آن سلام نمائی به
 آن حضرت (ارواحنا فداه) به سلامهائی که از ائمه معصومین و خود آن حضرت
 (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) وارد شده که بعد از این در کیفیت سلام فرستادن
 به آن حضرت به انواع سلامهای وارده در موضع خود خواهد آمد . پس از آن باید
 تقرب جوئی به خدای تعالی و رسول و ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَام) به " دعای تقرب "
 که از ائمه (ع) مذکور است ، فرموده اند دو دست خود را به آسمان بلند کنی و
 بگوئی :

اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ بِعَلِيِّ
 وَ صَبِيهِ وَ الْأَيْمَةِ مِنْ وَلَدِهِ الطَّاهِرِينَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيٍّ
 بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ
 جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ
 بْنِ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ صَلِّ وَ اتَّقَرَّبُ
 عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِمْ وَ اتَّوَلَّاهُمْ
 وَ اتَّبَعْتُهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَ أَشْهَدُ اللَّهُمَّ بِحَقَائِقِ الْإِخْلَاصِ وَ صِدْقِ
 الْيَقِينِ أَنَّكُمْ خُلِفَاؤُكَ فِي أَرْضِكَ وَ حُجَجُكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ
 الْوَسَائِلُ إِلَيْكَ وَ أَبْوَابُ رَحْمَتِكَ ، اللَّهُمَّ احْشُرْنِي مَعَهُمْ وَ لَا
 تُخْرِجْنِي مِنْ جَمَلَةٍ أَوْلِيائِهِمْ وَ ثَبِّتْنِي عَلَى عَهْدِهِمْ وَ اجْعَلْنِي
 بِهِمْ عِنْدَكَ وَ جِبْهَةً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُفْرَبِينَ وَ ثَبِّتْ
 الْيَقِينِ فِي قَلْبِي وَ زِدْنِي هُدًى وَ نُورًا ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

أَلْمُحَمَّدِ وَأَعْطِنِي مِنْ جَزِيلٍ مَا أَعْطَيْتَ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مَا
 آمَنَ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ وَأَسْتَوْجِبُ بِهِ رِضَاكَ وَرَحْمَتِكَ وَاهْدِنِي إِلَى
 مَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا ذَنبَكَ اتَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَيَّ
 صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
 حَسَنَةً وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَقِنِّي عَذَابَ النَّارِ .

بعد از آن بخوانی این دعا را که در " کافی " است که در تعقیب هر نماز
 باید خواند، و چون به این عبارت رسی :

اللَّهُمَّ احْفَظْ وَلِيِّكَ فُلَانٌ ...

بگوئی :

اللَّهُمَّ احْفَظْ وَلِيِّكَ الْقَائِمَ الْحُجَّةَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
 الطاهرين ...

و متوجه شوی به سوی آن حضرت و مضامین دعا را از روی صمیم قلب
 بخوانی :

رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِ مُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِ الْإِسْلَامِ دِينًا وَبِ الْقُرْآنِ
 كِتَابًا وَبِعَلِيِّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدٍ
 بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ بَيْنَ
 الْحَسَنِ أَثَمَةَ . اللَّهُمَّ وَلِيِّكَ الْقَائِمُ الْحُجَّةَ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
 وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ وَأَمِّدْ
 لَهُ فِي عَمْرِهِ وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ وَ الْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ وَ
 آرِهِ مَا تُحِبُّ وَتَقَرِّبْهُ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ فِي أَهْلِهِ وَ
 مَالِهِ وَ فِي شَيْعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ وَ آرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَ آرِهِ
 فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرِّبْهُ عَيْنُهُ وَ أَشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمِ
 مُؤْمِنِينَ .

بعد از آن متوجه شو بخدای خود و از او عهد و پیمان تازه بگیر و عهد و پیمان خود را تازه کن . و این چنان است که کفعمی و شیخ طبرسی (أَعْلَى اللَّهِ مَقَامَهُمَا) و سایر علماء اعلام روایت کرده اند از حضرت رسول (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) که روزی آن حضرت به اصحاب خود فرمودند:

آیا عاجزید که هر صبح و شام نزد خداوند عالمیان عهدی بگیرید؟
گفتند:

چگونه عهد بگیریم ؟
فرمودند که :

این دعا را بخوانید که هر که این دعا را بخواند مُهری بر آن می زند و در زیر عرش الهی می گذارند، چون روز قیامت شود مُنادی ندا کند که کجایند آنان که نزد خداوند رحمن عهدی دارند . پس آن عهد را به ایشان دهند و به آن عهد داخل بهشت شوند:

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا أَنْكَ أَنْتَ
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ وَأَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَلَا
تَكَلِّنِي إِلَى نَفْسٍ طَرَفَةً عَيْنٍ أَبَدًا وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَإِنَّكَ
أَنْ وَكَلَّتَنِي إِلَيْهِ تَابِعِدْنِي مِنَ الْخَيْرِ وَتُقَرِّبْنِي مِنَ الشَّرِّ
أَيُّ رَبِّ لَا أُشْقُ إِلَّا بِرَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَ
اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا تُؤَدِّيهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
الْمِيعَادَ .

بعد از آن متوجه شوی به خدای (عَزَّ سُبْحَانَهُ وَبَهْرُبُرْهَانُهُ) و به این عهد دیگر، خود را در دارین مفتخر و سر افراز نمائی ، و بخوانی عهدی را که از حضرت ابو جعفر (عَلَيْهِ السَّلَام) روایت است که در "مهج" ابن طاوس و سایر کتب دعوات ثبت است . حضرت می فرمایند:

هر کس از موالیان ما در عمر خود یکمرتبه این دعا را بخواند ، نوشته می شود در رِقِّ عبودیت و بلند می شود در دیوان حضرت قائم (اَرواحُنَا فِدَاهُ) پس چون ظهور فرماید قائم (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) ندا می فرماید به اسم خواننده؛ این دعا واسم پدر او، و می دهد به او آن نوشته که در رِقِّ عبودیت نوشته شده و گفته شود به آن کس که: "بگیر این کتاب عهد خود را که در دنیا با ما معاهده نمودی."

بعد حضرت ابی جعفر (عَلَیْهِ السَّلَام) فرمودند:

این است قول خدای (عَزَّ وَجَلَّ) که فرموده :

إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا .

بخوان این دعا را در حالتی که طاهر باشی:

اَللّٰهُمَّ يَا اِلٰهَ الْاَلٰهِيَّةِ يَا وَاحِدِيَا اَحَدُ يَا اٰخِرُ الْاٰخِرِيْنَ يَا قَاهِرَ الْقَاهِرِيْنَ يَا عَلِيَّ يَا عَظِيْمُ ، اَنْتَ الْعَلِيُّ الْاَعْلٰى عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ عُلُوٍّ هَذَا يَا سَيِّدِيْ عَهْدِيْ وَ اَنْتَ مُنْجِرُ وَعْدِيْ فَصِلْ يَا مَوْلَايْ عَهْدِيْ وَ اَنْجِرْ وَعْدِيْ ، اَمَنْتُ بِكَ وَ اسْتَلَكُ بِحِجَابِكَ الْعَرَبِيَّ وَ بِحِجَابِكَ الْعَجَمِيَّ وَ بِحِجَابِكَ الْعِبْرَانِيَّ وَ بِحِجَابِكَ السُّرْيَانِيَّ وَ بِحِجَابِكَ الرَّوْمِيَّ وَ بِحِجَابِكَ الْهِنْدِيَّ وَ اَثَبْتَ (وَ شَبَّتْ ، خ . ل) مَعْرِفَتَكَ بِالْعِنَايَةِ الْاَوْلٰى فَاِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لِاَثْرِيْ وَ اَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى وَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِرَسُوْلِكَ الْمُنْذِرِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ بَعَلِّيْ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ الْهَادِيَّ وَ بِالْحَسَنِ السَّيِّدِ وَ بِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ سِبْطِيْ نَبِيِّكَ وَ بِفَاطِمَةَ الْبِتُوْلِ وَ بَعَلِّيْ بِنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِيْنَ ذِي الثَّفَنَاتِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ عِلْمِكَ وَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّٰدِقِ وَ صَدِّقِ (الَّذِيْ صَدَّقَ ، خ . اصح) بِمِثَاقِكَ وَ مِيعَادِكَ (وَ بِمِيعَادِكَ ، خ) وَ مُوسٰى (وَ بِمُوسٰى ، خ . ل) بِنِ جَعْفَرِ الْحَضُوْرِ الْقَائِمِ بِعَهْدِكَ وَ بَعَلِّيْ بِنِ مُوسٰى الرِّضَا الرَّاضِيْ بِحُكْمِكَ وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

الجبرِ الفاضلِ المرْتَضی فی المؤمنینَ وبعلی بنِ مُحَمَّدِ الامیینِ
المؤتمنِ هادیِ المُستَرشدینِ وِبالْحَسَنِ بنِ عَلِيِّ الطاهرِ الزکَیِّ
خزائِةِ الوصیینِ وَ اتَّقَرَّبَ الیکَ بِالامامِ القائمِ العَدْلِ المَهْدیِّ
المُنْتَظَرِ (المُنْتَظَرِ المَهْدیِّ، خ) اِمامنا وَابنِ اِمامنا (اِثْمَنا ،
خ) صَلَوَاتُ اللّهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ ، یا مَنْ جَلَّ فَعَظْمُ وَاهْلُ
ذَلِكِ فَعَفِی وَ رَحِمَ یا مَنْ قَدَرَ فَلطَفًا اشکُو الیکَ ضَعْفی وَ ما
قَصَرَعنه اَملى مِنْ تَوْحیدِکَ وَ کُنْه مَعْرِفَتِکَ وَ اتَّوَجَّهْ الیکَ
بِالتَّسْمِیَةِ البَیضاءِ وَ بِالوَحْدانِیَةِ الکُبَریِ الَّتِی قَصَرَ
عَنها مَنْ اَدْبَرَ وَ تَوَلَّى وَ اَمَنْتَ بِحِجابِکَ الِاعْظَمِ وَ بِکَلِماتِکَ
التَّامَّةِ العَلیا الَّتِی خَلَقْتَ مِنْها دَارَ السَّلبیِّ وَ اَحَلَلْتَ مَنْ
اَحَبَبْتَ جَنَّةَ المَآوِیِّ وَ اَمَنْتَ بِالسَّابِقینَ وَ الصَّادِقینَ وَ
اَصْحابِ الِیَمینِ مِنَ المَؤْمِنینَ الذِّینَ خَلَطُوا عَمَلًا صالِحًا
وَ اَخْرَسَیْنا اَلتَّوَلِّینَ غَیْرَهُمْ وَ لا تَفَرِّقْ بَینَی وَ بَینَهُمْ عُدًّا
اِذا قَدَّمْتَ الرِّضایَ بِفِصلِ القِضاءِ اَمَنْتَ بِسِرِّهِمْ وَ عَلائِیْتِهِمْ وَ
خَواتِیمِ اَعْمالِهِمْ فَانکَ تَخْتَمُ عَلَیْها اِذا شِئتَ یا مَنْ
اَتَحَفَّنِی بِالاقْرارِ بِالوَحْدانِیَةِ وَ حَبانِی بِمَعْرِفَةِ الرُّبُوبِیَّةِ
وَ خَلَّصَنِی مِنَ الشَّکِّ وَ العِمْیِ رَضِیتُ بِکَ رَبًّا وَ بِالاصْفِیاءِ حُجْجًا
وَ بِالْمَحْجُوبِینَ اَنْبِیاءَ وَ بِالرُّسُلِ اَدْلِیاءَ وَ بِالْمُتَّقِینَ اَمْرًا
وَ سَامِعًا لکَ مَطِیعًا .

و بعد از آن متوجه به سوی امام عصر (ارواحنا فداه) و با آن حضرت معاهده‌ای
جدیده نمائی و با امام خود عهد و میثاق خود را در این روز جدید تازه می‌کنی ،
و باید متوجه مضامین عالیّه و عبارات سامیه‌ای این دعای عظیم القدر جلیل‌الشان
که از مکنونات الهیه و مخزونات غیبیه‌ی سرمدیه‌ی است باشی و باید در ادای
این عبارات کمال توجه و التفات قلبیه‌ی را داشته باشی ، که مبدا - نَعُوذُ بِاللّهِ - از
روی کذب و ریاء باشد . و این عهد را سیدین طاوس و کفعمی و دیگران در

مصابیح و کتب معتبره از حضرت صادق (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) روایت کرده‌اند که آن حضرت فرموده‌اند:

هر که خدا را بخواند به این عهد چهل صباح ، از انصار حضرت قائم (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) می‌شود. و اگر قبل از ظهور آن حضرت بمیرد و آن حضرت را (أرواحنا فداه) درک نکند، خداوند او را از قبرش زنده می‌کند- یعنی رجعت می‌کند بدنیا که خدمت آن حضرت مشرف شود - و خدای تعالی بهر کلمه هزار حسنه برای او بنویسد و هزار گناه از او محو کند:

اللَّهُمَّ رَبَّ السُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرِيَّةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ ، وَ رَبَّ الْمَلَكِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْكَرِيمِ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ وَ يَا سَمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ ، يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ (بِأَمْرِ اللَّهِ ، ح) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَنِّي وَ عَنِ الْوَالِدِيَّ وَ الْوَالِدِيَّ وَ إِخْوَانِي مِنْ الصَّلَاةِ زِينَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا عَشْتُ بِهِ فِي أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَرْوُلُ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ فِي حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ ، اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ

بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا
فَاخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قِنَاتِي
مَلْبِيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي، اللَّهُمَّ ارِنْسِي
الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاكْحَلْ بَصْرِي بِسَنْظَرَةِ
مِنِّي إِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَوْسِعْ مَنَهْجَهُ وَأَسْلِكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَانْفِذْ
أَمْرَهُ وَأَشْدِدْ أَرْزَهُ وَقَوِّظْ ظَهْرَهُ، وَأَعْمُرْ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَاحِي
بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ "ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ
وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ" وَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ وَابْنَ
وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمَسْمُومِ بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
وَأَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا
مَرْقَهُ وَيُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُ مَفْرَعًا
لِلْمَظْلُومِ مِنْ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمَجْدِدًا
لِمَا عَظَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمَشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ
وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَقْمَرًا مَحْصَنَةً
مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ، اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَيَّ دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا مِنْ
بَعْدِهِ، اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ
عَجِّلْ لَنَاظِهِورَهُ، إِنَّهُمْ يَبْرُونَهُ بَعِيدًا وَنَرِيهِ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

پس سه مرتبه دست بر زانوی راست بزن و بگو:

العَجَلُ العَجَلُ العَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ .

بعد از آن به اشتیاق لقای آن حضرت (أرواحُ العالمینِ قِداه) در خواب یا بیداری و تجدید عهد و میثاق با امام خود (أرواحنا قِداه) از روی کمال محبت و مودت و اتحاد و خلوص عقیدت و وداد، می خوانی دعای عظیم القدری را که حضرت صادق (علیه السلام) فرموده اند:

هر که بخواند بعد از هر فریضه، بدرستی که می بیند امام محمد بن الحسن (عَلِيهِ وَ عَلَي آيَاكَ السَّلَام) را یا در بیداری یا در خواب، و سید بن طاووس (قَدَسَ سِرُّهُ) فرموده زیارتی - که امام عصر را در هر روز بعد از نماز فجر باید زیارت کرد - این است :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، اللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُؤَلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ
 اَیْنَ مَا كَانَ وَ حَیْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا
 سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا عَنِّيْ وَ عَنِ الْوَالِدِیْنِ وَ عَنِ وُلْدِیْ وَ اِخْوَانِی
 السَّحَابِیَّةِ وَ السَّلَامِ عَدَدَ خَلْقِ اللّٰهِ وَ زِنَةَ عَرْشِ اللّٰهِ وَ مَا اَحْصَاهُ
 كِتَابُهُ وَ اَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ ، اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَجِدُّدُ فِی صَبِيْحَةِ هَذَا
 الْیَوْمِ وَ مَا عِشْتُ فِیْهِ مِنْ اَیَّامِ حَیَاتِیْ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَیْعَةً
 لَهٗ فِیْ عُنُقِیْ لَا اَحُوْلُ عَنْهَا وَلَا اَزُوْلُ ، اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِنْ اَنْصَارِهِ
 وَ نَصْرِهِ وَ الدَّابِّیْنَ عَنْهُ وَ السُّمَمْتِثْلِیْنَ لِاَوْامِرِهِ وَ نَوَاهِیْهِ
 فِیْ اَیَّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِیْنَ بَیْنَ یَدَیْهِ ، اللّٰهُمَّ فَاِنْ حَالَ بَیْنِیْ
 وَ بَیْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِیْ جَعَلْتَهُ عَلَیْ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِیًّا
 فَآخِرْ جَنِّیْ مِنْ قَبْرِیْ مُؤْتَزِّرًا كَفَنِّیْ شَاهِرًا سِیْفِیْ مُجَرِّدًا قَنَاتِیْ
 مُلَبِّیًّا دَعْوَةَ الدَّاعِیْ فِی الْحَاضِرِ وَ الْبَادِیْ ، اللّٰهُمَّ اَرِنِیْ
 الطَّلْعَةَ الرَّشِیْدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِیْدَةَ وَ اَكْحَلْ بَصْرِیْ (ناظری ، خ. ل)

بِنظرة منى اليه و عجل فرجه و سهل مخرجه ، اللهم اشدد ازره
 و قو ظهره و طول عمره و اعمر اللهم به بلادك و احي به عبادك
 فانك قلت و قولك الحق : ظهر الفساد في البر و البحر بما كسبت
 ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك و ابن بنت نبيك المسمى
 باسم رسولك صلوا تك عليه و آله حتى لا يظفر بشيء من الباطل
 الا مزقه و يحق الله الحق بكلماته و يحققه ، اللهم اكشف هذه
 الغمة عن هذه الأمة ، انهم يرونه بعيدا و نريه قريبا . . .

بعد از آن عرض عقاید حقه خود را باید بملایکه که تازه ورود کرده اند

بنمائی، که عقاید حقه تو را بنویسند در جزو اعمال امروز تو، هنگام غروب آفتاب که صعود می نمایند با خود ببرند. و بهترین دعاهائی که مشتمل بر شهادت به وحدانیت خدا و نبوت خاتم انبیاء و وصایت تمام اوصیاء و اکثر عقاید حقه است و متضمن حوائج دنیا و آخرت است، دعای عظیم القدری است که سید بن طاوس در "مُهَج الدَّعَوَات" از موسی بن جعفر (صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ) روایت کرده و مجلسی (عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ وَ الرَّضْوَان) در "بِحَارِ الْأَنْوَار" از کتاب "عتیق" نقل نموده و مُسَمًّى است به دعای اعتقاد، سید بن طاوس (قُدَسَ سِرُّهُ) همین دعای اعتقاد را در "مُهَج" از حضرت رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) نیز نقل نموده که از اصل کتاب یونس بن بکیر این دعا را یافته که یونس از آن حضرت سؤال می نماید که تعلیم نماید او را دعائی که در وقت شادند بخواند. و این دو دعا در مضامین و عبارات جزئی اختلافی با هم دارند. هرکه خواهد رجوع به "مُهَج" نماید:

اللّٰهُمَّ اِنِّ ذُنُوبِي وَ كَثْرَتُهَا قَدْ عَبَّرَتْ وَ جَهِي عِنْدَكَ وَ حَبَّبْتَنِي
عَنْ اِسْتِيْهِالِ رَحْمَتِكَ وَ بَاعَدْتَنِي عَنْ اِسْتِنْجَارِ مَغْفِرَتِكَ، وَ
لَوْلَا تَعَلُّقِي بِاِلَاٰئِكَ وَ تَمَسُّكِي بِالرَّجَاءِ لِمَا وَعَدْتَ اَمْثَالِي مِنَ
الْمُسْرِفِيْنَ وَ اَشْبَاهِي مِنَ الْخَاطِئِيْنَ وَ نَهَيْتِ الْقَانِطِيْنَ
بِقَوْلِكَ يَا عِبَادِي الَّذِيْنَ اَسْرَفُوا عَلٰى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ
رَحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا اِنَّهُ هُوَ الْغَفُوْرُ
الرَّحِيْمُ" وَ حَذَرْتَ الْقَانِطِيْنَ مِنْ رَحْمَتِكَ فَقُلْتَ "وَمَنْ يَّقْنَطُ
مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ اِلَّا الضَّالُّونَ" ثُمَّ نَدَبْتَنَا بِرَحْمَتِكَ اِلَى دُعَاكَ
فَقُلْتَ "اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنِ
عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ" اِلٰهِي لَقَدْ كَانَ ذَلِ الْاِيَّاسِ
عَلَيَّ مُشْتَمِلًا وَ الْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ بِي مُلْتَحِفًا، اِلٰهِي قَدْ وَعَدْتَ
الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ بِكَ ثَوَابًا وَ اَوْعَدْتَ الْمُسِيئَ بِكَ ظَنَّهُ عِقَابًا،
اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ اَسْبَلْتُ دَمْعِي حَسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي عِتْقِ رَقَبَتِي مِنْ
النَّارِ وَ تَعَمَّدْتُ زَلْلِي وَ اِقَالَعِي عَشْرَتِي وَ قُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ لَا

خَلْفَ لَهُ وَلَا تَبْدِيلَ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ وَذَلِكَ يَوْمَ
النُّشُورِ إِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ وَبُعِثَرَمَا فِي الْقُبُورِ، اللَّهُمَّ
إِنِّي أَقْرَوُ وَأَشْهَدُ وَأَعْتَرِفُ وَلَا أَجْحِدُ وَأُسْرُو أَظْهَرُ وَأُعْلِنُ
وَأُبْطِنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لِشَرِيكَ
لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ
سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَقَاتِلَ الْمُشْرِكِينَ وَ
إِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَمُبِيرَ الْمُنَافِقِينَ وَمُجَاهِدَ النَّاكِثِينَ
وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ وَإِمَامِي وَمَحَجَّتِي وَمَنْ لَا أَشْتَقُ
بِالْأَعْمَالِ وَإِنْ زَكَّتْ وَلَا أَرَاهَا مُنْجِيَةً لِي وَإِنْ صَلَحَتِ الْأَبْوَالِيَتُهُ
وَإِلْيَتِي بِهِنَّ وَالْإِقْرَارِ بِفَضَائِلِهِنَّ وَالْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهِنَّ وَ
التَّسْلِيمِ لِرِوَايَاتِهِنَّ، اللَّهُمَّ وَأَقْرِبْ يَا وَصِيَاءَهُ مِنْ أِبْنَائِهِ أَئِمَّةً
وَحُجَجًا وَأَدِلَّةً وَسُرُجًا وَأَعْلَامًا وَمَنَارًا وَسَادَةً وَأَبْرَارًا وَ
أَدْبِينَ بِسِرِّهِمْ وَجَهْرِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَحَيْبِهِمْ وَمَبِيتِهِمْ وَ
شَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ لِأَنَّكَ فِي ذَلِكَ وَلَا أَرْتِيَابَ وَلَا تَحْوَلَ عَنْهُ وَ
لَا انْقِلَابَ، اللَّهُمَّ فَادْعْنِي يَوْمَ حَشْرِي وَحِينَ نَشْرِي بِإِمَامَتِهِمْ وَ
أَحْشُرْنِي فِي زَمَرَتِهِمْ وَاكْتُبْنِي فِي أَصْحَابِهِمْ وَاجْعَلْنِي مِنْ
إِخْوَانِهِمْ وَانْقِذْنِي بِهِمْ يَا مَوْلَايَ مِنْ حَرِّ النَّتِيرَانِ فَإِنَّكَ إِنْ
أَعْفَيْتَنِي مِنْهَا كُنْتُ مِنَ الْفَائِزِينَ، اللَّهُمَّ وَقَدْ أَصْبَحْتُ فِي
يَوْمِي هَذَا لِاثْقَةِ لِي وَلَا مَفْرَعٍ وَلَا مَلْجَأَ وَلَا مُلْتَجَاءَ غَيْرَ مَنْ
تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ مِنْ آلِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيَّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالحَسَنَ وَ
الحُسَيْنَ وَالْأئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِمْ وَالْحُجَّةَ الْمَسْتُورَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ
الْمَرْجُوعَةَ لِأُمَّةٍ مِنْ بَعْدِهِمْ وَخَيْرَتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ،
اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ حِصْنِي مِنَ الْمَكَارِهِ وَمَعْقِلِي مِنَ الْمَخَافِيفِ وَ
نَجْنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ طَاغٍ وَفَاسِقٍ بَاغٍ وَمِنْ شَرِّ مَا أَعْرَفُوا وَمَا
أَنْكَرُوا وَمَا اسْتَنْزَعَلْتَنِي وَمَا أَبْصَرُوا مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ

بِنَاصِيَتِهَا ، اَنْ رَّبِّي عَلَيَّ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ، اَللّٰهُمَّ بَتَّوَسَّلِي
 اِلَيْكَ بِهِمْ وَتَفَرَّيْ بِمَحَبَّتِهِمْ اِفْتَحْ عَلَيَّ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ
 مَغْفِرَتِكَ وَحَبِّبْنِي اِلَى خَلْقِكَ وَجَنِّبْنِي عَدَاوَتَهُمْ وَبُغْضَهُمْ ،
 اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوَابٌ وَلِكُلِّ ذِي شَفَاعَةٍ
 حَقٌّ فَاَسْئَلُكَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ (جَعَلْتَهُمْ ، خ. ل.) اِلَيْكَ سَبِيًّا وَقَدْ مَنَّهُ
 (قَدْ مَنَّهُمْ ، خ. ل.) اِمَامَ طَلِبَتِي اَنْ تُعَرِّفَنِي بِرَكَّةٍ يَوْمَ هَذَا وَعَامِي
 هَذَا وَشَهْرِي هَذَا ، اَللّٰهُمَّ فَهَمُّ مُعَوْلِي فِي شِدَّتِي وَرُخَائِي وَعَافِيَتِي
 وَبَلَائِي وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَظَعْنِي وَاِقَامَتِي وَعُسْرِي وَيُسْرِي وَصَبَاحِي
 وَمَسَائِي وَمُنْقَلَبِي وَمَشْوَاي ، اَللّٰهُمَّ فَلَا تُخَلِّنِي بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِكَ وَ لَا
 تُخَيِّبْنِي بِهِمْ مِنْ نَاعِلِكَ وَلَا تُقَطِّعْ رَجَائِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُفْتِنَنِي
 بِاِعْلَاقِ اَبْوَابِ الْاَرْزَاقِ وَ اَشْدَادِ مَسَالِكِهَا وَ اِرْتِنَاجِ مَذَاهِبِهَا
 وَ اِفْتَحْ لِي مِنْ كُدُنِكَ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ ضَنْكٍ
 مَخْرَجًا وَ اِلَى كُلِّ سَعَةٍ مِنْهَا ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ،
 اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلِ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ مُخْتَلِفَيْنِ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَ
 مُعَافَاَتِكَ وَ مَنِّكَ وَ فَضْلِكَ وَ لَا تُفْقِرْنِي اِلَى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
 بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ بِكُلِّ
 شَيْءٍ مُّحِيطٌ وَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيْلُ .

پس از آن بخوان تعقیب بعد از نماز صبح را که در "مصباح" شیخ و
 کفعمی و "فلاح السائل" و "مکارم الاخلاق" و "بحار الانوار" و سایر کتب
 معتبره به اسناد صحیح از حضرت صادق (علیه الصلوٰة و السلام) روایت
 کرده اند. و این دعای جلیل القدر عالیة المضامین نیز مشتمل است بر شهادت
 به وحدانیت حضرت باریتعالی (عَظْمُ شَأْنُهُ وَ بَهْرُ بُرْهَانِهِ) و نبوت حضرت
 خاتم انبیاء و وصایت تمام اوصیاء و عرض عقاید حقّه و ذکر امام و مولای تو
 (أرواحنا فداءه) و ذکر حوائج دنیا و آخرت و غیرها. ابتدای آن چنین است:
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَهْلِ

بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ ...

و آخر دعا این است :

... الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَىٰ عَنِّي صَلَوةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

كِتَابًا مَوْقُوتًا وَكَمْ يَجْعَلُنِي مِنَ الْغَابِرِينَ .

چون دعا طولانی است ، ترک شد .

تکلیف ۱۵

پس از آن متوجه می‌شوی به سوی زیارت جدّ معظم امام خود (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) حضرت امیرالمومنین (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَعْصومِينَ) ، زیرا که ساعت از طلوع فجر تا وقت طلوع آفتاب - موافق تقسیم ساعات دوازده‌گانه به‌دوازده امام (عَلَيْهِمُ السَّلَام) - متعلق به حضرت امیرالمومنین (عَلَيْهِ السَّلَام) است . در این وقت وساعت مناسب است که توجه و اقبال نمائی به سوی امام اول خود و آن حضرت را واسطه و وسیله و شفیع انجام مطالب و مآرب دنیویه و اخرویّه خود قرار دهی و زیارت نمائی آن حضرت را ، و بخوانی این دو دعا را که مخصوص ساعت متعلقه به آن حضرت است ، و شیخ طوسی در "متهجد" و ابن باقی در "مصباح" و کفعمی و اکثر علمای امامیه مثل شیخ اجلّ بهائی در "مفتاح الفلاح" و مجلسی در "صلاة بحار" و غیره و غیره (رضوان الله تعالی علیهم) دو دعای منسوب به آن حضرت را - که از طلوع صبح است تا طلوع آفتاب این قسم نوشته اند و حقیر شرح آنرا در " دعوۃ الحسنى " ذکر نموده فلاحظ ، دو دعای مزبور این است :

اللَّهُمَّ رَبَّ الظَّلَامِ وَالْفَلَقِ وَالْفَجْرِ وَالشَّفَقِ وَاللَّيْلِ وَمَا
وَسَقَ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ، خَالِقِ الْإِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ أَظْهَرْتَ
قُدْرَتَكَ بِبَدْيِ صُنْعَتِكَ وَخَلَقْتَ عِبَادَكَ لِمَا كَلَّفْتَهُمْ مِنْ
عِبَادَتِكَ وَهَدَيْتَهُمْ بِكَرَمِ فَضْلِكَ إِلَى سَبِيلِ طَاعَتِكَ وَتَفَرَّدْتَ
فِي مَلَكُوتِكَ بِعَظِيمِ السُّلْطَانِ وَتَوَدَّدْتَ إِلَى خَلْقِكَ بِقَدِيمِ

الإِحْسَانَ وَتَعَرَّفْتَ إِلَىٰ بَرِّبَتِكَ بِجِسْمِ الْإِمْتِنَانِ يَا مَنْ
يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ، أَسْأَلُكَ
اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ الَّذِي نَزَلَتْ الرُّوحُ عَلَيَّ قَلْبِهِ
لِيَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَيَا مِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ابْنَ عَمِّ الرَّسُولِ وَبِعَلِّ الْكَرِيمَةَ الْبَتُولِ
الَّذِي فَرَضْتَ وَلَايَتَهُ عَلَيَّ الْخَلْقِ وَكَانَ يَدُورُ حَيْثُ دَارَ الْحَقُّ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَعَلْتَهُمْ وَسِيلَتِي
وَقَدَمَتَهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تَغْفِرَ ذَنْبِي وَتُطَهِّرَ
قَلْبِي وَتَسْتُرَ عَيْبِي وَتُفَرِّجَ كُرْبِي وَتُبَلِّغَنِي مِنْ طَاعَتِكَ
وَعِبَادَتِكَ غَايَةَ أَمَلِي وَتَقْضِيَ لِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ،
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

دعای دویم که در این ساعت خواندن آن مستحب است :

اللَّهُمَّ رَبَّ الْجَبَّاهِ وَالْعَظَمَةِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالسُّلْطَانَ أَظْهَرْتَ
الْقُدْرَةَ كَيْفَ شِئْتَ وَمَنَنْتَ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِمَعْرِفَتِكَ وَتَسَلَّطْتَ
عَلَيْهِمْ بِجَبْرٍ وَتَكَ وَعَلَّمْتَهُمْ شُكْرَ نِعْمَتِكَ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ وِلَايَتِكَ
عَلَيَّ أَمِيرِ الْهُدَى وَمُنِيَنِ الْمُتَّقِينَ لِلدِّينِ وَالْعَالَمِ بِالْحُكْمِ وَ
مَجَارِي التَّقَى إِمَامِ الْمُتَّقِينَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي
الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ وَأُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا ...

در کفعمی این زیادتى نقل شده :

وَ أَنْ تَسْتَقِمَّ لِي مِمَّنْ ظَلَمَنِي وَبَغَى عَلَيَّ وَ أَكْفِنِي مَوْنَةَ مَنْ
يُرِيدُنِي بِسُوءٍ أَوْ ظَلَمٍ ، يَا نَاصِرَ الْمَظْلُومِ الْمَبْغَى عَلَيْهِ ، يَا
عَظِيمَ الْبَطْشِ يَا شَدِيدَ الْإِنْتِقَامِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ...

مطلب و حاجت خود را ذکر کند که برآمده است ، انشاء الله تعالی .

تکلیف ۱۶

پس از آن باید ملاحظه نمائی که این روز تازه، تو کدام یک از ایام هفته است و او را چه نامی است و نسبت این روز به کدامیک از حُجج طاهرين (سَلَامُ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) به حسب اعمال می رسد، که متوسل و متمسک بصاحب آن روز شوی و حوائج دنیوی و اخروی و دفع بلا و قضایا و شرور شیاطین انسی و جنّی را بواسطه صاحب و متعلق آن از خدا بخواهی. و تفصیل نسبت ایام هفته را سید بن طاوس (قُدَسَ سِرُّهُ) در " جَمَالُ الْأُسْبُوعِ " ذکر نموده به اسناد خود از حضرت امام علی النقی (صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ) که آن حضرت فرمودند:

شنبه اسم رسول خدا است (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و یکشنبه اسم حضرت امیر المومنین (عَلَيْهِ السَّلَام) و دو شنبه امام حسن و امام حسین (عَلَيْهِمَا السَّلَام) و سه شنبه حضرت سجاد و امام محمد باقر و امام جعفر صادق (عَلَيْهِمُ السَّلَام) و چهار شنبه حضرت موسی الکاظم و حضرت رضا و امام محمد تقی و امام علی النقی (عَلَيْهِمُ السَّلَام) و پنجشنبه حضرت امام حسن عسکری (عَلَيْهِ السَّلَام) و جمعه حضرت صَاحِبُ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ (رُوْحِي وَ أَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ فِدَاهُ) .

پس ابن طاوس (قَدَسَ اللّٰهُ رُوْحَهُ) ذکر مینماید زیارات مخصوصه هریک را در هریک از ایام مخصوصه به ایشان (سَلَامُ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) به این قسم:

زیارت حضرت رسول (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روز شنبه:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُهُ
وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ
وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
الْحَسَنَةِ وَأَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ
بِالْمُؤْمِنِينَ وَغُلِّظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا
حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ،
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشَّرْكِ وَالضَّلَالِ . اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ
الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
وَأَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ
الْأُولَى وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَ
أَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَالِصَتِكَ
وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ وَالْوَسِيلَةَ
وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغِيطُهُ بِهِ
الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ . اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ " وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا
أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ
لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا " الْهِيَ فَقَدْ آتَيْتَ نَبِيَّكَ
مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْهَا
لِي يَا سَيِّدَنَا اتَّوَجَّهُ بِكَ وَيَا هَلْ بَيْتِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى رَبِّكَ
وَرَبِّي لِيغْفِرَ لِي ...

پس سه مرتبه بگو:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ...

و بگو:

أُصِيبُ بِكَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِنَا فَمَا أَعْظَمَ الْمُصِيبَةَ بِكَ حَيْثُ
انْقَطَعَ عَنَّا الْوَحْيُ وَحَيْثُ فَقَدْنَاكَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
يَا سَيِّدَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ بَيْتِكَ

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ هَذَا يَوْمَ السَّبْتِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَأَنَا فِيهِ
ضَيْفُكَ وَجَارُكَ فَأَضْفِنِي وَأَجْرِنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ
وَمَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ فَأَضْفِنِي وَأَحْسِنِ ضِيَافَتِي وَأَجْرِنِي وَأَحْسِنُ
إِجَارَتِي بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ آلِ بَيْتِكَ وَبِمَنْزِلَتِهِمْ
عِنْدَهُ وَبِمَا اسْتَوْدَعَكُمْ اللَّهُ مِنْ عِلْمِهِ فَإِنَّهُ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ
وَوَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ .

زیارت حضرت امیر المومنین و حضرت فاطمه زهراء (صلواتُ اللہ علیہما)

در روز یکشنبه که منسوب است به آنها :

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَالِدَوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ
الْمُثْمَرَةِ بِالنُّبُوَّةِ الْمُوَنَعَةِ بِالْإِمَامَةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى
ضَجِيعِكَ آدَمَ وَنُوحَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ
الْخَافِينَ بِقَبْرِكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، هَذَا يَوْمُ
الْأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَبِاسْمِكَ وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجَارُكَ ، فَأَضْفِنِي
يَا مَوْلَايَ وَأَجْرِنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَمَأْمُورٌ
بِالْإِجَارَةِ فَافْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ
وَآلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ بِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ . . .

پس قصد زیارت زهراء (علیها السلام) نماید و بگوید :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُتَحَنِّئَةً إِمْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ ، فَوَجَدَكَ لِمَا
امْتَحَنَكَ صَابِرَةً ، أَنَا لَكَ مُصَدِّقٌ صَابِرٌ عَلَى مَا آتَى بِهِ أَبُوكَ وَ
وَصِيهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَأَنَا أَسْأَلُكَ إِنْ كُنْتُ صَدَقْتُكَ إِلَّا
الْحَقِّتَنِي بِتَصَدِيقِي لَهُمَا لِتَسْرَنَفْسِي فَاشْهَدِي إِنِّي طَاهِرٌ
بِوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ آلِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

و یافتم این زیارت را بروایت دیگر به زیادتى این قسم :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُتَحَنِّئًا اِمْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَكَ
وَ كُنْتَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ بِهِ صَابِرَةً وَ تَحَنُّكَ اَوْلِيَا مُصَدِّقُونَ وَ
لِكُلِّ مَا اَتَى بِهِ اَبُوكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ اَتَى بِهِ وَصِيِّهِ
مُسَلِّمُونَ وَ تَحَنُّنٌ نَسَأَلُكَ اللهُ اِذْ كُنَّا مُصَدِّقِينَ لَهُمْ اَنْ تُلْحِقَنَا
بِتَصَدِّقِنَا بِالدرَجَةِ الْعَالِيَةِ لِنُبَشِّرَ اَنْفُسَنَا يَا نَا قَدْ طَهَّرْنَا
بِوَلَايَتِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

زیارت حَسَنِین (عَلَیْهِمَا السَّلَام) در روز دو شنبه ، اول قصد زیارت امام
حسن را (عَلَیْهِ السَّلَام) نموده بگوید :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ
اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللهِ ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا نُورَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بَيَانَ حُكْمِ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللهِ ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبِرُّ الْوَقِيُّ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْاَمِينُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْعَالِمُ بِالتَّوَالِي ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِي الْمَهْدِي ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الظَّاهِرُ الزَّكِيُّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
التَّقِيُّ النَّقِيُّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصِّدِّيقُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

پس از آن بقصد زیارت حضرت امام حسین (عَلَیْهِ السَّلَام) بگوید :
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ اَمِيرِ

المؤمنين، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَشْهَدُ
 أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ
 وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ
 حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ مِنْي مَا بَقِيَتْ
 وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ، أَنَا يَا مَوْلَايَ
 مَوْلَى لَكَ وَآلِ بَيْتِكَ، سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَمْ وَحَرِّبْ لِمَنْ حَارَبَكَمْ،
 مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَجَهْرُكُمْ وَظَاهِرُكُمْ وَبَاطِنُكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ أَعْدَاكُمْ
 مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْهُمْ، يَا
 مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ هَذَا يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ
 وَهُوَ يَوْمُكُمْ وَأَبَا سُوَيْدٍ وَأَنَا فِيهِ صَيْفُكُمْ فَاصْبِرْ يَا فَاحِشِنَا
 (وَاحْسِنَا، خ) ضِيَا فِتْنَةٍ مِنْ اسْتَضْيَافِهِ أَنْتُمْ وَأَنَا فِيهِ
 مِنْ جَوَارِكُمْ فَاجْبِرْ نِي فَانْكُمَا مَا مَوْرَانِ بِالصِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ
 فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَأَلِكُمَا الطَّيِّبِينَ.

زيارت حضرت علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد (صلوات
 اللہ علیہم أجمعین) در روز سه شنبه:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خِرَانَ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا تَرَاجِمَةَ
 وَحِي اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَعْتَمَةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
 أَعْلَامَ التَّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلَادَ رَسُولِ اللَّهِ، أَنَا عَارِفٌ
 بِحَقِّكُمْ مُسْتَبْصِرٌ بِشَانِكُمْ، مُعَادٍ لِأَعْدَائِكُمْ مُوَالٍ لِأَوْلِيَاءِكُمْ،
 يَا بَنِي أَنْتُمْ وَأُمِّي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَسْوَلُ
 آخِرَهُمْ كَمَا تَوَلَّيْتُ أَوْلَهُمْ، وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَاسِطَةٍ دُونَهُمْ
 وَآكْفُرُ بِالْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى، صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْكُمْ يَا مَوَالِيَّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 سَيِّدَ الْعَابِدِينَ وَسُلَالَةَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَاقِرَ عِلْمِ
 النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَادِقًا مُصَدِّقًا فِي الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ

يَا مَوْلَىٰ هَذَا يَوْمِكُمْ وَهُوَ يَوْمُ الثَّلَاثِ وَأَنَا فِيهِ ضَيْفٌ لَكُمْ
وَمُسْتَجِيرٌ بِكُمْ ، فَأَضِيفُونِي وَاجْبِرُونِي بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ عِنْدَكُمْ
(بِمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَبِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ ، كَذَا فِي بَعْضِ النُّسخِ)
وَأَلْبَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ .

زیارت موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد
(صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) ، روز چهارشنبه :

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ ،
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ آلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ،
يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي ، لَقَدْ عَبْدْتُمُ اللَّهَ مُخْلِصِينَ وَجَاهِدْتُمْ فِي
اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّىٰ أَتَيْتُكُمْ الْيَقِينَ ، فَلَعَنَ اللَّهُ أَعْدَائَكُمْ مِنَ
الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّيْكُم مِّنْهُمْ ،
يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ مُوسَىٰ بْنَ جَعْفَرٍ ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا
الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَىٰ ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ، يَا
مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ ، أَنَا مَوْلَىٰ لَكُمْ مَوْءِنٌ بِسِرِّكُمْ
وَجَهْرِكُمْ ، مُتَضَيِّفٌ بِكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا وَهُوَ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ
وَمُسْتَجِيرٌ بِكُمْ فَأَضِيفُونِي وَاجْبِرُونِي بِأَلْبَيْتِكُمُ الطَّاهِرِينَ .

زیارت حضرت امام همام الحسن بن علی العسکری (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) روز پنجشنبه :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَخَالِصَتَهُ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثَ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةَ
رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنَ عَلِيٍّ أَنَا مَوْلَىٰ
لَكَ وَآلِ بَيْتِكَ وَهَذَا يَوْمُكَ وَهُوَ يَوْمُ الْخَمِيسِ وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ
وَمُسْتَجِيرُكَ فَأَحْسِنْ ضِيافَتِي وَاجَارْتِي بِحَقِّ آلِ بَيْتِكَ

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ .

زیارت امامنا و سیدنا صاحب العصر و الزمن محمّدين الحَسَن (صَلَوَاتِ
اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ عَلٰى اَبَائِهِ الطَّاهِرِينَ) در روز جمعه:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ
فِي خَلْقِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي بِهِ يَهْتَدِي
الْمُهْتَدُونَ ، وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النِّجَاةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ
الْحَيَاةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ
الطَّاهِرِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النُّصْرَةِ
ظُهُورَ الْأَمْرِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ أَنَا مَوْلَاكَ عَارِفًا بِأَوْلَاكَ وَ
أَخْرِيكَ ، اتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ وَ أَنْتَ ظُنُّرُ
ظُهُورِكَ وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى يَدِكَ وَ اسْئَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي مِنَ الْمُنتَظِرِينَ لَكَ
وَ التَّابِعِينَ وَ النَّاصِرِينَ لَكَ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ
بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَاكَ ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ هَذَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَهُوَ
يَوْمُكَ الْمَتَّوِّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ ، وَ الْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَيَّ ،
يَدِيكَ وَ قَتْلَ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ ، وَ أَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَ
جَارُكَ وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنَ أَوْلَادِ الْكِرَامِ وَ مَا مُسَوَّرٌ
بِالْجَارَةِ فَاضْفَنْيَ وَ أَجْرَنِي ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ
بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ .

در خصوص نماز هديه به جهت هريك از معصومين (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

أَجْمَعِينَ) بعد از این در موضع خود ذکر خواهد شد، فَانْتَظِرْ.

تکلیف ۱۷

باید عقیده^۱ تو این باشد که روح نماز و روزه و حج و جهاد و عموم اعمال و تکالیف واجبه و مستحبه^۲ خیریه، ولایت اهل بیت معصومین است (عَلَيْهِمُ السَّلَام) و بدون ولایت ایشان (عَلَيْهِمُ السَّلَام) هیچ طاعتی و عبادتی از احدی قبول نخواهد شد، چنانکه سابقاً اشاره شد که در زیارت امام عصر (أَرْوَا حُنَا فِدَاه) می‌خوانی:

أَشْهَدُ أَنْ بِيَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَتُرَكَّى الْأَفْعَالُ وَتُضَاعَفُ
الْحَسَنَاتُ . . .

پس هر کس درجه محبت و مودت و خلوص عقیدت او افزونتر است، تقرب او به خدا و رسول و ائمه^۳ طاهرين (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ) زیادتر است. در این صورت تکلیف تو آن است که قبل از نماز متوجه شوی و متذکر گردی امام عصر خود (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) را، که اوست روح تمام عبادات تو، واز برکت وجود مبارک آن حضرت تو موفق شده‌ای به ادای نماز واز برکت وجود مقدس آن حضرت نماز تو مقبول خواهد شد. و اگر تولای آن حضرت نباشد، نماز تو ابداً مقبول نخواهد شد، اگر چه آنقدر عبادت کنی که مانند مشک پوسیده شوی. آیا نمی گوئی در زیارات ایشان (سَلَامٌ اللَّهُ عَلَيْهِم) :

أَشْهَدُ أَنْكُمْ صَلَوَتِي وَ صَوْمِي وَ حَجِّي وَ جِهَادِي . . .

آیا نخوانده‌ای حدیثی را که حضرت ابی‌عبدالله (علیه السلام) به داود بن کثیر می‌فرماید:

يَا دَاوُدُ نَحْنُ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَنَحْنُ الزَّكَاةُ وَنَحْنُ الصِّيَامُ وَنَحْنُ الْحَجُّ وَنَحْنُ الشَّهْرُ الْحَرَامُ وَنَحْنُ الْبَلَدُ الْحَرَامُ وَنَحْنُ كَعْبَةُ اللَّهِ وَنَحْنُ قِبْلَةُ اللَّهِ وَنَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى "فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ".

و در دعای افتتاح صلوات می‌خوانی دعای توجّه را که امام تو (ارواحنا فداه) در جواب جمیری تویح فرموده‌اند که ملخص آن این است:

دعای توجّه‌ی که سنت مؤکده است و اجماعی است بلاخلاف:

"وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا - عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَهُدَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ" ، "إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لِأَشْرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ".

متذکر ولایت امام عصر و آباء کرامش (علیهم السلام) باید باشی، زیرا که مراد از حنیف، ولایت است و دین متعلق به محمد است (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و هدایت مخصوص امیر المومنین و اعقاب اوست (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ). به‌مچنین در قنوت دعا کنی امام زمان خود را (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) و بخوانی از قنوتاتی که مروی از اهل بیت معصومین است (علیهم السلام) بخصوص قنوتی که مخصوص خود آن حضرت است. از آن جمله در "مُهَج" و سایر کتب دعوات مسطور است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَكْرَمِ أَوْلِيَاءِكَ ...

یا بخوان این دعائی که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان و در هر

حال و در هر زمان باید بخوانی:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْحَجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ ...

چنانکه تمام آن در دعوات مخصوصه به آن وجود مبارک خواهد آمد.

تکلیف ۱۸

و باید چنان مشغول نماز باشی که پس از حاضر و ناظر بودن حضرت باری تعالی (جَلَّ شَأْنُهُ وَ بَهْرُبُرْهَانُهُ) لامحاله تصور کنی که امام تو (أَرْوَاحُنَا فِدَاهُ) نشسته و می بیند که توجه قسم نماز می خوانی . مانند نماز حماد نباشد که شصت سال از عمر او گذشته بود ، و حضور حضرت صادق (عَلَیْهِ السَّلَام) نتوانست نماز صحیح بخواند . بهمچنین در قیام و قعود و رکوع و سجود . بهمچنین در تشهد که سلام می دهی بر نبی و آل او (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) متذکر امام زمان خود (أَرْوَاحُنَا فِدَاهُ) باشی ، و چون بگوئی در تشهد آنچه راکه در " فقه الرضا (ع) " مسطور است و بررسی به این مضمون :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ
الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ
آلِ طَهٍّ وَبَيْتِهِ . . .

متذکر امام زمان خود (أَرْوَاحُنَا فِدَاهُ) شوی ، و چون بررسی به این فقرات :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْهَادِيْنَ الْمَهْدِيِّيْنَ الرَّاشِدِيْنَ الْفَاضِلِيْنَ
الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ . . .

متذکر امام عصر و آباء کرام او (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) شوی ، و چون بگوئی :

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ . . .

متذکر امام زمان خود باشی، و چون بگوئی:
 السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ...

متذکر محمد و آل محمد، و سیمایا امام زمان خود و سایر مؤمنین جن و انس شوی، که سلام تو لغو نباشد. و چون سجده شکر بجا بیاوری نیز دعا در حق آن حضرت (أرواحنا فداه) کنی، چنانکه حضرت صادق (علیه السلام) در سجده خود دعا نموده و عمّا قریب تمام آن ذکر خواهد شد.

تکلیف ۱۹

از جمله تکالیف انام در غیبت امام (عَلَيهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) دعا نمودن است در حق امام زمان خود (أَرْوَا حُنَّا فِدَاهُ) بعد از هر نماز و متوسل شدن به آن حضرت . که شفاعت فرماید در درگاه حضرت احدیت (جَلَّ جَلَالُهُ وَ عَمَّ نَوَالُهُ) که نماز تو مقبول شود . و تضرع نمائی که اعمال تو را هراوقات که به امام تو عرضه می‌دارند ، اعمال و صلوات تو را قبول فرماید و از صبح مبارک بگذارند . و عمده تعقیبات بعد از هر نماز را دعا نمودن بوجود مقدس امام خود قرار دهی ، یابه دعواتی که مخصوصه و مأثوره است ، یابه دعواتی که خود انشاد و انشاء نماید و مخصوصاً سلام فرستادن و زیارت آن حضرت و آباء معصومینش را (عَلَيهِمُ السَّلَام) بعد از هر نماز - چنانکه سیره و دأب اهل اسلام است - ترک نمائی .

اما تعقیبات مخصوصه که بعد از هر نماز از ائمه معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَام) رسیده که مشتمل و متضمن است بدعا نمودن به وجود اقدس امام عصر (أَرْوَا حُنَّا فِدَاهُ) بسیار است .

از جمله دعواتی است که در تعقیب هر دو رکعت نماز شب و بعد از نماز شفع و نماز وتر و قنوتات آنها وارد شده .
و از جمله دعواتی است که بعد از دو رکعت نماز نافله فجر و بعد از نماز صبح وارد شده و بعضی از آن دعوات را سابقاً ذکر کردیم و بعضی را به جهت

طول آنها ترک کردیم - باید رجوع به کتب مخصوصه و غیرها شود - که باید کمال اهتمام را در مداومت آنها نموده و تغافل از قرائت و مواظبت آنها نشود .

از جمله دعواتی که سزاوار است در تعقیب نماز ظهر بخوانی دعائی است که سید بن طاوس (قُدس سرّه) در " فلاح السائل " ذکر نموده که از مهمات عقیب نماز ظهر اقتدا کردن است به حضرت صادق (عَلَیْهِ السَّلَام) در دعا از برای مهدی (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ) چنانچه روایت کرده به اسناد خود از عباد بن محمد مدائنی که گفت :

داخل شدم بر ابی عبدالله (عَلَیْهِ السَّلَام) در مدینه در وقتی که فارغ شده بود از نماز ظهر و دستهای خود را به آسمان بلند کرده و می گفت :

أَيُّ سَامِعٍ كُلِّ صَوْتٍ ، أَيُّ جَامِعٍ كُلِّ قَوْتٍ ، أَيُّ بَارِيٍّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ
 الْمَوْتِ ، أَيُّ بَاعِثٍ أَيُّ وَارِثٍ ، أَيُّ سَيِّدِ السَّادَةِ ، أَيُّ النَّهْ
 الْأَلِيهِةِ ، أَيُّ جَبَّارِ الْجَبَابِرَةِ ، أَيُّ مَلِكِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، أَيُّ رَبِّ
 الْأَرْبَابِ ، أَيُّ مَلِكِ الْمُلُوكِ ، أَيُّ بَطَّاشٍ أَيُّ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ ،
 أَيُّ فِعَالٍ لِمَا يُرِيدُ ، أَيُّ مُحْصِي عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ ، أَيُّ
 مَنِ السَّرِّ عِنْدَهُ عِلَانِيَةٌ ، أَيُّ مُبْدِئِ أَيُّ مُعِيدٍ ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ
 خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيَّ نَفْسِكَ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآهْلَ بَيْتِهِ وَإِنْ تَمَنَّيْتَ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفِكَكَ
 رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَنْجِزْ لَوْلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ
 بِأَذْنِكَ وَآمِينِكَ فِي خَلْقِكَ وَعَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ
 خَلْقِكَ عَلَيَّ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَدُّهُ . اللَّهُمَّ أَيْدِهِ بِنَصْرِكَ
 وَانْصُرْ عَبْدَكَ وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبْرَهُمْ ، وَافْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ
 سُلْطَانًا نَصِيرًا وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَآمِكْنَهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ
 رَسُولِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

در بعض از نسخ بجای " ای " همه جا " یا " حرف نداست . راوی گوید :
 گفتم : " فدای تو شوم ، آیا برای نفس خود دعا نکردی ؟

فرمودند: " به تحقیق دعا کردم از برای نور آل محمد (علیهم السلام) و سابق ایشان و انتقام‌کشنده به امر خداوند از دشمنان آل محمد (علیهم السلام) ". گفتم: " فدای توشوم، کی خروج او خواهد بود؟ " فرمودند: " هر زمان اراده فرماید خدائی که از برای اوست خلق و امر... "

از جمله دعوائی که نیز سید (قَدَسَ اللّهُ رُوحَهُ) در " فلاح السائل " ذکر نموده - به اسناد خود از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) - که جمیل بن دراج می‌گوید:

مردی آمد خدمت آن حضرت (علیه السلام) و عرض کرد:
 " یا سیدی، ستم بالارفته و خویشان من همه درده‌اند و مونس ندارم، می‌ترسم که مرا نیز مرگ درپاید. " حضرت فرمودند: " برادران مؤمن صالح، برای انس گرفتن بهترند از اقارب. و اگر درازی عمر خود و خویشان و دوستان خود را بخواهی، این دعا را بعد از هر نماز بخوان:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ
 الْمُصَدَّقَ صَلَّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ: " مَا تَرَدَّدْتُ فِي
 شَيْءٍ أَنَا فَأَعْلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ،
 يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاعَتَهُ. " اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَلَا
 تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي أَحَدٍ مِّنْ أَحِبَّتِي ...

و اگر خواهی یک یک از دوستان خود را نام ببر و بگو:
 وَلَا فِي فُلَانٍ وَلَا فِي فُلَانٍ ...

راوی گفت:

چون بر این دعا مداومت کردم، چندان عمری یافتم که از زندگانی ملول شدم.

مجلسی (قُدِّسَ سِرُّهُ) در " مِقْبَاس " می‌گوید:

این دعا بسیار معتبر است و در جمیع کتب دعا نقل شده.

پس در وقت گفتن این عبارات که :

عَجَلِ لَوْلِيكَ الْفَرْجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ ...

متذکر امام عصر (اَرَوَّاحُنَا فِدَاهُ) شوی و فرج و عافیت و نصرت

آن حضرت را از خدای تعالی بخواهی .

از جمله دعواتی که مناسب است خوانده شود، دعائی است که در تعقیب

نماز عصر وارد شده ، سید بن طاوس (قُدِّسَ سِرُّهُ) و جمعی از علماء در کتب خود

ذکر کرده‌اند . پس سید فرموده :

از جمله مهمات بعد از نماز عصر اقتدا نمودن است به مولای

ما موسی بن جعفر (عَلَيهِمَا السَّلَام) در دعا نمودن از برای مولای

ما مهدی (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) چنانچه روایت کرده آنرا محمد بن

بشیرآزدی از احمد بن عمر کاتب از حسن بن محمد بن جمهور عمی از

پدرش محمد بن جمهور از یحیی بن فضل نوفلی ، گفت :

داخل شدم بر حضرت موسی بن جعفر (عَلَيهِ السَّلَام) در بغداد

زمانی که فارغ شده بود از نماز عصر ، پس دستهای خود را به آسمان

بلند کرد و فرمود :

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَ

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَنُقْصَانُهَا وَ

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَ خَلْقَكَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَ

لَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ الْمَشِيَّةُ وَالْإِيكُ

الْبِدَاءُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ ، أَنْتَ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَمَحُّوْ مَا تَشَاءُ وَتَشْبِثُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا

إِلَهَ الْآآتِ لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الْحَلِيلُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ اللَّفَاكُ وَلَا تَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ
 كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَ
 أَخْفَى دِيَانِ يَوْمِ الدِّينِ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ بَاعَثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ
 مُحْيِيَ الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ
 الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَعْجَلَ فَرَجَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ
 أَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ .

یحیی بن نوفلی گفت :

عرض کردم : " کیست برای آنکه دعا نمودید؟ " فرمودند :
 این مهدی است از آل محمد (علیهم السلام) . پدرم فدای آنکه فراخ
 شکم است ، پیوسته ابروان ، سابقهای باریک دارد ، میان دو منکبش
 دور و رنگش گندم گون که زردی چهره او را از بیداری شب عارض
 شده . پدرم فدای آنکه در شبش مراقب است ستارگان را که سجده
 کند یا رکوع کند . پدرم فدای آنکه قائم بامر الله است . "

از جمله دعاها که مناسب است بعد از هر نماز یا در هر روز خوانده شود
 - که متضمن است بر استدعای از درگاه حضرت احدیت (سَهْرُ رَهَانِه) بر رؤیت
 قائم آل محمد (أَرْوَا حُنَا فِدَا ه) - دعائی است که سید بن طاوس در " مُهْجِ
 الدَّعَوَات " در جزو احراز حضرت زین العابدین والساجدین - (عَلِيهِ السَّلَام)
 ذکر نموده وَ هُوَ هَذَا :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّظِيرِينَ
 يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، يَا خَالِقَ
 الْمَخْلُوقِينَ، يَا رَازِقَ الْمَرْزُوقِينَ، يَا نَاصِرَ الْمَنْصُورِينَ،
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ، يَا غِيَاثَ

المُسْتَفِيشِينَ، أَغْنِي يَا مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ، أَيَّاكَ نَعْبُدُ وَ
 أَيَّاكَ نَسْتَعِينُ، يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ
 الْمُضْطَرَّيْنَ، أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ الْكَبِيرُ رَدَاؤُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 الْمُصْطَفَى وَعَلَى عَليِّ الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَخَدِيجَةَ
 الْكُبْرَى وَالْحَسَنَ الْمُجْتَبَى وَالْحُسَيْنَ الشَّهِيدَ بِكِرْبَلَاءَ وَ
 عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ وَ
 جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الْكَاطِمِ وَعَلِيَّ بْنَ
 مُوسَى الرِّضَا وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ السَّقِّيَّ الْجَوَادَ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ
 السَّقِّيَّ الْهَادِيَّ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ
 الْمَهْدِيَّ الْهَادِيَّ الْإِمَامَ الْمُنْتَظَرَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
 أَجْمَعِينَ . اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ وَانصُرْ مَنْ
 نصرَهُمْ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ وَالْعَنْ مَنْ ظَلَمَهُمْ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ
 مُحَمَّدٍ وَانصُرْ شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاهْلِكَ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
 ارْزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنَ اتِّبَاعِهِ وَ
 أَشْيَاعِهِ وَالرَّاعِينَ بِفِعْلِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

از جمله دعائی است که در سجده، بعد از نماز باید خواند - که مشتمل است
 بر دعای فرج - چنانکه سید بن طاوس (قُدَسَ سِرُّهُ) از حضرت صادق (علیه
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) روایت کرده که آن حضرت در سجده دعای طولانی خوانده‌اند
 که اول آن این است :

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ...

تا آنجا که فرموده‌اند :

أَنْ تَأْذَنَ لِفَرَجٍ مَنْ يَفْرَجُهُ فَرَجُ أَوْلِيَائِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ مِنْ
 خَلْقِكَ وَبِهِ تَبِيدُ الظَّالِمِينَ وَتُهْلِكُهُمْ عَجَلٌ ذَلِكَ يَارَبُّ
 الْعَالَمِينَ .

تکلیف ۲۰

از جمله تکالیف مقررۀ انام در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) آن است که در همه اوقات دعا کنی برای آن حضرت (اَرَوَا حُنَا فِدَاهِ) بجهت نصرت و ظفر یافتن آن حضرت در زمان غیبت و ظهور بر اعدای جنّ و انس ، زیرا که اعدا عدو آن حضرت در هر عصر و زمان شیطان ملعون و اتباع اوست (لَعَنَهُمُ اللّٰهُ) که بوسایط و وسایل عدیده ، اسباب عداوت و عناد و اظهار خصومت و لیداد خود را با آن حضرت فراهم می آورد . پس بر هر عبدی از عباد واجب است که در تمام اوقات طلب تعجیل نصرت و فتح و فیروزی و ظفر آن حضرت را بر اعدای دین عاجلاً و آجلاً از درگاه باری تعالی مسئلت نمایند و چنان گمان نکنند که فعلاً آن وجود مقدس در گوشه انزوا از ترس اعدای خزیده و مأمور بدفع و رفع اعدای دین و اجانب و مبغضین نیستند ، بلکه در هر روز و شبی آنآ فائز ، یداً و لساناً و مالاً و قلماً و قدماً مشغول محاربه و مجادله با اعدای ظاهره و باطنه دین مبین است و ابدا آرام و آسایش ندارد ، تا ظهور موفور السّرور او که :

يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا ، كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَجوراً .

مگر یاد نداری فقرهء حرب شیعی و سنی را در زمان غیبت کبری که در "بحار" نقل کرده ؟ ملخص آن این است که مُحی الدین اربلی گفت که :

من نزد پدر خود بودم و مردی با او نشسته بود . ناگاه آن مرد را حالت نَعَسه گرفت . عمامه از سر او افتاد و جای ضربت

هایلهای در سر او پیدا شد . پدرم از اثر آن ضربت سؤال نمود ، آن مرد گفت : " این ضربت از صفین است . " پدرم گفت : " جنگ صفین در زمان قدیم بود و تو در آن زمان نبودى . " آن مرد گفت که : " من یكوقتی سفر کردم بسوی مصر و مردی از قبیله عَزّه با من رفیق شد . پس در میان راه روزی جنگ صفین را یاد کردیم . آن رفیق من گفت : " اگر من در روز صفین می بودم ، شمشیر خود را از خون علی (ع) و اصحاب او سیراب می کردم . من گفتم : " اگر من در آن روز می بودم ، شمشیر خود را از خون معاویه و اصحاب او سیراب می کردم . و اینک من و تو اصحاب علی و معاویه ایم . " پس با یکدیگر جنگ عظیمی کردیم و جراحت بسیار بر یکدیگر رسانیدیم ، تا آنکه من از شدت ضربتها افتادم و از حال رفتم . ناگاه مردی را دیدم که به سر نیزه مرا بیدار می کند ، چون چشم گشودم آن مرد از مرکب فرود آمد و دست به جراحتهای من مالید ، فوراً عافیت یافتم . فرمود که : " در اینجا مکث نما . " پس غایب شد و بعد از اندک زمان بر گشت و سر آن خصم من با او بود و مرکب او را نیز آورده بود . پس به من فرمود که : " این سر دشمن تست و تو ما را یاری و نصرت کردی ، ما تو را یاری کردیم . و خداوند عالم یاری می کند هر که او را یاری کند . " من گفتم : " تو کیستی ؟ " گفت :

" من ، فلان بن فلان . " یعنی حضرت صاحب الزمان (عَلَيْهِ السَّلَامُ) . پس به من فرمود : " هر که تو را از این ضربت سؤال کند ، بگو ضربت صفین است . "

چنانچه حقیر بخواهد معاونت و معاضدت لسانی و بدنی و سیفی و قلمی و جانی و مالی آن حضرت را در غیبت کبری تعداد نماید ، کتابی مبسوط خواهد شد .

تکلیف ۲۱

استاد اعظم (دَامَ ظَلُّهُ الْعَالِي عَلَى رُؤْسِ الْأَعَالِي وَالْأَدَانِي) در " نَجْم الثَّاقِب " در طی تکالیف مقررّه در زمان غیبت فرموده:

از جمله تکالیف انام در غیبت امام (عَلَيْهِ السَّلَام) دعا کردن است از برای حفظ وجود مبارک امام عصر (عَلَيْهِ السَّلَام) از شرور شیاطین انس و جن و طلب تعجیل نصرت و ظفر و غلبه بر کفار و ملحدین و منافقین برای آن جناب ، که این نوعی است از اظهار بندگی و رضا به آنچه خدای تعالی وعده فرموده ، که چنین گوهر گرانبھائی را که در خزانه قدرت و رحمت خود پُرورده ، و برچهره آن حجاب عظمت و جلالت کشیده ، و تا آن روز که خود مصلحت داند که آن جوهر شمین را ظاهر و دنیا را از پرتو شعاع آن روشن نماید و با چنان وعده منجز حتمی، در دعا ، جز ادای رسم بندگی و اظهار شوق و زیادتى محبت و ثواب و رضا به موهبت کبرای خداوند اثری ظاهر نباشد. اگر چه بغایت تأکید و تحریص فرمودند در دعا برای آن حضرت (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) در غالب اوقات .

سید جلیل علی بن طاوس در فصل هشتم از کتاب " فَلَاحُ السَّائِلِ " فرموده - بعد از ذکر ترغیب در دعای برای اخوان - که:

هر گاه این همه فضل دعا است برای برادران تو، پس چگونه

خواهد بود فضل دعا کردن برای سلطان تو، که او سب وجود تست و تو اعتقاد داری که اگر نبود آن جناب، نمی آفرید خداوند تو را و نه احدی از مکلفین را در زمان او و زمان تو. و اینکه لطف وجود او (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) سبب است از برای هر چه که تو و غیر تو در آنید و سبب است از برای خیر که می رسید به آن. پس حذر کن آنگاه، حذر کن از اینکه مقدّم بداری نفس خود را یا احدی از خلائق را در ولاء و دعای از برای آن جناب (عَلَيْهِ السَّلَام) بغایت آنچه ممکن شود، و حاضر کن قلب خود را و زبان خود را در دعای از برای این سلطان عظیم الشان. و حذر کنی از اینکه اعتقاد کنی که من این کلام را گفتم برای اینکه آن جناب محتاج است به سوی دعای تو. هیئات که اگر این را معتقد شوی، پس تو مریضی در اعتقاد و دوستی خود. بلکه این را گفتم برای آن چیزی بود که تو را شناساندم از حق عظیم آن جناب بر تو و احسان بزرگ او بسوی تو، و به جهت اینکه هرگاه دعا کردی برای او پیش از دعا کردن برای نفس خود و برای آنکه عزیز است نزد تو، نزدیکتر خواهد بود به آنکه باز نماید خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) ابواب اجابت را در پیش روی تو. زیرا که ابواب قبول دعا را ای بنده بستنی به سبب گناهان. پس هرگاه دعا کردی برای این مولای خاصّ در نزد مالک احیاء و اموات، امید است به جهت آن وجود مقدّس، خداوند ابواب اجابت را باز نماید. پس داخل شوی تو در دعا کردن برای نفس خود، و برای آنکه دعا می کنی برای او در زمره اهل فضل او، و فرومی گیری رحمت خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) مر تو را و کرم و عنایت او به تو، زیرا که چنگ زدی در دعا به حبل او. و نگوئی که من ندیدم فلان و فلان را از کسانی که پیروی می کنی ایشان را از مشایخ خود، که عمل بکنند به آنچه من می گویم. و نیافتم ایشان را مگر غافل از مولای ما، که اشاره کردم به سوی جنابش (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ). پس من می گویم به

تو که عمل کن به آنچه می‌گویم به تو که اوست حق واضح، و کسی که واگذار
 مولای ما را و غافل شود چنانچه ذکر نمودی، پس آن غلطی است واضح . . .
 و نیز در کتاب "مِضمار" در عمل ماه مبارک فرموده - بعد از ذکر ادعیهٔ سحر که
 از وظیفهٔ هر شب این است که ابتداءً نمایند بنده در هر دعای مبرور و ختم کند
 در هر عمل مشکور، بذکر آنکه اعتقاد دارد که او نایب خداوند (جَلَّ جَلالُهُ)
 است در میان بندگان او و بلاد او. زیرا که اوست قِیم به آنچه محتاج است
 به او این صائم از طعام خود و شراب خود و غیر این از مقاصد خود، از
 اسبابی که متعلق است به حضرت نایب از جانب ربِّ الارباب. و این
 که دعا کند از برای آن جناب این صائم به آنچه سزاوار است که مثل
 آن جناب را به آن دعا کنند، و معتقد شود که مَنّت مر خدای
 راست و نایب او (عَلَيْهِ السَّلَام) که چگونه او را اهل دانستند برای
 این مقام، و رتبهٔ او را بلند نمودند تا به این محل و منزلت. "
 و از این کلمات شریفه معلوم میشود که سبب دعای برای آن جناب
 یکی ادای رسم بندگی و تبعیت و وفای حق بزرگی و جلالت است و
 دیگری رفع موانع قبول و اجابت و فتح ابواب لطف و عنایت است . . .

حقیر گوید: در این خصوص مزید بیانی بعد از این در طی تکالیف آتیه
 خواهد آمد.

تکلیف ۲۲

چون دانستی که از جمله تکلیفات ، دعا نمودن است در حق آن حضرت در اکثر اوقات مخصوصه و ازمنهء منصوصه ، بلکه عموم دعاهاى خود را در حق آن حضرت (ارواحنا فداه) قرار دادن و آن وجود اقدس را در تمام دعوات و مقاصد مقدّم داشتن . پس در این مورد ذکر می‌نمائیم بعضی دعوات مخصوصهء جلیل القدر را که از اهل بیت معصومین (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) وارد شده ، که امر فرموده‌اند شیعیان و موالیان را که دعانمایند در حق آن حضرت و در حق خود که اسباب جلب فیوضات ظاهره و باطنه گردیده ، بدین سبب باعث فوز و فلاح و نجات و نجاح دارین آنها شود :

از جمله دعائى است که سید بن طاوس (قُدْسِ سِرّه) از کتاب ابن ابی قرّه ذکر کرده به اسناد خود از علی بن حسن بن علی بن فضال از محمد بن عیسی بن عبید ، به اسناد خود از صالحین (عَلَيْهِمُ السَّلَام) که فرمودند :

مکرّر بخوان در شب بیست و سیم ماه رمضان در حالت ایستاده و نشسته و هر حالتی که باشی ، و در تمام آن ماه و هر قسم که ممکن شود تورا و هر زمان از دهرت که حاضر شود . می‌گوئی بعد از تمجید کردن خدای تعالی و صلوات بر پیغمبر و آل او (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ) :

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ
عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ
وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا

حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوْلاً وَعَرَضاً وَ تَجْعَلَهُ
 وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْ الْأَعْمَةِ الْوَارِثِينَ . اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انصُرْ بِهِ وَ
 اجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ لَهُ وَ عَلَى يَدِهِ وَ اجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ وَ الْفَتْحَ
 عَلَى وَجْهِهِ وَ لا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ . اللَّهُمَّ اظْهَرِ بِهِ دِينَكَ وَ
 سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ
 الْخَلْقِ ، اللَّهُمَّ انى أَرْغَبُ إِلَيْكَ فى دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا
 الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تَذُلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ
 الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ آتِنَا فى الدُّنْيَا
 حَسَنَةً وَ فى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اجْمَعْ لَنَا خَيْرَ
 الدَّارَيْنِ وَ اقضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا نَحِبُ فِيهِمَا وَ اجْعَلْ لَنَا فى
 ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَ مَتِّكْ فى عَافِيَةِ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَ يَدِكَ الْمَلَأَ فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ
 وَ عَطَاؤُكَ يَزِيدُ فى مُلْكِكَ .

و کفعمی (علیه الرحمه) در " مصباح " دعای مزبور را چنین نقل نموده :

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ
 وَ فى كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا
 حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوْلاً .

و در " کافی " نیز همین دعا را به اختلافی اندک روایت نموده ، فلاحظ .
 و از جمله دعائی است که سید (قُدَسِ سِرُّهُ) در " جمال الأسبوع " به اسناد
 معتبره صحیحه - و دیگران - از یونس بن عبدالرحمن روایت کرده اند که
 حضرت رضا (علیه الصلوة و السلام) امر فرمودند که برای حضرت صاحب الامر
 این دعا را بخوانند :

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَن وَلِيِّكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعْبَرِ
 عَمَّنْكَ بِأَذْنِكَ النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فى بَرِّيَّتِكَ

وشاهدك على عبادك الجحاح المجاهد العائذ بك العائذ
 عندك وأعدّه من شرّ جميع ما خلقت وبرأت وأنشأت وصوّرت
 واحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن
 فوقه ومن تحته بحفظك الذي لا تضيع من حفظته به واحفظ
 فيه رسولك وآبائه السادة ائمتك ودعائم دينك واجعله
 في وديعتك التي لا تضيع وفي جوارك الذي لا يخفروا في
 منعك وعزك الذي لا يقهروا آمنه بآمانك الوثيق الذي لا
 يخذل من آمنه به واجعله في كنفك الذي لا يرام من كان
 فيه وانصره بنصرك العزيز وأيده بجندك الغالب وقوّه
 بقوّتك وأردفه بملائكتك وال من والأه وعاد من عاداه
 واليسه درعك الحصينة وحفه بالملائكة حقاً، اللهم اشعب
 به الصدع وأرتق به الفتق وأمت به الجور وأظهر به
 العدل وزين بطول بقائه الارض وأيده بالنصر وانصره
 بالرعب وقوّناصريه واخذل خاذليه ودمدم على من نصب
 له ودمر على من غشه وأقتل به جبايرة الكفر وعمده و
 دعائمه واقصم به رؤس الضلالة وشارعة البدع ومميتة
 السنة ومقوية الباطل ودلّل به الجبارين وأبرز به
 الكافرين وجميع الملحدين في مشارق الارض ومغاريبها
 وبرها وبحرها وسهليها وجبليها حتى لا تدع منهم دياراً ولا
 تبقى لهم آثراً، اللهم طهر به بلادك واشف منهم عبادك و
 اعز به المؤمنين واحي به سنن المرسلين ودارس حكم
 النبيين وجدّد به ما امتحن من دينك وبذل من حكمك حتى
 تعيد دينك به وعلى يديه جديداً غصاً محضاً صحيحاً لا عوج
 فيه ولا بدعة معه وحتى تنير (تبيّن او تبير (خ)) بعدله
 ظلم الجور وتنظف به نيران الكفر وتوضح به معاهد الحق
 ومجهول العدل فاتّه عبدك الذي استخلصته لنفسك و

اصْطَفَيْتَهُ عَلَيَّ غَيْبِكَ وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ
وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَكَ
بِیَوْمِ الْقِيَمَةِ وَبِیَوْمِ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يَذُنِبْ ذَنْبًا وَلَا أَتَى
حُوبًا وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ
حَرَمَةً وَلَمْ يَبْدِلْ لَكَ فَرِيضَةً وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً وَأَنْتَ الْهَادِي
الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَضِيُّ الْمَرْضِيُّ الزَكِيُّ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ
فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنَهُ
وَتُسَرِّبُهُ نَفْسَهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مَلِكِ الْمَمَالِكِ قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا وَعَزِيزِ
هَا وَذَلِيلَهَا حَتَّى يَجْرَى حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَيَغْلِبَ بِحُكْمِهِ عَلَى كُلِّ
بَاطِلٍ، اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَالْمَحْجَةَ الْعَظْمَى
وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى يَرْجِعَ إِلَيْهَا الْعَالِي وَيَلْحَقُ بِهَا النَّالِي وَ قَوْنَا
عَلَى طَاعَتِهِ وَثَبَّتْنَا عَلَى مَتَابَعَتِهِ (مُشَايَعَتِهِ، خ) وَآمَنَّا
عَلَيْنَا بِمُبَايَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ
الضَّاهِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرْنَا
بِیَوْمِ الْقِيَمَةِ* فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبِهِ سُلْطَانِهِ وَ
اجْعَلْ ذَلِكَ خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسَمْعَةٍ حَتَّى لَا
نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَحَتَّى تَحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَ
تَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَأَعِدَّنَا مِنَ السَّأْمَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ
وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِذِينِكَ وَتُعَزِّبُهُ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَلَا
تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنِ اسْتَبَدَّكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ
هُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ. اللَّهُمَّ نُورِ بِهِ كُلَّ ظَلَمَةٍ وَهَدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ
وَاهْدِمِ بِعِزِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ وَأَقْصِمِ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَأَخْمِدِ بِسَيْفِهِ كُلَّ
نَارٍ وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ جُورَ كُلِّ جَائِرٍ وَأَجْرُ حُكْمِهِ عَلَى كُلِّ حَاكِمٍ وَ
أَذِلْ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ. اللَّهُمَّ أذِلْ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَاهْلِكْ كُلَّ
مَنْ عَادَاهُ وَآمَكْرِ بِمَنْ كَادَاهُ وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ وَاسْتَهَانَ
بِأَمْرِهِ وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ وَإِحْمَادِ ذِكْرِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنِ
الرَّضِيِّ وَالْحُسَيْنِ الْمُضَفَّى وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى
وَ أَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ التَّقَى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَالْحَبْلِ
الْمَتِينِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ
وَ الْأَثَمَةِ مِنْ وَلَدِهِ وَ مَدْفِي أَعْمَارِهِمْ وَ زِدْفِي آجَالِهِمْ وَ بَلِّغْهُمْ
أَقْصَى آمَالِهِمْ دِينًا وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

(* "يَوْمَ الْقِيَامَةِ" در اینجا مراد از رجعت است که قیامت صغری باشد، نه قیامت کبری .

سید بن طاوس (قُدَسَ سِرُّهُ) در " جمال الأسبوع " این دعا را به روایت دیگر از حضرت رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) ذکر نموده با اختلاف در بعضی مضامین آن . و در بعضی از نسخ بعد از " وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ " این قسم وارد است :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِكَ وَ الْأَثَمَةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ بَلِّغْهُمْ آمَالَ لَهُمْ
وَ زِدْفِي آجَالِهِمْ وَ اعِزَّنصرَهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا اسْتَدَّتْ إِلَيْهِمْ مِنْ
أَمْرِكَ لَهُمْ وَ ثَبَّتْ دَعَائِهِمْ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَ عَلَى دِينِكَ
أَنْصَارًا فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَ دَعَائِمُ
دِينِكَ وَ وُلَاةُ أَمْرِكَ وَ خَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ صَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ
وَ أَوْلِيَاكَ وَ سَلَائِلُ أَوْلِيَاكَ وَ صَفْوَةُ أَوْلَادِ رُسُلِكَ وَ السَّلَامُ
عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ . . .

کفعمی نیز در " مصباح " این دعا را به این زیادتی نقل کرده و خواندن همه خوب است .

از جمله دعائیست که سید بن طاوس نقل کرده در " مضمار " و مجلسی (قُدَسَ سِرُّهُ) در " بحار " ، که در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان خوانده شود و خواندن چنین دعائی ، البته در همه اوقات مطلوب و مُسْتَحْسَن است ، وَ الدُّعَاءُ حَسَنٌ فِي كُلِّ حَالٍ :

اللَّهُمَّ اِنِّى اُديْنَكَ بِطَاعَتِكَ وَاوْلَايَتِكَ وَاوْلَايَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَاوْلَايَةِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ حَبِيْبِ نَبِيِّكَ وَاوْلَايَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطِيْ نَبِيِّكَ وَسَيِّدِيْ شَبَابِ اَهْلِ جَنَّتِكَ وَاُديْنَكَ يَا رَبِّ بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بِنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بِنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بِنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بِنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بِنِ عَلِيٍّ وَسَيِّدِيْ وَمَوْلَايْ صَاغِبِ الزَّمَانِ ، اُديْنُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَاوْلَايَتِهِمْ وَاِلْتِسَامِيْ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ رَاضِيًا غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُتَكَبِّرٍ عَلَيَّ مَعْنِيْ مَا اَنْزَلْتَ فِيْ كِتَابِكَ ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ وَاَرْفَعْ عَنِّيْ وَلِيَّكَ وَخَلِيْفَتِكَ وَلِسَانِكَ وَالفَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالمُعْظَمِ لِحُرْمَتِكَ وَالمُعْبَرِ عَنكَ وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ وَاُذُنِكَ السَّامِعَةِ وَشَاهِدِ عِبَادِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ وَالمُجَاهِدِ فِيْ سَبِيْلِكَ وَالمُجْتَهِدِ فِيْ طَاعَتِكَ وَاَجْعَلْهُ فِيْ وُدِّيْعَتِكَ الَّتِيْ لَا تُضَيِّعُ وَاَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الغَالِبِ وَاَعِيْنْهُ وَاَعِيْنْ عَنَّهُ وَاَجْعَلْنِيْ وَاوَالِدِيْ وَاوَالِدَا وَمَا وُلِدَا وَاوَالِدِيْنَ وَاوَالِدِيْنَ يَنْصُرُوْنَهُ وَيَنْتَصِرُوْنَ بِهٖ فِي الدُّنْيَا وَالاٰخِرَةِ اِشْعَبْ بِهٖ صَدْعَنَا وَاَرْتُقْ بِهٖ فَتَقْنَا ، اَللَّهُمَّ اٰمِتْ بِهٖ الْجَوْرَ وَدَمِدْمِ بِهٖ مَن نَّصَبَ لَهٗ وَاَقْصِمْ رُؤْسَ الضَّلَالَةِ حَتَّى لَا تَدْعَ عَلَيَّ الْاَرْضُ مِنْهُمْ دِيَّارًا .

از جمله دعائی است که شیخ کلینی (قدس سره) در " کافی " و دیگران در کتب معتبره روایت کرده اند زُراره می گوید :

عرض کردم خدمت حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) که فدای توشوم ، اگر زمان غیبت حضرت را (عَجَلَ اللهُ فَرْجَهُ) درک کردم ، به چه چیز عمل نمایم ؟

فرمود :

ای زُراره ، اگر درک کردی آن زمان را ، پس ملازم شو خواندن این دعا

را:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ
 نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ
 أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ
 ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

از جمله دعائی است که شیخ کلینی (رضوانُ الله تعالیٰ علیه) در
 "کافی" و صدوق در "کمال الدین" و شیخ طوسی در کتاب "غیبت" به اسانید
 معتبره روایت کرده‌اند که شیخ ابو عمر و عمری (قُدَسَ سِرُّهُ) - که نایب اول
 حضرت صاحب العصر و الزمان (ارواحنا فداه) است و اسم او عثمان بن سعید
 عمری است - این دعا را املاء و تعلیم نمود به ابو علی محمد بن همام و
 امر فرمود که این دعا را بخواند در غیبت حضرت قائم (علیه الصلوٰة والسلام)،
 و سید بن طاوس (قُدَسَ سِرُّهُ العزیز) در "جمال الأسبوع" این دعا را روایت
 کرده از جماعتی به اسناد آنها از شیخ طوسی از جماعتی از تلعبیری از ابی
 علی محمد بن همام عین این دعا را و مجلسی (قُدَسَ سِرُّهُ) عین این دعا
 را از دو کتاب مذکور در "کتاب دعای بحار الانوار" ذکر نموده. و سید بن
 طاوس (قُدَسَ سِرُّهُ) در "جمال الأسبوع" ذکر نموده:

هرگاه از جمیع دعواتی که برای تو ذکر کردم در تعقیب نماز عصر
 عذری باشد، این دعا را بعد از تعقیب عصر روز جمعه ترک مکن.
 و حذر کن از اینکه مهمل گذاری خواندن آن را. بدرستیکه ما شناختیم
 این را از فضل خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) که مخصوص فرموده ما را به
 آن، پس اعتماد کن بر آن.

مؤلف گوید: سید از جمله کسانی است که ظاهراً و باطناً در خواب و بیداری
 با آن حضرت (ارواحنا فداه) ملاقات می فرمود و با اشخاصی که حضور آن حضرت
 (ارواحنا فداه) مشرف می شدند، معاشرت و خصوصیت و اتحاد داشت و تالیفات

خود را به نظر آن حضرت می‌رساند و میانه‌ء او و آن حضرت پیغامها بود . گمانم این است که این تخصیص را بلاواسطه از آن حضرت (اَرَوَّاحُنَا فِدَاهُ) شنیده‌باشد ، و از روی ثقیه ، ترک تصریح کرده ، چنانکه دَابُّ او این بوده و مقامات سَیِّد (قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ) بالاتر و بالاتر از این مطالب است . پس خوب است که عموم دوستان و موالیان آن حضرت (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَهُ) بعد از نماز عصر روز جمعه این دعا را و صلواتی که بعد از این خواهد آمد و سَیِّد (قَدَّسَ سِرَّهُ) اصرار و تأکید و تصریح در قرائت آنها بعد از نماز عصر روز جمعه نموده ، اگر چه در روایت بخصوصه نیست ، ابدأً ترک آنها را ننمایند ، و مواظبت و مراقبت تا مه در قرائت آنها بعد از نماز عصر جمعه خصوصاً و در سایر اوقات عموماً نموده تا اسباب جلب فیوضات ظاهره و باطنه برای داعی باشد :

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ ، يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ .

استاد اعظم (اَدَامَ اللَّهُ ظِلَّهُ الْعَالِي) نیز در کتب خود به این معنی اشاره فرموده ، فَتَذَكَّرْ :

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَّكْتُ عَنْ دِينِي ، اللَّهُمَّ لَا تَمْتِنْنِي مَمِينَةً جَاهِلِيَّةً وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي لِوَلَايَةِ مَنْ فَرَضَتْ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وِلَاةٍ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى وَالَيْتِ وِلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، اللَّهُمَّ فَتَبِّئْنِي عَلَى دِينِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ لِيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ تَبِّئْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ

أَمْرَكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ فَبِإِذْنِكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ وَأَمْرَكَ
يَنْتَظِرُ وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلِّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ
أَمْرٍ وَلِيكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِتْرِهِ وَصَبْرِنَا
عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا
أَكْشِفَ (كَشَفَ، ح) عَمَّا سَتَرْتَهُ وَلَا أَبْحَثَ (الْبَحْثُ، ح) عَمَّا كَتَمْتَهُ
وَلَا أُنَازِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولُ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ
(وَلِيِّ أَمْرِ اللَّهِ، ح) لَا يُظْهِرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَأَفْوَضَ
أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرَبِّبَنِي وَلِيِّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا
نَافِذًا الْأَمْرَ مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ وَ
الْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّكَ صَلَّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ وَاضْحِ
الدَّلِيلَةَ هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ، وَأَبْرِزْ يَا رَبِّ
مُشَاهِدَتَهُ (مُشَاهَدَهُ، ح) وَثَبِّتْ قَوَاعِدَهُ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تُقِرُّ
عَيْنَهُ بِرُؤْيَيْتِهِ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي
زَمْرَتِهِ، اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرِّعَتْ وَذَرَأَتْ وَ
أَنْشَأَتْ وَصَوَّرَتْ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ
وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ
بِهِ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصَى رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ، اللَّهُمَّ مَدِّ فِي
عَمْرِهِ وَزِدْ فِي أَجَلِهِ وَأَعِزَّهُ عَلَى مَا وَلِيَّتَهُ وَأَسْتَرْعِيَّتَهُ وَزِدْ فِي
كَرَامَتِكَ فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي وَالْقَائِمُ الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ السَّقِيُّ
الرَّكِي النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الْعَابِدُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ، اللَّهُمَّ لَا
تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمْدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا
وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي
ظُهُورِهِ وَالدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُقْبِطَنَا طَوْلُ
غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيَقِينُنَا فِي قِيَامِ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ

قَوْلُ قُلُوبِنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا مِنْهَا جَ الْهُدَىٰ وَ
 الْمَحَجَّةَ الْعَظْمَىٰ وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَىٰ وَقَوْلَنَا عَلَى طَاعَتِهِ
 وَشَبْتِنَا عَلَى مَشَائِعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ
 وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَ
 لَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّى تَتُوفَانَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لِشَاكِيْنَ وَلَا
 نَاكِيْثِيْنَ وَلَا مُرْتَابِيْنَ وَلَا مُكْذِبِيْنَ، اَللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ اَيِّدُهُ
 بِالنُّصْرِ وَ اَنْصُرْنَا صِرِيهِ وَ اَحْذَلْ خَاذِلِيهِ وَ دَمِدْمِ عَلَى مَنْ نَصَبَ
 لَهُ وَ كَذَّبَ بِهِ وَ اَظْهَرِ بِهِ الْحَقَّ وَ اَمْتِ بِهِ الْجَوْرَ وَ اسْتَنْقِذْ بِهِ
 عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِيْنَ مِنَ الذُّلِّ وَ اَنْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ وَ اَقْتُلْ بِهِ
 الْجَبَابِرَةَ وَ الْكُفْرَةَ وَ اَقْصِمْ بِهِ رُؤْسَ الضَّلَالَةِ وَ ذَلِّلْ بِهِ
 الْجَبَابِرَةَ وَ الْكَافِرِيْنَ وَ اَبْرِ بِهِ الْمُنَافِقِيْنَ وَ النَّاكِثِيْنَ
 وَ جَمِيْعَ الْمُخَالِفِيْنَ وَ الْمُلْحِدِيْنَ فِي مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ
 بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دِيَارًا وَ لَا
 تُبْقِيَ لَهُمْ اَثَارًا وَ اَظْهَرِ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اَشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ
 عِبَادِكَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا اَمْتَحَىٰ مِنْ دِيْنِكَ وَ اَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ
 حُكْمِكَ وَ غَيِّرْ مِنْ سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُوْدَ دِيْنُكَ بِهِ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا
 جَدِيْدًا صَحِيْحًا لَا عِوَجَ فِيْهِ وَ لَا بِدْعَةَ مَعَهُ حَتَّى تَنْطَفِئَ بِعَدْلِيْهِ
 نِيرانَ الْكافِرِيْنَ فَ اِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ
 اَرْتَضَيْتَهُ لِنُصْرَةِ دِيْنِكَ وَ اَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنْ
 الذُّنُوْبِ وَ بَرَّ اَنْتَهُ مِنَ الْعِيُوْبِ وَ اَطْلَعْتَهُ عَلَى الْعِيُوْبِ وَ
 اَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ نَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اَللّهُمَّ
 فَصَلْ عَلَيْهِ وَ عَلَى اَبَائِهِ الْاَيْمَّةِ الطَّاهِرِيْنَ وَ عَلَى شَيْعَتِهِ
 الْمُنْتَجِبِيْنَ وَ بَلِّغْهُمْ اَمَالَهُمْ اَفْضَلَ مَا يَأْمَلُوْنَ وَ اجْعَلْ
 ذَلِكَ مِمَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شَبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سَمْعَةٍ حَتَّى لَا تُرِيْدَ
 بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا تَنْطَلِبَ بِهِ الْاَوْجَهَكَ، اَللّهُمَّ اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ غِيْبَةً
 نَبِيْنَا وَ فَقَدُوْلِيْنَا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوْعَ الْفِتَنِ

بِنَا وَتَظَاهِرَ الْأَعْدَاءَ وَكَثْرَةَ عَدُونَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا ، اللَّهُمَّ
فَا فَرِّجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مِنْكَ تَعَجَّلْهُ وَنَصْرٍ مِنْكَ تَعَزَّهِ وَامَامٍ
عَدْلٍ تَظْهَرُهُ إِلَهُ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ إِنَّا
نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذِنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَقَتْلِ
أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دَعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا
وَلَا بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَدَدْتَهُ
وَلَا حِدًّا إِلَّا أَفْلَتَهُ وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلْتَهُ وَلَا رَايَةَ إِلَّا نَكَسْتَهَا وَلَا
شِجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ وَارْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ
الدَّامِعِ وَاضْرِبُهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَبِأَسْكَ الذِّى لَا تَرُدُّهُ عَنِ
الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَعَذِّبْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءَ دِينِكَ وَأَعْدَاءَ
رَسُولِكَ بِبَيْدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ ، اللَّهُمَّ اكْفِ
وَلِيِّكَ وَحِجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَكَيْدَ مَنْ كَادَهُ وَامْكَرَ مَنْ
مَكْرَبِهِ وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا وَاقْطَعْ عَنْهُ
مَادَّتَهُمْ وَارْعَبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ وَزَلْزِلْ أَقْدَامَهُمْ وَخَذِّمْ جَهْرَةً
وَبَغْتَةً وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ وَاخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ وَالْعَنَّهُمْ
فِي بِلَادِكَ وَأَسْكِنِهِمْ أَسْفَلَ نَارِكَ وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ
وَاصْلِهِمْ نَارًا وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا وَاصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ
فَاتَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ
وَاخْرَبُوا بِلَادَكَ . اللَّهُمَّ وَاحِي بُولِيِّكَ الْقُرْآنَ وَارِنَانُورَهُ
سَرْمَدًا لَا ظِلْمَةَ فِيهِ وَاحِي بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَاشْفِ بِهِ
الصدُورَ الْوُغْرَةَ وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَ
أَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمَعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمَهْمَلَةَ حَتَّى لَا يَبْقَى
حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبَةِ
سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَالْمُسْلِمِينَ
لِأَحْكَامِهِ وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ إِلَيْهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ يَا
رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضُّرَّ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَتُنْجِي مَنْ

الْكَرْبِ فَاكْشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَلِيَّكَ وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ
 كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ، اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ
 السَّلَامُ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْخَنْقِ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي وَأَسْتَجِيرُ بِكَ
 فَاجْرِنِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا
 عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ يَا رَبَّ
 الْعَالَمِينَ.

از جمله دعوات، دعائی است که سیدجلیل، ابن طاووس (قُدَسِ سِرَّهُ) در "مُهَجِ الدَّعَوَاتِ" ذکر کرده که:

خبر داد مرا صدیق ما ملک مسعود که او خواب دیده بود شخصی
 از پشت دیوار با او تکلم می‌نماید و لکن صورت او پیدا نیست و
 می‌گوید:

يَا صَاحِبَ الْقَدْرِ وَالْأَقْدَارِ وَالْهَمِّ وَالْمَهَامِ (مَهَام، خ. ل.)
 عَجَّلْ فَرَجَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ فِي خَلْقِكَ وَ
 اجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ.

نکاتی چند در این مختصر دعا است که سزاوار است از جمله او را در مستمره
 باشد.

از جمله دعوات، دعائی است که نیز سید (قُدَسِ سِرَّهُ) در کتاب مزبور
 از محمد بن احمد بن ابراهیم جُعْفِي به اسناد خود روایت کرده، که محمد مزبور
 به اسناد خود در ضمن حدیثی روایت کرده که معلوم نیست سند آن به کدام
 امام منتهی می‌شود. عین عبارتی که ابن طاووس از او ذکر کرده این است:
 قُلْتُ: "كَيْفَ تَصْنَعُ شَيْئَكَ؟" قَالَ:

عَلَيْكُمْ بِالْدَعَاءِ وَانْتَظِرِ الْفَرَجَ فَإِنَّهُ سَيَبْدُو الْكُمَ عَلَمٌ
 فَإِذَا بَدَأَ الْكُمَ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَتَمَسَّكُوا بِمَا بَدَأَ الْكُمَ .

قُلْتُ: "فَمَا نَدْعُو بِهِ؟" قَالَ: تَقُولُ..

ترجمه فارسی آن چنین است:

را وی گفت، گفتم: "چه کنند شیعیان تو؟" فرمود: "بر شما باد به دعانمودن و انتظار فرج بردن پس بدرستی که زود است که ظاهر شود برای شما علمی - شاید به معنی نشانه باشد - پس هر گاه ظاهر شد برای شما، پس حمد کنید خدا را و متمسک شوید به آنچه برای شما ظاهر شده." گفتم: "پس چه دعا بخوانم؟" فرمود بگو:

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسِكَ وَعَرَفْتَنِي رَسُولَكَ وَعَرَفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرَفْتَنِي نَبِيِّكَ وَعَرَفْتَنِي وِلَاةَ أَمْرِكَ، اللَّهُمَّ لَا اخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَلَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، اللَّهُمَّ لَا تَعْيِبْنِي عَن مَنَارِلِ أَوْلِيَائِكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ أَهْدِنِي لِرُؤْيَايَةِ مَنِ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ.

از جمله دعوات، دعائی است که نیز سید (قُدِّسَ سِرُّهُ) در کتاب مزبور نوشته، که:

در خواب دیدم کسی را که تعلیم می‌نماید مرا دعائی که شایسته است از برای ایام غیبت بخوانم. الفاظ دعا این است:

يَا مَنْ فَضَّلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ إِسْرَائِيلَ عَلَى الْعَالَمِينَ بِاخْتِيَارِهِ
وَظَهَرَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عِزَّهُ وَاقْتِدَارَهُ (عِزَّةٌ
اِقْتِدَارِهِ خ ل) وَ أَوْدَعَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاهْلِ بَيْتِهِ
غَرَائِبَ آسْرَارِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَعْسَوَانِ
حُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَانصَارِهِ.

از جمله دعوات، دعائی است که در "کافی" است و مسمی است به "دعای غریق"، و سید (قُدِّسَ سِرُّهُ) نیز در "مهج" از "غیبت" صدوق (رضوان الله

عَلَيْهِ) همین دعا را نقل کرده، عبدالله بن سنان که راوی دعا است می‌گوید:
حضرت ابی عبدالله (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند که: "زوداست میرسد
به شما شبهه‌ای، پس باقی می‌مانید بدون عِلْمی و بدون امام راهنمایی
ظاهراً، و نجات نمی‌یابد در آن شبهه مگر کسی که بخواند دعای
غریق را، "گفتم: "چگونه است دعای غریق؟" فرمودند می‌گوئی:
يَا اَللهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي
عَلَى دِينِكَ.

پس گفتم: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ فرمودند: خداوند (عَزَّ وَ
جَلَّ) مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ است و لکن بگو چنانکه من می‌گویم:
يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ .

سَيِّد (قُدِّسَ سِرُّهُ) در "مُهَج" بعد از نقل این حدیث می‌گوید:
شاید جهت این باشد که تَقَلُّبُ قُلُوبٍ و ابصار در روز قیامت است
از شدت احوال آن روز هولناک و در زمان غیبت ترسیده می‌شود
از تَقَلُّبِ قُلُوبِ، دُونَ ابْصَارِ . . .

مؤلف گوید: در حاشیه "مُهَجِ الدَّعَوَاتِ" ی که نزد حقیر است از مجلسی
(قُدِّسَ سِرُّهُ) این قسم نقل شده:

الْخَبْرُ صَحِيحٌ وَيَدُلُّ عَلَى لُزُومِ النَّاسِي فِي عِبَارَةِ الدَّعَوَاتِ وَالَّذِي
ذَكَرَهُ السَّيِّدُ (رَضِيَ اللهُ عَنْهُ) مُحْتَمَلٌ وَ يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ الْغَرَضُ الْأَمْرُ
بِالنَّاسِي فَقَطْ أَوْ يَكُونَ لَهُ وُجُوهٌ آخَرٌ لَا يَصِلُ عَقْلُنَا إِلَيْهَا وَاللَّهُ تَعَالَى
يَعْلَمُ .

از جمله دعوات، دعائی است که مسمی است به "دعای حریق" که
در "دَعْوَةُ الْحُسْنَى" ذکر کرده‌ام. این دعای مبارک، به سه قسم وارد شده
و کسر و نقصان آن را نمی‌دانم از تصرّف ناسخین یا مؤلفین است.

یک قسم آن در "مصباح" شیخ و کفعمی و علامه حلی (رضوانُ اللہ تعالیٰ علیہم) روایت شده که مجلسی (قُدَس سِرُّه) در "صَلَاةِ بَحَار" و "مِقْبَاسُ الْمَصَابِيح" از آنها نقل نموده به شرح معهود.

وقسمی دیگر از اول دعا تا "أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ" که سه مرتبه باید گفت. و مجلسی (قُدَس اللّٰهُ رُوْحَهُ الْعَزِيْزِ) در "بِحَار" احتمال داده است تا عبارت "إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ" که آن زیادتی از توقع را محسوب نداشته. و قسمی دیگر، مجلسی (قُدَس سِرُّه) از کتاب "عتیق" ذکر نموده در "کتاب دُعَاءِ بَحَارِ الْاَنْسَوَار" و آخر دعا این است:

فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ.

و در "صَلَاةِ بَحَار" نیز اشاره نموده که یافتیم این دعا را مسنداً در کتاب عتیقی از اصول اصحاب خودمان یعنی امامیه، موافق شرحی که کفعمی (قُدَس سِرُّه) ذکر کرده تا:

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ .

استاد اعظم (أَدَامَ اللّٰهُ ظِلَّهُ الْعَالِي) در "نجم ثاقب" فرموده: شیخ نعمانی (رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ) روایت کرده به اسناد خود از عبدالله بن سنان که گفت: "داخل شدم من و پدرم بر حضرت اَبِي عَبْدِاللّٰهِ (علیه السّلام) پس فرمود: چگونه خواهید بود شما هر گاه مانندید در حالتی که نیست در آن وقت یا نمی بینید در آن حال امام هدایت کننده و نه راهنمایی که دیده شود و نجات نمی یابد در آن زمان مگر کسی که بخواند دعای حریق را؟

مؤلف گوید: نظرم نیست در کدام کتاب دیدم این حدیث را و این عبارت

چنین ذکر شده بود:

و نجات نمی‌یابد در آن مگر کسی که بخواند دعای حریق را ،
به غین معجمه .

که مراد کمال تاکید در اخلاص و اضطرار و صدق عقیدت و حسن نیت و غیرها
باشد ، چنانکه موعید آن هم بعض اخبار وارد شده است . در هر حال ، تطبیق
و توفیق این قبیل احادیث در کمال اشکال است ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ .

پس پدرم گفت : این است و الله ، بلا . پس چه کنیم فدای توشویم ؟
فرمود :

چون چنین شود ، تو آن زمان را درک نخواهی کرد . پس متمسک
شوید به آنچه در دست شما است تا آنکه امر بر شما واضح گردد .
یعنی در آن زمان در دین خود متزلزل نشوید و در عمل ، متحیر
و سرگردان نگردید و به آنچه از امامان گذشته به شما رسیده در
اصول و فروع متمسک باشید و عمل به آنها را ترک نکنید و مرتد
نشوید ، و ایمان نیاورید به آنکه مدعی امامت و قائمیت است ، تا
امر امامت او بر شما واضح شود ، به ظهور معجزات بینات .

و از سؤال نکردن سنان ، والد عبد الله از دعای حریق که کدام است ، ظاهر
می‌شود معهود و معلوم بودن آن دعا نزد اصحاب . و آنچه به این اسم به
نظر رسیده دعای معروفی است که جمله‌ای از علما آنرا نقل کردند در ادعیه
صباح و مَسْئُ . و شیخ طبرسی صاحب "مجمع البیان" در کتاب "عُدَّةُ السَّفَر" گفته :
و از جمله دعاهای که جلالت و فضیلت آنها بسیار است ، و شرایط
کمال و خوبی را به غایت جمع نموده ، و خواندن آن اختصاص به
صبح و شام دارد ، دعائی است که مشهور است به دعای حریق و
از حضرت امام زین العابدین (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ) روایت شده
است و دعا این است :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ وَكُفَى بِكَ شَهِيداً . . .

تا آخر دعا که طولانی است - و در کتاب "مقال" و غیره این دعا را از حضرت امام زین العابدین (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) روایت کرده است و آخر او این است:
 ... يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ .

فَلْيُرَاجِعْ - و در آخر آن گفته که:

از جانب حضرت صاحب الامر صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ (توقیعی بیرون آمد به سوی محمد بن صَلَّتْ قَمِي عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ) . که این دعا را زیادی و تتمه ای هست و آن تتمه این است:
 اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ ...

و آن نیز معروف است . و بالجمله چون مطمئن نشدم که مراد ، همین دعا است و طولانی هم بود و در بسیاری از کتب ادعیه چون "مصباح" شیخ و کفعمی و "مقباس" و "بحار" موجود بود ، لهذا نقل نکردیم .

تکلیف ۲۳

از جمله تکالیف انام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) صلوات فرستادن به آن حضرت است (أَرْوَاهُنَا فِدَاه) خصوصاً و به آباء معصومین او (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) و جد مطهر او (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عموماً، و در خصوص صلوات فرستادن به ایشان از تواتر و تظافر احادیث و اخبار - گذشته، کتب مبسوطه، مخصوصه به رشته تألیف کشیده‌اند، که در میان فریقین منتشر است. اما خصوص صلوات فرستادن به حضرت امام عصر و ناموس دهر (أَرْوَاهُنَا فِدَاه) که همه جا با اجداد طاهریین خود (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) مرادف و مشارک است و در بعضی موارد مُنفرد، به ذکر بعضی از آنها که از کلمات معصومین است (عَلَيْهِمُ السَّلَام) می‌پردازد تَیْمُنًا .

منها: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَعَلَى وَلِيِّكَ الْمُحِبِّ لِسُنَّتِكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي
إِلَيْكَ الدَّلِيلِ عَلَيْكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ
وَشَاهِدِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ اعِزَّنَا نَصْرَهُ وَآمِدْ فِي عُمُرِهِ وَزَيْنِ
الْأَرْضِ بِطَوْلِ بَقَائِهِ، اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ وَاعْذِهِ مِنْ
شَرِّ الْكَائِدِينَ وَارْجُزْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ وَخَلِّصْهُ مِنْ
أَيْدِي الْجَبَّارِينَ، اللَّهُمَّ اعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَشَيْعَتِهِ وَ
رَعِيَّتِهِ وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَمِنْ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تُقَرِّبُهُ
عَيْنُهُ وَتُسَرِّبُهُ نَفْسُهُ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

منها : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالْفَائِزِ بِأَمْرِكَ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ وَمُجَلِّي الظُّلْمَةَ وَمُنِيرِ الْحَقِّ وَالصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَالصِّدْقِ وَكَلِمَتِكَ وَعَيْبَتِكَ وَعَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ الْمُتَرْقِبِ الْخَائِفِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ ، سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَعَلِمِ الْهُدَى وَنُورِ ابْصَارِ الْوَرَى وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى وَالْوَتْرِ الْمُوتُورِ وَمُفْرِجِ الْكَرْبِ وَمُزِيلِ الْهَمِّ وَكَاشِفِ الْبَلْوَى ، صَلِّواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَسْمَةِ الْهَادِينَ وَالْقَادَةَ الْمِيَامِينَ مَا ظَلَعْتَ كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ وَأُورِقَتِ الْأَشْجَارُ وَأَبْنَعَتِ الْأَشْمَارُ وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَغَرَدَتِ الْأَطْيَارُ ، اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لَوَائِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَالْفَائِزِ فِي خَلْفِكَ وَالْمُنْتَظَرِ لِإِذْنِكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بَعْدَهُ وَانْجِزْ وَعْدَهُ وَأَوْفِ عَهْدَهُ وَاكْشِفْ عَنْ بَأْسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ وَأَظْهِرْ بَظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمَحْنَةِ وَقَدِّمِ أَمَامَهُ الرَّعْبَ وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ وَأَقِمِ بِهِ الْحَرْبَ وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَكَةِ مَسْؤُومِينَ وَسَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ .

منها : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِمَامِنَا وَابْنِ أَسْمَتِنَا وَسَيِّدِنَا وَابْنِ سَادَتِنَا الْوَصِيِّ الرَّكِيِّ التَّقِيِّ النَّقِيِّ الْإِمَامِ الْبَاقِيِ ابْنِ الْمَاضِيِ حُجَّتِكَ فِي الْأَرْضِ عَلَى الْعِبَادِ وَغَيْبِكَ الْحَافِظِ فِي الْبِلَادِ وَالسَّفِيرِ فِي مَابَيْنِكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ وَالْقَائِمِ فِيهِمْ بِحَقِّكَ أَفْضَلُ صَلِّواتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ بَرَكَاتِكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ الْقَائِمَ الْمُؤَمَّلَ وَالْعَدْلَ الْمَعْجَلَ وَحُفَّهُ بِمَلَكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيِّدْهُ مِنْكَ بِسُرُوحِ

الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

منها: صلواتی است که به سوی ابوالحسن ضراب اصفهانی از مکه بیرون آمد، که مشتمل است بر صلوات پیغمبر خدا و ائمه هدی بخصوص حضرت صاحب الامر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و این صلوات را در "مصباح مُتَهَجِدٍ" و "جَمَالُ الْأُسْبُوعِ" و کتب معتبره دیگر ذکر کرده اند. و در "مصباح"، مذکور است: از صاحب الامر (عَلَيْهِ السَّلَام) مروی است و در مکه بیرون آمد برای ابوالحسن ضراب اصفهانی، و در "جَمَالُ الْأُسْبُوعِ" و کتب دیگر به سند متصل از ابوالحسن مذکور که اسمش یعقوب بن یوسف است. روایت کرده اند که در سال دویست و هشتاد و یکم هجری این نسخه را در مکه حضرت به او مرحمت فرمود، و برای آن حکایت عجیبی است و استاد اعظم (أَدَامَ اللَّهُ ظِلَّهُ الْعَالِي) در "نجم ثاقب" از "غیبت" شیخ طوسی (قُدْسِ سِرِّهِ) روایت کرده از حسین بن محمد بن عامر اشعری گفت:

خبر داد مرا یعقوب بن یوسف ضراب غسانی زمانیکه از اصفهان برگشته بود در سنه دویست و هشتاد یک ...

و مجلسی (قُدْسِ سِرِّهِ) در "کتاب دعای بحار الانوار" همین صلوات را با شرح و حکایت آن از "جَمَالُ الْأُسْبُوعِ" ذکر کرده اند از یعقوب بن یوسف غانی بر وزن فانی، و غسانی - به سینه مهمله - را نسخه بدل نوشته اند، و همین صلوات را نیز نقل کرده از کتاب عتیق که نسخه شده این صلوات از کتاب شیخ ابوالحسن علی بن محمد بن یوسف حرّانی در جمادی الاخره سنه چهار صد و او گفته:

نسخه نمودم این صلوات را از کتاب شیخ ابوالحسن علی بن حمزه احمد کاتب به خط خودش در جمادی الاولی سنه سیصد و نود و سه هجریه، خبر داده حسن بن محمد بن عامر اشعری قمی به کاشان در سنه دویست و هشتاد و هشت زمانی که از اصفهان

برگشته بود، خبر داده او را یعقوب بن یوسف صوّاف به اصفهان، گفت: به حج رفتم در سنهٔ دویست و هشتاد و یک...

و ذکر کرده تا آخر خبر که مطابق است با "جَمالِ الأَسبوع". پس نسبت یعقوب بن یوسف در این نسخ عدیده، مشتبه شده که آیا غَسّانی است - به غین معجمه و سین مهمله بر وزن شَداد - که منسوب به آبی است که قبیلهٔ "أَزْد" به او فرود آمده، یا اسم قبیله‌ای است که منسوب به او است، یا غانی است بر وزن فانی که تصحیف غَسّانی است، که اصل او از غَسّان بوده و نشو و نماى او در اصفهان شده، و آیا ضَراب است یا صَراف است یا صوّاف. در هر حال، رجوع به کتب رجال باید کرد و مرا مجال نیست. مقصود از صَحّت سند این صلوات است و حقیر روایت می‌کنم این صلوات را از استاد اعظم (أَدَامَ اللّهُ ظِلَّهُ العالی عَلَی رُؤسِ الأَدانی وَ الأَعالی) به اسناد مضبوطه و اجازه‌ای که دارم - به همان شرح مذکور که در "نَجْم ثاقب" ثبت است. هر که خواهد رجوع نماید. و استاد اعظم (دَامَ ظِلَّهُ) پس از ذکر این صلوات، می‌فرماید:

در هیچ خبری تعیین وقتی از برای این صلوات و دعا نشده الا اینکه، سید بن طاوس (قُدَسَ سِرُّهُ) در "جَمالِ الأَسبوع" بعد از ذکر این صلوات می‌فرماید: "اگر ترک کردی تعقیب عصر روز جمعه را به جهت عذری، پس ترک مکن این صلوات را هرگز به جهت امری که مطلع کرده ما را خداوند (جَلَّ جَلالُهُ) بر آن."

و استاد اعظم (دَامَ ظِلَّهُ) پس از ذکر این کلام می‌فرماید:

از این کلام شریف چنان مستفاد می‌شود که از جانب صاحب الامر (صَلَوَاتُ اللّهِ عَلَیْهِ) چیزی بدست آوردند در این باب. و از مقام ایشان مُستبعد نیست، چنانچه خود تصریح کردند که باب به سوی آن جناب (عَلِیهِ السَّلَام) مفتوح و در باب سابق گذشت.

حقیر گوید: سابقاً اشاره به این مطلب شد و بعد از این مزید بیانی نیز خواهد آمد، انشاء الله تعالی. نسخه دفتر صلوات این است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِیْنَ
وَخَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ، الْمُنْتَجَبِ فِی
الْمِیثَاقِ الْمُصْطَفٰی فِی الظَّلَالِ الْمَطْهَرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ الْبَرِّیِّ مِنْ
كُلِّ عَیْبِ الْمُؤْمَلِ لِلنَّجَاةِ الْمُرْتَجٰی لِلسَّعَاةِ الْمَفْوُضِ اِلَیْهِ
دِیْنُ اللّٰهِ ، اَللّٰهُمَّ شَرَّفْ بُنِیَانَهُ وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَافْلِحْ حُجَّتَهُ
وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَاضْنُ نُورَهُ وَبِیضْ وَجْهَهُ وَاعْطِهِ الْفَضْلَ وَ
الْفِضِیْلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِیْلَةَ الرَّفِیْعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا
مَحْمُودًا یَغِیْطُهُ بِهِ الْاَوْلَوْنَ وَالْآخِرُونَ وَ صَلِّ عَلٰی اَمِیْرِ
الْمُؤْمِنِیْنَ وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَقَائِدِ الْغَرِّ الْمُحَجَّلِیْنَ وَ
سَيِّدِ الْوَصِیِّیْنَ وَ صَلِّ عَلٰی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ
وَاِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلِّ عَلٰی الْحُسَیْنِ بْنِ
عَلِیِّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
وَ صَلِّ عَلٰی عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِیْنَ
وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ
وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلِّ عَلٰی جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدِ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ
وَ صَلِّ عَلٰی مُوسٰی بْنِ جَعْفَرِ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَ
حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلِّ عَلٰی عَلِیِّ بْنِ مُوسٰی اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ وَاِثِ
الْمُرْسَلِیْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ اِمَامِ
الْمُؤْمِنِیْنَ وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلِّ عَلٰی عَلِیِّ بْنِ
مُحَمَّدِ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ
وَ صَلِّ عَلٰی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَ حُجَّةِ
رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلِّ عَلٰی الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْمَهْدِیِّ الْهَادِیِّ اِمَامِ الْهُدٰی
اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ، اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الْهَادِيْنَ الْعُلَمَاءِ
 الصَّادِقِيْنَ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِيْنَ دُعَايِمَ دِينِكَ وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ
 وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ الَّذِينَ
 اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَأَرْتَضَيْتَهُمْ
 لِدِينِكَ وَاخْتَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ وَغَشَّيْتَهُمْ
 بِرَحْمَتِكَ وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ وَغَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ وَالْبَسْتَهُمْ
 نُورَكَ وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَشَرَّفْتَهُمْ
 بِنَبِيِّكَ صَلَّوْا تَعَالَى عَلَيْكَ وَعَلَيْهِ وَآلِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ
 صَلَوةً كَثِيْرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يَحِيْطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَسْعُهَا
 إِلَّا عِلْمُكَ وَلَا تَحْصِيْهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ ، اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحِبِّي
 سُنَّتِكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلِ عَلَيْكَ وَحُجَّتِكَ
 عَلَى خَلْقِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ ، اللَّهُمَّ أَعِزِّ
 نَصْرَهُ وَمُدْفِيْ عُمُرَهُ وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ ، اللَّهُمَّ اكْفِهِ
 بَغْيَ الْحَاسِدِيْنَ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَافِرِيْنَ وَأَزْجِرْ عَنْهُ إِرَادَةَ
 الظَّالِمِيْنَ وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِيْنَ ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ
 وَذُرِّيَّتِهِ وَشِيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَعَدُوَّهُ وَجَمِيْعَ
 أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنَهُ وَتَسْرِبُهُ نَفْسَهُ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ
 مَا أَمَلَهُ (عَمَلٍ ، خ.ل. ، أَمَلٍ ، خ.ل.) فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اللَّهُمَّ جِدِّدْهُ مَا مَحَى مِنْ دِينِكَ وَأَحْيِ بِهِ مَا بَدَلْ
 مِنْ كِتَابِكَ وَأَطْهَرِ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ عَلَى
 يَدَيْهِ غَضًا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لِأَشْكَ فِيهِ وَلَا شِبْهَةَ مَعَهُ وَلَا
 بَاطِلَ عِنْدَهُ وَلَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ ، اللَّهُمَّ نُورِ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَهُدِّ
 بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ وَاهْدِمِ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ وَأَقْصِمِ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ
 وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَبَّارٍ (جَوْرُ كُلِّ جَائِرٍ
 خ.ل.) وَاجْرُ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ
 اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَأَمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ

وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ جَدَّحَقَّهٗ وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَ سَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ
 وَ أَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى وَ عَلٰى
 الْمُرْتَضٰى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنَ الرَّضَا وَ الْحُسَيْنَ الْمُصْقَا
 وَ جَمِيعِ الْاَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجٰى وَ اَعْلَامِ الْهُدٰى وَ مَنَارِ
 التَّقٰى وَ الْعُرُوَّةِ الْوُثْقٰى وَ الْحَبْلِ الْمَتِيْنِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيْمِ
 وَ صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَ وِلَاةِ عَهْدِكَ وَ الْاَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ زِدْ فِي
 اَعْمَارِهِمْ وَ زِدْ فِي اَجَالِهِمْ وَ بَلِّغْهُمْ اَفْضَلَ اَعْمَالِهِمْ دِيْنًا وَ
 دُنْيَاً وَ اٰخِرَةً اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ .

تکلیف ۲۴

از جمله تکالیف انام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) سلام نمودن به آن حضرت است در هر روز، بخصوص در روز دوشنبه و پنجشنبه، که عرض اعمال عموم خلائق به آن حضرت می‌شود. سابقاً اشاره شد که تکلیف عبید نسبت به مولای خود آن است که در تمام حرکات و سکنات خود تابع و مطیع اوامر و نواهی مولای خود باشد. بلکه به درجه‌ای حالت مراقبه را تکمیل نماید که مقام انس و استغراق برای او حاصل شود و آنی ظاهراً و باطناً از توجهات قلبیه و جوارحیه، تغافل و تساهل نداشته باشد، و گمان نکند که مولا و آقای او از انظار غایب است و از اعمال و افعال عبید خود بی‌اطلاع است، بلکه بطور یقین قطع نماید که مولای او حاضر و ناظر اوست. و علم او قبل از اخطار به‌بال‌تو است، و از تمام حرکات و سکنات و حالات و مآلمات ظاهره و باطنه عبید خود استحضار دارد. پس از جمله تکالیف و فرائض عباد نسبت به امام مُفْتَرَضِ الطَّاعَةِ خود آن است که همه روزه عرض چاکری و جان نثاری خود را در پیشگاه سلطان حقیقی خود نموده، به آن حضرت (أَرْوَا حُنَا فِدَاه) سلام دهند و اظهار عبودیت و رقیّت نمایند، و عرض محبت و خلوص قلبیه خالصانه صادقانه نمایند، و به زبان حال و قال عرض و اظهار نمایند:

ای مولا و آقا و سید ما، اگر به حسب مصلحت چهره مبارک را از این بندگان ناقابل پوشیده و در بارگاه عظمت و جلالت خود ما راه نمی‌دهی، و لیکن این بندگان، همچنان در مقام عبودیت

و بندگی و جان نثاری خود ثابت و جازم هستیم و حق عبودیت و جان نثاری ماست، که همه روزه در آستان مقدس تو خود را حاضر دانسته و در عتبه مقدسه تو ایستاده سلام داده و اظهار چاکری نموده مراجعت نمائیم. البته ای مولای ما، اگر این بندگان ناقابل تو لیاقت ادراک حضور مرحمت ظهورت را داشتیم ما را راه می دادی و اظهار مرحمت و مکرمت می فرمودی. ولیکن یقین داریم که در مراتب عبودیت و مراسم بندگی و فدویت خود قصور و فتور داریم و هنوز به آن درجه نرسیده ایم که درک تشرف حضور مبارکت را نمائیم، و یقین داریم اگر چه شخص این بندگان از آستان ملایک پاسبانت دور است ولیکن عرض اعمال و افعال ما همه روزه در دفتر حضرت مسطور است. و باز یقین داریم که همه روزه مانند اشخاصی که در آستان حضرت رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) تا شصت مرتبه آمدند و برگشتند و آن حضرت آنها را راه نداد و باز دست از بندگی و عبودیت برنداشتند، این بندگان هم هرگاه هزار مرتبه بیائیم و ما را جواب ندهی، باز دست بندگی از دامن تولایت نخواهیم برداشت. یقین دارم اگر از شیعیان تو بودیم، در مرتبه اولی ما را راه می دادی و نزد خود می خواندی. و لیکن چون از دوستان تو هستیم و به مرتبه شیعیت نرسیده ایم، از آن جهت از زیارت جمال مبارکت محروم و از ادراک حضور اقدس مهجور شده ایم. پسر فریضه دمت این بندگان است که همه روزه و همه شب خود را به سلام دادن ذات اقدس رَطْبُ اللِّسَان و به اظهار عبودیت و پیغام فرستادن حضور مقدس همعنان باشیم، شاید در این میانه یکی کارگر شود.

تکلیف ۲۵

سابقاً مذکور شد که بعد از نماز صبح و سایر فرایض، مستحب است که صلوات و سلام به امام عصر (اَرَوَاحُنَا فِدَاهُ) بفرستی و با آن حضرت تجدید سلام و عهد و بیعت و میثاق و تحیت و عبودیت نمائی، واجمالی از آن گذشت. لذا در این مورد ذکر می‌نمایم بعضی از فقرات سلامهایی که از خود آن حضرت و آباء کرامش (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنِ) رسیده که در بعض موارد مخصوصه و مواضع منصوصه، به آن حضرت سلام بفرستی و زیارت نمائی و اظهار عبودیت کنی، و آن حضرت را شفیع مطالب و مآرب خود قرار دهی. شاید آن حضرت نیز در مقام آقائی و بزرگی، یکی از سلامهای تورا- اگر از روی اخلاص و صمیم قلب باشد- جواب دهد، ورستگار دنیا و آخرت شوی. خوشا به حال کسی که امام عصر (اَرَوَاحُنَا فِدَاهُ) توجه و التفات به سوی او نموده، منظور نظر التفات آن حضرت گردد و گوشه چشمی بطرف او اندازد که کار او را در دو عالم سازد:

چه شود به چهره زرد من نظری برای خدا کنی

که اگر کنی همه درد من به یکی نظاره دوا کنی
از جمله فقرات سلامهایی که وظیفه عبد است همه روزه به جا بیاورد و توجه به سوی خدا و رسول و ائمه و آن حضرت (صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰی عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنِ) نماید، سلامی است که سابقاً گفتیم در تشهد نمازهای فریضه می‌گوئی که در چند فقرات، سابقاً تصریح شد.

و از جمله سلامی است که از ناحیه مقدسه بیرون آمده :

فی "الإحتجاج" :

خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ إِلَى مُحَمَّدِ الْحَمِيرِيِّ بَعْدَ الْجَوَابِ عَنِ الْمَسْأَلِ
الَّتِي سَأَلَهَا :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ
تَقْبَلُونَ حِكْمَةً بِاللُّغَةِ فَمَا تُغْنِ السُّدْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ، السَّلَامُ
عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ ، إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا
إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَيْنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : " سَلَامٌ
عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ ... "

به سندهای صحیح و معتبر از محمد بن عبدالله حمیری منقول است که از
ناحیه مقدسه فرمان حضرت صاحب الامر (علیه السلام) بسوی او بیرون آمده ؛
چون خواهید متوجه بشوید بپایه سوی خدا و به سوی ما ، پس بگوئید
چنانچه خدا فرموده است :

سَلَامٌ عَلَيَّ يَا إِبْرَاهِيمَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ
اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ أَرَادَتِهِ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي
أَنْاءِ لَيْلِكَ وَاطْرَافِ نَهَارِكَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي
أَرْضِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْصُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ
الْوَاسِعَةُ وَعَدَاغِيرَ مَكْذُوبِ السَّلَامِ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ حِينَ تَهْلِي وَتَنْقُتُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهْلِلُ وَتُكَبِّرُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ

وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارَ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدِّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أَشْهَدُكَ، يَا مَوْلَايَ أَنْتَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ الْأَهْوَى وَاهْلَهُ، وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرَ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُونَ وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقٌّ لَأَرْيَبَ فِيهَا يَوْمٌ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمَرَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحَشْرَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ حَقٌّ، يَا مَوْلَايَ شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَ وَسَعَدَ مَنْ أَطَاعَكَ فَمَا شَهِدَ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِّئُ مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَفِيتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَانْفَسِي مُؤْمِنَةً بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أُولِكُمْ وَأَخْرِكُمْ وَنَصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ . . .

بعد از آن این دعا می خوانی :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُهَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا نَبِيَّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةَ نُورِكَ وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيْمَانِ وَ

فَكَرِي نُورَ النِّيَّاتِ وَعَزَمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقَوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَ
لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصَرِي
نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُسْأَلَةِ
لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بَعْدَكَ
وَمِثَاقَكَ فَتَغَشَّيْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَالدَّاعِيِ السِّي
سَبِيلِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالثَّائِرِ بِأَمْرِكَ وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ
بَوَارِ الْكَافِرِينَ وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَمُنِيرِ الْحَقِّ وَالتَّاطِقِ
بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ
الْحَائِفِ وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةَ النَّجَاحِ وَعِلْمَ الْهُدَى وَ
نُورَ أَبْصَارِ الْوَرَى وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى وَمُجَلِّي الْعَمَى
الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا إِنَّكَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ
فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ
طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ أَنْصِرْهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَأَنْصُرْ
بِهِ أَوْلِيَائِكَ وَأَوْلِيَائَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ،
اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ
وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ
رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْنَا بِصَرِيهِ
وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَاقْصِمْ قَاصِمِيهِ وَاقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ
وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ
كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامْلَأْ بِبِهِ
الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي
اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَارْتَبِي فِي آلِ
مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ

إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و از جمله، سلامی است که از ناحیه مقدسه بیرون آمده به سوی عبدالله بن جعفر حمیری که توفیق مبارک صادر شده و معروف است به زیارت ندبه غیر دعای ندبه مشهوره و مجلسی (قُدِّسَ سِرُّهُ) در "کتاب دعای بحار الانوار" این زیارت را از خط شیخ محمدعلی جبّاعی، جدّ شیخنا البهائی (قُدِّسَ سِرُّهُمَا) به اسناد مضبوطه اش ذکر نموده از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری که توفیق مبارک به سوی او بیرون آید که :

چون اراده کردید توجّه به ما به سوی خدای تعالی و به سوی ما را، پس بگوئید چنانکه خدا فرموده :

سَلَامٌ عَلَى آلِ يُسَ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ
لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ (التَّوَجُّهُ) قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يُسَ
خِلَافَتَهُ . . .

و در "مزار بحار الانوار" از سید بن طاوس نقل نموده همین زیارت را که این زیارت، معروف به زیارت ندبه است که از ناحیه مقدسه به سوی محمد بن عبدالله حمیری بیرون آمد و امر شده است که در سرداب مقدس خوانده شود. و همین زیارت را بعینها ذکر می نماید بعد از آن از قول مؤلف "مزار کبیر" - که به زعم مرحوم مجلسی (قُدِّسَ سِرُّهُ) محمد المشهدی (رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ) است همین زیارت را ذکر می نماید، ولی به زیادتی دوازده رکعت نماز در اول آن و نسبت آن را به محمد بن عثمان که از نواب حضرت است (أرواحنا فداه) می دهد و تفصیل آن چنین است که احمد بن ابراهیم گفت :

شکایت کردم به محمد بن عثمان که از نواب حضرت صاحب الامر است (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) که بسیار مشتاقم به دیدن مولای خود.

گفت: به این اشتیاق خواهش دیدن آن حضرت را هم داری؟ گفتم: بله.

گفت: خدا تو را ثواب دهد بر اشتیاق تو و روی مبارک آن حضرت

را به تو بنماید به آسانی و عافیت. پس گفت: آرزوی دیدن آن حضرت را در ایام غیبت مکن و باید که مشتاق خدمت آن حضرت باشی و سؤال نکنی اجتماع به آن حضرت را، که این از امور حتمی خدا است و تسلیم و انقیاد امر خدا لازم است. و لکن متوجه شو به سوی آن حضرت بعد از دوازده رکعت نماز، که در هر رکعت حمد و سوره بخوانی و بعد از هر دو رکعت، سلام بگوئی و صلوات بر محمد و آل او (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بفرستی، پس بگو:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمَبِينُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ
لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ، قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يَسَّ
خِلَافَتَهُ ...

و از این روایت فهمیده می شود که دوازده رکعت نماز قبل از این زیارت باید خواند. ولی حقیرمؤلف زیارتی را که در "کتاب دعاء بحار الانوار" ذکر نموده و ذکر دوازده رکعت نمازی در آن روایت نیست، در این مورد مرقوم می دارد:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمَبِينُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ (التَّوَجُّه) قَدْ آتَاكُمْ
اللَّهُ يَا آلَ يَسَّ خِلَافَتَهُ وَعِلْمَ مَجَارِي أَمْرِهِ فِيمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ
وَرَتَّبَهُ وَآرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ فَكَشَفَ لَكُمْ الْغِطَاءَ وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ
وَشُهَدَائِهِ وَعُلَمَائِهِ وَأَمْنَائِهِ وَسَاسَةُ الْعِبَادِ وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ
وَقَضَاةُ الْأَحْكَامِ وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ وَسُلَالَةُ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةُ
الْمُرْسَلِينَ وَعَتْرَةُ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَمِنْ تَقْدِيرِهِ
مَنَاسِجُ الْعَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَادُهُ مَحْتُومًا مَقْرُونًا فَمَا شِئْنَا مِنْهَا
إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ وَالْيَهْدَى السَّبِيلُ خِيَارُهُ لَوْلِيَّكُمْ نِعْمَةٌ
وَأَنْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سُخْطُهُ فَلَانْجَاةٌ وَلَا مَفْرَعٌ إِلَّا أَنْتُمْ وَلَا
مَذْهَبٌ عَنْكُمْ يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ وَمَسَاكِنَ
تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَاوَاتِهِ وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ وَيَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ

بَقِيَّتِهِ كَمَا لِنِعْمَتِهِ وَوَارِثِ أَنْبِيَائِهِ وَخُلَفَائِهِ مَا بَلَغْنَا مِنْ
دَهْرِنَا وَصَاحِبِ الرَّجْعَةِ لِيُؤَدِّرَ بِنَا السُّبْحَانَ فِيهَا دَوْلَةَ الْحَقِّ
وَقَرَّبَنَا وَنَصْرُ اللَّهِ لَنَا وَعِزُّنَا ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ
الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ
وَعَدَا غَيْرُ مَكْذُوبٍ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَرْئِي وَالْمَسْمُوعِ
الَّذِي بَعَيْنَ اللَّهُ مَوَاشِيْقَهُ وَبَيَّدَ اللَّهُ عُهُودَهُ وَبَقَدَّرَ اللَّهُ
سُلْطَانَهُ أَنْتَ الْحَكِيمُ الَّذِي لَا تُعَجِّلُهُ الْغَضَبَةُ وَالْكَرِيمُ
الَّذِي لَا تُبْخِئُهُ الْحَفِيظَةُ وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهَلُهُ الْحَمِيَّةُ
مُجَاهِدَتِكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ مَشِيَّةِ اللَّهِ وَمُقَارَعَتِكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ انْتِقَاءِ
اللَّهِ وَصَبْرِكَ فِي اللَّهِ ذَوَانَاةِ اللَّهِ وَشُكْرِكَ لِلَّهِ ذُو مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَحْفُوظًا بِاللَّهِ ، اللَّهُ نُورٌ نُورًا مَامَهُ وَوَرَاءَهُ وَ
يَمِينَهُ وَشِمَالَهُ وَفَوْقَهُ وَتَحْتَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَخْرُوجًا
فِي قَدْرَةِ اللَّهِ نُورٌ سَمِعَهُ وَبَصَرَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ
اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ وَيَامِيثَاقِ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ
وَنَاصِرَ حَقِّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا نَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي أَنْسَاءِ
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيُ وَتَقْنُتُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَعُوذُ وَتَسْبِحُ ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ حِينَ تَهْلِلُ وَتُكَبِّرُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُحَمِّدُ وَتُسْتَغْفِرُ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَسِّئُ وَ
تُصْبِحُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا بَغَشَى وَالنَّهَارَ إِذَا تَجَلَّى ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَّجَ اللَّهِ
وَدُعَاتِنَا وَهَدَاتِنَا وَرُعَاتِنَا وَقَادَتِنَا وَأَعْمَتِنَا وَسَادَتِنَا وَ

مَوَالِينَا ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا وَ أَنْتُمْ جَاهُنَا وَ أَوْقَاتُ
 صَلَوَاتِنَا وَ عَصَمْتُنَا بِكُمْ لِذُعَانَا وَ صَلَاتِنَا وَ صِيَامِنَا وَ اسْتِغْفَارِنَا
 وَ سَائِرِ أَعْمَالِنَا ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ ، السَّلَامُ
 عَلَیْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُولُ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ
 إِشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ
 أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلَهُ وَ أَنَّ أَمِيرَ
 الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ وَ أَنَّ الْحَسْنَ حُجَّتَهُ وَ أَنَّ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَ أَنَّ
 عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ أَنَّ جَعْفَرَ بْنَ
 مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَ أَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ
 وَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَ أَنَّ الْحَسْنَ
 بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ أَنْتَ حُجَّتَهُ وَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاةُ وَ هُدَاةُ رُشْدِكُمْ ،
 أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ خَاتِمَتُهُ وَ أَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا شَكَّ فِيهَا ، وَ لَا
 يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي
 إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْمُنْكَرَ وَ نَكِيرًا حَقٌّ وَ أَنَّ
 النَّشْرَ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْمِرْصَادَ حَقٌّ وَ
 أَنَّ الْمِيزَانَ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الْجَزَاءَ
 بِهِمَا لِلْوَعْدِ وَ الْوَعْدِ حَقٌّ وَ أَنْكُمْ لِلشِّفَاعَةِ حَقٌّ لَا تُرَدُّونَ وَ لَا
 تَسْبِقُونَ بِمَشِيئَةِ اللَّهِ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ لِلَّهِ الرَّحْمَةُ وَ الْكَلِمَةُ
 الْعُلْيَا وَ بِيَدِهِ الْحُسْنَى وَ حُجَّةُ اللَّهِ النُّعْمَى خَلَقَ الْجِنَّ وَ
 الْإِنْسَ لِعِبَادَتِهِ وَ أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ فَشَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ قَدْ
 شَقِيَ مَنْ خَالَفَكُمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ فَاشْهَدْ بِمَا
 أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ تَخْرُجُ وَ تَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ أَمْوَةٌ عَلَيْهِ وَ أَنْشُرُ
 عَلَيْهِ وَ أَقِفْ بِهِ وَ لِيَا لَكَ بَرِيئًا مِنْ عَدْوِكَ مَا قَاتَلْنَا مِنْ أِبْغَضِكُمْ
 وَ آدَاءَ مَنْ أَحْبَبْتُمْ فَالْحَقُّ مَا رَضَيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ
 وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ وَ الْقَضَاءُ
 الْمَثْبُوتُ مَا اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ مَشِيئَتِكُمْ وَ الْمَمْحُومُ مَا اسْتَأْثَرْتُمْ

بِهِ سُنْتُكُمْ ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَمُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، عَلِيُّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ ، الْحَسَنُ حُجَّتُهُ ، الْحُسَيْنُ حُجَّتُهُ ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ ، جَعْفَرٌ حُجَّتُهُ ، مُوسَى حُجَّتُهُ ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ ، الْحَسَنُ حُجَّتُهُ ، أَنْتَ حُجَّتُهُ وَأَنْتُمْ حُجَّجُهُ وَبِرَاهِينُهُ أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبَشِرٌ بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ شَرْطَهُ فَنَالَا فِي سَبِيلِهِ اشْتَرَى بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ وَبِرَأْسِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَهْلَ الْحُرْدَةِ وَالْجِدَالِ ثَابِتَةٌ لِشَارِكُمْ أَنَا وَلِيِّ وَحِيدٌ وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ جَعَلَنِي بِذَلِكَ آمِينَ آمِينَ مَنْ لِي إِلَّا أَنْتَ فِيمَا دُنْتُ وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ نَحْرُسُنِي فِيمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ يَا وَقَايَةَ اللَّهِ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ أَغْنِي أَدِينِي أَعْنِي أَدْرِكُنِي صَلَاتِي بِكَ وَلَا تَقْطَعْنِي اللَّهُمَّ بِهِمُ إِلَيْكَ تَوَسَّلِي وَتَقَرَّبِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ بِيهِمْ وَلَا تَقْطَعْنِي بِحُجَّتِكَ اعْصِمْنِي وَ سَلَامَكَ عَلَيَّ آلِ بَيْتِ مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي إِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ ذَلِكَ وَاسْتَقَرَّ فِيكَ ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا يَا كَيْتُونُ يَا مَكُونُ أَيَا مُتَعَالٍ أَيَا مُقَدَّسٍ (مُتَقَدِّسٌ ، ح . ل) أَيَا مُتَرَجِّمٍ أَيَا مُتَرَتِّفٍ أَيَا مُتَحَنِّنٍ أَسْأَلُكَ كَمَا خَلَقْتَهُ غَضًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةَ نُورِكَ وَوَالِدِ هُدَاةِ رَحْمَتِكَ وَأَمْلَأْ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ الثَّبَاتِ وَعِزْمِي نُورَ التَّوْفِيقِ وَذَكَائِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ وَعْيِي الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَنَفْسِي نُورَ قُوَّةِ الْبِرَاةِ مِنْ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَأَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ

حَتَّى الْقَاكُ وَقَدَوَفِيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِثَاقِكَ فَلْتَسْعُنِي رَحْمَتُكَ
 يَا أَوْلَىٰ يَا حَمِيدُ بِمَرثَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ وَمَسْمَعِكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
 دُعَائِي فَوَفِّئْنِي مُنْجَزَاتِ إِبَابَتِي أَعْتَصِمُ بِكَ مَعَكَ مَعَكَ مَعَكَ
 سَمِعِي وَرَضَائِي يَا كَرِيمُ ...

از جمله سلامی است که سید بن طاوس در "كشَفُ الْمُحَجَّهِ" مُجْمَلًا به
 پسر خود محمد وصیت می‌نماید که: پیش انداز حوائج آن حضرت را (أرواحنا
 فداه) بر حوائج خود در وقت نماز حاجات - چنانچه ذکر کردیم در کتاب
 "مُهَمَّاتٌ وَ تَتَمَّاتٌ" - و صدقه از او پیش از صدقه از خودت و عزیزانت، و
 دعای برای او پیش از دعای به جهت خودت و پیش انداز او را در هر چیزی
 که وفای با او باشد، و باعث اقبال او باشد و باعث احسان او باشد. پس عرض
 کن حاجات خود را بر او هر روز دوشنبه و پنجشنبه از هر هفته، به وصف آنچه
 ادب و خضوع را دارا باشد، و بگو در حال خطاب با او بعد از سلام بر او
 به آنچه ذکر کردیم در اواخر اجزاء کتاب "مُهَمَّاتٌ وَ تَتَمَّاتٌ" از زیارتی که اول
 او این است:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ ...

مؤلف گوید: مجلسی (قُدْسٌ سِرُّهُ) در مجلد نوزدهم "بِحَارِ
 الانوار" و بیست و دوم که مزار است از کتاب "قَبَسُ الْمَصَابِيحِ" صهرشتی که از
 جمله شاگردان شیخ طوسی (رِضَاؤُ اللَّهِ عَلَيْهِ) است از برای این زیارت شرحی
 نقل کرده که ترجمه آن این است:

مؤلف مزبور که ابو عبدالله سلمان بن حسن صهرشتی باشد، گفته:
 شنیدم از شیخ ابی عبدالله حسین بن حسن بن بابویه (رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُ) در سال چهارصد و چهل در شهر ری روایت کرد از
 عم خود ابی جعفر محمد بن علی بن بابویه (رَحِمَهُ اللَّهُ) که بعضی
 از مشایخ قمیین من ذکر نمود که: "مرا امری حادث شد که دلم از

آن تنگ گردید و نمی‌توانستم اظهار آن را به اهل و اخوان خود نمایم و از این جهت غمگین بودم. تا آنکه وقتی به خواب دیدم مردی را با روی نیکو و لباس مرغوب و بوی خوب و خوش، و چنان گمان کردم که آن مرد بعضی از مشایخ قمیین باشد که نزد آنهادرس می‌خواندم، پس با خود گفتم: تا چه وقت این درد و محنت را من تحمل شوم و درد خود را به کسی اظهار نکنم؟ این مرد اینک از جمله مشایخ و علمای ما است. باید درد دل خود را به او بگویم، شاید نزد او علاج و تدبیری باشد. ناگاه دیدم که او بر من پیشی گرفت و قبل از سؤال من فرمود که: رجوع کن در این خصوص به سوی خدا و طلب یاری کن از صاحب الزمان (علیه السلام) و او را مفرغ خود قرار داده، زیرا که او معین خوبی است و اوست عصمت اولیای مؤمنین. بعد از آن دست راست مرا گرفت و گفت: " زیارت کن و سلام کن بر او و سؤال کن او را که شفاعت کند از برای تو به سوی خدا در حاجت تو. " پس به او گفتم که: " مرا تعلیم کن که چگونه بگویم، زیرا که از این اندوهی که دارم هر زیارت و دعائی که می‌دانستم از خاطرم برده. " چون آن مرد این بشنید، آه از دل خود برکشید و گفت: " لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ "، پس دست خود به سینه من کشید و گفت: " باکی بر تو نیست بر خیز و تطهیر کن و دو رکعت نماز کن. بعد از آن بایست رو به قبله در زیر آسمان و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَ
بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبَلَادِهِ وَ
خَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ سُلَالَةِ النَّبُوَّةِ وَبَقِيَّةِ الْعِثْرَةِ
وَالصَّفْوَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ وَمُعْلِنِ أَحْكَامِ
الْقُرْآنِ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّوْلِ وَالْعَرْضِ وَ
الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ وَالْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ الظَّاهِرِ

ابنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ الوَصِيِّ ابْنِ الْأَوْصِيَاءِ المَرْضِيِّينَ
 الهادِي المَعصُومِ ابْنِ الهُدَاةِ المَعصُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا إِمَامَ المُسْلِمِينَ وَالمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وارِثَ عِلْمِ
 النُّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدِعَ حِكْمَةِ الوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِمَّةَ
 الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ المُؤْمِنِينَ المُسْتَضْعَفِينَ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدِلَّ الكَافِرِينَ المُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَنَ أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ
 وَابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ العَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بَنَ الْأَيْمَةِ الحُجَّجِ عَلَى الخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 مَوْلَايَ سَلَامَ مُخْلِصِكَ فِي الوَلَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الإِمَامَ المَهْدِيَّ
 قَوْلًا وَفِعْلًا وَأَنَّكَ الَّذِي تَمَلَأُ الأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا عَجَّلَ اللهُ فَرْجَكَ
 وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ وَقَرَّبَ زَمَانَكَ وَكَثَّرَ أُنصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ وَأَنْجَزَ
 لَكَ مَوْعِدَكَ وَهُوَ أَصْدَقُ القَائِلِينَ "وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ
 اسْتَضَعُّوا فِي الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الوَارِثِينَ"
 يَا مَوْلَايَ حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا . . . (بجای لفظ کذا حاجت خود را ذکر کند)
 فَاشْفَعْ لِي فِي تَجَاجِهَا .

و بخواه هر حاجت که داری . "

راوی گوید :

" پس از خواب بیدار شدم در حالتی که یقین داشتم به رُوح و
 فرج، چون ملاحظه وقت کردم، دیدم که از شب زمانی وسیع باقی
 است. پس مبادرت کرده این زیارت را نوشتم که از خاطر من نرود.
 بعد از آن تطهیر کرده به زیر آسمان رفته دو رکعت نماز بجای آوردم
 و در رکعت اول بعد از حمد، سوره " إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا "
 و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره " إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ "
 را چنانکه تعیین کرده بود آن مرد، خواندم . پس سلام گفته برخاستم
 و رو به قبله ایستادم و این زیارت را خواندم و حاجت خود را ذکر

کردم ، و استغاثه به مولای خود ، حضرت صاحب العصر و الزمان (صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ) کردم . بعد از آن به سجده شکر رفتم و طول دادم در دعا ، آنقدر که ترسیدم وقت نماز شب فوت شود . بعد از آن برخاستم و نماز شب بجا آوردم تا آنکه فجر طالع ، نافله و فریضه صبح را بجا آوردم و مشغول تعقیب نماز صبح شدم و دعا کردم . به خدا قسم که هنوز آفتاب طلوع نکرده بود که از آن شدت و حادثه‌ای که داشتم فرج در رسید و دیگر در بقیه عمر آن حادثه عود نکرد و احدی را تا امروز بر آن حادثه اطلاع حاصل نشد ، وَالْمِنَّةُ لِلّٰهِ وَالْحَمْدُ كَثِيرًا .

مؤلف گوید : استاد اعظم (أَدَامَ اللّٰهُ ظِلَّهُ الْعَالِي) در "نجم ثاقب" این زیارت را به شرح مذکور روایت نموده پس از آن فرموده : سید بن طاوس همین زیارت را در "مصباح الزائر" با اختلاف جزئی و بدون تعیین سوره و شیخ کفعمی در "بلد الامین" با سوره نقل کرده و پیش از نماز و زیارت ، غسلی نیز ذکر کرده ...

و عالم نحیر ، مرحوم شیخ محمود عراقی (أَعْلَى اللّٰهُ مَقَامَهُ) که از معاصرین بود در "دار السلام" خود بعد از ذکر این زیارت ، مرقوم نموده که :

این عمل هم مانند عمل سابق که در معرزه چهل و چهارم مذکور شد ، از مجربات حقیر است و از این هم آثار غریبه مشاهده کرده‌ام و اول دریافت این عمل در سفر دوم حقیر که مقارن سال هزار و دویست و هفتاد و پنج بود ، ظاهرًا از نجف اشرف به همین بلد که دار الخلافه طهران می‌باشد ، از یکی از علماء (طابَ ثَرَاه) گردید که از مجربات خود در مهمات کلیه می‌دانست و مضایقه می‌نمود از تعلیم آن به غیر اهل ، باعث بر تعلیم حقیر هم اخذ آن عمل سابق شد . در عوض چون مطلع شد بر آن و خواهش نمود ، حقیر هم بر این مطلع شده در عوض خواستم و داد ،

و لکن مستند به این مأخذ نکرد، بلکه اجمالاً مستند به روایای بعضی صلحاء نمود و ذکر نمود که از بعضی اخبار بما رسیده و مجرب گردید. حقیر چون اصل مأخذ آنرا نمی دانستم اعتماد بر عمل اول در قضاء حاجات بیشتر بود، تا آنکه در نجف اشرف به این مأخذ مطلع شدم و ظاهر این مأخذ چنانکه گذشت، تعیین سوره " فتح " و سوره " نصر " است و آن عالم هم تعیین این دو سوره کرد. و فاضل معاصر مذکور هم در کتاب، بلکه دور نیست که خصوص وقت، نیمه آخر شب هم معین باشد. زیرا که در آن وقت راوی مأمور به عمل شد، و اطلاقی در کلام که مستند غیر آن وقت شود نیست و قدر متیقن همان وقت است و آن عالم هم آخر شب را تعیین نمود. بلکه معاصر مذکور از کتاب " بَلَدُ الامین " کفعمی نقل کرده که بعلاوه تعیین هر دو سوره، غسل را هم قبل از نماز و زیارت اضافه کرده، اگر چه از کتاب " مصباح الزائر " عدم تعیین سوره را هم نقل نموده و مستند اضافه و ذکر غسل در کلام کفعمی شاید لفظ تطهیر واقع در کلام راوی باشد. یا آنکه مستند دیگر داشته باشد غیر مستند مذکور، چنان که مستند اطلاق سوره در کلام ابن طاووس شاید اطلاق فقره اول کلام راوی باشد. اگر چه در فقره دوم مقید کرده است و مقتضای تقیید ثانی، تقیید اول است. پس اظہر تعیین سوره باشد، چنان که تعیین وقت اگر اقوی نباشد احوط باشد. لکن اظہر عدم اعتبار غسل است اگر چه احوط باشد. و در هر حال مراد از غسل، غسل زیارت باشد و عموم اخبار غسل زیارت بعلاوه فتوای مثل کفعمی در شرعیت آن کافی باشد. پس مراعات تعیین سوره و وقت و غسل را ترک ننمایند، وَاللَّهِ الْعَالِمُ .

از جمله سلامی است که در زیارت روز جمعه گذشت - در تکلیف

شانزدهم مراجعه شود - که اول آن این است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ . . .

هر اوقات که تو را حالی و در طبیعت اقبالی است، خوانده شود و حاجت بخواند، انشاءالله برآورده است. و مزید بیانی در این خصوص در طی تکلیف سی و دوم خواهد آمد، انشاءالله.

تکلیف ۲۶

از جمله تکالیف انام، درغیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ) توجّه نمودن به سوی آن حضرت است در عصر روز دوشنبه و پنجشنبه. زیرا که سابقاً اشاره شد که در عصر این دو روز، عرض اعمال خلائق به آن حضرت می‌شود. و مجلسی (قُدَسِ سِرّه) در جلد سابع "بحارُ الانوار" در خصوص عرض اعمال به حجج طاهرين (عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ) بابی منعقد نموده، فلاحظ. و در این خصوص احادیث مُتَظَافِرَهٗ مُتَكْتِرَهٗ بطور اختلاف رسیده. در بعض احادیث رسیده که عرض اعمال در هر روز دوشنبه و پنجشنبه به حجج طاهرين (صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) می‌شود. و در بعض احادیث رسیده که عرض اعمال در هر پنجشنبه به رسول و ائمه طاهرين (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ) می‌شود. و در بعض احادیث است، عرض اعمال بَرّ و فاجر در صبح هر روز بر پیغمبر و ائمه (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ) عرضه می‌شود. و در بعض احادیث رسیده در هر روز جمعه عرض اعمال به پیغمبر (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می‌شود. و در بعض احادیث در هر پنجشنبه عرض اعمال به آن حضرت می‌شود.

و فی "بصائر الدرجات" باسناده عن ابی عبد الله قال:

إِنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ خَمِيسٍ فَإِذَا كَانَ الْهَلَالُ اكْمَلْتُ
فَإِذَا كَانَ التَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ عُرِّمَتْ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى عَلِيٍّ
عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ يَنْسَخُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ .

و در "آداب و سنن بحار" از "رياض الجنان" نقل کرده که پیغمبر (صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) فرموده، عین عبارت حدیث این است .
**يَا عَلِيُّ أَعْمَالُ شِيعَتِكَ تُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَأَفْرَحُ بِمَصَالِحِ
 أَعْمَالِهِمْ وَأَسْتَغْفِرُ لِسَيِّئَاتِهِمْ .**

و نیز از " بِشَارَةُ الْمُصْطَفَى " نقل می کند، ما هَذَا نَصُّهُ :
**يَا عَلِيُّ إِنَّ أَعْمَالَ شِيعَتِكَ سَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَأَفْرَحُ
 بِمَصَالِحِ مَا يَبْلُغُنِي مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَأَسْتَغْفِرُ لِسَيِّئَاتِهِمْ .**

و می توان از برای اختلاف این احادیث، توجیهاتی موجه نمود. ولیکن محتاج به تحقیقات و تحریرات زیاد است که در این عجالت، مقام تحقیق و تدقیق آن نیست و حقیر را در کتاب " ناسِخُ التَّفَاسِيرِ " در نزد تفسیر آیه شریفه " وَقُلْ إِعْمَلُوا فَمَا يَسِيرُ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنِينَ " بیاناتی است که اصلاح بعضی اقوام را می نماید، فَلَاحِظْ. بالجمله مقصود، عرض اعمال است به حجج طاهرين (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) بخصوص امام عصر و ناموس دهر (أَرَوَّاحُنَا فِدَاهُ)، به خصوص در دوشنبه و پنجشنبه چنانکه تصریح شده این دو روز به مقتضای اخبار مُسْتَفِيضَه، روز عرض اعمال است - و بخصوص در عصر این دو روز - و استاد اعظم (دَامَ ظِلُّهُ الْعَالِي) فرموده به روایت شیخ طوسی در "غیبت": "اولاً بر حضرت حجت (عَلَيْهِ السَّلَام) آنگاه بر هر یک از ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَام) آنگاه بر رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). آنگاه عرض می شود بر خدایتعالی چنانکه در رسیدن فیوضات از مبداء فَيَّاض ترتیب به عکس است. و منتهی می شود به حضرت حجت (أَرَوَّاحُنَا فِدَاهُ) و از او منتشر می شود در میان خلق عَلَيَّ حَسْبَ إِسْتِعْدَادِهِمْ، و عصر این دو روز هم به حسب تقسیم ساعات روز مختص است به آن حضرت (أَرَوَّاحُنَا فِدَاهُ). و استاد اعظم (أَدَامَ ظِلُّهُ الْعَالِي) اختصاص داده اند عرض اعمال را در عصر دوشنبه و پنجشنبه به امام عصر (أَرَوَّاحُنَا فِدَاهُ)، و صریح کلمات ایشان در غیبت ایشان این است که: در این دو وقت اعمال عباد عرض می شود بر امام

عصر (عَلَيْهِ السَّلَام) چنانچه در عصر هر امامی بر آن جناب عرض می‌شد، و در زمان حضرت رسول (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بر آن جناب، و اخبار در این باب بسیار است و در غالب آن تصریح بَعَصْر نشده و لکن در بعضی دیگر اشاره شده و موافق است با اعتبار، شیخ طبرسی در "مَجْمَعُ الْبَيَان" در ذیل آیه شریفه "قُلْ إِعْمَلُوا فِى سَبِيْرِ اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ" گفته که: اصحاب ما روایت کردند که اعمال اَمّت عرض می‌شود بر پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در هر دوشنبه و پنجشنبه، پس می‌شناسند آنها را، و همچنین عرض می‌شود بر ائمه هدی (عَلَيْهِمُ السَّلَام) پس می‌شناسند آنها، و ایشانند مقصود از قول خداوند "وَالْمُؤْمِنُونَ". و از غرایب آنکه شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر خود گفته که: در اخبار آمده که اعمال اَمّت در هر شب دوشنبه و پنجشنبه بر رسول خدا و بر ائمه (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِم) عرض کنند و مراد به موءمنان، امامان معصوم باشند.

پس از ذکر چند خبر از سید بن طاوس (قُدَسَ سِرُّهُ) نقل نموده که:

در "محاسبة النفس" گفته که: "من دیدم و روایت کردم در روایات مُتَّفَقَةً از ثقات که روز دوشنبه و روز پنجشنبه عرض می‌شود در آن دو، اعمال بر خداوند (عَزَّ وَجَلَّ) و روایت شده از اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَام) که در روز دوشنبه و پنجشنبه عرض می‌شود اعمال بر خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) و بر رسول او و بر ائمه (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِم)." .

پس از نقل چند حدیث دیگر فرموده که:

سید فرمود که: "سزاوار است که انسان در هر پنجشنبه و دوشنبه — محافظت کند به هر طریقی در طلب توفیق، و مبادا که در این دو روز خود را مُهْمَل بگذارد در استظهار در طاعت، و اینکه کوشش کند در سلامتی از اِضَاعَتِ به قدر امکان، زیرا که عقل و نقل هر دو اقتضا می‌کند که وقت عرض عبد بر سلطان، مستعدّ و متحفّظ

باشد به خلاف غیر او از اوقات .

و نیز در فصل هفتم "جَمَالُ الْأُسْبُوعِ" فرموده که :

از مهمات روزدوشنبه اینکه او روز عرض اعمال است بر خدا و رسول
و خاصان او (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) .

آنگاه جمله‌ای از اخبار خاصه و عامه را نقل نموده و فرموده که :

روایت شده از طریق خاصه که وقت عرض اعمال در این دو روز ،
وقت انقضاء این دو روز است . پس سزاوار است از برای بنده‌ای که
عارف است به حرمت کسی که عرض می‌شود اعمال بر او ، اینکه تفقّد
کند اعمال خود را ، و اصلاح کند آن را به غایت آنچه طاقت او
می‌رسد به آن ، و متذکّر شود که آن اعمال عرض می‌شود بر خداوند
(جَلَّ جَلَالُهُ) که دانا است به سرائر . آنگاه برخواصّ او ، اهل مقام
باهر و حاضر می‌کند این صحیفه‌ها در پیشروی خداوند و پیشروی
ایشان ، فضایح گناهان صغیره و کبیره را ، پس چگونه سهل است این
مطلب در نزد بنده‌ای که تصدیق کرده به خداوند مَلِکِ اعظم عزیز
قاهر ، و به روز بازپسین

پس فرموده :

آخر این دوروز به مقتضای اخبار مستفیضه ، روز عرض اعمال است .
و به حسب تقسیم ساعات روز ، مختص است به آن جناب و نیز وقت
تبدیل ملائکه ، حَقْفَه است که موکّلین روز بالا روند و موکّلین شب
فرود آیند . باید نهایت مراقبت و مواظبت نمود ، در اصلاح اعمال
و تدارک آنچه فوت شده و رفع شواغِل و موانع از توجه و تصرّع و
انابه ، و برخواستن از مجالس اهل غفلت و توّسل و استغاثه به امام
عصر (عَلَيْهِ السَّلَام) ، به نحوی که سابقاً اشاره کردیم . و خواستن

از آن جناب ، شفاعت در اصلاح صحایف اعمال و تبدیل سیئات آن به حسنات و تمام و با قدر و منزلت کردن حسنات آن به فاضل حسنات خود ، حسب دعای مشهور از آن جناب که برای شیعیان خود کردند و از خداوند خواستند که چنین کند . و نیز در شب و روز دوشنبه و پنجشنبه سعی کند در کردن عملی خالص که شاید به برکت آن از مفاصد باقی درگذرند . و اختصاص دهد این دو روز را به بعضی اعمال ، چنانچه در اخبار رسیده . مثل استحباب خواندن هزار مرتبه " إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ " در هر یک از آنها و خواندن سوره " هَلْ أَتَى " در نماز صبح هر دو روز که هر دو سوره حال مختص است به امام عصر (عَلَيْهِ السَّلَام) . جاروب کردن مسجد در هر دو ، و خواندن استغفار مأثور در آخر روز پنجشنبه و غیر اینها از اعمال که در محلش مذکور است .

مؤلف گوید : نمی دانم از برای تو که فعلا در غیبت امام عصر (اَرَوَا حُنَا فِدَاهُ) واقع شده ای ، یقین حاصل شده که امام تو (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) قبل از عرض اعمال توبه آن حضرت (اَرَوَا حُنَا فِدَاهُ) از تمام حرکات و سکنات و اقوال و افعال و افکار تو مطلع است یا نه ؟ به خدا قسم اگر درجه یقین را حاصل کرده باشی و حالت مُراقبه را دارا باشی ، فوراً تأثیرات و بروزات و ظهورات آن در ظاهر و باطن تو بروز و ظهور خواهد کرد . و گمان ندارم که به این درجه بی حیا و بی شرم باشی که اعتنا نمائی به اینکه خدا و رسول و ائمه (عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) بر قباحت افعال و شناعت اعمال و رذائت افکار و احوال تو مطلع باشند و تو باز اصرار و ابرام داشته باشی و متنبّه و متذکر نشوی . مگر اینکه - نَعُوذُ بِاللَّهِ تَعَالَى - معتقد به خدا و رسول و ائمه (عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) که متّصف به صفات مقررّه معینه اند ، نباشی . و خدا و رسول و امامی را معتقد باشی که شیعه اثنی عشریه قائل نیستند : " أَفَرَأَيْتَ مَنْ إِتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوِيَهُ " که خدای خود را هوا و هوس خود قرار داده و پیغمبر و ائمه

راماندسایر بشر فرض کرده، و این احادیث و اخبار و نصوص معتبره و کلمات حُجَجِ الهیّه را سَرَسَری و حکایات و قصص و بیانات را محتمل صدق و کذب پنداشته‌ای. اگر نه این قسم عقیده و باطن تو باشد، پس چه دلیل دارد که ترک شیطان پرستی و هوا پرستی را نمی‌نمائی، و از خدا و رسول و ائمه (أَرْوَاحُنَا فِدَاهُمْ) حیا و شرم نمی‌کنی، و تغییر وضع نمی‌دهی و ترضیه خاطر مقدّس امام خود را حاصل نمی‌کنی. از ابتدای عمر تا کنون که قریب به مرگ رسیده‌ای، یک روز هنگام عرض اعمال تو عمل خالص بی‌ریائی را که مرضی خدا و رسول و ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَام) باشد، در صحیفه اعمال توثیق نشده و آن به آن، لحظه به لحظه، باری دیگر به روی بارهای گران معاصی خود می‌گذاری و فریب شیطان را خورده، می‌گوئی "خدا کریم است!" ولی باید بدانی خدا عادل هم هست، حکیم و لطیف و خبیر هم هست. گول و فریب مثل تو وجود خبیث کذاب قَسِي الْقَلْبِ شیطان پرست هوا پرست مُرَائِي فاسد العقیده بی‌اخلاص را نخواهد خورد و به این تسویلات و تدلیسات قولی و عملی شیطانی، به بهشت جاودانی تو راه نخواهند داد. باری، فکری کن برای خودت قبل از آنکه کار به جایی رسد که مقام فکر هم برای تو نماند، و مهلت فکر هم به تو ندهند. اکنون حقیر را فکری به خاطر قاصر رسیده، اگر گوش دهی و عمل کنی - خَالِصًا لِرُوحِهِ الْكَرِيمِ - و فکر من آن است که: ما بندگان ضعیف و ذلیل، واضح است که تمام افعال و اعمال ما مرضی خدا و رسول و ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَام) نیست. بلکه در هر نَفْسِي دو معصیت برای ما موجود است. هر نَفْسِي که فرو می‌رود مخرب ذات، و چون بر می‌آید مُمِدًّا ظلمات حیات. چنانچه روز دوشنبه و پنجشنبه خصوصاً، و در سایر ایام هفته عموماً، ایام و لیالی و اوقات را به معاصی و مناهی و ملاهی گذرانیده باشی غفلتاً و جهالتاً، و یقین داری که در صحیفه اعمال تمام آنها ثبت و ضبط شده، و امروز که دوشنبه است، وقت غروب صحیفه اعمال تو را می‌برند حضور مبارک امام عصر و ناموس‌دهر (أَرْوَاحُنَا فِدَاهُمْ)، و اسباب هم و غم، یا خدای نکرده سَخَط و غضب آن حضرت خواهد شد، و چاره‌ای هم نداری

و کتبه کرام را هم نمی‌بینی که صحیفه تو را نبرند، یا از آنها بگیری، و آنها هم ماء مور نیستند که اطاعت تو را نمایند، یا صحیفه تو را پنهان کنند، یا به تو پس بدهند. از آقا و مولای خود ماء مورند که لیلاً و نهاراً مترصد باشند که طرفه العینی از تو تغافل و تجاهل نورزیده، تمام اعمال حسنه و سیئه تو را ثبت کنند، و صورت آن را به آقایان خود عرضه بدارند. پس خوب است بازراه چاره‌ای که خود موالیان ما (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) فرموده‌اند، از آن راه درصدد چاره جوئی برآئیم و قسمی نمائیم که لامحاله بر اعمال قبیحه و افعال شنیعه ما، آقایان ما در آن دفاتر مخصوصه به حسب ظاهر ناظر و مطلع نشوند که رسوای دنیا و آخرت شویم. چاره و تدبیر و فکر و علاجی که حقیر برای تو از این به بعد پیدا کرده‌ام، این است که بعد از نماز عصر روز دوشنبه یا پنجشنبه بخوانیم این استغفار را که شیخ طوسی (عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ وَ الرَّضْوَانُ) و سیدین طاوس (قُدْسٌ سِرُّهُ) و جمعی از اعیان و اساطین علماء و فقهاء و محدثین، از متقدمین و متأخرین، به سندهای معتبره از حضرت صادق (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ) روایت کرده‌اند از حضرت رسول (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) که فرمودند:

هر که هر روز بعد از نماز عصر یک مرتبه این استغفار را بخواند، خدای تعالی دو ملک او را امر فرماید که صحیفه گناهان او را بردند، هر چند بسیار باشد.

استغفار مزبور این است :

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً
عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَافِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مُسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا
يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا وَ لَا مَوْتًا وَ لَا حَيٰوةً وَ لَا نُشُورًا .

پس بهترین است که هر روز، بعد از نماز عصر از صمیم قلب و کمال خلوص

نیت این استغفار را بخوانیم، که آن دو ملک صحیفه ما را پاره کنند و دیگر صورت قباحات افعال و شتاعت اعمال ما را حضور موالیان ما نبرند، که رو سیاه و نامه تباه دارین شویم. و بعد از خواندن این استغفار - مَعَ شَرَايِطِهِ - از روی اخلاص و صمیم قلب، ملتفت حرکات و سکنات و افعال و اعمال خود تا غروب باشیم، که دو باره خلافتی و معصیتی از ما سر نزند. زیرا که چنان معلوم است، آن ملکین تا آن حینی که تو این استغفار را می خوانی - به شرایط استغفار - صحیفه گناهان تو را پاره می کنند. و لکن باز هم از تو غفلت ندارند و تاهنگام غروب مشغول ثبت و ضبط خواهند بود. و چنین نیست که از تو دست بردارند و بروند. منتهی آن گناهانی که از طلوع فجر تا حین خواندن این استغفار نموده ای، پاره شد و دور ریخت. و خدای تعالی عفو و صفح فرمود که در کتابچه بزرگ ثبت نشود. و همانطور که خدای تعالی (عَزَّ سُبْحَانَهُ وَ بَهْرَبُرْهَانَهُ) قبل از نوشتن این اعمال، عالم به آن بودند و حالا صرف نظر فرمودند، حضرت رسول و ائمه (عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) هم با وجود علم آنها به اعمال تو صرف نظر فرمودند و دیگر از ثبت و ضبط خارج است و مؤاخذه ندارد. و لکن این مَلَك، غلامی است که مامور است تا غروب آفتاب مَوَكَّل تو باشد. تَتَمَّه روز را در خدمت شما خواهد بود و گناهان تو را مانند مَلَك دیگر که حسنات تو را می نویسد، تا غروب خواهد نوشت. وقت غروب مرخص است، می برد خدمت امام (أَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ) و از آنجا تا به جایی که ماموریتش انجام پذیر شود. پس خوب است که بعد از خواندن این استغفار - با شرایط مقررّه - جهد نمائی تاهنگام غروب معصیتی صغیره و کبیره از تو سر نزند، لِأَمْحَالِهِ حضور امام (أَرْوَاحُنَا فِدَاَهُ) مُنْفَعِل و شرمنده نباشی. شاید هنگام عرض اعمال در حق تو دعای خیری فرمایند. شاید اعمال حسنه تو زیاد باشد و اسباب مسرت خاطر مقدس موالیان تو گردد. و شاید اگر گناه صغیره ای از تو در این قلیل زمان غفلتاً سر بزند، در صدد اصلاح آن بر آید، و سیئات صغیره تو را تبدیل به حسنات فرمایند، و آن نواقص حسنات را به فواضل حسنات خود تکمیل فرمایند. و به قدر و منزلت

و شکوه حسنت تو از برکت حسنت آن حضرت (ارواحنا فداه) افزوده شود، اگر خالص باشد، و الاّ مردود و مطرود خواهد شد. این بود فکر قاصر فاتر من. حالا اگر فکری بهتر از این داری، بکن. و این مطالب را سرسری گمان مکن که حجت بر تو تمام، و عمّا قریب قائم (عَلَیْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) قیام خواهد فرمود. و می گوئی: اَلْاَنَ قَدْ نَدَمْتُ وَ مَا یَنْفَعُ النَّدَمَ . و می خوانی در آن وقت این مضمون را که در زیارت آن حضرت حالا می خوانی:

وَ اِنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقًّا لَارِیْبَ فِیْهَا یَوْمَ لَا یَنْفَعُ نَفْسًا اَیْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ اٰمَنَتْ مِنْ قَبْلِ اَوْ كَسَبَتْ فِیْ اَیْمَانِهَا خَیْرًا ...

تکلیف ۲۷

از جمله تکالیف انام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ) دعا کردن است، که خدای تعالی تو را از جمله موالیان و دوستان و شیعیان و ملتزمین رکاب آن حضرت (أرواحنا فداه) در رجعت و ظهور قرار دهد. چنان که در عهدنامه گذشته خواندی که حضرت صادق (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ) فرمودند خوانده شود. و از فقرات آن این بود:

اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ
حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي
مُجَرَّدًا قِنَاتِي مُلْتَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي...

باید در این دعوات صادق باشی نه کاذب، و به مجرد زبان بازی و عبارت پرداززی نباشد. و حالت باطن تو به قسمی در این دعوی، و سایر دعواها و دعوات تو صادق باشد. چنانکه سید بن طاووس (قَدَسَ سِرُّهُ) در "کشف المحجّه" به پسر خود محمد وصیت می نماید:

و از جمله آنها که گفتم به بعض کسانی که ادعای غلو در محبت آن حضرت می کرد، که اگر بفرستد به سوی تو و گوید که سلطان بلد تو می دهد بعد از این روز، هر روزی هزار اشرفی. بعد سلطان بدهد به تو مستمری با تکرار هر روزی تمام این مقدار را، و گوید بر تو حلال در زمان غیبت مهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). بعد بفرستد

به سوی تو مهدی (عَلَيْهِ السَّلَام) و گوید من مرخص شدم در ظاهر شدنم، و آن عطا نبود به اذن من، و مستحق نیستی تو مگر با غایب بودن من. کدامیک دوست تر است پیش تو؟ آیا ظاهر شود و قطع نماید آن عطا را و حساب کند بر هر چه زیاد آید از مؤنه تو؟ و همین دو را قرار ده بین هر که را که زشت می داری و از مرتبه تو پست تر است، بین او و بین مهدی (عَلَيْهِ السَّلَام) به این نسبت بسنج، بین کدامیک را دوست تر می داری؟ طول عمر و غیبت مهدی (عَلَيْهِ السَّلَام) و باقی بودن روزی هزار اشرفی در حق تو؟ یا تعجیل ظهور آن حضرت و بریدن عطا و حساب یومیّه گرفتن تو و برگرداندن آنچه از او گرفته شد به دشمنان آن حضرت؟ بگو به من اختیار خود را. و گفتم به بعض برادران اینکه بعض رجال مهدی (عَلَيْهِ السَّلَام) کسانند که می خواهند او را برای آنچه خدا خواسته (جَلَّ جَلَالُهُ)، چه آنکه به این شخص نفع رسان باشد آن حضرت یا نباشد در عاجله دنیا، و اختیار امر را به خدا واگذار کرده اند، و خود را به او تسلیم نموده اند.

حقیر گوید: چنانچه دارای این قسم از اعتقاد و اخلاص قلبی نباشی، باز هم نباید مأیوس شوی و ترک این آداب و اعمال را نمایی. بلکه همواره از خدای تعالی مسئلت نمایی که تو را در زمره آن اشخاص که صاحب رضا و تسلیمند در امر حضرت حجت (أرواحنا فداه) قرار دهد، به زبان فقط هم، در صورت فقدان آن درجات از معرفت، اگر بتوانی در مقام دعا و ثنا و اظهار بندگی و چاکری برآئی: "در دل دوست به صد حيله رهي بايد كرد"، شاید نورانیّت این کلمات از توسّلات و دعوات مأثورات و بیانات تأثیری در قلب تو نماید که در قوای تو تأثیری بخشد و مراقبت معرفت و یقین و اخلاص اندک اندک تکمیل شود: **أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ لغيرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ يَنْجِرُ إِلَى اللَّهِ.**

تکلیف ۲۸

از جمله تکلیف امام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) آن است که ملاحظه حالات آن حضرت را (أَرَوَا حُنَا فِدَاه) لیلًا و نهارًا نموده، و در بعض اوقات مخصوصه، و آزمونیه منصوصه که آن حضرت را فراغتی است به جهت طاعت و عبادت و از بعض مشاغل و شواغل از قبیل: اعانه ملهوفین و اعانه مظلومین و تنظیم امورات دینیّه و دنیویّه عامه خلق، ظاهراً و باطناً آسوده است خود را متذکر خاطر مقدّس آن حضرت نمائی به سلام و دعوات و تحیات و غیرها، مثل ثلث آخر شب که آن حضرت مشغول تهجد و دعا و زاری و گریه و انابه و سوگواری است. اگر چه از بعض اخبار و خصایص آن حضرت (أَرَوَا حُنَا فِدَاه) مُستفاد می شود که آن حضرت را خوابی نیست، و در تمام شب مشغول عبادت و طاعت است، مانند آباء کرامش (عَلَيْهِمُ السَّلَام)، چنانکه سابقاً گذشت که از جمله صفتهای آن حضرت، گندم گون مایل به زردی از کثرت بیداری شب و زحمت طاعت و عبادت است که امام (عَلَيْهِ السَّلَام) او راستوده. نظر به اینکه شاید در این موقع که آن حضرت (أَرَوَا حُنَا فِدَاه) مشغول نماز شب و شَفَع و وَتُر است، تَرَحُّمًا در قنوت و تر تو را دعا نماید، و نظر مرحمتی در حق تو بفرماید، و در زمره مسلمانان اگر باشی، تو را هم دعا کند. لَعَلَّ در فقره "اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُسْلِمِينَ" و الْمُسْلِمَات" محسوب باشی. یا هنگام طلوع فجر که وقت اختلاف و تردّد ملائکه است، و هنگام بسط و نشر فیوضات ظاهره و باطنه است. یا بعد از نماز

صبح واول زوال، و بعد از نماز ظهر و بعد از نماز عصر و هنگام غروب آفتاب که مختص آن حضرت است، و وقت نزول و صعود ملائکه است. و هنگام خوابیدن تو که روح تو طیران می‌نماید به عالم بالا و سیر می‌نماید در عالم آفاق و انفس. شاید در این بین، روح تو را بطلبد و نسبت به او اظهار مرحمت و مکرمتی فرماید. یا روز عَرَفَه که قطع داری آن حضرت (أرواحنا فداه) در عرفات مشغول دعا و مناجات است، که دعا کردن در حق برادر دینی در آن روز مبارک اختصاص دارد، و مقدم بر تمام حوائج شخصی است. یا در شب قدر که هر سه شب باشد که ملائکه و روح، فوج فوج، زمره زمره، دسته دسته، حضور مبارک آن حضرت شرفیاب می‌شوند برای تفریق هر امر حکیمی. یا در روز و شب عاشورا که ارواح یکصد و بیست و چهار هزار نبی و وصی مشغول زیارت و مصافحه با موءننین از ملائکه و جن و انس می‌باشند. بهمچنین در شب نیمه شعبان که نیز همین اختصاص را دارد و شب مولود مسعود آن حضرت است، بعلاوه شئون دیگر که اختصاص به آن حضرت دارد. و روز نوروز که اختصاص به ظهور آن حضرت (أرواحنا فداه) دارد. و شب جمعه که روح مقدس او به آسمان صعود می‌نماید، تا در زیر عرش کسب فیوضات و شئونات و علوم جدیده می‌نماید. و روز جمعه که اختصاص به آن حضرت دارد و سعی به اسم آن حضرت است و متعلق به اوست (أرواحنا فداه). و سایر ازمه و اوقات دیگر که واضح است، باید در تمام این موارد ازمه و اوقات با کمال خضوع و خشوع از آن حضرت (أرواحنا فداه) مسئلت و درخواست نمائی که در نزد خدای تعالی شفیع تو شود، و شفاعت نماید در قضاء حوائج دنیا و آخرت تو، و تقرب به سوی خدای تعالی (عَرَسِبْحَانَهُ وَ بَهْرَ بُرْهَانَهُ) و آن حضرت (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَ مَخْرَجَهُ) و اصلاح امور دین و دنیا و آخرت، و داخل شدن در زمره اصحاب و دوستان آن حضرت در رجعت و سلطنت و دولت حقّه آن حضرت و اجداد معصومینش (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ). شاید سلام و صلوات و مناجات و دعوات و تحیات تو از آن حضرت محبوب نشود، و به آن حضرت برسد، و در حق تو ترحم و تفضل و تفقد و تصدق فرماید،

و شفاعت نماید نزد خدای تعالی از برای تو، که دعای آن حضرت مستجاب، و اسباب فوز دنیا و برزخ، و فلاح رجعت و آخرت تو خواهد شد.

تنبيه: از منته و اوقاتی که متعلق به امام عصر (عَجَلُ اللّٰهُ فَرَجَهُ وَسَهَّلَ مَخْرَجَهُ) است، استاد اعظم (أَدَامَ اللّٰهُ ظِلَّهُ الْعَالِي) در "نجم ثاقب"، منحصر در هشت نموده‌اند:

- اول: شب قدر، بلکه هر سه شب مردّد که نوزدهم، و بیست و یکم، و بیست و سیم است.
- دوم: روز و شب جمعه.
- سوم: روز عاشورا.
- چهارم: از وقت زرد شدن آفتاب هر روز تا غروب آن.
- پنجم: عصر دوشنبه.
- ششم: عصر پنجشنبه.
- هفتم: شب و روز نیمه شعبان.
- هشتم: روز نوروز.

و از برای اختصاص هر یک از این ازمنه و اوقات، شواهد و دلایلی چند ذکر فرموده‌اند، که در کتاب مزبور ثبت است. و این حقیر اقتداءً و تَیْمَنًا، مُجْمَلً بعضاً از آنها را در این مورد ذکر می‌نماید، در ضمن تکلیفات عدیده، تا آنکه برادران ایمانی و أَخِلَاءَ روحانی موفق گردیده اسباب تذکّر و تنبّه آنها شود. و موافق تکلیفات خود، معمول و مرعی دارند تا از مُقَصِّرِينَ محسوب نباشند. پس، از جمله تکالیف اناام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) حفظ حدود و مراتب این ازمنه و اوقات است، متذکّر امام خود (أَرَوَّاحُنَا فِدَاه) گردیده، اسباب تقرب به آن حضرت را فراهم آورند، و در این ازمنه و اوقات متبرّکه به غفلت و عَطَلت بسر نبرند.

تکلیف ۲۹

از جمله تکالیف انام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) آن است که، در شب قدر که شب بروز و ظهور قدر و منزلت و هیمنه و سلطنت و عظمت و جلالت امام عصر (أَرَاخُنَا فِدَاه) است، به سبب نزول روح و آنقدر ملائکه بر آن حضرت که بر زمین جای تنگ شود، برای تقدیر امور سال عباد - چنانکه در اخبار بسیار و احادیث بی شمار است - از جمله، در تفسیر علی بن ابراهیم است به چندین سند معتبر از حضرت باقر و صادق و کاظم (عَلَيْهِم الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) روایت کرده که:

در تفسیر آیه مبارکه "فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ" فرموده اند که: خداوند تقدیر می کند هر امری را از حق و باطل و آنچه می شود در این سال، و از برای خداوند است در آن بدها و مشیت که پیش اندازد آنچه را بخواهد، و تاخیر نماید آنچه را بخواهد از آجال و ارزاق و بلایا و اعراض و امراض، و زیاد کند در آنها آنچه را که بخواهد، و کم کند آنچه را که بخواهد. و می دهد آن را به رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و رسول خدا به امیر المؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام)، و می دهد آن را امیر المؤمنین به ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَام)، تا اینکه می رسد آن به صاحب الزمان (عَلَيْهِ السَّلَام) و شرط می کند در آن بدها و مشیت و تقدیم و تاخیر را.

و نیز روایت کرده که :

خداوند تعالی تقدیر می کند در شب قدر آجال و ارزاق را ، و هر امری که حادث می شود از موت و حیات ، یا ارزانی و گرانی ، یا خیر و شر... تا آنکه گفته که :

نازل می شود ملائکه و روح القدس بر امام زمان ، و می دهند به او آنچه که نوشتند از این امور .

و شیخ صفار در " بصائر الدراجات " روایت کرده از داود بن فرقد که گفت :

سؤال نمودم از او - یعنی از جناب صادق (عَلِيهِ السَّلَام) - از قول خداوند (عَزَّ وَجَلَّ) اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، فرمود : نازل می شود در او آنچه می شود از این سال ، از موت یا مولود . گفتم به او: به سوی که نازل می شود؟ فرمود : به سوی که شاید باشد؟ به درستی که مردم این شب را در نماز و دعا و مسئلتند و صاحب این امر در شغلی است . نازل می شود ملائکه به سوی او به جهت امور سال از غروب آفتاب تا طلوع .

و علامه مجلسی (رَحِمَهُ اللَّهُ) در " زاد المعاد " فرموده :

از بعض احادیث ظاهر می شود که هر سه شب قدرند . یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم . و در شب اول تقدیر امور می شود . و در شب دوم به کثرت دعا و عبادت ممکن است بعضی تغییر بیابد و در شب سوم حتم می شود و تغییر نمی یابد یا بسیار کم تغییر می یابد . بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیفه می شود ، و تغییرش آسان است . و بعد از آن ثبت دفاتر می شود ، و تغییرش دشوارتر است . اما تا به مهر مهر آثار مزین نگردیده است باز ممکن است تغییر بیابد . و چون به مهر اشرف رسید به منزله حتم است ، و تغییرش در نهایت صعوبت است .

و نیز در مقام ذکر مُرَغِبَات عبادت در شب قدر فرمود:

چون حضرت صاحب الامر (عَلَیْهِ السَّلَام) در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است، و فوج فوج خدمت او می آیند و بر او سلام می کنند و تقدیرات که برای او و سایر خلق شده است بر او عرض می کنند، سزاوار نیست در چنین شبی تأسّی به امام خود نکنند و به غفلت به سر آورند.

و نیز از فوائد عبادت آن شب شمرده که:

چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزّت و وصحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب می شود، اصلاح تمام احوال سال خود را در این شب کرده خواهد بود. و ممکن است که نام او در دیوان اشقیاء نوشته باشد، در این شب تغییر یابد و از زمره سعادت‌مندان نوشته شود، چنانچه این مضمون در اکثر دعاهاى مخصوصه و احادیث معتبره وارد شده است. و بنا بر آنچه ذکر شد که دعای بر آن جناب را باید مقدّم داشت بر دعای نفس خود، و در این شب مشغول است به آن امر عظیم الهی. پس بهترین دعاها طلب نصرت و اعانت و حفظ الهی است برای آن جناب، چنانچه گذشت که در شب بیست و سوم در جمیع حالات، چه در رکوع چه در سجود و چه نشسته و یا ایستاده، در تمام حالات بلکه در سایر اوقات باید خواند آن دعا را که مضمونش پس از حمد و صلوات این بود که:

اللَّهُمَّ كُنْ لِي وَلِيًّا، الْقَائِمِ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِمَا
السَّلَام . . .

و پس از آن، توسّل و استغاثه به آن جناب و طلب اعانت و شفاعت و انجام آنچه می خواهد و باید بدست مبارک او جاری شود و به نظر انور او بگذرد. و تضرّع و انابه که نظر لطف و رأفت خود را از او بر ندارد و بوسیله‌ای خود را به نیکی در نزد آن جناب مذکور نماید که آنچه سزاوار بزرگی اوست، در این شب که زمام امور بدست قدرت الهیّه اوست، با او رفتار نماید.

تکلیف ۳۰

از جمله تکلیف انام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) آن است که در هر روز جمعه و شب آن، که در ایام هفته اختصاص و تعلق به آن حضرت (أَرْوَاحُنَا فِدَاه) دارد، از جهت ولادت با سعادت آن حضرت در طلوع فجر روز جمعه، و ظهور موفور السّرور آن حضرت در این روز، بلکه عید بودن روز جمعه و شمردن آن را یکی از اعیاد اربعه، حقیقتاً به جهت آن وجود مبارک است. و بودن جمعه یکی از اسامی مقدسه آن حضرت صراحتاً و کنایتاً، چنانچه در بعض اخبار و احادیث است. چنانچه در خصوص نماز هدیه و روز جمعه ذکر خواهد شد. پس سزاوار است در این روز و شب مبارک، کمال توجه را به امام عصر خود (أَرْوَاحُنَا فِدَاه) نمود. اما در شب جمعه اگر بتواند احیا بدارد و تا صبح نخوابد، زیرا که در شبهای جمعه چنانکه در حدیث است از برای امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) شأنی مخصوص است غیر سایر شبها. و روح مقدّس او به آسمان صعود می نماید، به اتفاق ارواح تمام انبیاء و اوصیاء، تادر دور عرش الهی (جَلَّ جَلَالُهُ) هفت مرتبه طواف می نمایند و نزد هر قائمه از قوائم عرش دو رکعت نماز می گذارند. پس برمی گردند ارواح تمام انبیاء و اوصیاء به ابدان خودشان با فرح و سرور زیاد، و بر می گردد روح امام (أَرْوَاحُنَا فِدَاه) و حال آنکه علوم و اسرار زیادی به او مرحمت شده. پس ملاحظه کن، چنانچه در این شب مبارک مشغول طاعت و عبادت و توجه و سلام و صلوات و تحیات به امام خود و آباء ظاهری او (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِم

اجمعین) باشی. شاید صلوات و سلام بر آن حضرت می‌فرستی، در حالتی باشد که آن حضرت (أرواحنا فداه) در نزد عرش الهی مشغول عبادت است و در آنجا جواب سلام تو را بگوید، یا به تو صلوات بفرستد و دعا در حق تو بفرماید. وَ اللّٰهَ کَہ چنان وجود مقدّس در چنان انجمن و مجمع مقدّسی و در چنان موضع و مکان مقدّسی، اگر سلام و صلوات به تو بفرستد و دعا در حق تو بفرماید، یقیناً مستجاب و منظور نظر و مستغرق الطاف و اعطاف و مراحم و مکارم خفّیه و جلیّه حضرت ربّ الارباب خواهی شد. نمی‌دانم شبی هزار رکعت نماز خواندن حضرت امیر (علیه السّلام) در نزد بعضی از متقّسین عجب است یا در نزد سیصد و شصت هزار قوائم عرش‌الله در کمتر قسمتی از قسمتهای شب جمعه، هفتصد و بیست هزار رکعت نماز خواندن حضرت حجّت (أرواحنا فداه) أعجب است. خداوند همه ما را در مقام رضا و تسلیم و معرفت موالیان خود ثابت و برقرار بدارد:

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

اما در روز آن از طلوع فجر الی غروب به اعمال و آداب وارده مخصوصه این روز مبارک قیام و اقدام نمائی. و در خصوص اعمال و آداب شب و روز جمعه، علمای اعلام و روّات احادیث ائمه کرام (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ) کتب عدیده به رشته تالیف و تصنیف کشیده‌اند که بحمد الله تعالی در اقطار و اکناف عالم پُر است، و احدی را در تحصیل آنها حاجت زحمت و ضَرْبِ بِلَادی نیست. مثل "صَلَاةٌ بِحَارِ الْاَنْوَارِ" و "رَبِيعِ الْاَسَابِيعِ" و "مَصَابِيحِ عُلَمَاءِ" و غیره‌ها. و این حقیر بعضی از آن آداب و اعمال و وظایف این روز مبارک را که اختصاصی و انفرادی به وجود مبارک آن حضرت (أرواحنا فداه) دارد، تصریحاً اَوْ تلویحاً به ترتیب خاص ذکر می‌نماید، تا آنکه مگر بعضی از برادران ایمانی و اخلاء روحانی که متذکّر و متنبه وجود مبارک مقدّس امام خود (أرواحنا فداه) هستند، معمول و مسلوک داشته‌تا حجّت بر آنها تمام و حجّت بر آنها سلام رساند. پس تکلیف تو

آن است که چون شمس تابان صبح جمعه از افق ظلمت شب طالع شد، پس از ادای نافله فجر و نماز صبح و رعایت اعمال و آداب و نکات و دقایقی که سابقاً ذکر شد، موافق دستور العملی که سادات دنیا و آخرت تو قرارداده اند، رفتارنمائی و آداب و رسومات و سنن و واجبات و مستحبات و دعوات و اذکار و زیارات و قرائات و اوراد و صلوات و تحیات و غیرها که از اهل بیت معصومین (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ) رسیده که باید قبل از نماز صبح و بعد از نماز صبح، و قبل از نماز ظهر و بعد از آن، و قبل از عصر و بعد از آن، و هنگام غروب آفتاب بخوانی و عمل نمائی موافق شرایط و آدابی که مقرر فرموده اند عمل کنی. و در تمام این موارد بلکه اکثر اوراد و دعوات و اذکار و تحیات خود را قرار دهی که صلوات بفرستی به محمد و آل محمد (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ) عموماً و به حضرت صاحب العصر والزمان (ارواحنا فداه) خصوصاً. و این حقیر مجملی از آداب جمعه را در طی تکالیف آتیه ذکر خواهد نمود، فَتَرَبَّصْ، پس خوب است بعد از نماز فجر ابتدا به این شهادت و صلوات نمائی که مشتمل بر مضامین عالیه و عبارات و اشارات فائقه رائقه است، شاید کمتر دعائی مشتمل بر این قسم مضامین لامعه و مطالب جامعه باشد. و این دعا را مجلسی (قُدْسٌ سِرٌّ) در "صَلَاةٌ بِحَارٍ" نقل کرده از اصلی قدیم و کتابی عتیق از مؤلفات علماء عظام که چون نماز فجر را ادا نمودی در روز جمعه، ابتدا کن به این شهادت، آنگاه به صلوات بر محمد و آل محمد (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ) و ابتدای آن این است:

اللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّي وَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ اَمَنْتُ بِكَ وَ
بِمَلَائِكَتِكَ وَ كُتُبِكَ وَ رُسُلِكَ وَ بِالسَّاعَةِ وَ الْبَعْثِ وَ النُّشُورِ . . .

چون دعا بسیار طولانی است ترک آن نموده، هر که خواهد رجوع به آن کتاب نماید، ابتدای آن شهادت است تا آنجا که می گوید:

اللّٰهُمَّ اَكْتَبْ شَهَادَتِي هَذِهِ . . .

باید چون بدین موضع رسد متوجه شود که با کی سخن می‌گوید و چه گفتی که باید ثبت و ضبط در دفتر الهی شود. مبدا مبدا از روی حرکت زبان و عدم اطلاع جنان باشد که مورت زیان تو است. بعد از آن توجه و اقبال است به محمد و آل محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ). بعد از آن شهادت به رسالت حضرت رسالت پناهی و آل او است به تَحِيَّاتٍ نَامُنَّاهِي مُفَصَّلًا، و نفرین بردشمنان ایشان تا عبارت " إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ "، پس از آن توجه تامه است به سوی امام عصر و ناموس دهر (أَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ فَدَاهِ) ، و مُسْتَعِدَّةٌ دعا و سلام و صلوات بر آن حضرت گردیدن که می‌گوئی:

اللَّهُمَّ وَكُنْ لَوْلَيْكَ فِي خَلْقِكَ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا...

بعد از آن نفرین به دشمنان ایشان. بعد از آن صلوات و سلام و درود فرستادن به تمام انبیاء و اوصیاء و بر ازواج و ذُرِّيَّات و تابعان ایشان ، از مومنین و مومنات و مسلمین و مسلمات، پس از آن به ملائکه و تمام مطیعان حضرت باری تعالی. پس چون قریب به ختم دعا است، ختم می‌شود به صلوات، چون دعا به نهایت رسید، باید در صورت قدرت هزار مرتبه بگوئی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ .

پس صد مرتبه به گوئی:

صَلَوَاتُ اللَّهِ وَمَلَائِكَتُهُ...

پس از آن، بخوانی بعضی از کار و اوراد و دعواتی که قبل از نماز صبح باید بخوانی، چنانکه مذکور خواهد شد.

تکلیف ۳۱

ترتیب و آداب بیدار شدن از خواب، و توجه به سوی خدا و رسول و ائمه هدی و صاحب الزمان (ارواحنا فداه) را سابقاً در طی بعضی تکلیفات گذشته - مراد تکلیف یازدهم است - ذکر کردیم و بعضی را وعده داده، اینک در این مورد ایراد می شود. از جمله دعواتی است که قبل از نماز صبح روز جمعه باید خواند. در " صُلُوَّةِ بِحَار " است به روایت انس که حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرموده اند:

هر که قبل از نماز صبح روز جمعه سه مرتبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ .

خدای تعالی می آمرزد گناهان او را اگرچه زیاده از کف دریاها باشد .

از جمله دعائی است که کفعمی (قَدْ سِ سِرَّهُ) ذکر کرده که حضرت امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) در تعقیب فجر قرائت می فرمودند و گفته:

هر که در روز جمعه قبل از نماز بخواند، خداوند گناهانش را بیامرزد، اگرچه میان آسمان و زمین را گناهان او پر کرده باشد و داخل بهشت شود بی حساب و در جوار انبیاء باشد. و هر که بنویسد با خود نگاه دارد، از هر شری ایمن باشد.

ابتدای آن این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُدْرِكَ الْهَارِ بَيْنَ . . .

و آخر او این است :

وَ اكْفِنِي مَا اِهْمَنِي وَمَا لَمْ يَهْمَنِي مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَاٰخِرَتِي
بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

موءلف گوید. معلوم نیست که قبل از نماز مخصوص روز جمعه است یا قبل از تمام نمازهای فریضه جمعه است. وَلْيُعَلِّمْ : این دعای مذکور، غیر آن دعای مفضلی است که محمد بن هرون تلکبری در "مَجْمُوعُ الدَّعَوَاتِ" از حضرت صادق (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) روایت کرده که در صبح خوانده شود که ابتدای آن نیز عبارت :

اَللّٰهُمَّ يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِيْنَ . . .

است و آخر آن :

وَلَا تَنْقَطِعْ رَجَائِيْ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَاَكْرَمَ
الْاَكْرَمِيْنَ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ .

که مجلسی در "بحار" و دیگران نقل کرده اند.

تکلیف ۳۲

از جمله آداب روز جمعه بعض آداب و اوراد و اذکاری است که بعد از نماز صبح جمعه باید بعمل آورد .
منها: سید بن طاوس (قُدس سرّه) به سندهای معتبره از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که:
هر که بعد از نماز صبح روز جمعه پیش از آنکه سخن بگوید این دعا را بخواند کفاره گناهان او باشد از جمعه تا جمعه دیگر .

و بروایت دیگر:

اگر در ماهی یک بار یا در سالی یک مرتبه بخواند کفاره مابین باشد .

دعا این است:

اللَّهُمَّ مَا قُلْتُ فِي جُمُعَتِي هَذِهِ مِنْ قَوْلٍ أَوْ حَلَفْتُ فِيهَا مِنْ حَلْفٍ
أَوْ نَذَرْتُ فِيهَا مِنْ نَذْرٍ فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ يَدَيِّ ذَلِكَ كُلِّهِ فَمَا شِئْتَ
مِنْهُ أَنْ يَكُونَ كَانٍ وَمَا لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي
وَتَجَاوِزْ عَنِّي اللَّهُمَّ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فَصَلَّوْا تِي عَلَيَّ وَمَنْ لَعَنَتِ
فَلَعْنِي عَلَيَّ .

و به روایت دیگر، از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است ،

هر که در روز جمعه بعد از نماز صبح بگوید :

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَجَمِيعِ
خَلْقِكَ وَسَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ .

در آن روز گناهی بر او نوشته نشود .

از جمله در "منهجد" و "مصباح کفعمی" است به اسنادشان از حضرت صادق
(عَلَيْهِ السَّلَام) روایت کرده اند :

کسی که بگوید بعد از نماز ظهر و نماز فجر در روز جمعه و غیر جمعه :
" اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ . " نمی میرد تا
قائم مهدی را (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) درک نماید .

و نیز در دو کتاب مزبور از حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) روایت کرده اند :
هر که بعد از نماز فجر و بعد از نماز جمعه بگوید :

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ .

گناه یک سال بر او نوشته نمی شود .

از جمله توجه تا آن نمودن و حضور قلب مخصوص به هم رساندن ، به جهت
زیارت حضرت رسول است (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به زیارتی که مخصوص بعد
از هر نماز است . چنانکه سابقاً در محلّ تکلیف چهاردهم گذشت
و به زیارتی که مخصوص روز جمعه است ، هرگاه استعداد داشته باشی به قسمی
که شیخ طوسی و سید (قُدْسِ سِرُّهُمَا) از حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) روایت
کرده اند که :

هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول و قبور ائمه (عَلَيْهِمُ
السَّلَام) را در شهر خود ، پس در روز جمعه غسل کند ، و دو جامه
پاکیزه بپوشد ، و بیرون رود به سوی بیابانی و صحرا . پس چهار

رکعت نماز کند به دو سلام . و هر سوره‌ای که میسر شود بخواند .
پس بعد از سلام دوم رو به قبله بایستد و بگوید :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ ، اَلسَّلَامُ
عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ الْمُرْسَلُ وَ الْوَصِیُّ الْمُرْتَضِیُّ وَ السَّیِّدَةُ
الْكُبْرَى وَ السَّیِّدَةُ الزَّهْرَاءُ وَ السَّبْطَانِ الْمُنْتَجَبَانِ
وَ الْاَوْلَادِ الْاَعْلَامِ وَ الْاَمْنَاءُ الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ اِنْقِطَاعًا اِلَیْكُمْ
وَ اِلَى اَبَائِكُمْ وَ وَكَلْتُكُمْ الْخَلْفَ عَلٰی بَرَکَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِی لَكُمْ
مُسْلِمٌ وَ نَمْرَتِی لَكُمْ مَعْدَةٌ حَتّٰی یَحْكُمَ اللّٰهُ لِدِیْنِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ
لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ اِنِّی لِمَنْ الْقَائِلِیْنَ بِفَضْلِكُمْ مُقَرَّبٌ جَعَلْتُكُمْ لَا
اُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَ لَا اَزْعَمُ الْاِمْرَءَ اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِی الْمَلِكِ
وَ الْمَلَكُوتِ یُسَبِّحُ اللّٰهُ بِاَسْمَائِهِ جَمِیْعِ خَلْقِهِ وَ السَّلَامُ عَلٰی
اَرْوَاحِكُمْ وَ اَجْسَادِكُمْ وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ .

و به روایت دیگر این زیارت را در بام خود بکن . و به سند صحیح از حضرت
صادق (علیه السلام) منقول است که :

کسی که ناحیه اش بعید و خانه اش دور باشد از ما ، پس بالا رود به
بام خانه خود ، و دو رکعت نماز بگذارد و اشاره کند به سلام ، به
سوی قبرهای ما که آن سلام به ما می رسد .

مؤلف گوید : چون موافق بعضی احادیث عرض اعمال در هر جمعه به حضرت
رسول (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) می شود ، چنانکه سابقاً از " بَشَارَتُ الْمُصْطَفَى " و
" رِیَاضُ الْجَنَانِ " دو حدیث ذکر شد که فرمودند :
يَا عَلِيُّ اَعْمَالُ شِيعَتِكَ تُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَاَفْرَحُ
بِصَالِحِ اَعْمَالِهِمْ وَ اسْتَغْفِرُ لِسَيِّئَاتِهِمْ .

پس سزاوار است بعد از زیارت آن حضرت ، عرض کنی که :

ای آقا و مولای من تو خود چنین فرموده‌ای، اگر چه من از شیعیان تو و برادرت امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) نیستم و به این درجهٔ عظمی نرسیده‌ام و لکن از دوستان شما و مسلمانان و از شیعهٔ اثنی عشریه هستم. تو را به حق اهل بیت معصومینت (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) قسم می‌دهم، که از گناهانی که در این هفته کرده‌ام عفو کن، و طلب مغفرت کن برای عبد خود از خدای خود، که گناهان مرا ثبت نکنند و صحیفهٔ مرا پاره نمایند. و حوائج خود را آنچه داری ذکر کن انشاء الله برآورده است.

و در حدیث معتبر منقول است از سلیمان بن عیسی که گفت:

پدرم به خدمت حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) عرض کرد: چگونه تو را زیارت کنم هرگاه قادر بر آمدن خدمت تو نیاشم؟ فرمودند: هرگاه قادر نباشی به آمدن، چون روز جمعه شود غسل کن، یا وضو بساز و بالارو و بر بام خانهٔ خود دو رکعت نماز کن. و متوجه شو به سوی من. به درستی که هر که زیارت کند مرا در حیات من، چنان است که مرا زیارت کرده در موت من، و بعد از موت من چنان است که زیارت کرده در حیات من.

مجلسی (قَدِّسَ سِرُّهُ) بعد از ذکر این احادیث می‌گوید که:

این حدیث دلالت دارد بر این که در این زمانها حضرت صاحب الامر (علیه السلام) را در همه موضع زیارت توان کرد و اگر رو به سامره کند در وقت زیارت بهتر است.

حقیر گوید: هرگاه موفق شدی برای زیارت حضرت رسول (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و بالای بام یا صحرا رفتی، و آن حضرت را زیارت کردی، و به مضامین این احادیث قطع و یقین حاصل نمودی و شک و ریبهی در دلت نمی‌باشد پس از فیوضات ربانی و عطیات سبحانی در حق خود توأم و بخیل مباش.

فرصت‌راکه مانند برق خاطف گذران است مغتنم شمار. حضرت ابا عبدالله الحسین (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ) را نیز بدین زیارت مختصر زیارت‌کن. به سندهای معتبر از سدیر صراف منقول است که گفت:

حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند که: چه مانع است تو را از این که زیارت کنی قبر امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را در هر هفته پنج مرتبه، یا در هر روز یک مرتبه؟ گفتم: فدای توشوم، میان من و آن حضرت فراسخ بسیار است. فرمودند: بالا می‌روی به بام خانه خود، پس ملتفت می‌شوی به جانب راست و چپ خود، پس سرخود را به سوی آسمان بلند می‌کنی، روبه جانب قبر آن حضرت می‌گردانی و می‌گوئی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ...

تا نوشته شود برای تو ثواب حجّی و عمره‌ای.

سدیر گفت: بسیار است من در روزی زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت می‌کنم. بعد از آن، باید متوجّه و متذکّر شوی امام عصر (أَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ فِدَاهُ) را، و زیارت نمائی آن حضرت را به زیارتی که اختصاص به روز جمعه دارد.

چنانکه ابن طاوس (قُدْسِ سِرِّهِ) در "جَمَالِ الْأُسْبُوعِ" روایت کرده که:

روز جمعه، روز حضرت صاحب الزمان است (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، و به اسم آن حضرت است، و این روزی است که آن حضرت (أَرْوَاحُنَا فِدَاهُ) ظهور می‌فرماید، زیارت آن حضرت بدین قسم است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي آرْفِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ النَّوْ
فِي خَلْقِهِ...

وتمام این زیارت، در زیارات ایّام اُسْبُوعِ سابقاً - در تکلیف شانزدهم

گذشت - ذکر شد، فلاحظ. و باید قبل از خواندن این زیارت بدانی که چه می‌گوئی، و ملتفت مضامین و مطالب و نکات و دقائق آن باشی، که به امام خود (أرواحنا فداه) دروغ نگفته باشی.

از جمله فقرات آن این است:

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ ...

باید معتقد باشی که آن حضرت را ظاهر آلی و اهل بیته هست. یعنی اهل و عیال و فرزندی و فرزند زاده، و اصحاب مخصوصی از قبیل خضر و الیاس و خصیصین و ابدال و اوتاد و نجباء و نقباء و اهل جِدِّ و اجتهاد، که همه آنها بدین دو صفت ستوده شده‌اند، وجود دارند، چنانکه سابقاً گذشت.

و دیگر از فقرات این زیارت است که می‌خوانی:

وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَاكَ ...

و باید در این عرض و استدعا، صادق القول و صادق القلب باشی که فی الواقع، خود را در این ادعا و دعوی چنان مستعدّ دانی که هرگاه حضرت (أرواحنا فداه) تو را امر فرماید که جان خود را فدای آن حضرت نمائی، فوراً اقدام کنی، و دست از تمام دارائی و اهل و عیال و دولت و ثروت خود برداری.

و دیگر از فقرات این زیارت آن است:

أَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَ جَارُكَ ...

باید خود را میهمان آن حضرت بدانی و پناه به آن حضرت برده باشی. چنانچه در این روز شدت و رخائی یا بُؤَس و نَعْمَائِي به تو رسد، اسباب سوءظن تونشود، و جاهلانه نگویی که چرا آن حضرت این بلا را از من رفع نفرمود، و نگویی که آیا میزبان راضی می‌شود که به میهمان خود صدمه و آزاری برسد:

ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ فَوَيْلٌ لِلظَّالِمِينَ مِنْ عَذَابِ
يَوْمٍ بَيْتِسٍ .

بعد از آن بخوانی سلامی را که در جزو سلامهای گذشته ذکر شد که اول
آن این است: سلامٌ على آلِ بَيْتِ ...

که نافل و راوی آن از ناحیه مقدسه، محمد بن عبدالله جمیری (رَجْمَةُ اللَّهِ) بود،
پس از آن، متوسل شو به آن حضرت به دعای توسلی که مجلسی (قُدْسِ سِرِّهِ) در
ذیل قصه ابوالوفاء شیرازی و متوسل شدن به حجج طاهرين (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ) ذکر کرده - در "کتاب دعاء بحار الانوار" - و در خصوص متوسل شدن به
حضرت صاحب الزمان (أرواحنا فداء)، چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ إِلَّا أَعْنَتَنِي
بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي وَكَفَيْتَنِي بِهِ مُؤْنَةَ كُلِّ مُؤَدِّ وَطَاغٍ وَبَاغٍ
وَ أَعْنَتَنِي بِهِ فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي وَكَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوٍّ وَهُمْ وَ غَمٍّ
وَ دَيْنٍ وَ وُلْدِي وَ جَمِيعِ أَهْلِي وَ إِخْوَانِي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ
وَ خَاصَّتِي، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

و در "مزار بحار الانوار" توسل به آن حضرت را (أرواحنا فداء) این

قسم ذکر نموده:

وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَبَقِيَّتِكَ فِي
أَرْضِكَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِكَ بِقِيَّةِ آبَائِهِ
الطَّاهِرِينَ وَ وَارِثِ أَسْلَافِهِ الصَّالِحِينَ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْكَرَامِ الْمُتَقَدِّمِينَ الْأَخْيَارِ إِلَّا
تَدَارَكْتَنِي بِهِ وَ نَجَّيْتَنِي مِنْ كُلِّ كَرْبٍ وَهُمْ وَ حَفِظْتَ عَلَيَّ قَدِيمَ
إِحْسَانِكَ إِلَيَّ وَ حَدِيثَهُ وَ أَدْرَرْتَ عَلَيَّ جَمِيلَ عَوَائِدِكَ عِنْدِي يَا
رَبَّ أَعْنِي بِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْمَخَافَةِ وَ مِنْ كُلِّ شِدَّةٍ وَ عَظِيمَةٍ وَ هَوْلٍ

وَنَارِلَةٍ وَغَمٍّ وَدَيْنٍ وَمَرَضٍ وَسَقَمٍ وَأَقْفَةٍ وَظَلَمٍ وَجُورٍ وَفِتْنَةٍ فِي
 دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي بِمَنِّكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَكَرَمِكَ
 وَتَفَضُّلِكَ وَتَعْظِيمِكَ يَا كَافِيَ مُوسَى فِرْعَوْنَ وَيَا كَافِيَ مُحَمَّدٍ
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَآلِهِ مَا أَهَمَّهُ وَيَا كَافِيَ عَلِيٍّ مَا أَهَمَّهُ يَوْمَ
 صِفِّينَ وَيَا كَافِيَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْحَرَّةِ وَيَا كَافِيَ جَعْفَرِ
 بْنِ مُحَمَّدٍ أَبِي الدَّوَانِيقِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي مَا
 أَهَمَّنِي فِي دَارِ الدُّنْيَا وَكُلِّ هَوْنٍ دُونَ الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِكَ يَا رَحِمَ
 الرَّاحِمِينَ، يَا قَاضِيَ الْحَوَائِجِ يَا وَهَّابَ الرِّغَابِ يَا مُعْطِيَ
 الْجَزِيلِ يَا فَكَكَ الْعُنَاةِ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّي أَعْلَمُ أَنَّكَ
 قَادِرٌ عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَجِّلْ يَا رَبِّ
 فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَاقْضِ يَا اللَّهُ حَوَائِجَ أَهْلِ بَيْتِ
 مُحَمَّدٍ وَاقْضِ لِي يَا رَبِّ بِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ
 الْآخِرَةِ صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَتَمِّمَ
 نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَهَيِّئْ لِي بِهِمْ كَرَامَتَكَ وَالْبِسْ لِي بِهِمْ عَافِيَتَكَ
 وَتَفَضُّلَكَ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَكُنْ لِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ فِي
 جَمِيعِ أُمُورِي وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَكَالِثًا وَرَاعِيًّا وَسَاتِرًا
 وَرَازِقًا مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ لَا يُعْجِزُ اللَّهُ شَيْئًا
 طَلِبُهُ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ كَائِنٌ هُوَ كَائِنٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

أَقُولُ: وَأَنَا أَقُلُّ الْأَنَامَ، طَائِفَ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، أَبْوَالِ الْمَكَارِمِ صَدْرَ الْإِسْلَامِ
 دَبِيرَ الدِّينِ عَلَيَّ أَكْبَرَ الْهَمْدَانِي أَصْلًا وَالنَّجْفِي مَسْكَنًا وَمَدْفَنًا، وَجَدْتُ صَحِيفَةً
 قَدِيمَةً عَمِيقَةً مُهَدَّبَةً جَيِّدَةً مُشْتَمِلَةً عَلَى الْمَطَالِبِ الْجَلِيلَةِ وَالِدَعَوَاتِ النَّبِيلَةِ وَ
 الْحَقَائِقِ الْمَخْزُونَةِ وَالِدَقَائِقِ الْمَكْنُونَةِ وَفِيهَا هَذَا التَّوَسُّلُ الْعَظِيمُ الْجَلِيلُ النَّبِيلُ
 فَاحْبَبْتُ إِيْرَادَهَا فِي هَذَا الْمَقَامِ لِقِرَاءَةِ الْأَنَامِ فِي غَيْبَةِ الْإِمَامِ (عَلَيْهِ أَلَا فِ التَّحِيَّةِ
 وَ السَّلَامِ) تَيَمُّنًا وَتَبَرُّكًا لِقَضَاءِ الْحَاجَاتِ وَنَيْلِ الطَّلِبَاتِ فَوَاطَّيْتُهَا لَيْلًا وَنَهَارًا وَ
 سِرًّا وَجَهْرًا، وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خُسَارًا.

توسّل جليل القدر :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، نِعْمَ
 الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ،
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْقُرَشِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْهَاشِمِيِّ
 الْأَبْطَحِيِّ مُحَمَّدٍ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُرْتَضَى وَآلِهِ وَأَوْلَادِهِ ، اللَّهُمَّ
 إِنَّا نَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى سَيِّدِ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ إِنَّا
 نَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمُرْتَضَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، إِلَهِي بِصِدْقِ
 عَلِيٍّ وَصِدَاقَتِهِ وَرَفِيقِ عَلِيٍّ وَرِفَاقَتِهِ وَسَلِّمْ عَلِيٍّ وَسَلَامَتِهِ وَعِلْمِ
 عَلِيٍّ وَ إِمَامَتِهِ وَقُوَّةِ عَلِيٍّ وَخِلَافَتِهِ وَصِيَامِ عَلِيٍّ وَصَلَاتِهِ وَ
 كَرَمِ عَلِيٍّ وَكَرَامَتِهِ وَعِزِّ عَلِيٍّ وَشَجَاعَتِهِ وَصَبْرِ عَلِيٍّ وَطَاعَتِهِ وَ
 حُكْمِ عَلِيٍّ وَعَدَالَتِهِ وَزُهْدِ عَلِيٍّ وَعِبَادَتِهِ وَشُكْرِ عَلِيٍّ وَشَهَادَتِهِ
 وَعِصْمَةِ عَلِيٍّ وَطَهَارَتِهِ وَقُرْبِ عَلِيٍّ وَسَيَادَتِهِ وَ هُدَى عَلِيٍّ
 وَهُدَايَتِهِ وَحُبِّ عَلِيٍّ وَوَلَايَتِهِ وَتَوَكُّلِ عَلِيٍّ وَكِفَايَتِهِ وَفُتُوَّةِ
 عَلِيٍّ وَرِعَايَتِهِ وَمُرُوَّةِ عَلِيٍّ وَحِمَايَتِهِ وَفِصَاحَةِ عَلِيٍّ وَمَلَاحَتِهِ
 وَصَفْوَةِ عَلِيٍّ وَصَفَاوَتِهِ وَعَفْوِ عَلِيٍّ وَوَفَائِهِ وَتَجْرِيدِ عَلِيٍّ وَ
 تَفَرُّدِهِ وَتَمْجِيدِ عَلِيٍّ وَتَوْحِيدِهِ وَتَسْبِيحِ عَلِيٍّ وَتَهْلِيلِهِ وَ
 تَحْمِيدِ عَلِيٍّ وَتَكْبِيرِهِ وَتَعْظِيمِ عَلِيٍّ وَتَفْضِيلِهِ وَتَكْرِيمِ عَلِيٍّ
 وَتَسْبِيلِهِ وَوَرَعِ عَلِيٍّ وَتَقْوَاهُ وَمِلَّةِ عَلِيٍّ وَفَتْوَاهُ وَخَوْفِ عَلِيٍّ
 وَرَجَاهُ وَتَنْبِيهِ عَلِيٍّ وَهَجُوعِهِ وَخُشُوعِ عَلِيٍّ وَخُضُوعِهِ وَقُنُوعِ
 عَلِيٍّ وَجُوعِهِ وَاسْتِنْقَامَةِ عَلِيٍّ وَرُجُوعِهِ وَكَشْفِ عَلِيٍّ وَشُهُودِهِ
 وَعَطْفِ عَلِيٍّ وَجُودِهِ وَوَاجِدِ عَلِيٍّ وَوُجُودِهِ وَقِيَامِ عَلِيٍّ
 وَقُعُودِهِ وَرُكُوعِ عَلِيٍّ وَسُجُودِهِ وَصَلَوَاتِ عَلِيٍّ وَصَلَوَاتِهِ
 وَصِيَامِ عَلِيٍّ وَزُكُوتِهِ وَحُجِّ عَلِيٍّ وَعُمُرَتِهِ وَفَرَحِ عَلِيٍّ وَ
 زُمرَتِهِ وَبَسْطِ عَلِيٍّ وَقَضِيَّتِهِ (قَبْضَتِهِ ، خ . ل) وَنَقْلِ عَلِيٍّ وَ

سِیَاسَتِهِ وَ كِتَابِ عَلِيٍّ وَ كِرَاسَتِهِ وَ عَقْلِ عَلِيٍّ وَ كِبَاسَتِهِ
 وَ جَمَالِ عَلِيٍّ وَ جَلَالِهِ وَ كَمَالِ عَلِيٍّ وَ نَوَالِهِ وَ فَضْلِ عَلِيٍّ وَ اِفْضَالِهِ
 وَ فَضْلِ عَلِيٍّ وَ اِجْمَالِهِ وَ اَسْمَاءِ عَلِيٍّ وَ اَفْعَالِهِ وَ اَثَارِ عَلِيٍّ وَ
 وَسِمَاتِهِ وَ ذَاتِ عَلِيٍّ وَ صِفَاتِهِ اَنْ تَجْعَلَنِي فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا
 عَزِيزًا مُهَيَّبًا فِي اَعْيُنِ الْخَلَائِقِ اَجْمَعِينَ وَ اَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي
 وَ حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اَعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ وَ
 نَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ اِهَانَةٍ وَ كُرْبَةٍ وَ ضِيقٍ وَ ذَلَّةٍ
 وَ عِلَّةٍ وَ قَلْبَةٍ وَ مَرَضٍ وَ بَرَصٍ وَ فَقْرٍ وَ فَاقَةٍ وَ وَبَاءٍ وَ بَلَاءٍ وَ
 زَلْزَلَةٍ وَ عَرَقٍ وَ حَرَقٍ وَ صَرَعٍ وَ حَرٍّ وَ بَرَدٍ وَ جُوعٍ وَ عَطَشٍ وَ غِيٍّ
 وَ ضَلَالَةٍ وَ عَصِيٍّ وَ مِحْنَةٍ وَ شِدَّةٍ فِي الدَّارَيْنِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
 الْمِيعَادَ يَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ،
 وَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ يَا
 اَبَا الْغَوْثِ اَغْنِنِي يَا عَلِيُّ اَدْرِكْنِي يَا اللهُ يَا صَمْدِي مِنْ عِنْدِكَ
 مَدْدِي وَ عَلَيكَ مَعْتَمِدِي، نَادِ عَلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ تَجِدُهُ عَوْنًا
 لَكَ فِي النُّوَائِبِ كُلِّهَا وَ غَمٍّ سَيَنْجَلِي بِوَلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ .

بعد از آن، بخوان تعقیبی را که مخصوص بعد از نماز صبح روز جمعه است
 که شیخ طوسی (قُدِّسَ سِرُّهُ) روایت کرده است، که سنّت است این دعا را در تعقیب
 نماز صبح روز جمعه بخواند. اول آن این است:
 اَللّٰهُمَّ اِنِّى تَعَمَّدْتُ اِلَيْكَ بِحَاجَتِي ...

چون در روز جمعه به علاوهٔ ملائکهٔ حَفَظَهُ و کَتَبَهُ، ملائکهٔ چندی
 مخصوص هستند که خدای تعالی آنها را به زمین می فرستد که مشغول نوشتن
 صلوات بر محمد و آل محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ اَجْمَعِينَ) باشند، چنان
 که مجلسی (قُدِّسَ سِرُّهُ) از "دَعَائِمُ الْاِسْلَام" نقل کرده از حضرت صادق
 (عَلَيْهِ السَّلَام) :

به درستی که خدای تعالی ملائکه چند را مبعوث می فرماید هنگام انفجار فجر یوم جمعه که می نویسند صلوات بر محمد و آل او را (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ) تا شب .

و در حدیث دیگر نیز از حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) منقول است که :
شب جمعه ملائکه ها از آسمان به زیر می آیند به عدد مورچگان یا به عدد ذرات هوا، و قلمها از طلا و لوحها از نقره در دست دارند و تا شب شنبه نمی نویسند مگر صلوات بر محمد و آل محمد (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ) .

و در حدیث دیگر از آن حضرت است که :
چون عصر روز پنجشنبه می شود، ملائکه از آسمان به زیر می آیند، با قلمهای طلا و لوحهای نقره در دست دارند. نمی نویسند در پسین پنجشنبه و شب جمعه و روز جمعه تا آفتاب غروب کند، به غیر از صلوات بر محمد و آل محمد (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ) .

پس سزاوار است که اظهار مودت و محبت و عرض اخلاص و ارادتی هم به این ملائکه های تازه بنمایی و بگوئی :

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللّٰهِ الَّذِينَ يَكْتُبُونَ الصَّلَوَاتِ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ اَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكُمْ اَنْ
يُؤَفِّقَنِي لِطَاعَتِهِ وَعِبَادَتِهِ وَ الصَّلْوَةِ وَ السَّلَامِ عَلَيَّ وَ نَبِيِّهِ وَ
اَوْصِيَائِهِ الْمَعْصُومِينَ اَكْتُبُوا رَجْمَكُمْ اللّٰهَ ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ
اِنَّكَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ
وَ الزَّمَانِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ .

واگر می‌خواهی قریب به این عبارات را به فارسی یا هر زبانی که داری بگو
که در دفتر خود صلوات تو را ثبت می‌نمایند و به نظر معصومین (عَلَیْهِم
السَّلَام) می‌رسانند .

تکلیف ۳۳

بعد از اینکه آفتاب روز جمعه طلوع کرد، باید متوجه حضرت امام عصر (عَجَلَهُ اللهُ فَرَجَهُ) شده، ظاهراً بر این روز تازه و باطناً بدامام خود (أرواحنا فداه) سلام نمائی، به سلامی که حضرت کاظم (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) به محمد بن سنان تعلیم فرمودند. سید بن طاوس در "جَمَالُ الْأَسْبُوعِ" روایت کرده از آن حضرت (عَلَيْهِ السَّلَام) که به محمد بن سنان فرمودند در روزی که جمعه بود:

آیا خواندی در این روز دعای واجب را؟ پرسید: کدام است؟ فرمود بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْيَوْمُ الْجَدِيدُ الْمُبَارَكُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ
عِيداً لِأَوْلِيَائِهِ الْمُطَهَّرِينَ مِنَ الدَّنَسِ الْخَارِجِينَ مِنَ الْبِلْوَى
الْمَكْرُورِينَ مَعَ أَوْلِيَائِهِ الْمُصَفَّيْنَ مِنَ الْعُكْرِ الْبَاذِلِينَ
أَنْفُسَهُمْ فِي مَحَبَّةِ أَوْلِيَاءِ الرَّحْمَنِ تَسْلِيماً، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
سَلَاماً دَائِماً أَبَداً...

آنگاه ملتفت شو به آفتاب و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ وَالسُّورُ الْفَاضِلُ الْبَهِيُّ
أُشْهِدُكَ بِتَوْحِيدِي لِلَّهِ لِتَكُونِي شَاهِدِي إِذَا ظَهَرَ الرَّبُّ لِفَصْلِ
القَضَاءِ فِي الْعَالَمِ الْجَدِيدِ...

ومجلسی (قُدْسِ سِرِّه) در "رَبِيعِ الْأَسَابِيعِ" نسبت این دعا را به حضرت امام رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) داده و این تردید فیما بین امامین (عَلَيْهِمَا السَّلَام) به واسطه لفظ "الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَام" است در متن حدیث.

خلاصه مؤلف گوید:

به آفتاب نماید مگر به یک معنی

که در تجلی او خیره می شود ابصار

شاید مراد از عبارت "إِذَا ظَهَرَ الرَّبُّ ... " ظهور حضرت حجت (أرواحِ الْعَالَمِينَ فِدَاهُ) باشد. رَبُّ الْأَرْضِ إِمَامُ الْأَرْضِ " وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا " آيِ بِنُورِ الْإِمَامِ .

و فِي "الْبَحَارِ" بِأَسْنَادِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) (وَسَاقِ الْحَدِيثِ إِلَى أَنْ قَالَ : أَنَا الْفَارُوقُ الَّذِي أَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، أَنَا أَدْخِلُ أَوْلِيَاءِي الْجَنَّةَ وَأَعْدَائِي النَّارَ، أَنَا الَّذِي قَالَ اللَّهُ: "هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلُلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَ قَضَى الْأَمْرَ وَالِىَ اللَّهُ تَرْجِعُ الْأُمُورَ ...

و این حقیر را در "ناسخ التفسیر" و "توضیح القرآن" در خصوص تفسیر و

تأویل آیتین شریفین، کلماتی است که رفع استغراب و استعجاب بعضی مُتَقَشِّرِينَ را می نماید. مراد از عالم جدید هم واضح است که در ظهور حضرت و زمان رجعت، عالم، عالمی تازه خواهد شد، يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ :

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

بعد از آن بخوان دعائی که در ملحقات "صحیفه کامله" ذکر شده، که اختصاص به روز جمعه دارد، ابتدای آن این است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْإِنشَاءِ وَالْإِحْيَاءِ ...

پس از آن، بخوان دعائی را که حضرت موسی بن جعفر (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) فرموده‌اند، در این روز مخصوصاً خوانده شود:

مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللَّهِ الْجَدِيدِ وَبِكَمَا مِنْ كَاتِبِينَ وَشَاهِدِينَ
أُكْتُبِ بِسْمِ اللَّهِ ...

پس از آن بخوان دعائی که در "مُتَهَجِد" شیخ طوسی (قُدَسِ سِرُّهُ) نقل شده که در این روز مخصوص باید خواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ ...

پس از آن، بخوان تسبیح مخصوص روز جمعه را که اول آن این است:

سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ ...

پس از آن، بخوان تعویذ روز جمعه را موافق نقل شیخ طوسی (رَجْمَةُ اللَّهِ)، اگر چه اختصاصی از آن فهمیده نمی‌شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَاتِ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ وَالنَّبِيِّينَ ...

پس از آن بخوان دعائی که حضرت امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) در روز جمعه بخصوص قرائت می‌فرمودند:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَنْشِئْ كَانٍ ...

پس از آن بخوان دعای مخصوص حضرت فاطمه زهرا را (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) که در روز جمعه قرائت می‌فرمودند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَقْرَبِ مَنْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ ...

پس از آن، بخوان دعائی که ابتدای آن این است:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَخَذْتُ الْاَوَّلِيْنَ وَ اَخَذْتُ الْاٰخِرِيْنَ ...

که شرح غریبی و مضمون عجیبی دارد، خَوْفاً لِلْاِطَالَةِ ترک شد.

تکلیف ۳۴

از جمله تکالیف انام، درغیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) خواندن دعای مبارک "نُدْبِه" است، و ناله و ندبه نمودن برای آن حضرت است. این دعای مبارک را سید بن طاوس (قُدَسِ سِرُّهُ) نقل کرده از بعضی اصحاب و گفته است که:

محمّد بن عَلِيّ بن أَبِي قَرَّةٍ گفت: نقل کردم این دعا را از کتاب محمد بن حسین بن سُفْيَانِ بُزُوفَرِي (رَضِيَ اللهُ عَنْهُ) که دعای ندبه است. و ذکر نموده که این دعائی است به جهت صاحب الزمان (أَرْوَاحُنَا فِدَاهُ). و مستحب است این که خوانده شود در اعیاد اربعه که "فِطْر" و "أَضْحَى" و "غَدِير" و "جَمْعَه" باشد.

مجلسی (قُدَسِ سِرُّهُ) در "مَازِ بِحَارِ الْاَنْوَار" می گوید: که این دعا را مُحَمَّدُ بْنُ الْمَشْهَدِيِّ در "مَازِ كَبِير" نقل نموده و ذکر کرده که گفت محمد بن عَلِيّ بن أَبِي قَرَّةٍ: نقل کردم من این دعا را از کتاب ابی جعفر محمد بن حسین بن سُفْيَانِ بُزُوفَرِي. پس ذکر کرده مثل آنچه را که سید (قُدَسِ سِرُّهُ الْعَزِيز) ذکر نموده، مگر اینکه سید (قُدَسِ سِرُّهُ) در آخر دعاء دو رکعت نماز زیارت ذکر کرده و محمد بن مشهدی نمازی ذکر ننموده. و در "زَادُ الْمَعَاد" سند این دعا را ننوشته ولی از حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) روایت نموده، عین

عبارت او این است: و اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقه و تأسف بر غیبت حضرت قائم (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ). به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) منقول است، که سنت است این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند. یعنی در روز جمعه و عید فطر و عید قربان و عید غدیر ...

مؤلف گوید: این دعای مبارک از کثرت اشتها، کَالشَّمْسِ فِي رَابِعَةِ النَّهَارِ است. خوب است در هر جمعه دوستان آن حضرت (أَرْوَاحُنَا فِدَاهُ) از مرد و زن در مسجدی از مساجد، یا معبدی از معابد، اجتماع نموده، این دعای مبارک را با کمال تضرع و زاری و ناله و سوگواری، و با نهایت حزن و اندوه و بی‌قراری، بخوانند و گریه کنند، و بر غیبت آن شمس تابان و فقدان آن جان جهانیان نوحه کنند، و ضجه و آه سرد از دل پر درد کشند، و چنین مصیبت عظمی را سهل شمارند، و چنین داهیه کبری را آسان نپندارند، که از غیبتش اسلام بکلی از میان رفته و اسمی از او باقی مانده، ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ آيِدِينَا.

کفر و فسق و فجور و ناسپاسی تمام کره^۱ ارض را فرو گرفته، آنچه پیدا نیست آثار مسلمانی است، و آنچه پیدا و ظاهر است آثار شیطانی. همه در وادی غفلت حیران و در تیه جهالت و ضلالت سرگردان و تابع جنود شیطان و عاصی بر حضرت صاحب العصر و الزمان، اَللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

دعاى ندبه :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ
 آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ لَهُ الْحَمْدُ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 تَسْلِيمًا ، خ ل . مجلسي) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ
 فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ إِذَا خُتِرَتْ
 لَهُمْ جَزِيلٌ مِمَّا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا
 اَضْمِحَالٍ بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا
 الدُّنْيَا وَزُخْرُفِهَا وَزَبْرَجِهَا فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ
 الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ
 وَ الثَّنَاءَ الْجَلِيَّ وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ وَ كَرَّمْتَهُمْ
 بِوَحْيِكَ وَ رَفَدْتَهُمْ بِحِلْمِكَ (بِعِلْمِكَ ، خ ل) وَ جَعَلْتَهُمُ الذَّرَائِعَ
 (الذَّرِيْعَةُ ، خ) إِلَيْكَ وَ الْوَسِيْلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ فَبَعْضُ اسْكَنْتَهُ
 جَنَّتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا وَبَعْضُهُمْ (وَبَعْضُ ، خ) حَمَلْتَهُ فِي
 فُؤَادِكَ وَ نَجَّيْتَهُ مَعَ مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَبَعْضُ
 اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيْلًا وَ سَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرَةِ فَاجَبْتَهُ وَ
 جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا وَ بَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا وَ جَعَلْتَ لَهُ
 مِنْ أَخِيهِ رِدًّا وَ وَزِيرًا وَبَعْضُ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ ابٍ وَ آتَيْتَهُ
 الْبَيْنَاتِ وَ أَيْدَتَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ وَ كُلَّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيْعَةً وَ
 نَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءً وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ
 مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ إِقَامَةً لِدِينِكَ وَ حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ وَ
 لِكَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَ يَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ وَ لِكَلَّا
 يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أُرْسِلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا وَ أَقَمْتَ لِنَا عِلْمًا
 هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذَلَّ وَ نَخْزَى إِلَى أَنْ انْتَهَيْتِ
 الْأَمْرَ إِلَى حَبِيْبِكَ وَ نَجِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَكَانَ

كَمَا اُنْتَجِبْتَهُ سَيِّدًا مِّنْ خَلْقَتِهِ وَصَفْوَةً مِّنْ اَصْطَفَيْتَهُ وَافْضَلَ مَن
اجْتَبَيْتَهُ وَاكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ، قَدِّمْتَهُ عَلٰى اَنْبِيَائِكَ وَبَعَثْتَهُ
اِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَ اَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ وَ
سَخَّرْتَ لَهُ الْجُرَاقَ وَعَزَّجْتَ بِرُوحِهِ اِلَى سَمَاوِكَ وَ اَوْدَعْتَهُ عِلْمَ
مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ اِلَى اِنْقِضَاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ
وَ حَفَفْتَهُ بِجَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَ الْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ
وَعَدْتَهُ اَنْ تَطْهَرُ دِينَهُ عَلٰى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ
ذَلِكَ بَعْدَ اَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءًا صَدَقَ مِنْ اَهْلِهِ وَ جَعَلْتَهُ وَلَهُمْ اَوَّلُ
بَيْتٍ لِلنَّاسِ لِلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ
بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ اِبْرَاهِيمَ وَ مَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَقُلْتَ: " اِنَّمَا
يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا ". ثُمَّ جَعَلْتَ اَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَوَدَّتِهِمْ
فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ: " قُلْ لَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي
الْقُرْبَى. " وَقُلْتَ: " مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ اَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ. " وَقُلْتَ:
" مَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِلَّا مَن شَاءَ اَنْ يَتَّخِذَ اِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا "
فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ اِلَيْكَ وَ الْمَسْلَكَ اِلَى رِضْوَانِكَ فَلَمَّا
اِنْقَضَتْ اَيَّامُهُ اَقَامَ وَلِيَّهُ عَلِيٌّ بِنَ اَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ
عَلَيْهِمَا وَ عَلٰى آلِهِمَا هَادِيًا اِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ
فَقَالَ وَالْمَلَأُ اَمَامَهُ: " مَن كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتُ مَوْلَاهُ ، اَللّٰهُمَّ وَا ل
مَنْ وَا لاهُ وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ وَ اَنْصُرْ مَن نَّصَرَهُ وَ اَخْذَلْ مَن خَذَلَهُ. " وَ
قَالَ " مَن كُنْتُ نَبِيًّا فَعَلَيْتُ اَمِيْرَهُ. " وَقَالَ: " اَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ
وَاحِدَةٍ وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى. " وَ اَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ
مُوسَى فَقَالَ: " اَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اِلَّا
اَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي. " وَ رَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ
الْعَالَمِينَ وَ اَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا اَحَلَّ لَهُ وَ سَدَّ الْاَبْوَابَ
اِلَّا بَابَهُ ، ثُمَّ اَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ فَقَالَ:

" اِنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ ارَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا . " ثُمَّ قَالَ : " اَنْتَ اَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي لَحْمِكَ لَحْمِي وَدَمُّكَ دَمِي (لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي وَدَمُّكَ مِنْ دَمِي، خ ل) وَسَلْمُكَ سَلْمِي وَحَرْبُكَ حَرْبِي وَ الْاِيْمَانُ مَخَالِطُ لَحْمِكَ وَدَمِّكَ كَمَا خَالَطَ ذَلِكَ لَحْمِي وَدَمِي وَ اَنْتَ غَدَا عَلِيٍّ الْحَوْضِ خَلِيْفَتِي وَ اَنْتَ تَقْضِي دِيْنِي وَ تُنْجِزُ عِدَاتِي وَ سَيَعْنُكَ عَلِيٌّ مِنْ اَبْرِمِي مِنْ نُوْرٍ مُبِيْضَةٍ وَ جُوْهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيْرَانِي وَ لَوْلَا اَنْتَ يَا عَلِيٌّ لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُوْنَ يَعْدِي . " وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنْ الضَّلَالِ وَ نُوْرًا مِنْ الْعَمَى وَ حَبْلًا مِنَ الْاَسْمَتِيْنَ وَ صِرَاطًا مِنَ الْمُسْتَقِيْمِ لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحْمٍ وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِيْنٍ وَ لَا يُلْحَقُ فِي مَنْقِبَةٍ مِنْ مَنْاقِبِهِ يَحْدُوْا حَذُوَ الرَّسُوْلِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا وَ اٰلِهِمَا وَ يُقَاتِلُ عَلِيٌّ التَّائُوِيْلَ وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ ، قَدْ وَ تَرَفِيْهِ صَنَادِيْدُ الْعَرَبِ وَ قَتْلَ اَبْطَالِهِمْ وَ نَاهَشَ ذُوْبَانَهُمْ فَاوَدَعَ قُلُوْبَهُمْ اَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حَنِيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ فَاصْبَتْ عَلِيٌّ عِدَاوَتِهِ وَ اَكْبَتْ عَلِيٌّ مُنَابَذَتِهِ (مُبَارَزَتِهِ، خ ل) حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِيْنَ وَ الْقَاسِطِيْنَ وَ الْمَارِقِيْنَ وَ لَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَ قَتَلَهُ اَشَقَى الْاٰخِرِيْنَ يَتَّبِعُ اَشَقَى الْاَوَّلِيْنَ (اَشَقَى الْاَشْقِيَاءِ مِنَ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ ، خ) وَ لَمْ يُمْتَثِلْ اَمْرَ رَسُوْلِ اللهِ (الرَّسُوْلِ ، خ) صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ فِي الْهَادِيْنَ بَعْدَ الْهَادِيْنَ وَ الْاُمَّةُ مُصْرَةٌ (مُسْرَةٌ ، خ) عَلَيَّ مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَيَّ قَطِيْعَةٌ رَحِمَهُ وَ اِقْضَاءٌ وَ لَدِهِ اِلَّا الْقَلِيْلُ مِمَّنْ وَفَا (وَفَى ، خ) لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ ، فَ قَتَلَ مَنْ قَتَلَ وَسَبَى مَنْ سَبَى وَ اَقْصَى مَنْ اَقْصَى وَ جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يَرْجُوْا لَهُ حَسَنَ الْمَثُوْبَةِ وَ كَانَتْ (اِذْ كَانَتْ ، خ) الْاَرْضُ لِلّٰهِ يُوْرَثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِيْنَ وَ سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُوْلًا وَ لَنْ يَخْلِفَ اللهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ، فَعَلَى الْاَطَاْعِبِ

مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَاتِي اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبِكِ
 الْبَاكُونَ وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْيَتَذَرِفِ
 الدُّمُوعُ وَلْيَصْرِخِ الصَّارِحُونَ (وَيَضِحُ الصَّاحُونَ، خ) وَيَعِجُّ
 الْعَاجُونَ، آيِنَ الْحَسَنِ آيِنَ الْحُسَيْنِ آيِنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ صَالِحٌ
 بَعْدَ صَالِحٍ وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، آيِنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ آيِنَ
 الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ آيِنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ آيِنَ الْأَقْمَارِ
 الْمُنِيرَةِ آيِنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ آيِنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَقَوَاعِدِ
 الْعِلْمِ، آيِنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ النَّبِيِّ لِاتَّخْلُوا مِنْ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ
 (الظَّاهِرَةِ، خ) آيِنَ الْمُعَدَّلِ قَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ آيِنَ الْمُنْتَظَرِ
 لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعَوْجِ آيِنَ الْمُرْتَجِي لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَالْعُدْوَانِ
 آيِنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ آيِنَ الْمُتَخَيَّرِ
 لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ آيِنَ الْمُؤْمَلِ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ
 حُدُودِهِ آيِنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَآهْلِهِ آيِنَ قَاصِمِ شُوكَةِ
 الْمُعْتَدِينَ آيِنَ هَادِمِ أَسْبَابِ الشَّرِكِ وَالنِّفَاقِ آيِنَ مُبِيدِ أَهْلِ
 الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطَّغْيَانِ آيِنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْعَفَى وَ
 الشَّقَاقِ آيِنَ طَامِسِ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ آيِنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ
 الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ آيِنَ مُبِيدِ الْعِنَاةِ وَالْمَرَدَّةِ آيِنَ مُسْتَأْصِلِ
 أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ آيِنَ مُعْرِ الْأَوْلِيَاءِ
 وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ آيِنَ جَامِعِ الْكَلِمِ عَلَى التَّقْوَى آيِنَ بَابِ اللَّهِ
 الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى آيِنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي يَنْتَوَجَّهُ إِلَيْهِ الْأَوْلِيَاءُ
 آيِنَ السَّبَبِ الْمُتَمِّلِ بَيْنَ الْأَرْضِ (أَهْلِ الْأَرْضِ، خ) وَالسَّمَاءِ
 آيِنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرِ رَايَةِ الْهُدَى آيِنَ مُؤَلِّفِ شَمْلِ
 الصَّلَاحِ وَالرِّضَا آيِنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ (وَأَبْنَاءِ
 الْأَنْبِيَاءِ، خ) آيِنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ آيِنَ
 الْمَنْصُورِ عَلَى مَنْ أَعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى آيِنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي
 يُجَابُ إِذَا دَعَى آيِنَ صَدْرِ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى آيِنَ ابْنِ

النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنِ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى
 وَابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ الْكُبْرَى (الغراء، خ. ص ١٠٠) يَا بِي أَنْتَ وَ
 أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَ الْحَمَى يَا بِنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بِنَ
 النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بِنَ الْهَدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ (المهتدين، خ.)، يَا
 بِنَ الْخَيْرَةِ الْمُهَدَّبِينَ، يَا بِنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا بِنَ الْخَضَارِمَةَ
 الْمُنتَجِبِينَ، يَا بِنَ الْقَمَاقِمَةَ الْأَكْرَمِينَ، يَا بِنَ الْأَطَاغِبِ الْمُعْظَمِينَ
 الْمُطَهَّرِينَ، يَا بِنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا بِنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ
 يَا بِنَ الشُّهُبِ الشَّاقِبَةِ يَا بِنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ يَا بِنَ السُّبُلِ
 الْوَاضِحَةِ يَا بِنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ يَا بِنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ يَا بِنَ
 السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَا بِنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ يَا بِنَ
 الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا بِنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ يَا بِنَ
 الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَا بِنَ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ يَا بِنَ مَنْ هُوَ فِي
 أَمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلَى حَكِيمٍ يَا بِنَ الْآيَاتِ وَ الْبَيِّنَاتِ يَا بِنَ
 الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَا بِنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ
 يَا بِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا بِنَ التَّعَمُّ السَّابِغَاتِ يَا بِنَ طَهْ
 وَ الْمُحْكَمَاتِ يَا بِنَ يَسِّ وَ الذَّارِيَّاتِ، يَا بِنَ الطُّورِ وَ
 الْعَادِيَّاتِ يَا بِنَ مَنْ دُنُو فِتْدَلِي فَكَانَ قَابَ فَوْسِينِ أَوْ أَدْنَى
 دُنُوًّا وَ اقْتِرَابًا مِنْ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى لَيْتَ شِعْرِي آيْنَ اسْتَقَرَّتْ
 بِكَ النَّوَى بَلْ أَيْ أَرْضِ تَقْلِكَ أَوْ الشَّرَى أَبْرَضُوِي أَمْ غَيْرِهَا أَمْ
 ذِي طُوِي، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا شَرِي (لا يبرى، خ.) وَ لَا
 أَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَ لَا نَجْوَى، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ لَا يُحِيطَ بِى دُونَكَ
 الْبَلْوَى وَ لَا يَنَالُكَ مِنْى صَجِيحٌ وَ لَا شَكْوَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ
 مُعْيِبٍ لَمْ يَخُلْ مِنْى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ يَنْزَحُ (مائزح، خ.)
 عَنى، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ تَمُنُّ مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ
 ذَكَرَ فَحَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدَةٍ عَزَى لِإِسْأَمَى بِنَفْسِي أَنْتَ
 مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَازَى (لا يحادى، خ.) بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نِلَادٍ

نَعَمْ لَا يُضَاهِي بِنَفْسِ أَنْتِ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي إِلَيَّ مَتَى
 أَحَارُ (أَجَارُ، خ) فِيكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى وَآيَ خِطَابٍ أَصِفُ فِيكَ
 وَآيَ نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَأَنَا غِي، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ
 أَبْكِيكَ وَيَخْذُلُكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا
 جَرَى، هَلْ مِنْ مُعِينٍ فِاطِيلٌ مَعَهُ الْعَوِيلُ وَالْبِكَاءُ، هَلْ مِنْ جَزْوِعٍ
 فَاسَا عَدَجَزَعَهُ إِذَا خَلَا هَلْ قَدِيتَ عَيْنٌ فَتُسَعِدُهَا عَيْنِي عَلَيَّ
 الْقَدَى هَلْ إِلَيْكَ يَا بِنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى، هَلْ يَبْتَمِلُ يَوْمَنَا
 مِنْكَ بَعْدَهُ فَتَحْطَى مَتَى نَرِدُ مِنْهَا هَلْكَ الرُّوِيَّةُ فَتُرَوَى مَتَى
 نَسْتَفْعُ مِنْ عَذَابِ مَا نَعْنُكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى نَعَادِيكَ وَ
 نَرَاوِحُكَ فَتَنْفَرُ عِيُونَنَا مَتَى نَرَانَا وَنَرِيكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِوَاءَ
 التَّمْرِ تَرَى أَنْرَانَا نَحْفَ بِكَ وَأَنْتِ تَوُومُ الْمَلَاءِ وَقَدْ مَلَكْتَ
 الْأَرْضَ عَدَلًا وَادَّقْتَ أَعْدَانِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا وَابْرَتِ الْعَتَاةَ
 وَجَدَّةَ الْحَقِّ وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَاجْتَشَشْتَ أَصُولَ
 الظَّالِمِينَ وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتِ
 كَشَفْتَ الْكُرْبَ وَالْبَلْوَى وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى
 وَأَنْتِ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى فَاغْثِي يَا غِيَاكَ الْمُسْتَغِيثِينَ
 عِبِيدَكَ الْمُبْتَلَى وَ أَرِهِ سَيِّدُهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ
 الْأَسَى وَالْجَوَى وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَمَنْ
 إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ الشَّاخِقُونَ إِلَيَّ
 وَلِيكَ الْمَذْكُورِيكَ وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا وَأَقَمْتَهُ
 لَنَا قَوَامًا وَمَعَاذًا وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا فَبَلِّغْهُ
 مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ
 لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا وَاتِّمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِلَيْنَا أَمَانًا
 حَتَّى نُورِدْنَا جَنَّاتِكَ وَمِرَافِقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَيَّ حَجَّتِكَ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ وَصَلِّ عَلَيَّ جَدِّهِ مُحَمَّدِ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ
 وَصَلِّ عَلَيَّ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسُورِ وَحَامِلِ اللِّوَاءِ فِي الْمَحْشَرِ

وَسَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ وَالْأَمِيرِ عَلِيٍّ سَائِرِ الْبَشَرِ
الَّذِي مِنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَخِيهِ وَعَلَى نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ الْغُرَرِ
مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ وَعَلَى جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَى
فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى مَنْ أَصْطَفَيْتَ مِنْ
آبَائِهِ الْبِرَّةِ وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَنْتُمْ وَأَدْوَمُ وَأَكْثَرُ
وَأَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ
عَلَيْهِ صَلَوةً لَا غَايَةَ لِعِدْدِهَا وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَلَا نَفَادَ
لِأَمْدِهَا ، اللَّهُمَّ وَاقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَادْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَادْلُبْ بِهِ
أَوْلِيَاءَكَ وَادْلُبْ بِهِ أَعْدَاءَكَ وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا ، وَبَيْنَهُ
(وَبَيْنَهُمْ ، خ) وَصَلَّةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلْفِهِ وَاجْعَلْنَا
مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ وَيَمْكُنُ فِي ظِلِّهِمْ وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيبَةِ
حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَالْإِجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ
وَإِثْنِ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاةَ وَ
خَيْرِهِ مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزًا عِنْدَكَ وَاجْعَلْ
صَلُوتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَاةَنَا بِهِ
مُسْتَجَابًا وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً
وَخَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَأَقْبِلْ
تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ بَسْتَكْمِلُ بِهَا
الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَنْصَرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ
جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَاسِهِ وَبِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَسْنِيًّا
سَائِعًا لِأُظْمَاءَ بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

واستاد اعظم (اطال الله بقاءه) فرموده اند :

مستحب است در روز و شب جمعه خواندن دعای ندبه^۴ معروفه را ،
که متعلق است به آن حضرت . و فی الحقیقه ، مضامین آن سوزنده^۴

دلها و شکافنده جگرها و ریزنده خون از دیدگان آنان است که اندکی از شربت محبت آن جناب نوشیده، و تلخی زهر فراقش بکام او رسیده. در روز جمعه بلکه در شب آن نیز چنانچه در یکی از مزارات قدیمه که مؤلف آن معاصر شیخ طبرسی، صاحب "احتجاج" است، مروی است، باید خوانده شود.

مؤلف گوید: از جمله خواص خواندن این دعای مبارک آن است که، در هر مکانی و موضعی که خوانده شود با حضور قلب و اخلاص کامل، و ملتفت مضامین عالیه فائقه، و عبارات و اشارات نامیه رائقه آن بودن، توجه و التفات مخصوص حضرت صاحب العصر و الزمان (أرواحنا فداه) در آن مکان و محل، بلکه حضور بهم رسانیدن آن حضرت است در آن مجلس. چنانچه در بعض مواضع و موارد اتفاق افتاده:

از جمله، حضور بهم رسانیدن آن حضرت است در سرداب مطهر، که این دعای مبارک را قرائت نموده اند. و اجمال قصه آن این است که استاد اعظم (أدامَ اللهُ ظِلَّهُ العالی) نقل فرموده از احدی ثقات که:

والده من که از صالحات معروفات است، در سُرْمَنْ رَأَى نقل کرد: روزی در سرداب شریف بودیم با اهل بیت عالم ربّانی، و مؤید سبحانی، ملازمین العابدین سلماسی (أعلی اللهُ مقامه). و آن روز جمعه بود، و جناب آقا مشغول به خواندن دعای ندبه معروفه، و چون زن مصیبت زده و محبّ فراق زده می گریست و ناله می کرد، و ما با او در ناله و گریه متابعت می کردیم. پس در بین این حالت بودیم که ناگاه بوی عطری وزیدن گرفت، و منتشر شد در فضای سرداب. و پیر شد هوا از بوی خوش، به نحوی که از جمیع ماها آن حالت را سلب کرد. پس همه ساکت شدیم، و قدرت سخن گفتن از ما رفت، و متحیر ماندیم، تا اندک زمانی گذشت. پس از آن، رایحه طیبه مفقود شد، و هوا به حالت اول برگشت، و عود کردیم به آنچه

اول مشغول بودیم از قرائت دعا. چون به خانه مراجعت نمودیم، سؤال کردم از جناب آقا از سر آن بوی خوش، فرمودند: تو را چه کار به این سؤال؟ و جواب به من نداد. و عالم عامل متقی آغا علی رضای اصفهانی (أَطَابَ اللهُ تُرَاه) که نهایت اختصاص به مولی مزبور داشت، نقل کرد که: روزی سؤال کردم از آن مرحوم از ملاقات کردن با حجّت (عَلَيْهِ السَّلَام) را، و در او این گمان را داشتم، مثل استاد او سیّد معظم بحر العلوم (رَحِمَهُ اللهُ). پس همین واقعه را برای من نقل کردند بدون اختلاف.

خاموش که قضا گفتمی نیست ور گفته شود شفتنی نیست

و بعد از آن، بخوان بعض دعاهائی که مخصوص ایام غیبت است، که اختصاصی به روز جمعه ندارد. مثل دعای مبارک "اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ..." و غیرها، که وارد شده. چنانکه در ضمن تکلیف مخصوص که دعا نمودن برای وجود مقدس آن حضرت (أَرَوَّاحُنَا فِدَاه) است، دعوات صحیحه^۶ معتبره ذکر شد، اَيَّامًا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى.

تکلیف ۳۵

از جمله تکلیفات در این روز مبارک، مواظبت نمودن به اعمال و آداب و اذکار و دعوات و اورادی است که قبل از زوال و بعد از زوال، و ما بین ظهرین و بعد از نماز عصر وارد شده.

از جمله خواندن دعائی است که بعد از زوال شمس است. محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر (عَلَيْهِ السَّلَام) روایت نموده.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ
يَتَّخِذْ وَلَدًا...

و خواندن دوازده رکعت نماز است، و به قولی بیست رکعت نماز. و خواندن دعاهای مخصوصه است که ما بین هر یک از رکعتین آن باید خواند. و خواندن دعاهای مائه شوره قبل از زوال. و خواندن دعاهای مخصوصه بعد از نماز زوال. و خواندن صلوات مخصوصه ما بین ظهر و عصر است، و سایر نمازها و دعوات وارده، که آداب تمام آنها در کتب عبادات فقهاء (رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِم) ثبت و ضبط است مانند: "هَلَاةُ بَحَار" و کتب ابن طاووس (قُدْسِ سِرَّة) و غیرها. از قبیل "رَبِيعُ الْأَسَابِيع" مجلسی (قُدْسِ سِرَّة) که فارسی است. چون این عجاله را گنجایش تمام آنها نیست و موضوع این کتاب از برای ذکر آنها نبود، صرف نظر نموده بعضی را تَمِئْنَا ذکر می‌نمائیم:

منها: ابن ادریس (رَحِمَهُ اللَّهُ) نقل کرده از "جامع بزنطی" از ابی بصیرکه:

شنیدم از حضرت ابی‌عبدالله (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند که: صلوات فرستادن به محمد و آل محمد ما بین ظهر و عصر، معادل است با هفتاد حجّه و کسی که بگوید بعد از عصر روز جمعه:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ وَعَلَىٰ أَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .
می‌باشد از برای او مثل ثواب عمل ثقلین در این روز.

منها: خواندن تعقیب مخصوص بعد از نماز ظهر روز جمعه، این دعا است:

اللَّهُمَّ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى . . .

منها: خواندن این تعقیب است، که مخصوص بعد از نماز ظهر روز جمعه است:

اللَّهُمَّ إِشْتَرِمْنِي النَّفْسَ الْمَوْقُوفَةَ عَلَيْكَ . . .

منها: خواندن دعای "صحیفه" کامله " است که ابتدای آن این است، بعد از نماز روز جمعه:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارِكٌ وَالْمُسْلِمُونَ مُجْتَمِعُونَ . . .

منها: خواندن دعای دیگر از "صحیفه" کامله " است، که مخصوص بعد از نماز ظهر روز جمعه است:

يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ . . .

منها: گفتن:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ .

روایت است:

هر که این را بگوید نمی‌میرد تا حضرت صاحب الامر (ارواحنا فداه)
را در یابد .

منها: گفتن این صلوات است، بعد از نماز جمعه یک مرتبه:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَانْبِيَاؤِكَ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ .

روایت رسیده که:

تا یکسال گناهی برای و ننویسند .

منها: گفتن این صلوات است، بعد از نماز جمعه هفت مرتبه:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ .

که از اصحاب حضرت قائم (علیه السلام) باشد .

منها: خواندن این صلوات مخصوص تعقیب نماز جمعه است، که کفعمی (قَدِّسَ سِرُّهُ)

ذکر کرده:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا تَبْقٰى صَلَوةٌ، اَللّٰهُمَّ
وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا تَبْقٰى بَرَکَةٌ، اَللّٰهُمَّ وَسَلِّمْ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا يَبْقٰى سَلَامٌ، اَللّٰهُمَّ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا
وَآلَ مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا تَبْقٰى رَحْمَةٌ .

حضرت صادق (علیه السلام) فرموده‌اند:

هر که به این نحو برآن حضرت صلوات بفرستد، گناهان او محو
گردد، و خدا او را بر دشمن یاری دهد، و اسباب خیر را برای او
مهیّا گرداند، و آرزوهای او را بر آورد، و روزی او را فراخ گرداند،
و از رفقای محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) باشد در بهشت .

تکلیف ۳۶

از جمله تکالیف امام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) مواظبت نمودن به اعمال و اذکار و اورادی است که در تعقیب نماز عصر جمعه، و مخصوص به وقت عصر جمعه، و مخصوص از زردی آفتاب تا غروب، و مخصوص به غروب است. و اکثر این دعوات را در ضمن تکالیف عدیده ذکر می‌نمائیم. پس، بر هر عبدی از عباد لازم است در این اوقات محموده که فضیلتش زیاده از سایر اوقات دیگر است، وقت را مغتنم دانسته، جدّ و جهد نماید که خود را متذکّر خاطر مبارک امام خود (أَرْوَا حُنَا فِدَاه) نماید، و دست توّسل به دامن ولای آن حضرت و آباء کرامش (عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) زده، مقاصد و مطالبی که دارد عرضه نموده، انشاء الله مقرون به انجام و انجاء خواهد بود.

اما تعقیبات و دعوات مخصوصه بعد از نماز عصر روز جمعه: از جمله، خواندن دعائی است که شیخ طوسی و ابن طاوس (قَدَّسَ سِرُّهُمَا) و کفعمی (رَحِمَهُ اللهُ) به سند معتبر از حضرت امام زین العابدین (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) روایت کرده‌اند که:

در روز جمعه بعد از نماز عصر این دعا را بخوانند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْتَ هَجَّتْ سَبِيلَ الدَّلَاةِ عَلَيْكَ ...

از آن جمله، خواندن صلواتی است که سابقاً ذکر شد. و صلوات مزبوره از

ناحیه مقدسه بیرون آمده و به سندهای صحیح و معتبر، از ابوالحسن ضراب اصفهانی (رَحِمَهُ اللهُ) نقل کرده‌اند که ابتدای آن این است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِیْنَ . . .

ذکر کردیم که سید بن طاوس (قَدَسَ سِرُّهُ) فرموده:

اگر ترک کردی تعقیب عصر روز جمعه را به جهت عذری، پس ترک مکن این صلوات را هرگز به جهت امری که مطلع کرده ما را خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) بر آن.

منها: دعائی است که بعد از نماز عصر روز جمعه باید خوانده شود. سید بن طاوس در "جمال" و شیخ طوسی در "غیبت" و صدوق در "کمال" به اسانید معتبره صحیحه، ذکر کرده‌اند که:

شیخ ابو عمرو عَمْرِي (قَدَسَ سِرُّهُ) که نایب خاص اول حضرت است، املاء فرمود به ابو علی محمد بن همام و امر فرمود که این دعا را در غیبت قائم (ارواحنا فداه) بخوانند:

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِیْ نَفْسَكَ فَاتَّكْ اِنْ لَمْ تَعْرِفْنِیْ نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ رَسُوْلَكَ . . .

وتمام این دعا در جزو دعوات مخصوصه ذکر شد. و سابقا اشاره شد که سید بن طاوس (قَدَسَ سِرُّهُ) در "جمال الاسبوع" ذکر نموده در خصوص این دعا.

هرگاه از جمیع دعواتی که برای تو ذکر کردیم، در تعقیب نماز عصر عذری باشد، این دعا را در تعقیب عصر جمعه ترک مکن، و حذر کن از این که مهمل گذاری خواندن آن را. به درستی که ما شناختیم این را از فضل خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ)، که مخصوص فرموده ما را به

آن، پس اعتماد کن بر آن .

منها : خواندن صلوات کبیرا است بعد از نماز عصر روز جمعه . چنانکه شیخ طوسی و سید (قُدَسِ سِرُّهُمَا) و سایرین ، از حضرت صادق (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) روایت کرده اند که :

مستحب است خواندن این صلوات کبیر بعد از عصر روز جمعه :
 اَللّٰهُمَّ اِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا وَصَفْتَهُ فِي كِتَابِكَ . . .

منها : صلوات کبیری است که حضرت امام حسن عسکری (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) به عبدالله بن محمد عابد ، تعلیم فرمودند . اگر چه اختصاصی به روز جمعه ندارد ، ولی من باب اطلاق اخبار در خصوص صلوات شب و روز جمعه ، البته این صلوات افضل از سایر دعوات و اعمال دیگر خواهد بود .
 منها : خواندن صلواتی است که مجلسی (قُدَسِ سِرُّهُ) در " زَادُ الْمَعَادِ " ذکر نموده که :

مستحب است این صلوات را در هر روز ماه مبارک رمضان ، و در هر روز جمعه در تمام سال بخوانند . اول آن این است :
 اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّوْنَ عَلٰى النَّبِيِّ . . .

از جمله صلواتی است این ادریس و غیر او به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) روایت کرده اند که :
 هر که بعد از عصر روز جمعه این صلوات را بخواند مثل ثواب عمل جن و انس در این روز به او عطا کنند .

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَعَلٰى اَرْوَاجِهِمْ وَاجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ .

ابن بابویه (قُدَسِ سِرَّهُ) به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر (عَلَيْهِ السَّلَام) روایت کرده است که:

هر که این صلوات را بعد از نماز عصر روز جمعه بخواند، حَقَّ تعالی برای او صد هزار حسنه بنویسد، و صد هزار گناه از او محو کند، و صد هزار حاجت او را برآورد، و صد هزار درجه او را بلند کند.

این روایت را در "ثَوَابُ الْأَعْمَالِ" نوشته، ولی به تفاوت این الفاظ "وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ" و ابن طاوس (قُدَسِ سِرَّهُ) در "جَمَالُ الْأُسْبُوعِ" از "امالی" او - یعنی از "امالی" ابن بابویه (قُدَسِ سِرَّهُ) - چنین نقل کرده که:

بعد از عصر روز جمعه، صلوات سابق را که ابن ادویس و غیر او، از حضرت امام جعفر صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) روایت کرده اند، عیناً از حضرت باقر (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) روایت کرده بگویند یا ثواب معینی که ذکر شد.

و از جمله، صلواتی است که نیز سید (قُدَسِ سِرَّهُ) به سند معتبر از حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) روایت کرده که:

هر که بعد از نماز عصر روز جمعه، پیش از آنکه از جای نماز خود بر-خیزد، ده مرتبه بگوید، صلوات فرستد بر او ملائکه از این جمعه تا جمعه آینده همین ساعت.

و به روایت معتبر دیگر، از آن حضرت روایت کرده است که: چون نماز عصر روز جمعه را ادا نمودی، هفت مرتبه این صلوات را بخوان.

و در این دو روایت چنین است این الفاظ: "عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ عَلَيَّ أَرْوَاحِهِمْ" و بعض صلوات دیگر در روز جمعه و بعد از نماز عصر جمعه وارد

شده که در کتب اصحاب ضبط است .

از جمله ، استغفار در روز جمعه بعد از عصر است ، ابن طاوس (قُدَّسَ سِرُّهُ) در "جَمَالُ الْأُسْبُوعِ" ذکر نموده به اسناد خود شراز حضرت ابی عبدالله (عَلَيْهِ السَّلَام) که فرمودند :

هر کس استغفار کند روز جمعه بعد از عصر ، هفتاد مرتبه ، به این طریق : "أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ" می آمرزد خدای تعالی گناه او را آنچه گذشته ، و نگاه می دارد او را در باقی عمرش . و اگر گناهی نداشته باشد ، گناهان پدر و مادر او را بیامزد .

و دیگر ، خواندن یکصد مرتبه سوره قدر است بعد از عصر روز جمعه ، ابن بابویه به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر (عَلَيْهِمَا السَّلَام) روایت کرده است که :

خدا را در روز جمعه هزار نسیم رحمت است ، که هر بنده را آنچه بخواهد از آن رحمتها عطا فرماید . پس ، هر که بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه سوره "إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ" بخواند ، حق تعالی آن هزار رحمت را مضاعف فرماید و به او عنایت نماید .

واز جمله دعوات بعد از نماز عصر روز جمعه ، خواندن دعای عظیم القدر عَشْرَاتٍ است . و از برای این دعای جلیل القدر ، شش روایت مختلفه ابن طاوس (قُدَّسَ سِرُّهُ) ذکر کرده ، چنانکه در "مُهْجُ الدَّعَوَاتِ" می گوید :

بدان که این دعای بزرگ ، از اسرار دعوات است ، و یافتم از برای آن شش روایت مختلفه ، ذکر کردیم در کتاب عمل روز و شب ، از مهمات ، دو روایت آن را ، یکی در ادعیه غروب ، و یکی در تعقیب صبح . و در جزو چهارم از مهمات ، روایتی دیگر در تعقیب عصر از روز جمعه ، و در آخر کتاب "إِغَاثَةُ الدَّاعِي" روایتی دیگر ، و ذکر می کنم در این کتاب ، روایت پنجم و ششم را .

پس در روایت اول دعا را ذکر می‌نماید که مخصوص است خواندن آن در صبح یک مرتبه، و بعد از عصر یک مرتبه. در روایت دوم به اختلاف تعیین وقتی ننموده. و مجلسی (قُدَسِ سِرِّه) هم در "صَلَاةُ بَحَار" و "کتاب دعاء بحار"، به سندی دیگر این دعا را ذکر کرده. اَلْحَاصِل، از شرح این حدیث معلوم می‌شود که از برای خواندن این دعا سه وقت معین است، یکی در صبح و یکی در شب. و بهتر از این دو، اوقات بعد از نماز عصر روز جمعه است، که از جهت روز و وقت، افضل از سایر ایام و اوقات است. و چون این دعای مبارک و شرح آن در اکثر کتب دعوات مشهوره و غیر مشهوره، مدوّن و مضبوط است، ترک آن ننموده و به ذکر تنبیهی قناعت می‌کنیم.

تنبیه: از جمله فقرات شرح این دعا آن است که حضرت امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) با حضرت امام حسین (صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ) می‌فرماید:

عهد کن با من رازی که با تو می‌گویم به کسی نگویی تا دوازده ماه از شهادت من بگذرد.

علت آن، آنچه به نظر قاصد حقیق رسیده، آن است که موافق تواریخ و اخبار معتبره مثل "کافی" و غیرها، شهادت حضرت امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) در سال چهلّم از هجرت واقع شد. و بعد از رحلت آن حضرت، معاویه (عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ) به دعوی خلافت با حضرت امام حسن (عَلَيْهِ الصَّلَوَةُ وَالسَّلَام) معارضه نمود. و موافق حدیث طولانی مُفَضَّل (عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ)، معاویه ملعون به ریاست و سرکردگی زیاد بن ابیه (عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ) یکصد و پنجاه هزار نفر به کوفه مأمور نمود که حضرت امام حسن و حضرت امام حسین (عَلَيْهِمَا السَّلَام) و سایر اهل بیت، و شیعیان و دوستان آنها را دستگیر نمایند. و از همه آنها بیعت به جهت معاویه بگیرند. هر کس ابا نماید و تمکین نکند، گردن او را بزنند و سر او را برای معاویه ببرند. چون این خبر را حضرت امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَام) شنید، در کوفه بالای منبر رفت و مردم را اعلام نمود و طلب نصرت و یاری از اهل کوفه نمود. به جز بیست نفر احدی جواب

آن حضرت را نداد، پس فرمودند:

اگر چهل نفر ناصر برای من پیدا می‌شد، اُسُوَّةٌ لِحَدَى رَسُولِ اللَّهِ
(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با معاویه قتال می‌کردم .

خلاصه در سال چهل و یکم از هجرت نظر به حکم تقیّه، با معاویه بیعت کرد با آن شرایط مقررّه، که اسباب حفظ جان و مال و عرض و دین و دنیای شیعیان و دوستان بود. از اینجا است که حضرت امیر المؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) شرط فرمودند که این راز را به تو می‌گویم، باید به کسی نگوئی تا دوازده ماه از شهادت من بگذرد، مرادشان رفع تقیّه و مصالحه حضرت امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَام) با معاویه (عَلَيْهِ اللّٰعْنَةُ) بوده. زیرا که می‌دانست که هر یک از شیعیان قبل از واقعهء مصالحه بر این دعا واقف می‌شدند، چون مشتمل به شهادت امامت امیر المؤمنین و اولاد معصومین او (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ) و ذکر فضایل و مناقب ایشان است، اسباب صدمه و آزار، بلکه ذهاب جان و مال شیعیان بود. لهذا، موقوف به گذشتن مدّت معینّه فرمودند. و از عبارت شرح دعا چنین برمی‌آید که این شرح و دعا را تا دوازده ماه دیگر به کسی ابراز و اظهار نکن، و در موضع دیگر می‌فرماید:

عهد کن با من این دعا را تعلیم نکنی تا وقت وفات خود.

محتمل است پایه جهت همین مطلب بوده که ذکر کردیم، یا به جهت اینکه در شرح آن از شهادت حضرت سیدالشهداء (عَلَيْهِ السَّلَام) خبر داده که می‌فرماید:

به شهادت از دنیا مفارقت کنی و سعادت مند زندگانی کنی

نخواستہ‌اند که کسی مطلع شود به این امر عظیم. در این صورت شاید آن حضرت بعد از یکسال، بروز این دعا را دادند، ولی به کسی تعلیم نفرمودند تا وقت وفات خود، که در جزو اسرار امامت هنگام شهادت به حضرت سید

الساجدین (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) تعلیم فرمودند که به شیعیان تعلیم شود .
 عجب دارم از بعض اسرار مودعه در این دعای عظیم القدر، و امثال آن
 از دعوات مجربّه صحیحه که تکرار و تعداد بعض اذکار و اسماء الله تعالی در
 آنها شده . و بعضی جاهلین و مقصرین، و اشخاصی که سلب توفیق از آنها
 شده بواسطه کسالت و بطالت و طلب استراحت نفس، بواسطه تکرار
 این اسماء و اذکار و دعوات که قدری اسباب امتداد و طول وقت خواهد بود،
 از خواندن چنین دعاهائی صرف نظر می نمایند و به دعاهاى مختصره می پردازند .
 و تجربه شده، همین قدر از وقت و زمانی که لازمه خواندن آن دعوات و
 اذکار است، که باید در آن مورد صرف شود، چون اعراض می نماید، همان
 وقت و زمان را در موردی دیگر صرف معصیتی خواهد نمود با کمال میل قلبی
 و عدم اعراض و اشمئزاز طبع . و این مسئله در اکثر افعال و اعمال خیریه
 و غیرها تجربه شده، و بیان آن را در مسئله راجح و مرجوح، استاد اعظم
 (أَدَامَ اللَّهُ ظِلَّهُ) در " دارالسلام " به طریق مستوفی ذکر فرموده اند، فَلْيُرَاجِعْ .

تکلیف ۳۷

از جمله تکالیف امام ، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) مواظبت نمودن به اعمال و آداب مقررّه از زردی آفتاب روز جمعه الی غروب است ، که تعلق و اختصاص تامّه به حضرت حجّت (أَرْوَاحُنَا فِدَاه) دارد . در این وقت و موقع ، باید کمال مراقبت و مواظبت تامّه و توجّهات قلبیه را معمول داشته ، امام خود را (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) حاضر و ناظر دانسته ، و آن وجود مقدّس را وسیله انجام و اتّجّاح مقاصد و مطالب و مآرب خود قرار داده ، زیارت نماید آن حضرت را به زیارتی که ابن طاووس (قُدِّسَ سِرُّهُ الْعَزِيز) در کتاب " جمال " برای آن حضرت ذکر کرده که باید آن حضرت را در روز جمعه بدین نَهج زیارت نموده و زیارت مزبوره در طی آداب و اعمال بعد از نماز صبح جمعه ذکر شد و خواندن دعا و سلامی که نیز به منزله زیارت مخصوصه آن حضرت است که جمعی از اساطین علماء که حجج الهیه هستند ذکر کرده اند در ساعت دوازدهم بخوانی .

دعای اول :

يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِسَفْسِهِ عَنِ خَلْقِهِ بِضَعِهِ، يَا مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ
بِلُطْفِهِ، يَا مَنْ مَلَكَ بِأَهْلِ طَاعَتِهِ مَرْضَاتِهِ، يَا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ
مَحَبَّتِهِ عَلَى شُكْرِهِ، يَا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِدِينِهِ وَلَطَفَ بِهِمْ

بِنَاغِهِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْخَلْفِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِقِيَّتِكَ
فِي أَرْضِكَ الْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَبَقِيَّةِ
آبَائِهِ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ وَاتَّضَعُ إِلَيْكَ بِهِ وَ
أَقْدِمُهُ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا ...

حاجت خود را بخواهد و بگوید:

وَأَنْ تُدْرِكَنِي وَتُنَجِّنِي مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَالْبَسْنَى بِهِ
عَافِيَتِكَ وَعَفْوِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكُنْ لَهُ وَلِيًّا وَحَافِظًا
وَناصِرًا وَقَائِدًا وَكَالِئًا وَسَاتِرًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا
وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَسَيَكْفِيكَهُمْ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ
بِطَاعَتِهِمْ وَأُولِي الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ وَأُولِي
الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَالْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرْتَ
بِعِرْفَانِ حَقِّهِمْ وَأَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ
طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، أَسْأَلُكَ بِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا يَا غَفَّارٌ وَتَتُوبَ عَلَيَّ يَا تَوَّابٌ
تَرْحَمُنِي يَا رَحِيمٌ يَا مَنْ لَا يَتَعَاظَمُهُ ذَنْبٌ وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ.

دعای دوم در ساعت سه‌جوده جمعه و غیرها:

اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ وَرَارِقِ
الْعَاصِي وَالْمَطِيحِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ
أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا سُمِّيَتْ عَلَيَّ طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ
يُسْرًا وَإِذَا وُضِعَتْ عَلَيَّ الْجِبَالُ كَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا وَإِذَا رُفِعَتْ
إِلَى السَّمَاءِ تَفْتَحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ وَإِذَا هَبِطَتْ إِلَى الظُّلُمَاتِ

الارضِ اتَّسَعَتْ بِهَا الْمَضَائِقُ وَإِذَا دُعِيَتْ بِهَا الْمَوْتَى
 انْتَشَرَتْ مِنَ اللُّحُودِ وَإِذَا نُودِيَتْ بِهَا الْمَعْدُومَاتُ خَرَجَتْ
 إِلَى الْوُجُودِ وَإِذَا ذُكِرَتْ عَلَى الْقُلُوبِ وَجِلَتْ خُشُوعًا وَإِذَا
 قُرِعَتْ الْأَسْمَاعُ فَاضَتْ الْعُيُونُ دُمُوعًا ، أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ
 رَسُولِكَ الْمُؤَيَّدِ بِالْمُعْجَزَاتِ الْمَبْعُوثِ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ
 وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي اخْتَرْتَهُ
 لِمُواخَاتِهِ وَوَصَّيْتَهُ وَأَصْطَفَيْتَهُ لِمَصَافَاتِهِ وَمُصَاهَرَتِهِ وَ
 بِصَاحِبِ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي تَجَمُّعَ عَلَى طَاعَتِهِ الْآرَاءُ
 الْمُتَفَرِّقَةَ وَتَوَلَّفَ لَهُ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ
 حُقُوقَ أَوْلِيَائِكَ وَتَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ شِرَارِ أَعْدَائِكَ وَتَمْلَأُ بِهِ
 الْأَرْضَ عَدْلًا وَإِحْسَانًا وَتُوسِّعُ عَلَى الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ فَضْلًا
 وَآمِنَانًا وَتُعِيدُ الْحَقَّ مِنْ مَكَانِهِ عَزِيزًا حَمِيدًا وَتُرْجِعُ
 الدِّينَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 فَقَدْ اسْتَشْفَعْتَ بِهِمْ إِلَيْكَ وَقَدَّمْتَهُمْ أَمَامِي وَبَيَّنَّ يَدَيَّ
 حَوَائِجِي وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ
 وَالْهِدَايَةِ بِطَاعَتِهِ وَتَزِيدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ بِعِصْمَتِهِ وَ
 الْإِقْتِدَاءِ بِسُنَّتِهِ وَالْكَوْنِ فِي زَمْرَتِهِ ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و منها : خواندن دعای "سمات" است در ساعت آخر روز جمعه ، و این دعاء
 از دَعَوَاتِ عَظِيمِ الْقَدْرِ جَلِيلِ الشَّأْنِ است ، بلکه از اسرار مکنونه و ودائع مخزونه
 است که الحال ، شایع و ذایع و در میان نااهلان ، قدر و منزلت آن ضایع گردیده ،
 و حقیر در مجلد سویم از کتاب " خرابات " شرح مبسوطی برای آن نوشته‌ام ،
 هر که خواهد بر اسرار و دقایق و حقایق و نکات ظاهره و باطنه بعضی از
 آن که مُسْتَنْبَطُ از آثار اهل بیت معصومین است (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) مطلع
 شود ، بدان کتاب رجوع نماید . الحاصل ، چون هنگام غروب آفتاب شود

سزاوار است که بواسطه و وسیله این دعا، اسباب تقرب خود را به سوی خدا و رسول و ائمه طاهرين (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ) تدارک کرده، این دعای مبارک را با کمال خضوع و خشوع بخوانی، و با نهایت الحاح، امام خود را شفیع قرار دهی، که حضرت باری تعالی از برکت این دعای مبارک و شفاعت امام زمان (أرواحنا فداه) مطالب و مآرب دنیویه و اُخرویّه تو را به عافیت و خیریت برآورده فرماید. و این وقت و ساعت را به غفلت مبدا بسربری، هم روز مختص آن حضرت است، و هم وقت و ساعت مختص به اوست (أرواحنا فداه)، و ملائکه روز بالا می‌روند و ملائکه شب نزول می‌نمایند. امام تو (أرواحنا فداه) در این وقت مشغول دعا و تضرّع و زاری است، توهم تأسی به آن حضرت کن. اگر خدا نکرده اوقات گذشته این روز را به غفلت و عطلت، و مشاغل و شواغل صرف کرده‌ای، در صدد اصلاح و جبران و تدارک مافات در این ساعت مخصوص تعجیل کن، که وقت تنگ و فرصت کم و حالت حضور قلب مانند برق خاطف در گذران است. چون دعای مزبور و صحت سند آن از کثرت انتشار و اشتها در عموم اعصار و امصار، کَالشَّمْسِ فِي رَابِعَةِ النَّهَارِ است، در این مورد رقم آن را ترک کردیم. و لیکن ای برادر من، جهد کن که دعای سَمَات را صحیح بخوانی و ملتفت مضامین او یا ترجمه آن باشی، که مبدا دعای غلط بخوانی، که دعایت مستجاب نخواهد شد و زحماتت هدر خواهد رفت.

تکلیف ۳۸

سابقاً ذکر شده که از جمله تکالیف انام در غیبت امام (علیه الصلوة والسلام) محافظت حدود بعضی از منمو اوقاتی است که متعلق و منسوب به آن حضرت است (أرواحنا فداء)، از آن جمله روز عاشورا است که موافق احادیث، روز ظهور و فرج آن حضرت است به جهت اظهار امر خود:

لِيُظَهِّرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ .

و انتقام کشیدن از قاتلین حضرت سیدالشهداء (صلوات الله و سلامه علیه):

وَ مَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ
إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا .

پس در این روز باید منتظر و مترقب ظهور موفور السرور آن حضرت شد، و زیارت حضرت سیدالشهداء (أرواح العالمين له الفداء) را نموده در ضمن مطالب و مضامینی که در زیارت عاشورا است و نام گرامی آن حضرت (أرواحنا فداء) برده شده، متذکر گردید. بعد از دعای "علقمه" و سایر دعوات متعلقه به زیارات عدیده مختلفه عاشورا، که در کتب زیارات ضبط است، بخواند از دعواتی که مناسب است در ایام غیبت خوانده شود، چنانکه سابقاً ذکر شده، بلکه زیارت ندبه و دعای ندبه را هم در این روز به قصد قربت محضه با کمال حزن و اندوه قرائت نماید. که این مصیبت غیبت هم بر تمام

شیعیان مصیبتی است بزرگ و امتحانی است شدید. و رفع این مصائب و مِحَن، و این رزایا و حَزَن، نمی‌شود الاّ به ظهور آن حضرت (عَجَلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَسَهَّلَ مَخْرَجَهُ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ). و فاضل کوزعیّ الْمَعْنَى، موفق به توفیقات سبحانی‌اعنی برادر روحانی و جسمانی المُوَدِّدِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ حاجی میرزا حبیب الله (وَفَقَّهُ اللَّهُ تَعَالَى) شرح مختصری برای زیارت عاشورا تحریر نموده که برآحاد افراد موالیان اهل بیت معصومین (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) مطالعه آن لازم است، اَللّٰهُمَّ وَفِّقْهُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

تکلیف ۳۹

از جمله از منته و اوقاتی که اختصاص به حضرت صاحبُ العَصْرِ الزَّمان (أرواحنا فداه) دارد، شب و روز نیمه شعبان است و اختصاص این شب و روز مبارک نسبت به آن حضرت از چند جهت است:

یکی برای آنکه شب ولادت باسعادت و شرافت آن حضرت است (أرواحُ العالمین فداه) به قول أَصَحَّ.

دیگر، شب قسمت آجال و ارزاق عباد است و شب ثبت کردن وقت حاج است، همچنانیکه در شب قدر می شود، و سید بن طاوس (قُدْسِ سِرِّه) در کتاب "اقبال" بعضی احتمالات در این خصوص ذکر کرده است که باید ملاحظه شود. در هر صورت، قسمت آجال و تقسیم ارزاق و غیرها مخصوص وجود مقدس امام عصر است (أرواحنا فداه) و اوست حافظ لوح محو و اثبات:

بِهِمْ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ إِيَّاهُمْ أُمُّ الْكِتَابِ .

و دیگر، موافق حدیثی که در "بصائر الدَّرَجَات" است که از حضرت ابی عبدالله (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) روایت نموده که آن حضرت فرمودند:

به درستی که اعمال عرضه می شود بر من در هر روز پنجشنبه، پس چون ماه نو می شود، کامل می شود. پس در نصف ماه شعبان عرضه می شود آن اعمال بر پیغمبر خدا و امیرالمؤمنین علی (عَلَيْهِمَا

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ) ، پس نوشته می‌شود در ذکر حکیم .

واضح است چنین امر بزرگی در این شب مبارک بدون حضور مقدّس امام عصر (ارواحنا فداه) نخواهد شد. و این خود منصی است عظیم، و شغلی است جسیم، و شأنی است فخیم، که در تمام اَرْضین و سَمَوَاتِ، مخصوص آن وجود مقدّس مبارک خواهد بود، لاغیر.

و دیگر، شب نزول ارواح یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر است که از آن جمله پنج پیغمبر اُولُو الْعِزْمِ است که: " نوح " و " ابراهیم " و " موسی " و " عیسی " و " محمد " است (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) که به زیارت حضرت سید الشهداء (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می‌آیند. و تو می‌دانی که از جمله زائران حضرت سید الشهداء (عَلَيْهِ السَّلَام) نیز در این شب، حضرت حجت است (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) و ملاقات و مصافحه امام عصر با یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر، خود امری است عظیم که تقریری و تحریری نیست. و مصافحه آن ارواح معظم با چنین سلطانی اعظم، که ولی کاینات و حجت بر تمام ارضین و سَمَوَاتِ است، مانند مصافحه با تو و سایرین در آن شب که زیارت حضرت ابا عبد الله (أَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ فِدَاهُ) را می‌نمائی نیست. که تا به حال چگونگی این مصافحه را ندانسته‌ای، بلکه شاید این مسئله را تأویل می‌کنی، بلکه شاید اعتقاد کاملی به این کیفیت نداشته باشی. خلاصه، باید در این شب مولود مبارک، تکاهل و تساهل از طاعت و عبادت و احیاء آن به قدر استطاعت نمائی، که مبادا خدای نکرده جزو اشقیاء باشی، زیرا که در خبر رسیده است که:

فَلَا يَضَعُ عَنْ قِيَامِ تِلْكَ اللَّيْلَةِ إِلَّا شَقِيًّا .

و زیارت کنی حضرت حجت را (أَرْوَاحُنَا فِدَاهُ) به زیارتی که مخصوص شب نیمه شعبان است که اول آن این است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا . . .

و به اوراد و اذکار و صلوات و دعواتی که مخصوص به این شب مبارک است، عمل نموده، اکثر دعوات خود را دعای به وجود مبارک امام عصر (اَرَوَاحُنَا فِدَاهُ) قرار دهی، و بخوانی دعای کمیل و نمازهای واردهٔ مخصوصه و اذکاری که مفصلاً در کتب عبادات عربی و فارسی ثبت و ضبط است که شاید اسم تو در ذکر حکیم جزو سَعْدَاءُ ثبت شود.

تکلیف ۴۰

از جمله آزمینه و اوقاتی که اختصاص به آن حضرت دارد، روز نوروز است. اگر چه استاد اعظم (أَدَامَ اللّهُ ظِلَّهُ الْعَالِي) شرحی در این خصوص مقرر فرموده‌اند، ولی موضوع در دست نیست که روز نوروز چه روز است، و نزد حقیر مجهول است. مخفی نماند مجلسی (قُدِّسَ سِرُّهُ) در "زادالمعاد" می‌فرماید:

روز نوروز مشهور همین روزی است که در میان مردم مشهور است، احتیاطاً بعضی اعمال وارده را در این روز به عمل آورند.

حقیر گوید: در روز نوروز و تحویل سال، چنانچه کسی مشغول بعضی زیارات وارده، بخصوص زیارت حضرت امیر المؤمنین و حضرت حجت (صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِمَا) باشد بهتر است، بلکه در وقت تحویل شمس به "بُرْجِ حَمَل"، زیارت نمودن و توجه نمودن به امام عصر (أَرَوَّاحُنَا فِدَاه) از تمام اعمال و اوراد وارده افضل خواهد بود.

تکلیف ۴۱

از جمله تکالیف انام در غیبت امام عصر (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) هدیه فرستادن حضور مهر ظهور آن حضرت است (أَرْوَا حَنَا فِدَاه)، چون از وظایف عبد نسبت به مولای خود آن است که اگر متاع نفیسی دارد، برای مولای خود هدیه می‌فرستد، و این فرستادن هدیه بسته به نیت عبد است، یا به جهت اظهار خصوصیت و حفظ مراتب عبودیت است، یا به جهت متذکر نمودن مولا است نسبت به خود، که او را منظور نظر مرحمت و مکرمت خود داشته باشد، یا به جهت آن است که هدیه می‌برد، انعام و عطیه‌ای درازای آن مولا به او بدهد، یا به جهت رفع تَکَدُّر و نِقَاری است که میان او و مولای اوست، می‌خواهد رفع نگرانی خاطر مولای خود را نماید، یا محض محبت صرفه و مودت مَحْضَه است که ابداً ملاحظه‌ای ندارد اِلَّا تَحْصِيلَ اَزْدِيَادِ مَحَبَّتِ و مودت فیما بین، و ظهور و بروز مراتب عبودیت و فدویت و رضایت خاطر مولای خود، این نوع هدیه که محض طمع و جلب منفعت و سایر ملاحظات گذشته در آن نباشد افضل و اعظم خواهد بود، و قبول کردن آن هدیه به جهت مولا، گواراتر و بی‌ریاتر و مُهِنَّاتر است. پس ما بندگان که در غیبت مولا و آقای خود (أَرْوَا حَنَا فِدَاه) واقع شده‌ایم و دسترسی به حضور اقدس آن حضرت نداریم، سزاوار است که گاهی از اوقات، به وسیله و ذریعه هدیتی از هدایای بی‌ریا، اظهار عبودیت و رِقَبَتِ خود را نسبت به آن حضرت نموده، شاید مورد بروز مرحمت و ظهور مکرمت آن آقای واقعی و وَلِيِّ النِّعَمِ

حقیقی شویم. و چون تمام موجودات در تحت قبضه و تصرف آن مالک الملوک حقیقی است، و زندگانی و تقلب ما هم در بلاد، از تصدق وجود مقدس آن مولای کل کاینات است، و چیزی که لایق و قابل حضور آن حضرت باشد نداریم:

الْعَبْدُ وَ مَا فِي يَدِهِ كَانَ لِمَوْلَاهُ . . .

إلا بعض اعمال خیریه از قبیل نماز و روزه و حج و صدقات و غیرها. و دیگر آنکه، ملاحظه نمودیم هدیه‌ای که سزاوار رتبه و شأن آن پادشاه: "كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ" از سنخ امتعه دنیوی باشد، چیزی مشاهده نمی‌شود مگر از جنس و سنخ نورانیت و عوالم ملکوتیت خودش (جَلَّ جَلَالُهُ):

"لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ . . ." و "الصلوة قربان كل تقى"

پس افضل اعمال عبدصلاة است، و هدیه که لایق حضور پادشاه باشد، باید از اعلیٰ و اعلیٰ نفایس دارائی شخص باشد. از این جهت نماز هدیه را مقرر فرموده‌اند که به آداب و اعمال مقررّه بجا آورده، هدیه حضور مهر ظهور آن سلطان معظم و شاهنشاه اعظم (أرواح العالمین فداء) نمایم.

من چه درپای توریزم که سزاوار تو باشد

سرو جان را نتوان گفت که مقداری هست پس، از جمله تکالیف انام در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) آن است که باید به واسطه نماز هدیه، توسل به حضرات معصومین (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) جسته، در هر روزی که موافق تقسیم شارع قویم، متعلق به ایشان است، نماز هدیه را با کمال خضوع و خشوع بجا آورده، به ترتیب و تقسیمی که خود آن بزرگواران مقرر و مقدر فرموده‌اند، به قصد تقرب صرف و قربت محضه، نماز مقرر را بر طبق اخلاص گذارده، به بارگاه جلالت و کبالت ایشان به رسم تحفه و به عنوان هدیه تقدیم نماید. شاید این تحفه مقبول درگاه، و این هدیه مطبوع بارگاه ایشان (صَلَاةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) گردیده، صاحب هدیه مورد

الطاف و اعطاف ظاهره و باطنه شود. پس، طریقهٔ نماز هدیه یک قسم به حسب تقسیم ایّام هفته است، و قسمی دیگر بدون تقسیم است که در هر روز و هر وقت بخواند مجاز و مختار است. اما تقسیم نماز هدیه نمودن به معصومین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) به حسب ایّام هفته، موافق روایت معتبره از ائمهٔ معصومین (سَلَامُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) که در کتب معتبره علماء اعلام و فقهاء کرام (رِضْوَانُ اللهِ عَلَيْهِمْ) ثبت است، چنین نقل کرده‌اند که: مستحبّ است آدمی در روز جمعه هشت رکعت نماز بگذارد، و بعد از هر دو رکعت سلام به گوید، و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گرداند، و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت فاطمه زهرا (سَلَامُ اللهِ عَلَيْهَا) نماید. و در روز شنبه، چهار رکعت بجا بیاورد و هدیهٔ امیر المؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) گرداند، و هم چنین هر روز چهار رکعت بجا بیاورد و هدیهٔ امامی گرداند به ترتیب، تا روز پنجشنبه چهار رکعت بجا بیاورد و هدیهٔ حضرت امام جعفر صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) گرداند. و باز در روز جمعه هشت رکعت کند و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَام) گرداند. و در روز شنبه، چهار رکعت هدیهٔ حضرت امام موسی (عَلَيْهِ السَّلَام)، و هر روزی چهار رکعت هدیهٔ امامی نماید، تا روز پنجشنبه چهار رکعت را هدیهٔ حضرت صاحب الزمان (أَرْوَاحُنَا فِدَاه) نماید، و بعد از هر دو رکعت این دعا بخواند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ حَبِّبْنَا
رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ هَذِهِ الرُّكُوعَاتُ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى وَلِيِّكَ
فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ ...

و بجای فلان اسم آن امام را ببرد که این نماز هدیه برای اوست،
فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُ أَيَّاهَا وَاعْظِنِي أَفْضَلَ
أَمْلَى وَرَجَائِي فَيْكَ وَفِي رَسُولِكَ صَلَّوْا تُكَ عَلَيَّ وَآلِهِ وَفِيهِ ...

پس هر دعائی خواهی بکن انشاءالله تعالی برآورده است.

پس این نماز شصت و چهار رکعت شد که در عرض دو هفته می باید گذارده شود. اما نماز هدیه که بدون تقسیم ایام هفته است و هر اوقات بخواند مختار است، در ذیل تکلیف آینده مذکور خواهد شد.

تکلیف ۴۲

از جمله تکالیف انام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) هدیه نمودن ثواب طاعات و عبادات واجبه و مستحبّه خود نسبت به آن حضرت و آباءِ کرامش (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) است، که اسباب قبولی عبادات و باعث تضعیف و ازدیاد طاعات عبد خواهد بود. چنانکه سید بن طاوس (قُدِّسَ سِرُّهُ) در "جَمَالِ الْأُسْبُوعِ" روایت کرده به اسنادی که مرفوع است به ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَام)، فرموده‌اند:

کسی که ثواب نماز خود را چه فریضه و چه نافله، قرار دهد برای رسول خدا و امیرالمؤمنین و اوصیاءِ مُکَرَّمِينَ او (صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ)، خداوند مُضَاعَف می‌کند ثواب نماز او را اَضَاعَافُ مُضَاعَفٍ، تا نَفْس قطع شود، و به او می‌گویند پیش از آنکه روحش از بدنش مفارقت کند: ای فلان، دلت خوش باد، و چشمت روشن بدانچه مهیا کرده آن را خدای تعالی برای تو و گوارا باد برای تو آنچه را که رسیدی به او. راوی پرسید از امام (عَلَيْهِ السَّلَام): چگونه هدیه می‌نماید نماز خود را و چه می‌گوید؟ فرمودند: نیت می‌کند ثواب نماز خود را به جهت حضرت رسول (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، و اگر ممکن باشد او را، زیاد نماید بر نمازهای پنجاه رکعتی چیزی را، اگر چه به دو رکعت باشد در هر روز، و هدیه بفرستد ثواب آن دو رکعت را به سوی یکی از ایشان (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ). پس افتتاح آن دو رکعت نمازی

که به نیت هدیه بجا می‌آورد، مثل افتتاح نماز فریضه بجا بیاورد یا هفت تکبیر بگوید، یا سه تکبیر، یا یک تکبیر در هر رکعت، و بگوید بعد از تسبیح رکوع و سجود سه مرتبه:

صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ .

در هر رکعت. پس امام می‌فرماید چون تشهد و سلام گفت، بگوید:

اللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ وَاَبْلِغْهُمْ
مِنِّيْ اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتِ هَدِيَّةٌ
مِّنِّيْ اِلَى عَبْدِكَ وَ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ، اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهَا مِنِّيْ وَ اَبْلِغْهُ
اِيَّاهُ عَنِّيْ وَ اَشْبِنِيْ عَلَيْهَا اَفْضَلَ اَمَلِيْ وَرَجَائِيْ فِيْكَ وَ فِى
نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَصِيِّ نَبِيِّكَ وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَةِ
نَبِيِّكَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سِبْطِيْ نَبِيِّكَ وَ اَوْلِيَاكَ مِنْ وُلْدِ
الْحُسَيْنِ ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ يَا وَلِيَّ
الْمُؤْمِنِيْنَ .

مؤلف گوید: خواندن این دعا در صورتی است که چهار رکعت یا زیادتر نماز هدیه به جهت حضرت رسول (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بجا بیاوری، یا نماز پنجاه رکعت را ضمیمه نمائی. چنانچه دو رکعت باشد باید بگوئی:

اللّٰهُمَّ اِنَّ هَاتَيْنِ الرُّكْعَتَيْنِ . . .

و ضمیر "تَقَبَّلَهَا" و "عَلَيْهَا" را تشبیه بیاورد، چنانکه در بعد از دو رکعت برای سایر معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَام) می‌خوانی. و پس از دو رکعت نماز هدیه حضرت امیرالمومنین (عَلَيْهِ السَّلَام) می‌خوانی دعای مذکور رانا "التَّحِيَّةُ وَ السَّلَامُ" و می‌گوئی:

اللّٰهُمَّ اِنَّ هَاتَيْنِ الرُّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِّنِّيْ اِلَى عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ
ابْنِ عَمِّ نَبِيِّكَ وَ وَصِيِّهِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ
اللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهَا مِنِّيْ وَ اَبْلِغْهُ اِيَّاهُ عَنِّيْ وَ اَشْبِنِيْ عَلَيْهِمَا

أَفْضَلَ أَمَلَى وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي نَبِيِّكَ وَوَصِيِّ نَبِيِّكَ وَفَاطِمَةَ
الزَّهْرَاءِ ابْنَةَ نَبِيِّكَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سِبْطِي نَبِيِّكَ
وَأَوْلِيَايَكَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا وَلِيَّ
الْمُؤْمِنِينَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

و چون دو رکعت نماز هدی به جهت فاطمه زهرا (سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا) بجا
بیاوری، بعد از سلام بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ
الطَّيِّبَةِ الزَّكِيَّةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي وَ
أَبْلِغْهُمَا إِلَيَّهَا عَنِّي وَأَثْبِنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلَى وَرَجَائِي
فِيكَ وَفِي نَبِيِّكَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَصِيِّ نَبِيِّكَ
وَ الطَّيِّبَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ
سِبْطِي نَبِيِّكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا وَلِيَّ
الْمُؤْمِنِينَ.

و چون دو رکعت نماز هدی به جهت حضرت امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَام) بجا
بیاوری، بعد از سلام بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ
عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى
عَلَيْهِمَا السَّلَامَ، اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي وَأَبْلِغْهُمَا إِلَيَّ عَنِّي
عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلَى وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ
وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا وَلِيَّ
الْمُؤْمِنِينَ.

و چون دو رکعت نماز هدی به جهت حضرت امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَام) بجا
بیاوری، بعد از سلام بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ
عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ سِبْطِ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ
الرَّزِيِّ الرَّضِيِّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى ...

پس می‌خوانی تا آخر دعا، و " يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ " را سه مرتبه باید گفت. و چون
دو رکعت نماز هدیه به جهت حضرت علی بن الحسین (عَلَيْهِمَا السَّلَام) بجا
بیاوری، بعد از سلام بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ
عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ سِبْطِ نَبِيِّكَ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيٍّ
بِنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام ...

و می‌خوانی تا آخر دعا، و " يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ " را سه مرتبه باید گفت. و
چون دو رکعت نماز هدیه به جهت حضرت امام محمد باقر (عَلَيْهِ السَّلَام) بجا
بیاوری، بعد از سلام بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ
عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ سِبْطِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ
عَلَيْهِ السَّلَام ...

و می‌خوانی تا آخر، و " يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ " را سه مرتبه باید گفت. و چون
دو رکعت نماز هدیه به جهت حضرت امام جعفر صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) بجا
بیاوری، بعد از سلام بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ
عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ سِبْطِ نَبِيِّكَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَام ...

و می‌خوانی تا آخر، و " يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ " را سه مرتبه باید گفت. و چون

دو رکعت نماز هدیه به جهت موسی بن جعفر (عَلَيْهِمَا السَّلَام) بجا بیاوری
بعد از سلام بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ وَابْنِ
عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ سَبِطِ نَبِيِّكَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ ...

و گفتن سه مرتبه " يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ " . و چون دو رکعت نماز هدیه بجا
بیاوری به جهت حضرت علی بن موسی الرضا (عَلَيْهِمَا السَّلَام)، بعد از سلام
نماز بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ وَابْنِ
عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ سَبِطِ نَبِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا
بِنِ الْمَرْضِيِّينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ...

و گفتن " يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ " را سه مرتبه . و چون دو رکعت نماز هدیه بجا
بیاوری به جهت محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی (عَلَيْهِمُ
السَّلَام)، بعد از سلام نماز همان دعا را به طریق سابق برای هر یک جداگانه،
بخوان . و چون دو رکعت نماز هدیه به جهت حضرت صاحب الزمان (أَرْوَاحُنَا
فَدَاهُ) بجا بیاوری، بعد از سلام بگو دعای سابق را تا برسی به قولت:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ وَابْنِ عَبْدِكَ
وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ سَبِطِ نَبِيِّكَ فِي أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ
يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ ...

" يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ " سه مرتبه، فی " البحار " :

علی بن مغیره خدمت حضرت ابی الحسن (عَلَیْهِ السَّلَام) عرض کرد
که :

پدر من سؤال کرد از جدّ تو از ختم قرآن در هر شب؟ جدّ تو (عَلَيْهِ السَّلَام) فرموده بودند به او که در هر شب، پدر من عرض کرده بود در ماه مبارک رمضان؟ جدّ تو فرموده بودند در ماه مبارک رمضان، پس پدر من عرض کرده بود: هر قدر که من استطاعت دارم، پس بود پدر من که در شهر رمضان چهل ختم قرآن می‌کرد، من هم بعد از پدر خود قرآن را ختم می‌نمودم، گاهی زیاده‌تر، گاهی کمتر، به قدر شغل و فراغت و نشاط و کسالت خودم. پس چون روز عید فطر می‌شد قرار می‌دادم به جهت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یک ختم، و به جهت حضرت صدیقه کبری (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) یک ختم، پس به جهت سایر ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَام) هر یک ختمی از قرآن تا منتهی می‌شد به سوی تو، و قرار می‌دادم یک ختم هم به جهت تو، و تا به حال این کار را کرده‌ام. پس چه چیز است در ازای این از برای من؟ حضرت فرمودند: در ازای این کار با پیغمبر و ائمه خواهی بود در روز قیامت. عرض کردم: الله اکبر! آیا با آنها خواهم بود؟ حضرت فرمودند - سه مرتبه - بلی، بلی، بلی.

تکلیف ۴۳

از جمله تکالیف انام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) مقدم داشتن آن حضرت است بر خود در تمام دعوات و خیرات و مَبْرَات، و شفیع نمودن حُجج طاهرین راقبل از ذکر تمام مطالب و حوائج، چنانچه می‌خوانی:

وَمَقْدَمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي ...

ابن طاوس (قَدَسَ سِرُّهُ) در " كَشْفُ الْمَحْجَةِ "، به فرزند خود وصیت فرموده که:

مقدم دارحوائج آن جناب را بر حوائج خود. پس حذر کن آنگاه، حذر کن از این که مقدم بداری نفس خود را، یا احدی از خلائق رادرولاء و دعای از برای آن حضرت (عَلَيْهِ السَّلَام) به حدی که ممکن شود. و حاضر کن قلب خود را و زبان خود را و دعای خود را از برای این سلطان عظیم الشان. و حذر کنی از این که اعتقاد کنی این کلامی که من گفتم، برای آن است که آن حضرت محتاج بسوی دعاهاى تو است. هییهات! اگر این معتقد باشی، پس تو مریضی در اعتقاد و دوستی خود، بلکه این را گفتم به جهت چیزی بود که تو را شناساندم از حق عظیم آن حضرت بر تو، و احسان بزرگ او به سوی تو. و به جهت اینکه، هر گاه دعا کردی برای آن حضرت قبل از دعا کردن برای نفس خود، و برای آنکه عزیز

تکلیف ۴۳

است نزد تو، نزدیکتر خواهد بود به آنکه باز نماید خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) ابواب اجابت را در پیش روی تو، زیرا که ابواب قبول دعا را ای بنده بستی به سبب گناهان، پس هرگاه دعا کردی برای این مولای خاص در نزد مالک احياء و اموات، امید است به جهت خاطر آن وجود مقدس، خداوند ابواب اجابت را به روی تو باز نماید
 اِلٰى اٰخِرِ كَلِمَاتِهِ .

که اندکی از آن را در طی تکلیف سابقه ذکر کردیم .

تکالیف عدیده

بدان که استاد اعظم (أَدَامَ اللّٰهُ ظِلَّهُ الْعَالِي) در کتاب "نجم ثاقب" هشت تکلیف به جهت عباد در غیبت حضرت حجّت (أَرْوَاحُنَا فِدَاه) معین فرموده‌اند، و از برای هر یک از آن تکالیف معینه شرحی ذکر فرموده‌اند که اجمال آن این است:

تکلیف ۴۴

اول: مهموم بودن برای آن حضرت به چند سبب، یکی به جهت مجرد مستور بودن و محجوب بودن و نرسیدن دست مردم به دامان وصالش و روشن نگشتن دیدگان به نور جمالش، بآبودنش در میان انام و اطلاعش بر خفایای کردار عباد، در آناه لیالی و ایام، یکی به جهت ممنوع بودن آن حضرت که سلطان حقیقی است از رتق و فتق و اجرای احکام و حدود و ابلاغ فرامین الهیه و منع تعدی و ظلم و جور و اخذ حقوق و احقاق حق و ابطال باطل و غیرها، و دیگر به دست نیامدن جاده^۶ و اسعه^۶ مستقیمه^۶ و اضحه^۶ شریعت مُطَهَّرَه و انحصار راه رسیدن به آن، در راههای باریک تاریک متشتت، که در رهگذار آن جمعی از دزدان داخلی دین مبین در کمین نشسته و پیوسته شکوک و شبهات در قلوب عوام، بلکه خواص داخل کرده، تا آنجا که این فرقه^۶ قلیله و عصابه^۶ مهتدیه^۶ امامیه یکدیگر را تکذیب و تکفیر و لعن و توهین کرده و می‌کنند، و اعداء را بر خود چیره نمودند و پیوسته دسته دسته از دین خدا بیرون روند، و علماء راستین از اظهار علم خود عاجز و صادق شد و عده^۶ صادقین (عَلَيْهِمُ السَّلَام) که خواهد آمد وقتی که نگاهداشتن موء من دین خود را مشکل تر است از نگاه داشتن جمره‌ای از آتش در دست الی آخر کَلِمَاتِهِ الشَّرِيفَه .

تکلیف ۴۵

دوم: از تکلیف مقررّه ، انتظار فرج کشیدن در هر آن و ترقیب بروز و ظهور دولت قاهره و سلطنت ظاهرهٔ مهدی آل محمد (عَلَیْهِمُ السَّلَام) و بر شدن زمین از عدل و داد و غالب شدن دین قویم بر جمیع ادیان . تا آنجا که می‌فرماید: حضرت امام جعفر صادق (عَلَیْهِ السَّلَام) فرموده‌اند: کسی که بمیرد از شما که منتظر باشد این امر را ، مانند کسی است که در خیمهٔ حضرت قائم (عَلَیْهِ السَّلَام) است . و شیخ صدوق در " کمال " روایت کرده از حضرت امیر المؤمنین (عَلَیْهِ السَّلَام) که فرمود: منتظر امر ما مانند کسی است که در راه خدابه خون خود غلطیده باشد . و نیز حضرت امام جعفر صادق (عَلَیْهِ السَّلَام) فرمودند: از دین ائمه است وَرَع و عِفّت و صلاح ، و انتظار داشتن فرج آل محمد (عَلَیْهِمُ السَّلَام) الی آخر کلماته الشریفه .

تکلیف ۴۶

سیم: از تکالیف مقررہ ، دعا کردن از برای حفظ وجود مبارک امام عصر (علیه السلام) از شرور شیاطین انس و جن ، و طلب تعجیل نصرت و ظفر و غلبه بر کفار و ملحدین و منافقین به جهت آن جناب ، چنانکه این حقیر سابقاً اشاره نمود .

تکلیف ۴۷

چهارم: از تکلیف مقررّه، صدقه دادن است به آنچه میسر شود در هر وقت، برای حفظ وجود مبارک امام عصر (عَلَيْهِ السَّلَام)، و فرموده اند که: چون به برهان عقل و نقل و وجدان، هیچ نفسی عزیزتر و گرامی تر نیست و نباید باشد از وجود مقدس امام عصر (عَلَيْهِ السَّلَام)، بلکه محبوب تر از نفس خویش، که اگر چنین نباشد، در ایمان، ضعف و نقصان، و در اعتقاد خلل و سستی است. چنانچه به اسانید معتبره از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مروی است که فرمود: ایمان نیآورده احدی از شما تا اینکه بوده باشم من و اهل بیت من محبوب تر نزد او از جان و فرزند و تمام مردم، و چگونه چنین نباشد و حال آنکه وجود و حیات و دین و عقل و صحت و عافیت و سایر نعم ظاهریه و باطنیه تمام موجودات از پرتو آن وجود مقدس و اوصیاء اوست (صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ) و چون ناموس عصر و مدار دهر و منیر آفتاب و ماه و صاحب این قصر و بارگاه و سبب آرامی زمین و سیر افلاک و رونق دنیا از سبک تاسماک، حاضر در قلوب اخیار و غایب از مردمک اغیار، در این اعصار، حضرت حجت بن الحسن (صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا) است و جامه صحت و عافیت اندازه قامت موزون آن نفس مقدس و شایسته قدمعتدل آن ذات اقدس است، پس بر تمامی خود پرستان که تمامی اهتمامشان در حفظ و حراست و سلامتی نفس خویش است، چه رسد به آنان که جز آن وجود مقدس

کسی را لایق هستی و سزاوار عافیت و تندرستی نداننده، لازم و محتّم است که مقصود اولی و غرض اهمّ ایشان از چنگ زدن به دامان هر وسیله و سببی که برای بقای صحّت و استجلاب عافیت و قضای حاجت و دفع بلیّت مقررّ شده - چون دعا و تضرّع و تصدّق و توسّل - سلامتی و حفظ آن وجود مقدس باشد، الی آخر کلماته الشریفه و افادته المُنیفه .

تکلیف ۴۸

پنجم: از تکالیف مقررّه، حجّ کردن و حجّه دادن به نیابت امام عصر (علیه السلام) چنانچه در میان شیعیان مرسوم بود در قدیم، و آن جناب تقریر فرمودند، چنانکه در فقرهٔ ابو محمد دعلجی که به او وجهی دادند به جهت نیابت حجّه برای حضرت، و او وجه را به پسر شراب خوار خود داد که به جهت آن حضرت حجّه را بجا بیاورد. و حضرت در موقف از ابو محمد مواخذه فرمودند که چرا این نیابت را به پسر فاسق خود واگذار کرد؟ و نفرین کرد، یک چشم ابو محمد دعلجی کور شد. اصل خبر در "خوایج" است.

تکلیف ۴۹

ششم: از تکلیف مقرّزه، بر خواستن به جهت تعظیم شنیدن اسم مبارک آن حضرت، خصوص اسم مبارک " قائم " (عَلِيهِ السَّلَام) باشد. چنانچه سیره تمام اصناف امامیه (كَثَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى) بر آن مستقرّ شده در جمیع بلاد، از عرب و عجم و ترک و هند و دیلم و این خود کاشف باشد از وجود مأخذ و اصلی از برای این عمل. اگر چه تاکنون به نظر نرسیده، ولیکن از چند نفر علماء و اهل اطلاع مسموع شد که ایشان دیدند خبری در این باب، بعضی از علما نقل کرده که این مطلب را سؤال کردند از عالم متبحّر جلیل سیّد عبداللّه سبط محدّث جزایری، و آن مرحوم در بعضی از تصانیف خود جواب دادند که خبری دیدند که مضمونش این است که: روزی در مجلس حضرت صادق (عَلِيهِ السَّلَام) اسم مبارک آن جناب برده شد، پس حضرت به جهت تعظیم و احترام آن برخواست، اِلَى آخِرِ كَلِمَاتِهِ الشَّرِيفَةِ.

مؤلف گوید: گویا خبری که ملاحظه فرموده‌اند، خبری است که شیخ محمد بن عبدالجبار در کتاب " مشکوة الأنوار " نقل نموده که: چون دِعْبِل (عَلِيهِ الرَّحْمَةِ) قصیده خود را نزد حضرت رضا (عَلِيهِ السَّلَام) خواند و به ذکر حضرت حجت (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) رسید، حضرت رضا (عَلِيهِ السَّلَام) دست خود را بر سر گذاشت و برای تواضع برخاست و به راستی ایستاد و دعا کرد برای آن حضرت

به فرج .

از جهت برخواستن اسم مبارک مخصوص " قائم " (أرواحنا فداه) در اعصار سابقه و لاحقۀ جهاتی متصوّر می شود :

اولاً در این عصر و زمان اسم اصلی او را که " محمد بن الحسن " است (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا) حتّی المقدور در مجالس و محافل نمی برند و به سایر اسامی و القاب مقدّسه مبارکه آن حضرت اکتفا می نمایند . چنانچه اسم مخصوص " قائم " را (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) از میان اسامی آن حضرت (أرواحنا فداه) خود یا کسانی دیگر ذکر نمایند - طوعاً اوکرهاً - ذاکر و مستمع از جای خود برمی خیزند و ندیدم احدی از امامیه را از این فقره تقاعد ورزد ، الا غافل شقی . و این برخاستن ، یا به جهت آن است که مابرای برخاستن و برانگیخته شدن از جا و مکان خود برای نصرت و یاری تو تقاعد نورزیده ایم ، یا به جهت آن است که چون اسم مبارک آن حضرت را می برند ، فوراً حاضر می شود و به جهت احترام حضور و ورود آن وجود مقدّس باید قاعدین برخیزند ، و سلام به آن حضرت نمایند . و این مطلب ، خود از خصایص آن وجود مقدّس مبارک است که هر کس در هر مکانی و در هر مجلس و محفلی بَرّاً أَوْ بَحْرًا ، بَرّاً أَوْ فَاجِرًا ، اسم مبارک آن حضرت (أرواحنا فداه) ببرد ، بخصوص اسم " قائم " را ، منظور نظر و محل توجّه مخصوص آن حضرت می شود . اگر چه تمام اشیاء نزد آن وجود مبارک حاضر و به آنها ناظر است ، و تمام کاینات نزد آن وجود مقدّس مانند درهمی است در کف دست ، و این مطلب و صفت کمترین صفتی از صفات و خصایص آن وجود مبارک است . چگونه چنین نباشد ؟ و حال آنکه این صفت در وجود حضرت خضر (عَلَیْهِ السَّلَام) که از جمله تابعان و مطیعان و کارکنان آن حضرت است (أرواحنا فداه) موجود است ، و چنین صفتی که در وجود تابع آن حضرت باشد ، خود متبوع به این صفت اولی و آخری است . همچنانکه ، مظفر علوی از حضرت رضا (عَلَیْهِ السَّلَام) روایت کرده که آن حضرت

فرمودند: خضر از آب حیوان آشامید پس او زنده باشد و نمی میرد تا آنکه صور دمیده شود و او نزد ما آید و بر ما سلام کند. ما صوت او را می شنویم و شخص او را نمی بینیم، و او حاضر می شود در هر جا که نام او برده شود، پس هر کس نام او را برد، بر او سلام کند. و او در موسم حج حاضر گردد و مناسک حج را بجا آورد و در عرفات بایستد و دعای مؤمنین را آمین گوید، و زود باشد که خدا او را منس قائم ما نماید، و وحشت و وحدت قائم ما را به او دفع کند. و شیخ نعمانی (رَحْمَةُ اللهِ) در "غیبت" خود ذکر نموده که:

کسی از حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) پرسید که:
 آیا قائم متولد شده؟ فرمودند: نه، و اگر من او را درک کنم،
 خدمت کنم او را ایام حیات خود.

واضح است، کسی که افضل از خضر باشد و آرزوی خدمتگزاری قائم را (عَجَلُ اللهِ فَرَجَهُ) نماید، حضرت خضر (عَلَيْهِ السَّلَام) متابعت و مشایعت و خادمیت آن حضرت را برای خود افتخار می داند، چگونه افتخار ننماید و حال آنکه آن حضرت (أَرْوَا حُنَا فِدَاه) آقا و مولای دنیا و آخرت اوست و حیات او بسته به آب زندگانی ولایت و محبت آن حضرت و آباء معصومینش (سَلَامُ اللهِ عَلَيْهِمْ) خواهد بود.

تکلیف ۵۰

هفتم: تَضَرَّع و مسئلت از خداوند تبارک و تعالی به جهت حفظ ایمان و دین از بَطَرَقِ شَبَهَاتِ شَیْطَانِین و زنادقهء مسلمین که زندقه و کفر را پوشانیده‌اند به لباس. از جمله از کلمات حَقَّه، چون دانه که سیاد در زیر دام خوش هیئت رنگی پنهان کند، و پیوسته به آن ضعفا را صید کنند، و اباطیل خود را به وسیله آن چند کلمهء حَقَّه در قلوب داخل کنند، اِلٰی اٰخِر کلماته .

تکلیف ۵۱

هشتم: استمداد و استعانت و استکفاء و استغاثه به آن جناب است در هنگام شدايد و احوال و بلايا و امراض، و رو آوردن شبهات و فتنه از اطراف و جوانب و اقارب و اجانب، و ندیدن راه چاره و افتادن در تنگنای مَضِيق . و خواستن از جنابش حلّ شبهه و رفع کربة و دفع بلیة و سدخله و نشان دادن راه به مقصود را، به آن نحوی که خود صلاح داند و تواند به آن متوسّل مُستغیث برساند، حسب قدرت الهیه و علوم لدنیه ربّانیه را که دارا است. و بر حال هر کس در هر جا دانا و بر اجابت مسئولش توانا، بلکه پیوسته فیضش به هر کس به اندازه قابلیت و استعداد و مراعات صلاح نظام عباد و بلاد رسیده و می رسد، و از نظر در امور رعایای خود از مطیع و عاصی، و عالم و جاهل، و شریف و دنی، و قوی و ضعیف غفلت نکرده و نمی کند، اِلٰی آخِرِ کَلِمَاتِهِ الشَّرِيفَةِ .

مؤلف گوید: این بود مجمل تکلیف هشتگانه که استاد اعظم (مُدَّظِلُّهُ الْعَالِي) مقرر فرموده اند که تیمناً ذکر شد. و حقیر را به علاوه این تکالیف سابقه، بعض تکالیف دیگر به نظر رسیده که ناچار است در این عِجاله ذکر نماید.

تکلیف ۵۲

از جمله تکالیف انام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) آن است که طریق به سوی امام را (أرواحنا فداه) مفتوح بدانند، اگر چه باب علوم ظاهره برای بعضی مسدود است. وطریق مفتوح بودن طریق به سوی امام (أرواحنا فداه) را ابن طاوس (قُدْسِ سِرِّهِ) در آخر "فَرَجُ الْهُمُومِ" به این عبارت می گوید:

قَدْ أَدْرَكْتُ فِي وَقْتِي جَمَاعَةً يَذْكُرُونَ أَنَّهُمْ شَاهَدُوا الْمَهْدِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَفِيهِمْ مَنْ حَمَلُوا عَنْهُ (عَلَيْهِ السَّلَام) رِقَاعًا وَرَسَائِلَ عُرِضَتْ عَلَيْهِ.....

و دیگر به این معنی است که: باید موالیان و شیعیان آن حضرت چنان دانند که امام آنها (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) غایب نشده، در یکی از بلاد بعیده یا در جزیره ای از جزایر یا در زندان سلاطین جور محبوس است، و بعضی از مردم حضور آن حضرت مشرف می شوند، و بعضی دسترس ندارند، و بعضی به مکاتبات، عرض مقاصد و حاجات خود را می نمایند. و بعضی بتوسط کسانی که به حضور آن حضرت راه دارند پیغام های خود را می دهند. خلاصه، همان قسم که سایر ائمه هدی در عصر خودشان با دوستان و موالیان خود سلوک و معمول می داشتند، بعضی را به خود راه نمی دادند، و بعضی را خودشان احضار می فرمودند، و بعضی را امر به مهاجرت از بلد خود می فرمودند، و جواب بعض مکاتبات را نمی نوشتند، و بعض مسائل را جواب نمی دادند، و بعض مسائل را

رجوع به وکلا و نواب و فقهای که بودند، موکول می‌فرمودند. اکنون، حال تو هم در این عصر مانند حال آنها است و فرقی ندارد، گمان می‌کنی که امام تو (أرواحنا فداه) از تو غفلت دارد؟ حاشا وکلا! مگر نخوانده‌ای که در توفیق مبارک فرموده خطاب به شیخ سدید مفید (قُدِّسَ سِرَّهُ) که:

اگر چه ما منزل کردیم در مکان خودمان که دور است از مساکن ظالمین بر حسب آنچه به ما نماینده آن را خدای تعالی، از صلاح برای ما و برای شیعه مومنین ما، مادامی که دولت دنیا برای فاسقین است. پس به تحقیق که علم ما محیط است به خبرهای شما و غایب نمی‌شود از علم ما هیچ چیز از اخبار شما و معرفت ما به بلائی که به شما می‌رسد...

تو خود اگر بتوانی مراتب و درجات معرفت باطنه و ظاهره خود را تکمیل کن، تا آنکه خود را به درجه آن اشخاص برسانی که لبهای خود را برای حاجتی که داری حرکت دادی، جواب برای تو آید، یا حاجتی که داری بنویسی، در زیر مُصَلَّای خود گذاری، جواب برای تو بیرون آید، تو به تقصیر خود افتادی از این در محروم

از که می‌نالی و فریاد چسرا می‌داری پس طریق به سوی امام (أرواحنا فداه) از طرف توبه حسب ظاهر و باطن مفتوح است. واز برای شگاکان و مستضعفین و بعض موالیان آن حضرت (أرواحنا فداه) که قصوری در آنها است، ظاهراً مسدود است و افتتاح طریق به سوی آن حضرت، درجه‌ای است که نصیب هر مدعی بی‌جائی، و هر مفتی بی‌پائی، و هر مرشد بی‌سروپائی، نخواهد بود.

وَكَلِّ يَدَّ عَيْ وَصَلًا بِلَيْلِي
وَلَيْلِي لِاتَّقِرَّ لَهُمْ بِذَاكَ
إِذَا نَبَجَسَتْ دُمُوعٌ فِي خُدُودِ
تَبَيَّنَ مِنْ بَكِيٍّ مِمَّنْ تَبَاكَ

ابن طاوس (قُدِّسَ سِرَّهُ) در "كشْفُ الْمُحْجَه" ، به پسر خود محمّد وصیت

می‌نماید:

واز آنچه به تو گفتم ای فرزند، محمد، مَلَأَ اللّٰهُ (جَلَّ جَلَالُهُ) عَقْلَكَ وَقَلْبَكَ مِنَ التَّصَدِيقِ لِأَهْلِ التَّصَدِيقِ وَالتَّوْفِيقِ فِي مَعْرِفَةِ الْحَقِّ، به درستی که طریق به معرفت اینکه جواب از مولانا مهدی (عَلَيْهِ السَّلَام) می‌رسد، چند روایت است :

از جمله آنها آن است که روایت کرده محمد بن یعقوب کلینی در کتاب "رَسَائِل" از کسی که نام او را ذکر کرده است، گفته :

نوشتم به ابی الحسن (عَلَيْهِ السَّلَام) که مردی دوست دارد که برساند مطلب خود را به امام خود، آنچه را دوست دارد که به خدا (جَلَّ جَلَالُهُ) برساند، فرمود به نوشتن برای راوی :

إِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَحَرِّكْ شَفَتَيْكَ فَإِنَّ الْجَوَابَ يَأْتِيكَ .

اگر تو را حاجتی است، پس حرکت بده لبهای خود را که جواب می‌آید تو را .

وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ هِبَةُ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الرَّائِدِيُّ فِي كِتَابِ "خُرَاجٍ" عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ الْفَرَجِ قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) :

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَسْأَلَ مَسْأَلَةً فَاصْبِرْ وَأَضْعِ الْكِتَابَ تَحْتَ مُضَلَاكَ وَدَعُهُ سَاعَةً ثُمَّ أَخْرِجْهُ وَانظُرْ فِيهِ .

قال :

فَفَعَلْتُ فَوَجَدْتُ جَوَابَ مَا سَأَلْتُ عَنْهُ مَوْعَاً فِيهِ .

یعنی در کتاب "خُرَاجٍ" از محمد بن فرج روایت کرده است که :

امام عَلِيُّ النُّقِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود به راوی :

هر وقت تو را حاجتی باشد که خواهی مسئله سؤال کنی، بنویس و بگذار زیر جای نماز خود و واگذار آن را ساعتی، بعد بیرون بیاور و نظر کن در آن .

راوی گفت :

کردم و یافتم جواب آن را که سؤال کرده بودم ، توقیع حضرت بر آن بود .

پس مصنف می گوید :

و اقتصار کردم برای تو ای محمد براین تنبیه که طریق به سوی امام تو مفتوح است ، برای هرکه بخواهد که خدا (جَلَّ جَلَالُهُ) به او عنایتی فرماید و احسانی تمام فرماید ، اِنْتَهی مَا اَرَدْتُ نَقَلَهُ .

حقیر گوید : پس تو ای بیچاره ، اگر باور داری این مقامات و کلمات را ، پس چه وقت خود را به این درجه خواهی رسانید و چه هنگام تحصیل این مقام را خواهی نمود ؟
ترسم نرسی به کعبه ای اعراسی
کاین ره که تو می روی به ترکستان است

تکلیف ۵۳

سابقاً متذکر شدی که از جمله تکالیف انام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) استعانت و استغاثه و استکفاء از آن حضرت در شدائد و نوائب و عرض مطالب و مآرب دنیوی و اخرویّه است. پس بدان که رجوع کردن در مشکلات و معضلات امر دین و دنیا و آخرت در غیبت کبری به امام خود (أرواحنا فداه)، و ادا نمودن عرایض به توسط عرایض و غیرها چند قسم است:

اول: قسمی است که عامهٔ دوستان و موالیان آن حضرت (أرواحنا فداه) می‌نویسند.

دویم: قسمی است که مخصوص کسانی است که در مراتب معرفت بالاتر و بالاتر و در عرض عرایض و حوائج و مطالب و مآرب معمول می‌دارند.

اما قسم اول که وظیفهٔ عامهٔ دوستان آن حضرت است، که هنگام اضطرار و اشتداد احوال و احوال، استغاثه و استعانه به آن حضرت می‌جویند و آن هم انواعی است. نوعی، به نوشتن عریضه است که باید در چاه آب یا گودال عمیق یا غدیر یا دریائی بیندازند، یا در محلّ سرداب غیبت آن حضرت بگذارند، یا به شاهد مشرفه برده، در ضرایح مقدّسه اندازند. اما قسم دوم، که مخصوص اشخاصی است که در مراتب معرفت و ولا و الاتر و بالاترند، یا حضور آن حضرت توجه می‌نمایند و لبها را حرکت می‌دهند و عرض مطلب می‌نمایند و جواب می‌شنوند، یا آنکه مطلب را نوشته، در زیر سجّاده می‌گذارند به جواب می‌رسند، یا در خواب حضور آن حضرت می‌رسند یا در بیداری، به این معنی که هر وقت

بخواهند آن حضرت را ملاقات می‌نمایند و مطالب و مسائل مشکله خود را عرض می‌نمایند و جواب می‌گیرند.

الحال، نظر کن به مراتب معرفت و درجات تقرب خودت نسبت به مولای خود (أرواحنا فداه)، اگر در زمره اشخاصی هستی که به تکلم، جوابت برسد یا به کتابت در زیر مُصلی و غیرها تحصیل جواب بنمائی، یا درک لقای اقدس آن حضرت را (رَزَقْنَا اللّٰهُ تَعَالٰی) می‌نمائی در خواب یا بیداری، هَنِئِلاً رَبِّهِ النَّعِيمِ نَعِيمُهَا، می‌دانم نه به کسی خواهی گفت، و نه کسی قدرت دارد که از تو توقع بمعنای چنین درجه‌ای و رتبه‌ای را نماید:

ذَلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ .

چنانچه مراتب قرب و معرفت تو به این درجات نرسیده، پس باید در هنگام شداعدو نوائب و عرض مطالب و آرب پیروی کنی آنچه را که موالیان تو (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِم) دستور العمل داده‌اند. و انواع آن بسیار است که منضبط در کتب و کواوین علماء ابرار و فقهاء اخیار است، و در این مورد حقیر مؤلف رادو طریقه می‌باشد، برای دوستان جسارت نموده ذکر می‌نماید. پس از آن به سایر انواع استغاثات کتابی و غیرها می‌پردازد.

طریق اول: آن است: هرگاه تو را مطلبی و مهمی روی دهد، یاد رصحرای خلوت یا در مکان خلوتی برو که کسی تو را نبیند، و تو هم کسی را نبینی. اگر بتوانی غسل بکن یا وضوی کاملی بساز و سر را برهنه کن، جامه آستین و زانوها را بالا بزن، گناهان خود را ممثل کن و تقصیرات خود را در شرایط بندگی با مولای خود مجسم نما، قدری خاک بر سر ریز و صدا را به‌واویلاه و اَعُوْثَاهُ و اِماماه بلند کن، پس از آن متوجه شو از صمیم قلب به آن حضرت و سلام کن به سلامی که اول او این است:

سَلَامٌ عَلٰی آلِ بَيْتِ . . .

پس از خواندن این سلام دعائی که بعد از او وارد شده، بعد از آن به تضرع و زاری و

نالہ وسوگواری بگو :

اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَبَرِحَ الْخَفَاءِ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَانْكَشَفَ
الْغِطَاءُ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ وَالسَّيِّئُ يَا رَبِّ
الْمُشْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ
فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ وَأَظْهِرْ أَعْرَازَهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا
مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي فَإِنَّا كَمَا نَا صِرَاي يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا
مُحَمَّدُ احْفَظْنِي فَإِنَّا كَمَا حَافِظَاي . . .

پس سه مرتبه بگو :

يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْتُ الْغَوْتُ الْغَوْتُ ادرِكْنِي
ادرِكْنِي ادرِكْنِي الْاَمَانُ الْاَمَانُ الْاَمَانُ .

و این دعا را استاد اعظم ، در "دارالسلام" از کتاب "کنوز النجاح" شیخ طبرسی
(رَحِمَهُ اللهُ) با شرح آن این قسم روایت نموده از حضرت حجت (أرواحنا فداه) :

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضَتْ
عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ
فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَاحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ
اِكْفِيَانِي فَإِنَّا كَمَا كَافِيَايَ وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّا كَمَا نَا صِرَايَ يَا
مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْتُ الْغَوْتُ الْغَوْتُ ادرِكْنِي
ادرِكْنِي ادرِكْنِي، كَذَا رَوَى الْأُسْتَاذُ مَدَّ ظِلَّهُ .

پس از آن ، آن حضرت را ممتل بدار پیش روی خود ، و به هر زبانی که اقرب
به تملق و تخضع و تخشع است ، مطالب خود را عرض کن ، و قسم بده آن حضرت
را به حق آباء کرامش (علیهم السلام) که حاجت تو را برآورد . امیدوارم که
سریعاً حاجتت روا ، و دردت دوا شود . و این از اسرار مکنونه و مطالب مخزونه بود
که به یادگار گذاشتم و برده از آن برداشتم .

عَنْ السَّيِّدِ السَّنَدِ الْأَسَدِ الْعَالِمِ الرَّبَّانِيِّ وَالْحَكِيمِ الصَّمَدَانِيِّ الْفَقِيهِ الْمُجْتَبِدِ

الْبَارِعِ السَّيِّدِ مُحَمَّدِ الْهِنْدِيِّ النَّجْفِيِّ (دَامَ ظِلُّهُ) ، عَنِ الْعَالِمِ السَّيِّدِ حَسَنِ الْقَزْوِينِيِّ ،
عَنِ السَّيِّدِ حَسِينِ شَوْشْتَرِيِّ مِنْ أَعْمَةِ الْجَمَاعَةِ ، عَنِ اسَاتِيدِهِ : تَقُولُ مَكْشُوفَةَ الرَّأْسِ وَاقِفًا
مُسْتَقْبِلًا يَا حُجَّةَ الْقَائِمِ خَمْسَ مِائَةٍ وَسَبْعِينَ مَرَّةً مُجَرَّبٌ . وَعَنْهُ (دَامَ ظِلُّهُ الْعَالِي)
بِأَسْنَادِهِ عَنِ السَّيِّدِ عَلِيخَانَ شَارِحِ الصَّحِيفَةِ السَّجَّادِيَةِ (ع) تَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ تَحْتَ
السَّمَاءِ فِي السَّطْحِ مَكْشُوفَ الرَّأْسِ لَيْلَةَ الْخَمِيسِ أَوَّلِ جُمُعِهِ وَتَقُولُ بَعْدَهُمَا يَا حُجَّةَ الْقَائِمِ
بَعْدِدِهِ وَأَنْتَ مَكْشُوفًا لِرَأْسِ فَإِنَّهُ مُجَرَّبٌ . قَلْتُ وَعَدَّدَهَا (۱۰ + ۱ + ۸ + ۳ + ۴۰۰ + ۱ +
۳۰ + ۱۰۰ + ۱ + ۱ + ۴۰) جُمُعُهُ : ۵۹۵ ، فَاحْفَظْهُ فَإِنَّهُ مِنَ الْمَكْنُونَاتِ وَإِنِّي
جَرَّبْتُهُ مَرَارًا .

طریق دوم : که در هیچ کتابی ندیده ، و از هیچ استادی نشنیده ، و این هم از
اسرار مکنونه مخزونه است که برای دوستان آن حضرت (ارواحنا فداه) به یادگار
می گذارم و به امانت می سپارم ، این است . هرگاه تورا مهتمی و مطلبی روی دهد ،
به توسط ملکی شریفین پیغام به پیغمبر خدا و ائمه هدی بخصوص امام عصر
(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) بده . اگر می خواهی چنین بگو : اَوَّلًا ، سلام می کنم
بر شما ای دو ملک موكل بر من که کتابت اعمال و اقوال مرا می نمائید ، و شاهد بر
احوال من هستید ، و می دانم مأمورید که آنچه من می گویم و عمل می نمایم ثبت
می نمائید ، و می دانم چنان مواظب و مراقب من هستید که اگر خیال سئیه کنم ،
از بوی آن مستحضر می شوید ، و اگر هم به حسنه نمایم ، مطلع و مخبر خواهید بود ،
و زیاده بر این هم می دانم که مترقب و مترصد می باشید و کشیک مرا می کشید .
ولی من چون معصوم نیستم ، معترف و مقرر می باشم که از هنگام بیدار شدن
از خواب تا وقت خواب دیگر ، هر نفسی که می کشم معصیت است و کمال غفلت
را دارم از شماها ، که مبدا چیزی ثبت کنید که چون به نظر پیغمبر خدا و ائمه
هدی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) می رسد ، ملول و محزون شوند . و تأثیر
آن ملالت و اشمئزاز در ظاهر و باطن من بروز کند ، ولی چیزی که هست حسن ظن
و استظهار به کریمه قَاوَلِغِكَ الَّذِيْنَ يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ
و امیدواری به فرمایشی که آن حضرت به برادر خود امیر المؤمنین (عَلَيْهِ
الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) فرموده که :

يَا عَلِيُّ أَعْمَالُ شَيْعَتِكَ تُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَأَفْرَحُ بِصَالِحِ
أَعْمَالِهِمْ وَأَسْتَغْفِرُ لِسَيِّئَاتِهِمْ .

ثانیا، امروز شما دو نفر تازه وارد شده‌اید بر من و مرا پیغامی و حاجتی است، خواهش می‌کنم که این پیغام و عرض حاجت مرا به حضور پیغمبر خدا و ائمه هدی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) برسانید.

بعد حوائج خود را ذکر کن، یقیناً جواب آن به تو خواهد رسید،
خُذْ هَذَا وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ .

اما طریقه رِقَاعِ استغاثات و استشفاع و استکفاء و استعانه به خدای عز و علا و خاتم انبیاء و ائمه هدی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) در کتب معتبره از قبیل "مصباح کفعمی" و "مصباح" شیخ طوسی و "قبس المصباح" شیخ ابو عبدالله سلمان بن حسن صهرشتی شاگرد شیخ طوسی (قُدَّسَ سِرُّهُ) و "دعوات" سید فضل الله بن علی بن عبدالله راوندی و "مزار" و "دعاء بحار الانوار" مجلسی (قُدَّسَ سِرُّهُمَا) و "دارالسلام" استاد اعظم (أَدَامَ اللَّهُ ظِلَّهُ الْعَالِيَّ عَلَيَّ رَوْعِي الْأَدَانِي وَالْأَعَالِي) و غیرها بطریق شتی ثبت و ضبط است و مرحوم مجلسی (قُدَّسَ سِرُّهُ) اکثر را در "تحفة الزائر" به فارسی ذکر نموده، چون کتاب مزبور مانند آفتاب، ضیاء بخش و مشهور است، لهذا از ایراد تمام آنها صرف نظر نموده، الا سه فقره که اختصاص به حضرت حجت (أَرَوَّاحُنَا فِدَاهُ) دارد که در این مورد رقم می‌شود:

اما طریق اول از رِقَاعِ استغاثات، طریقی است که روایت می‌کنم از استاد اعظم (أَدَامَ اللَّهُ ظِلَّهُ الْعَالِيَّ) که او روایت کرده از کتاب "انیس العابدین" تألیف شیخ عالم محمد بن محمد الطیب، و او نقل کرده از کتاب "سعادات"، دعاء توسل از برای هر مهمتی و حاجتی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ
بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ النَّبِيَّ

العَظِيمِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَعِصْمَةَ اللّٰجِنِ وَبِأَمِّكَ سَيِّدَةَ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَبِأُمَّهَاتِكَ الطَّاهِرَاتِ وَ
بِئْسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَالْجَبْرُوتِ الْعَظِيمِ وَحَقِيقَةَ
الْإِيمَانِ وَنُورِ النُّورِ وَكِتَابِ مَسْطُورٍ أَنْ تَكُونَ سَفِيرِي إِلَى
اللَّهِ تَعَالَى فِي الْحَاجَةِ لِفُلَانٍ أَوْ هَلَاكِ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ . . .

واین رُقعہ رادرگِلِ پاکی بگذارد و در آب جاری یا چاهی بیندازد و در آن حال بگوید:

يَا سَعِيدُ بِنِ عُثْمَانَ وَيَا عُثْمَانُ سَعِيدُ أَوْ صِلَا قِصْتِي إِلَى
صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ .

استاد اعظم (دَامَ ظِلُّهُ) فرموده‌اند:

نسخه چنین بود، ولكن به ملاحظه روایات و طریقه بعضی از رقاع باید چنین باشد:

يَا عُثْمَانُ بِنِ سَعِيدٍ وَيَا مُحَمَّدُ بِنِ عُثْمَانَ . . .

مؤلف گوید: چون سعید و محمد در کتابت شباهت مائی دارند، کاتب محمد بن عثمان را سعید بن عثمان نوشته و این تصحیفات در کتب رجال بسیار است چنان که برمتبّع واضح است، بحمد الله تعالی. اغلب این اشتباهات و تصحیفات بعد از انتقال خط کوفی به خط نسخ و غیرها است. چنانکه در پرید و یزید و جنان و حیان و نظائر آنها از اسامی و کلمات و تواریخ و غیرها در کتب رجال ثبت و ضبط است، فَتَأَمَّلْ .

اما طریق دویم از رقاع استعاثات، طریقی است که روایت می‌کنم از استاد اعظم (أَطَالَ اللَّهُ بَقَاةً) که او نقل کرده از "مفاتیح النجاة" سبزواری و "تحفة الزائر" مجلسی (قَدَسَ سِرُّهُمَا) مروی است که:

هر که راجحتی باشد، آنچه مذکور می‌شود بنویسد در رقعہ. و در یکی از قبور ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَام) بیندازد، یا ببندد و مهر کند،

و خاک پاکی را گل سازد، و آن را در میان گل گذارد، و در نهی
یا چاهی عمیق یا غدیر آبی اندازد که به حضرت صاحب الزمان
(صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) می‌رسد، و او بنفسه متولی برآوردن حاجت
می‌شود.

نسخه ۶ رقعہ ۶ مذکورہ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْكَ مُسْتَعِيثًا وَ شَكْوَتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،
ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرِ قَدْ دَهَمَنِي وَ أَشْغَلَ قَلْبِي وَ أَطَالَ فِكْرِي وَ
سَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي وَ غَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةٍ اللَّهِ عِنْدِي، أَسَلَمَنِي عِنْدَ
تَخْيِيلِ وَرُودِهِ الْخَلِيلِ وَ تَبَرَّءَ مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ
الْحَمِيمِ وَ عَجَزَتْ عَنِ دِفَاعِهِ حِيلَتِي وَ خَانَنِي فِي تَحْمَلِهِ صَبْرِي
وَ قَوَّتِي فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ وَ تَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْئَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ
شَأْنُهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي عِلْمًا بِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَ لِي التَّدْبِيرِ وَ مَالِكِ الْأُمُورِ وَ اِثْقَابِكَ فِى
الْمَسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ شَأْنُهُ فِي أَمْرِي مُتَيَقِّنًا
لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي سُؤْلِي وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ
جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنِّي وَ تَصْدِيقِ أَمَلِي فِيكَ فِي أَمْرِكَ ذَا وَ كَذَا ...

و بجای " کذا " نام حاجت خود را برد:

فِي مَا لَاطَاقَةَ بِحَمْلِهِ وَ لَاصْبِرَ لِي عَلَيْهِ وَ إِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقًّا لَهُ
وَ لِإِعْطَائِهِ بِقَبِيحِ أَعْمَالِي وَ تَفْرِيطِي فِي الْوَاجِبَاتِ لِلَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ فَاعْثِنِي يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ عِنْدَ الْكَهْفِ وَ قَدِيمِ
الْمَسْئَلَةِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَمْرِي قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَ شِمَاتَةِ
الْأَعْدَاءِ فِيكَ بِسَطْتِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَ اسْئَلِ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي
نَصْرًا عَزِيمًا وَ فَتْحًا قَرِيبًا فِيهِ بِبُلُوغِ الْأَمَالِ وَ خَيْرِ الْمَبَادِي
وَ خَوَاتِيمِ الْأَعْمَالِ وَ الْأَمْنِ مِنَ الْمَخَافِيفِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ إِنَّهُ

جَلَّ شَأْنُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَالَ وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدِءِ
وَالْمَأَلِ .

آنگاه بر بالای آن نهر یا غدیر برآید، و اعتماد بر یکی از وکلای حضرت نماید
یا عثمان بن سعید العمروی، یا ولداو محمد بن عثمان یا حسین بن روح، یا علی بن
محمد السمّری و یکی از این جماعت را ندا کند و بگوید :

يَا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ سَلَامٌ عَلَيْكَ اَشْهَدُ اَنَّ وَفَاتِكَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَ
اَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللّٰهِ مَرْزُوقٌ وَقَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ التّيْ عِنْدَ
اللّٰهِ جَلَّ وَعَزَّ وَهَذِهِ رُقْعَتِي وَحَاجَتِي اِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ
فَسَلِّمْهَا اِلَيْهِ وَ اَنْتَ الثَّقَةُ الْاَمِيْنُ .

پس نوشته را در نهر یا چاه یا غدیر اندازد که حاجت او برآورده می شود .

اما طریق سوم طریقی است که به غیر کتابت است، روایت می کنم
از استاد اعظم (أَدَامَ اللّٰهُ ظِلَّهُ الْعَالِي) و او روایت کرده از "بحار الانوار
مجلسی (قُدْسِ سِرِّهِ) و او روایت کرده از "قَبَسِ الْمِصْبَاحِ" شیخ حسن صهرشتی
(رَحِمَهُ اللّٰهُ) شیخ مزبور گفته :

شنیدم از شیخ ابو عبد الله حسین بن حسن بن بابویه (رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ)
در ری سنه چهار صد و چهل، که روایت می کرد از عم خود
ابی جعفر محمد بن علی بن بابویه (رَحِمَهُ اللّٰهُ) گفت: خبر داد مرا
بعضی از مشایخ قمیین که وارد شد بر من اندوه سختی و طاقتم طاق
و سست و ضعیف شد، اِلَى آخِرِ .

چنانکه تفصیل شرح و توّسل در جزو سلامهای وارده به چند روایت ذکر شد
و ابتدای آن این بود :

سَلَامٌ اللّٰهِ الْكَامِلُ التَّامَ . . .

و ذکر شد در ذیل آن آنچه را که عالم نحریر مرحوم شیخ محمود عراقی
معاصر (رَحِمَهُ اللّٰهُ) در "دارالسلام" خود ذکر کرده، فَلَا حِظَّ .

تکلیف ۵۴

از جمله تکلیف انام در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) حاضر شدن در مشاهد مُشرفه و بِقَاع مُطَهَّره، بخصوص در آیام و لیالی مُتَبَرکه، و حاضر شدن در تشییع جناز، و حاضر شدن در نزد مُحتَضَرین خصوصاً اگر از صُلَحَاء باشد، و حاضر شدن در مجلس درس، و حاضر شدن در مجالس مصیبت اهل بیت معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَام)، و حاضر شدن در مجالسی که ذکر فضایل و مناقب آنها (سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ) می شود، و حاضر شدن در مجالس عقد و نکاح سادات و علماء، به خصوص ساداتی که اهل علم و زهد و تقوی باشند. در این نوع مجالس و محافل که ذکر شد، شخص مقدّس و وجود اقدس صاحب العِصْر و الزمان (أَرْوَاحُنَا فِدَاه) حاضر می شوند، و دوستان و موالیان خود را منظور نظر الطاف خفیه و جلیّه می فرمایند، و فیوضات ظاهره و باطنه از آن حضرت به صاحب مجلس و حاضرین می رسد، و شواهد و دلایل آن موجود و حاجت به برهان نیست.

تکلیف ۵۵

از جمله تکالیف انام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) به سیره و سلوک و طریق امام (أرواحنا فداه) راه رفتن و ترک بعضی حالات و سیرهٔ ابناء دنیا را کردن است. بدان که سیره، سلوک و رفتاری که پیغمبر خدا و ائمهٔ هدی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) داشتند، همواره صحابهٔ کبار و تابعین و الاتبار همان سیره و رفتار را پیشنهاد خود کرده به همان قسم راه می‌رفتند، و حتی المقدور جاهد و ساعی بودند که از سیرهٔ اهل بیت معصومین (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) تَخَلَّفَ وَتَخَطَّى نمایند. و حال آنها در زمان رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) همین قسم بود، تا پیغمبر خدا از دنیا رفتن به عالم بقارحلت فرمود. در زمان حضرت امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) اشخاصی که ایمان صحیح داشتند، و از زمرهٔ منافقین و اهل دنیا خارج بودند، همواره سیرهٔ اهل بیت معصومین را (عَلَيْهِمُ السَّلَام) از دست نداده، با کمال فقر و فاقه و شدت زهدات و عبادت بسر می‌بردند و ایداً اعتنائی به دنیا و اهل دنیا نداشتند، و اشخاصی که تاب و توانائی نداشتند، از آن حضرت (عَلَيْهِ السَّلَام) منحرف شده به طرف اهالی دنیا رفتند، و از آخرت روی برتافتند. و امر همین طور دایره سار بود در اعصار خلفای راشدین و ائمهٔ طاهرین (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) تا زمان غیبت صغری، که خواص اصحاب حضرت صاحب الزمان (أرواحنا فداه) نیز به همان سیره و طریقهٔ اهل بیت راه می‌رفتند، و تمام اوقات شبانه روز خود را صرف طاعت و عبادت و ریاضت و بندگی می‌نمودند، و ایداً چشمی به زخارف

دنیویه نداشتند و تخم محبت دنیا را در دل نکاشتند، و در آن‌ا لیل و نهار به عبادت پروردگار مستغرق و مشغول بودند. چنانکه در "کافی" است که:

روزی حضرت امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) در عراق نماز صبح را با مردم گزاردند و چون از نماز فارغ شدند، مردم را موعظه نموده و از خوف الهی گریانیدند و فرمودند:

ای مردم، به خدا قسم که من یافتم در عهد حبیب خود رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کسانی را که صباح می‌نمودند و شام می‌نمودند پراکنده و پریشان احوال و غبار آلود و گرسنه، و پیشانی‌های ایشان پینه بسته مانند زانوهای شتر. و شب را به روز می‌آوردند در سجده پروردگار، و ایستادن از برای نماز، و چون از قیام باز می‌ماندند، پیشانی‌ها و قدم‌های خود را راحت می‌دادند به سجده کردن. و چون از سجده باز می‌ماندند، پیشانی‌های خود را راحت و آرام می‌دادند به مناجات کردن با پروردگار، و سؤال نمودن آرازی از آتش جهنم. به خدا قسم که ایشان با این همه عبادت و طاعت، باز ترسان و لرزان و هراسان بودند.

چنانکه در "اختصاص" در حق عمرو بن عبدالله السبعی می‌نویسد که از جمله ثقات حضرت علی بن الحسین (عَلَيْهِمَا السَّلَام) و اَعْبَادُاهِلِ زَمَانِ خود بود و نبود در زمان او کسی او ثقی از او در حدیث نزد تمام خاص و عام. و اهتمام او در عبادت و ریاضت به درجه‌ای بود که چهل سال نماز صبح را با وضوی عشاء به جا آورد، و در هر شب یک ختم قرآن می‌نمود.

و نیز روایت است که علی بن مهزیار چون آفتاب طلوع می‌کرد به سجده می‌رفت و سر بر نمی‌داشت تا برای هزار نفر از برادران خود دعا می‌کرد مثل آنچه از برای خود دعا کرده بود، و بر پیشانی او پینه‌ای بود مانند پینه زانوی شتر از بسیاری طول سجود. در "اقبال" ابن طاووس (قَدَسَ سِرُّهُ) است، می‌نویسد که محمد بن ذکوان از اصحاب حضرت ابی عبدالله (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) بود،

و معروف بود به محمد سجّاد به جهت کثرت سجودش، و گفته‌اند که آن قدر در سجده گریه کرد که کور شد.

در "رجال" کشی (رَجْمَهُ اللّٰه) روایت است که:

فضل بن شاذان به نزد ابن ابی عمیر آمد، و او در سجده بود و سجده را بسیار طول داد. چون سر برداشت و طول سجده او را مذکور داشتند، گفت: اگر سجده جمیل بن درّاج را می‌دیدید از سجده من تعجب نمی‌کردی. و ابن ابی عمیر گفت که: اگر طول سجده معروف بن خربوز را می‌دیدید سجده مرا سهل می‌شمردی.

و نیز از فضل بن شاذان روایت کرده است که:

حسن بن علی بن فضال به صحرا می‌رفت برای عبادت، و سجده شکر را چندان طول می‌داد که مرغ می‌آمد و بر پشتش می‌نشست، به گمان آنکه جامه‌ای است افتاده، و وحشیان بردور او چرا می‌کردند و از او وحشت نمی‌کردند.

و نیز روایت کرده که:

ابن ابی عمیر بعد از نماز صبح به سجده شکر سر می‌گذاشت و سر بر نمی‌داشت مگر وقت ظهر.

خلاصه، سیره و دأب و دیدن علماء و فقهاء و عبّاد سابقین این بوده. چنانکه بخواهم از مراتب عبادات و ریاضات و مجاهدات نفسانیّه که محتمل می‌شدند، مرقوم نمایم، کتابی مخصوص خواهد شد. و همین سیره و سلوک معمول بود تا آن‌که غیبت کبری در میان آمد، پیوسته علمای اعلام و فقهای کرام (رضوان الله تعالی علیهم) به سیره اهل بیت معصومین (صلی الله علیهم اجمعین) راه می‌رفتند، و چشمی به دنیا و اهل دنیا نداشتند، و بیرق ریاست و مرزبانی

نیفراشتند ، همواره مشغول به تحصیل علم و عمل و ریاضات نفسانیه و تکمیل و تهذیب اخلاق و صفات انسانیّه بودند . تا آن که بعضی از متشبهین به علماء و متلبّسین به فقهاء و اراذل ناس و اشرار ارجاس و اهل کسالت و بطلت و زمرهٔ جهالت و رذالت ، میش های باطن گرگ و کوچک علما ن عمامه بزرگ ، صوف پوشان بی صفا و رشته بندان بارشا ، ملاحظه نمودند که به واسطهٔ تحصیل علم صوری صاحب ریاسات دنیویه و ذخایر معنویه می توان شد ، آمدند و خود را متلبّس به لباس علماء و زویّ فقها و عرفاء نمودند . چند کلمه ای از روعس مسائل اواخر و اوائل فرا گرفته خود را *أَعْلَمُ الْعُلَمَاءِ وَأَفْقَهُ الْفُقَهَاءِ وَأَعْرَفُ الْعُرَفَاءِ* پنداشته ، مشتى از مردمان بسی سر و پا ، و چند نفری از *هَمَجُ رِعَاءِ* را تطمیع کرده ، به دور خود جمع نموده ، خود را عالم ربانی و حکیم صمدانی نموده ، تمام اوقات را صرف پوشیدن لباسهای فاخره و طعامهای لذیذ و خیلهای نجیب و عمارات عالیه و بساتین و املاک عدیده و قصور *مُشَيَّدَه* و فروش *مُمَهَّدَه* نموده ، چون کسی به آنها ایراد نماید که : ای عارف ربانی وای آقای *وَحِيدُ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِي* ! این روش و سیره ای که شما دارید سیره و سلوک ملوک و ابناء ملوک است ، فوراً چشمها را *بُرَاق* نموده و صدا را غلیظ و رگهای گردن را ضخیم که :

مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؟

چگونه این آیه را نخوانند و جواب مدّعی را ندهند ؟ و حال آنکه پیغمبر خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) همین جواب و استدلال آنها را به *أَسَامَةَ* بن زید خبر داده و آنها را در استدلال به این آیه و امثال آن تکذیب فرموده ، چنانکه ابن فهد (قُدِّسَ سِرُّهُ) در کتاب "تحصین" ذکر نموده که :

حضرت رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رو به *أَسَامَةَ* بن زید فرمود و بیان فرمود که : ای *أَسَامَه* ، ملازم طریق حق باش و حذر کن از احتیاج داشتن به غیر و از آرایش خواهش های دنیا و خوشی به نعمت های او و همیشه فرحناک بودن در او و طلب زیادتى عیش او . پس

اسامه گفت: یا رسول الله چه چیز است آسان ترین چیزی که راه حق را به سبب او قطع توان کرد؟ فرمود: شب بیداری دائم، و تشنه بودن در روزهای گرم به سبب روزه داری، و باز داشتن نفس از خواهش های نفسانی، و ترک پیروی هوی و هوس شیطانی و دوری کردن از اهل دنیای فانی. ای اسامه، ملازم باش روزه داری را که روزه نزدیک سازنده است بنده را به سوی خدای تعالی، و چیزی خوشتر نیست نزد خدای تعالی از بوی دهن روزه دار که ترک کرده است خوردن و آشامیدن را از برای رضای پروردگار عالمیان، و اختیار کرده است او را بر ما سوای او و خریده است آخرت خود را به دنیا. پس اگر توانی که مرگت در رسد و تو گرسنه باشی و جگرگت تشنه باشد، یکن که به سبب این می رسی به بلندترین منازل و مقام نیکان و شهداء و صالحان. ای اسامه، ملازم باش سجده کردن را که بنده نزدیکتر است به خدای تعالی از همه اوقات وقتی که در سجده باشد، و نیست بنده ای که سجده کند از برای خدای تعالی، مگر آنکه بنویسد از برای او حسنه ای و محو کند از نامه اعمال او سیئه ای و بلند گرداند از برای او درجه ای و متوجه او شود به ذات مقدس خود و به او مباحث کند یا ملائکه. ای اسامه، ملازم باش نماز کردن را که نماز رأس دین و ستون دین و بالاترین مواضع عالیّه اوست. بترس ای اسامه، از دعای بندگان خدای تعالی که کاسته اند بدن های خود را، و مُصاحبند با حزن و اندوه، و لاغر کرده اند گوشتها را و گداخته اند پیه هارا، و تشنه گردانیده اند جگرها را به سبب روزه داری، و سوخته اند پوست هارا به بادهای گرم در طلب رضای حضرت باری، تا این که پوشیده شده است چشمهای ایشان از غیر پروردگار، از جهت شوقی که ایشان را هست به خدای خود که یگانه و قهار است. به درستی که خدای تعالی هرگاه نظر کند در ایشان مباحث می کند به ایشان باملائکه و می پوشد ایشان را به پرده رحمت خود و به سبب ایشان

برطرف می‌کند سختی‌ها و فتنه‌ها را. پس گریست آن حضرت به حدی که آواز گریه‌اش بلند شد و سخت شد گریه درگلو گرفتن و ناله کردن و بلند نفس زدن او. و مردم ترسیدند که با آن حضرت حرف زنند و گمان بردند که چیزی از آسمان حادث شده. پس آن حضرت سر به بالا کرده و آه سردی از دل برکشید و فرمود: واه واه، و بداحال این امت که چه می‌رسد از ایشان به جماعتی که اطاعت خدای تعالی کرده‌اند، چگونه می‌رانند و می‌روند و تکذیب میکنند و خوار و ذلیل می‌گردانند ایشان را از جهت آن که اطاعت الهی کرده‌اند. آنگاه باشید که قیامت قائم نمی‌شود تا آن که دشمنی کنند مردم با کسی که اطاعت خدا کند، و دوست دارند کسی را که بر خدا عاصی شود. عمر گفت: یا رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مردم در چنین روزی بر دین اسلام خواهند بود؟ فرمود: کجاست اسلام در چنین روزی ای عمر؟ اسلام در چنین روزی مثل غریبی است که رانده شده باشد از شهر و دیار خود، در این روز برطرف می‌شود اسلام و باقی نمی‌ماند از او مگر نامی، و ناپدید می‌شود در او قرآن و باقی نمی‌ماند از او مگر نشانی. پس عمر گفت: یا رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به چه سبب تکذیب می‌کنند کسی را که اطاعت خدا می‌کند؟ فرمودند: ای عمر، وا گذاشته‌اند در آن وقت مردم راه حق را و میل کرده‌اند به جانب دنیا و ترک کرده‌اند آخرت راه، و می‌خورند چیزهای بسیار خوب و می‌پوشند لباسهای فاخر و خدمت ایشان می‌کنند غلامان فارس و روم. پس ایشان غذای خود سازند طعامهای خوب و شرابهای خوب لذیذ و بویهای خوش بکار برند و بناهای بلند مرتفع و خانه‌های زرنگار بسازند، و به مردم نمایند مجالس را و خود را آراسته کنند مردان ایشان همچنان که آراسته کند زن خود را برای شوهر، و زنان خود را آراسته کنند به زیورها و جامه‌ها، و زنی ایشان زنی پادشاهان متکبر باشد و مباحات و تفاحر کنند بایکدیگر به

جاه و لباس، و دوستان خدا، لباس ایشان عبا باشد، و رنگهای ایشان شکسته از بیداری شب، و پشتهای ایشان خم است از ایستادن به نماز، و شکمهای ایشان به پشتشان چسبیده از بسیاری روزه گرفتن، و مشغول کنند خود را از ماسوای باری، و بکشند نفس های خود را به تشنگی از برای طلب رضای الهی و شوق به ثوابهای نامتناهی و خوف از عذابهای دردناک جهنم. پس هر گاه یکی از ایشان تکلم کند به حق و دم زند به راستی، به او گویند که خاموش باش، تو رفیق شیطانی و سر کرده گمراهانی، و تاویل کنند کلام خدای تعالی را برخلاف تاویلش و بگویند در جواب این که چرا به زیورها و لباسهای فاخر خود را مزین می گردانید و طعام های لذیذ را می خورید:

مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ.

یعنی کیست که حرام گردانیده است زینت هایی را که خدا به جهت بندگان خود آفریده و هم چنین طعامهای پاک و پاکیزه را. بدان ای اسامه که منزلت کسی نزد خدای تعالی از همه کس بیشتر است در روز قیامت و ثواب کسی بزرگتر است و مقام کسی از همه کس گرامی تر است که در دنیا اندوه او بسیار باشد از برای رضای خدا، این جماعتند نیکان و متقیان و خوبان اگر حاضر باشند ایشان را کسی شناسد و اگر غایب شوند کسی طلب ایشان نکند. ای اسامه، این جماعت را می شناسند بقعه ها و گوشه های زمین، و می گیرند برای ایشان هر گاه نیابند ایشان را محرابها. پس بگیر ایشان را از برای خود گنجی و ذخیره ای، شاید که نجات یابی به سبب ایشان از سختی های دنیا و هولها و ترسهای روز قیامت، و بهره ای از اینکه واگذاری طریقی را که ایشان در آنند و بر آن ثابتند، که می لغزد قدمت و سرنگون در آتش می افتی. و بهره ای از اسامه، که از جماعتی باشی که می گویند شنیدیم و نمی شنوند.

آه آه از این اوضاعی که بَیْمَانِهَذَا فرام آمده . به خدانمی دانم چگونه اوضاع
 و اساس و ریاست دُنْیویه چشم و گوش بعضی را کور و کر نموده که ابدأً در فکر
 زهدات و عبادت و سیره و سلوک اهل بیت معصومین (سَلَامُ اللّهِ تَعَالَى عَلَیْهِمْ
 أَجْمَعِینَ) نیستند . بلی ، در لباس باملوک و ابناء ملوک فرق دارند ، ولی در
 اساس اوضاع دنیویه با آنها مائل و مُشَارِکِنْد . نمی دانم این است سیره و سلوک
 اصحاب صاحب العصر والزمان (أَرْوَاحُ الْعَالَمِیْنَ فِدَاه) ؟ نه والله ، ابدأً آن وجود
 مبارک راضی نیست و اینگونه اشخاص را به ملازمت خود اختیار نخواهد فرمود ،
 سیره و سلوک اهل بیت معصومین (عَلِیْهِمُ السَّلَام) نه این اوضاعی است که
 مردمان این زمان بخصوص اکثر از صاحبان عمامه و خرقه و ردا و طیلسان و رشته و
 عبا پیشنهاد خود نموده اند ، و دعوی محبت و مودّت و نیابت امام خود را می نمایند .
 سیره و سلوک امام عصر را (أَرْوَاحُنَا فِدَاه) اگر بخواهی بدانی ، سیر کن در کتب
 احادیث و اخبار و مکارم اخلاق و آثار ائمّه اطهار و صحابه کبار
 تا طریقه سیره آن حضرت و اصحاب آن حضرت را (أَرْوَاحُنَا فِدَاه) مستحضر
 شوی . عالم جلیل و عامل نبیل شیخ عبدالله بن نورالله (طَابَ ثَرَاهُمَا) که
 از جمله علمای معاصرین بل تلمیذ مجلسی (قَدَسَ سِرُّهُ) است ، در کتاب "غیبت"
 خود - و استاد اعظم (مُدَّظَلُّهُ) در "نجم ثاقب" - ذکر نموده اند چند خبری را
 که ترجمه آنها این است :

شیخ کلینی (رَحِمَهُ اللّهُ) روایت کرده از حضرت صادق (عَلِیْهِ السَّلَام) در
 در آخر خبر است که آن حضرت به حمّاد بن عثمان فرمودند :
 هر گاه قائم ما اهل بیت خروج کند ، می پوشد جامه علی را (عَلِیْهِ
 السَّلَام) و رفتار می کند به سیره امیرالمؤمنین علی (عَلِیْهِ السَّلَام) .
 شیخ نعمانی (رَحِمَهُ اللّهُ) روایت کرده از آن جناب که :
 فرمود : چه تعجیل می کنند در خروج قائم (عَلِیْهِ السَّلَام) ؟ پس قسم
 به خدا که نیست لباس او مگر غلیظ و نیست طعام او مگر درشت
 یابی خورش ، و نیست کار مگر شمشیر و مردن زیر سایه شمشیر .
 و در خبر دیگر فرمود :

نیست طعام او مگر جوی زیر .

و نیز روایت نموده از خَلَّاد که گفت :

ذکر شد قائم (عَلَيْهِ السَّلَام) در نزد حضرت رضا (عَلَيْهِ السَّلَام) . پس فرمودند : امروز شما آسوده و فارغ الیال ترید تا آن روز . عرض کرد : چگونه است ؟ فرمودند : هرگاه قائم ما خروج کند نیست مگر علقه یعنی خون و عرق ، یعنی از کثرت کشتار و کشش ، و قوم بر روی زینهای خودند . و نیست لباس قائم (عَلَيْهِ السَّلَام) مگر غلیظ و نیست طعام او مگر خشن .

واز " دَعَوَات " را وندی نقل کرده که :

مَعْلَى بن خنیس به حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) عرضی کرد که : این امر اگر در شما می شد هر آینه زندگی می کردیم با شما ، فرمود : واللّه اگر این امر برگردد به سوی ما هر آینه نیست مگر اکل درشت و لبس خشن . و به مفضل فرمودند : اگر این امر با ما شود هر آینه نیست ، مگر عیش و رسول خدا و ره امیرالمؤمنین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا) .

و نیز روایت کرده از مفضل که :

گفت : بودم خدمت حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) در طواف . پس نظر کرد به سوی من و فرمود : ای مفضل ، چه شده ترا که مهموم باشی و رنگت متغیر شده ؟ گفتم : فدای تو گردم نظر کردم به سوی بنی عباس و آنچه در دست ایشان است از ملک و سلطنت و جبروت اگر اینها برای شما بود ، هر آینه ما هم با شما بودیم . فرمودند : ای مفضل اگر سلطنت به ما برگردد ، نیست مگر تعب در شب و سیاحت در روز ، یعنی برای عبادت و جهاد و خوردن طعام درشت و پوشیدن خشن شبه امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) ، و الا پس آتش جهنم است . پس آن سلطنت از ما گرفته شده ، می خوریم و می آشامیم ، آیا دیدی ظلمی را که خداوند آن را نعمت قرار داده باشد مثل این ؟

و نیز در کتاب مزبور ، روایت کرده از عمر و بن شمر گفت :

در خانه حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) بودم و خانه پر بود از مردم ، و همه

روبه آن حضرت نموده سؤال نمی‌کردند از چیزی مگر آنکه جواب می‌فرمودند. پس من از گوشه‌خانه گریه کردم، فرمودند: چه تو را به گریه در آورده ای عمرو؟ گفتم: قربانت شوم، چگونه گریه نکنم؟ آیا در این امت مثل تو کسی هست و حال آن که در به رویت بسته و در پس پرده نشسته؟ فرمودند: گریه مکن ای عمرو، غذای پاکیزه را می‌خوری و لباسهای نرم را می‌پوشی، و اگر بشود آنچه را که تومی‌گوئی نیست مگر اکل جَسَبِ طعام درشت و لبسِ خشن مثل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (عَلَيْهِ السَّلَام). وَاللَّهِ، پس معالجه‌ءِ اَغْلَالِ است در آتش جهنم.

با دو قبله در ره توحید نتوان رفت راست

یا رضای دوست باید، یا هوای خویشتن

تکلیف ۵۶

از جمله تکالیف ائام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) خواندن کتب و دواوینی است که مشتمل بر ذکر اوصاف حمیده و نعوت پسندیده، صفات مقدّسه و سمات مطهّره، و شمایل و خصایل و خصایص و دلائل وجود مقدس آن حضرت است (أرواحُ العالمین فداه)، اگر کسی است که سواد عربیت دارد، بخواند از کتب غیبت مانند: "غیبت" شیخ طوسی و "غیبت" نعمانی و "غیبت" شیخ صدوق و "غیبت بحار الانوار" و "جَنَّةُ الْمَأْوَى فِي مَنْ فَازَ بِلِقَاءِ الْحُجَّةِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي الْغَيْبَةِ الْكُبْرَى" و سایر کتب مؤلّفه در این باب که از صد متجاوز است، و اگر عربیت ندارد از کتب غیبت فارسیه مانند: "ترجمه سیزدهم بحار الانوار" و "ترجمه کمال الدین صدوق" و "نجم ثاقب" استاد اعظم (أدَامَ اللّهُ ظِلَّهُ الْعَالِي) که امتیاز و اختصاصی دارد از سایر کتب در احادیث مندرجه آن، و "دارالسلام" فارسی مرحوم شیخ محمود عراقی معاصر (طابَ ثَرَاه) که التقاط و اقتباس نموده از "دار السلام" عربی، و سایر کتب استاد اعظم (أَطَالَ اللّهُ بَقَاه) و غیرها. پس هر اوقات که فراغتی برای تو دست می‌دهد، اکثر مطالعه و مذاکره خود را در خواندن این نوع کتب مصروف بدار، که اسباب ازدیاد بصیرت، و تهیج محبت و مودّت، و رسوخ خلوص عقیدت، و تولّای ظاهره و باطنه تو خواهد شد، و مراقبت و مداومت در قرائت آن، تأثیر در قلب و فؤاد و گوشت و پوست و خون و اعضا و جوارح تو خواهد کرد بلکه اندک اندک محبت و مودّت آن حضرت (أرواحُ اَنفَادِه) مخمّر با باطن تو خواهد گردید، و آثار و اطوار

و علائم ظاهرهٔ عجیبهٔ غریبه در ظاهر و باطن تو بروز خواهد کرد. یقین‌بدار که ذکر فضائل و مناقب و آثار و احوال آن حضرت (أرواحُ العالمین فداه) تأثیرش از کتاب "شاهنامه" و "شهنشاهنامه" و سایر کتب رزمیه کمتر نیست - که خواندن آنها اسباب تهییج شجاعت و بسالت تو می‌شود - یا خواندن "خمسه نظامی" و "لیلی مجنون" ملاجیمی و "غزلیات سعدی" و غیره که اسباب فرح و انبساط و بهجت و نشاط تو می‌شود، و کلمات اراجیف و باطیل آنها فوراً تأثیر در ظاهر و باطن تو می‌نماید، پس چگونه کلمات و بیانات ائمهٔ معصومین (صَلَوَاتُ اللّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِین) که علمای مبرزین و اساطین متقدّمین و متأخّرین در کتب و دواوین خود در احوال آن سید دنیا و دین جمع نموده‌اند، در وجود تو تأثیر نمی‌نماید. بلکه در این عصر و زمان بر آحاد و افراد مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات واجب است که هر یک چند مجلّدی از این نوع کتب عربی و فارسی در خانهٔ خود داشته باشند، و همیشه به مطالعه و مذاکرهٔ آن بپردازند و همه روزه برای خود و اهل‌بیت خود به صدای بلند بخوانند که مراتب معرفت آنها به امام زمان خود (أرواحنا فداه) ترقّی نماید، و در عقاید خود نسبت به آن وجود مقدّس مبارک خالص‌وصافی و راسخ و جازم شوند، و از پاره‌ای فضایل و خصایل و شمایل و مناقب و معجزات باهره و خصایص و دلالات زاهرهٔ آن حضرت (أرواحُ العالمین فداه)، مطلع و مستحضر گردند که به حالت تجاهل و تغافل از دنیا نروند. بلکه خدا شاهد است، اگر قدرت داشتم و خداوند تعالی به حقیر استطاعتی داده بود، این دأبی که از پانصد سال قبل اِلَیْ یَوْمِنَا هَذَا در ایران و توران و عموم بلاد مسلمانان عادت، بلکه جبلی آنها شده، تغییر می‌دادم که کتاب "گلستان" و "بوستان" و "چهل طوطی" و "حسین‌کرد" و سایر کتب قصص اراجیف و باطیل را که مسلمانان ابتداءً به اطفال خود در مکتب خانه‌ها و مدرسه‌ها می‌دهند بخوانند، متروک و موقوف می‌کردم و در عوض کتب فارسیهٔ غیبت حضرت صاحب العصر و الزمان (أرواحُ العالمین فداه) را می‌گفتم به اطفال خود درس می‌دادند. ولی چه کنم که اسباب این ترویج موجود نیست و قدرت بر این تغییرات و تبدیلات ندارم، امیدوارم که خداوند تعالی بزودی کسی را بر

انگیزاند قبل از ظهور مولا و امام ما (أرواحنا فداءه) که ترویجی اندک به ظاهر
 شریعت و طریقت و حقیقت بدهد ، لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا .
 مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید

که زانفاس خوشش بوی کسی می آید

از غم و درد مکن ناله و فریاد که من

زده ام فالی و فریاد رسی می آید

تکلیف ۵۷

از جمله تکلیف انام، در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) تعظیم و تفضیم نمودن آن حضرت است (أَرَوَّاحُنَا فِدَاه) هنگام شنیدن اسم مبارک او، و القاب او و کنای او، و هنگام خواندن و نام بردن و هنگام نوشتن و رقم کردن اسامی مقدّسه آن حضرت، که تمام این تعظیمات و تفضیمات و مراعات این آداب از فروع ولایت و محبّت آن حضرت است (أَرَوَّاحُنَا فِدَاه)، البته کسی که محبّت و تولّی کسی را داشته باشد از شنیدن اسم او خوشش می آید:

آن زلیخا از سپندان تا به عود

نام جمله چیز، یوسف کرده بود
و از نوشتن اسم او خوشش می آید و از مذاکره و مطالعه و ملاحظه حالات و صفات و علامات او سرور، و برای او ملالت و کسالتی دست نخواهد داد، زیرا که "از هر چه بگذری سخن دوست خوشتر است":

دکرتو از زبان من فکرتو از خیال من

چون برود که رفته ای در رگ و در مفاصلم
اما در خصوص نام بردن آن حضرت به نامی که مطابق است با اسم حضرت خاتم النبیین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، علمای اعلام را اقوالی و در حرمت و عدم حرمت آن دلائل و استدلالی است که هر یک در محالّ خود ثبت است، و هر یک را دلائل و شواهدی است مضبوطه و غیر مضبوطه که از ما نحن فیہ خارج است. ولی آنچه در این عرصه و زمان ما فعلاً سیره و دأب و کدین طایفه

امامیه است (كَثَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى)، حتی المقدور از ذکر اسم اصلی آن حضرت که "محمد" است (أَرْوَاحُنَا قَدَاه) کَفّ می‌نماید و به سایر القاب و اسامی مقدسه آن حضرت اکتفا می‌نمایند. اما در ترسیم و ترقیم اسامی و القاب و کنای مقدسه آن حضرت (أَرْوَاحُنَا قَدَاه)، از بعضاخبار معلوم می‌شود که رسم علمای متقدمین (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) این بوده که در کتب و دواوین خود اسم محمد را به حروف مقطعه نوشته‌اند، و وجه آن یا اقتداء به توقیعات است، یا از برای تقیه که از ترکب حروف آن کتابتاً تعدد داشتند. و در این عصر و زمان ما که اسم مقدس آن حضرت و اجداد طاهربینش (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) در بالای مناره‌ها و گلدسته‌ها و مساجد و منابر تمام کره^۱ ارض که مسلمانان مسکن دارند، اعم از این که در بلاد اسلام باشد یا در بلاد فرنگستان و ینگگی دنیا و غیره باقی تقیه و بی‌هراس مذکور می‌نمایند، دیگر این ملاحظات سابقه که در زمان خلفای جور و تقیه از مخالفین بوده لزومی ندارد. و چه نیکو است هر کس کتابت اسامی هر یک از حجج طاهربین را (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) می‌نماید، صلوات و سلام و درود و تحیات و آمده را به الفاظ معموله صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ یا به زیادتى وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ یا سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ یا عَلَيْهِ السَّلَامُ یا عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ یا أَرْوَاحُنَا قَدَاه و غیر ذلک بعینها بنویسد، و بعض رموزات و اشارات و اختراعات مولده کتابتی را ترک نمایند، که کمال بی ادبی است. مثلا (صلعم) عوض صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، و صادایتر این قسم (ص) عوض صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، و علامت چهار هندسه (۴) عوض عَلَيْهِ السَّلَام و غیر ذلک را ننویسند، که این خود یک نوع بی احترامی است. محدث جزائری (رَجْمَهُ اللَّهُ) روایت کرده به اسناد خود از حضرت پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) :

قال (صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) :

مَنْ صَلَّی عَلَيَّ فِي كِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلِيكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا دَامَ
اسْمِي فِي ذَلِكَ الْكِتَابِ .

یعنی هر که صلوات فرستد بر من در کتابی، همیشه ملائکه از برای او استغفار می‌نمایند، مادامی که اسم من در آن کتاب باقی باشد. مؤلف گوید: و این حدیث را هم شیخ شهاب الدین احمد البشاری (حَسْرَه اللُّهُمَّ مَحْبُوبَه) در خاتمه کتاب "مُسْتَطْرَف" در ذیل چهل حدیثی که در فضیلت صلوات ذکر کرده چنین نوشته:

الْحَدِيثُ الْحَادِي وَالْعِشْرُونَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ):
 مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابٍ لَمْ تَنْزِلِ الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّيْ عَلَيْهِ مَا لَمْ
 يَبْدُرْشِ اسْمِي مِنْ ذَلِكَ الْكِتَابِ .

و شهید ثانی (قُدَسَ سِرِّه) در آداب آن گفته:

سزاوار نیست این که نوشته شود صلوات بر پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به لفظ صلعم و اشباهه همچنانی که بجا می‌آورند اشخاصی که محرومند از ثواب آن ...

پس گفته است که:

بعضی علماء گفته‌اند اول کسی که (صلعم) را نوشت، دست او بریده شد.

مؤلف گوید: چون در این خصوص در جلد ثانی از مجلدات اربعه کتاب "خرابات" بسطی داده‌ام، باکی نیست در این مورد مجملی از آن ذکر شود. بدان که این آداب و قواعد و مراسم در این عصر بکلی در تکلم کردن و کتابت و ارقام و غیره منسوخ شده. عوام الناس که طرف گفتگو نیستند، جاهل بعض آداب و احکامند، اکثر خواص دیده شده، در تکلم و تلفظ به اسم مقدس باری تعالی (جَلَّ سُبْحَانَهُ وَبَهْرُ بَرَاهُنَهُ) و اسم مبارک پیغمبر و ائمه طاهرین (صَلَوَاتُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ)، درود و رحمت و اجلال و اعظام را ترک می‌نمایند، و در کتابت و نوشتجات به ملاحظه اختصار، اسم مقدس "الله" را به رمز (اه) یا (ه) و اسم مبارک

معصومین را (عَلَيْهِمُ السَّلَام) با کمال بی ادبی و بی اعتنائی می‌برند. مثلاً در نوشتجات، می‌نویسند عَنِ النَّبِيِّ (ص)، صلوات را به رمز مزبور می‌نویسند، عَنِ عَلِيٍّ (۴)، عَنِ الْبَاقِرِ (۴)، عَنِ الصَّادِقِ (۴)، صلوات و رحمت را به رمز می‌نویسند، مثل عدد چهار هندسه که علامت علیه السلام و غیرها است، و عذر او این است که از برای اختصار است، و حال آن که فعل او بر خلاف قول و عذر او گواهی می‌دهد، ده ورق مطلب پرداز و فصاحت و بلاغت و زبان بازی بخرج داده، و داد سخن گستری و سخن پروری می‌دهد، و هزار بیت کتابت می‌کند، که نه به کار دین و دنیای خودش و نه دیگران می‌آید، ولی از ذکر صلوات بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ) یا به جهت زیادتی دو حرف یا یک حرف اسم الله (جَلَّتْ عَظْمَتُهُ) به رمز و اختصار، اقتصار می‌کند. تو که خود می‌دانی کیستی و چیستی و از کجا آمده‌ای و چه بوده‌ای و چه شده‌ای، و حالا خود را به خیال خود فوق همه مخلوق در ربع مسکون می‌پنداری و می‌انگاری، اگر اسم تو را لفظاً یا کتابتاً بطور اختصار ببرند، حالت منقلب و چشمت برمی‌گردد، و قلباً با گوینده و نویسنده عداوت خواهی کرد که در صد توهین و تخفیف من برآمده، باید پنج سطر القاب و اوصاف در کتابت یا مراسلات و نوشتجات، یا در روی پاکت‌ها برای تو بنویسند که ساکت باشی، بلکه هر کس زیادتر القاب و اوصاف دروغ بی اصل - که هیچیک در وجود خودت و آباء و اجدادت نبوده - برای تو بنویسد، زیاد از حد خوشحال و خرم و خرسند خواهی شد، و از کمال حماقت و سفاهت به خود آن القاب و اوصاف را می‌بندی و بر خود می‌بالی و می‌نازی و به شبهه می‌اندازی خود را که: اگر من چیزی نیستم و این شعونات را ندارم، چرا برای من این قسم نوشته و ذکر نموده، یا در بالای فلان منبر مرا بدان القاب و اوصاف ستوده‌اند. هیهات هیهات، کار القاب و اوصاف به جایی رسیده که عالم و جاهل، دیوانه و عاقل، که بهتر و مهتر را کسی در القاب و اوصاف فرق نباید بگذارد... این رسم وقاعده فعلاً در خاک ایران و غیره جاری است، عالم و جاهل و غنی و فقیر در نوشتن این القاب و اوصاف معموله، مهمله، شایعه، مُصَرَّ، و در دروغ نوشتن و دروغ گفتن لساناً و خطاً کمال

جهد و ابرام را دارند، و صاحبان مکاتیب و اشخاص طرف مقابل هم در قبول کردن
 آن القاب و اوصاف مجعوله، مجهوله نهایت اصرار و ابرام را مرعی می‌دارند و هیچیک
 از طرفین هم از این اکاذیب و اراجیف و نُعوت مجعوله و اوصاف مجهوله، حیا و
 خجالت ندارند لَعَلَّ اللّٰهَ یُحَدِّثُ بَعْدَ ذٰلِكَ اَمْرًا وَّلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ .

تکلیف ۵۸

از جمله تکالیف انام، درغیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) رقم کردن اسم مقدّس آن حضرت است در ابتدای دفاتر و کتب و نوشتجات، و محترم داشتن اسم مبارک آن حضرت را در نوشتن و تکلم کردن، و حفظ کردن قراطیس و خواتیم و طلسمات و الواح و درهم و دنانیری که اسم مقدّس او واجد اظهارینش (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) در آنها ثبت و رسم شده، و با طهارت استعمال نمودن و در زیر دست و پا و مواضع غیر مطهره نگذاشتن، و ذکر نمودن آن حضرت است در ابتدای مواعظ و خطب و دروس و مباحثه و مطالعه و روضات و تعازی، و ابتدای اذان و آخر آن، و ابتدای قرآن و ختم آن، و ابتدای دعوات و ختم دعوات، و نزد خطبه نکاح و عقود و ایقاعات، و اکل و شرب و قیام و قعود و ذهاب و ایاب و سفر و حضر و برّ و بحر و غیر ذلک، که حاجت به دلایل و شواهدی ندارد، آنچه من گفتم به قدر فهم تست:

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ...

تکلیف ۵۹

از جمله تکالیف امام در غیبت امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) در کنج انزوا خزیدن، وانگشت تحسّر و تحیّر به دندان گزیدن، و شربت ترک خروج و جهاد را با اهل باطل مزیدن، و غُصَص و مِخَن قَصَص و فِتَن ناملايمات و محذورات دینی و ایمانی را در خزینه سینه انباشتن، و دین و ایمان خود را از شیاطین انسی و جنّی نگاهداشتن، و متوسّل به خداوند قهار و رسول مختار و ائمه ابرار اطهار (عَلَيْهِمُ صَلَوَاتُ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ) شدن، و مانند پلاس و احلاس در خانه خود فرش بودن، و مسئلت ظهور آن حضرت را (عَجَلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) نمودن، و مستعدّ سفر مرگ بودن است. و فی "الصحيفة الكاملة" عن أبي عبد الله (عَلَيْهِ السَّلَام):

مَا خَرَجَ وَلَا يَخْرُجُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ
لِيُدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يَنْعَشَ حَقًّا إِلَّا اصْطَلَمَتْهُ الْبَلِيَّةُ وَكَانَ
قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَشِيْعَتِنَا . . .

اگرچه ظاهر از کلمه "مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ" مستفاد می شود که امام یا اولاد امام (عَلَيْهِمُ السَّلَام) هرگاه بخواد خروج کند و احقاق حق یا ابطال باطلی نماید، منکوب و مخدول و مبتلا خواهد شد. و تا ظهور دولت حقّه، اهل حقّ مغمور و مستور خواهند بود، و تا خروج و ظهور حضرت بقیة الله في الارضين و السموات صاحب العصر و الزمان (أرواح العالمين فداه) دولت به دست اهل باطل و کفر

خواهد بود، چنانکه در احادیث عدیده رسیده. و لکن به حسب تأویل و تفسیر بعض آیات و احادیث که از اهل بیت معصومین (سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) رسیده، چنانکه فرموده‌اند:

السَّلْمَانُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ .

می‌توان موالیان و شیعیان اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) را هم از اهل بیت محسوب نمود، علماء و فقهاء که نُوَابِ امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ) هستند که جای خود دارند. چنانچه در این ازمنه که حضرت حجت (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) غیبت کبری فرموده‌اند، اگر احدی از شیعیان اعم از علماء و فقهاء و حکماء و عرفاء و امراء و اعیان و اشراف و رعایا و برآیا و غیر هم بخواهد خروج کند، و امر به معروف و نهی از منکر نماید، و مذهب جعفری و ملت و آئین و احکام شیعه اثنی عشریه را رواج دهد بر سایر ملل و ادیان، حتی بر اهل تسنن و غیرها، صحیح نیست. و بنا بر این حدیث شریف و سایر احادیث متظافره، منکوب و مخدول و مقهور خواهد شد، بلکه جان او به معرض تلف است. پس در این صورت سکوت و تقیّه در این ازمنه واجب است. عالم عامل مرحوم حجت الاسلام و کشف الانام حاجی اشرفی (رضوانُ اللّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ) در بعض تدوینات خود می‌فرماید، ما هَذَا لَفْظُهُ:

ممکن است تاویل آیه مبارکه:

إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً .

در باطن باطن و داخل کردن جمیع اهل ایمان در آن بیت نبوت، و حصول طهارت تامّه و قابلیت بقاء ابدی از برکت توّسل ایشان (سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهِمْ) ...

و عین کلام ایشان را (بَرَدَ اللَّهُ مَضْجَعَهُ) ذکر کردم، به جهت تأیید این که گفتم دوستان و شیعیان اهل بیت را (سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) می‌توان در جزواهل بیت محسوب نمود، که مبادا بعضی از متقشّرين استبعاد نمایند. پس در این

عصر و زمان که دولت به دست اهل کفر و ضلال و غیره است، صحیح نیست احدی از علماء و فقهاء و حکماء و عرفاء و امراء و امناء و غیرهم به جهت امر به معروف یا نهی از منکرات خروج نمایند، یا جنگ و جدالی کنند، إلا در بعض موارد که جهاد عمومی واجب خواهد شد و حکم آن بسته به فتوا و حکم مجتهد جامع الشرائط است، چنان که در " کتاب جهاد " از کتب فقهیه مفصلاً مسطور است. پس موالیان و دوستان حقّه اثنی عشریه باید بنا به فرمایش امام (علیه السلام)، مانند پلاس در خانه‌های خود پهن شده، و صبر و شکیبائی را اختیار نموده، و از درگاه حضرت احدیت (عَزَّ سُبْحَانَهُ وَبَهْرُ بَرْهَانِهِ) استدعای تعجیل در ظهور و فرج حضرت حجت (أَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ فِدَاهُ) نمایند، و مداومت به بعض دعواتی که وارد شده در غیبت آن حضرت (أَرْوَاحُ فِدَاهُ) قرائت شود بنمایند، و دین و ایمان خود را حفظ کنند که شیاطین انسی و جنّی از آنها نربایند.

از حال خود آگه نیم، لیک آنقدر دانم که تو

هرگه به خاطر بگذری اشکم ز دامان بگذرد

تکلیف ۶۰

بدان که این تکالیفی که مذکور شد، و عقایدی که باید تو دارا باشی نسبت به موالیان خود (عَلَيْهِمُ السَّلَام)، ابدا جای استغراب و استعجاب ندارد نسبت به آن ذوات مقدسه و اشخاص مطهره، که قوام و دوام تمام اَرْضین و سموات به اتفاق مُوءالف و مخالف از برکت وجود مقدس مطهر منور آنها است و از ممتنعات نیست، زیرا که بعض از اهل سنت و جماعت همین عقاید را نسبت به ادنی مخلوقی از مخلوقات خدا که آنها را رئیس و بزرگ خود می دانند، دارند. و این عقاید حقه که تو نسبت به موالیان خود داری، آنها نیز همین عقاید را معارضه به مثل نموده - من غیر استحقاق - برای مثل خودی ثابت و برقرار کرده، و وضع شیئی را در غیر ماَوْضِعْ لَه خود نموده اند، که اثبات امکان و ثبوت و استقرار چنین عقایدی را از برای تو در باره معصومین (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ) خواهد نمود، پس در این صورت تو اولی و آخری هستی به اینکه این عقاید حقه را که لازمه شئون آنها است (عَلَيْهِمُ السَّلَام)، در خصوص موالیان خود دارا باشی، و اعتنا به معارضات و مناوالات خصم در مقابل نمائی، و درست توجه نمائی در این بیاناتی که از برای تو نموده و اظهاراتی که می دارم و خرافات و جزافاتی که خصم در مقابل نوشته، تا بدانی که اثبات این نوع شئون و درجات و عوالم ظاهره و باطنه، و تأکید و اصرار حقیر در حفظ مراتب و مقامات از منته و اوقات و دقائق و ساعات ایام و لیلی و تکالیف مقرر و عقاید حقه و توجهات نامه کامله به سوی امام عصر و ناموس دهر و غوث اعظم و قطب دایره عالم،

صاحب‌العصر والزمن محمد بن الحسن (صلواتُ الله وسلامه عليه وعلى آباءه الطيبين الطاهرين) اندکی است از بشمار، و خردلی است از خروار، و قطره‌ای است از بحار. خدای واحد احد شاهد است، چنانچه می‌خواستم تکالیف مقررّه معینّه صوریه و معنویه و ظاهره و باطنه توراکما ینبغی نسبت به امام تو (أرواحنا فداه) مشروحاً بنویسم، کفش و کلاه خود را به دور می‌انداختی و سر و پای برهنه به کوه و صحرا می‌ناختی و بیرق دیوانگی در میان مخلوق می‌افراختی، و لکن آنچه من گفتم به قدر فهم تست، بل بقدر ظرف تست:

پس بیا و هوش خود را جمع کن

و این عناد از باطن خود قمع کن

و مراتب شئوناتی که خصم در مقابل موالیان تو برای خود تراشیده‌اند بشنو، که چگونه به مجرد این دعاوی بی‌پا گروه گروه به آنها گرویدند، و خرافات آنها را به گوش جان خود شنیدند، و جان و مال و هستی خود را به آنها بخشیدند، و از حضور موالیان تور میدند و بساط مخالفت و معاندت را چیدند، و از حسادت ظاهری و باطنی کردند آنچه کردند، و شنیدند آنچه شنیدند، و به پاداش آن دیدند آنچه دیدند:

السَّيِّخُ عَبْدُ الْقَادِرِ الْجِيلَانِي :

كُلُّ وَلِيٍّ عَلَيَّ قَدَمِ نَبِيِّ وَأَنَا عَلَيَّ قَدَمِ جَدِّي، مَا أَرْفَعُ الْمُصْطَفَى قَدَمًا
إِلَّا وَضَعْتُ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي رَفَعَهُ مِنْهُ، الْأَقْدَامُ مِنْ أَقْدَامِ النَّبُوَّةِ فَإِنَّهُ
لِأَسْبِيلِ إِلَّا أَنْ يَنَالَهُ غَيْرُ نَبِيِّ.

وَمِنْ كَلِمَاتِهِ أَيْضًا :

أَنَا نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ، أَنَا سَالِبُ الْأَحْوَالِ بِحَرِّ لِسَاحِلِ لَه، أَنَا الْمَحْفُوظَانَا
الْمَلْحُوظِ، يَا قَوْمِ يَا صَوَامِ، يَا أَهْلَ الْجِبَالِ دَكَّتْ جِبَالُكُمْ، يَا أَهْلَ الصَّوَامِعِ
هُدِّمْتُمْ صَوَامِعَكُمْ، أَقْبِلُوا أَمْرًا مِنَ اللَّهِ أَنَا أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ، يَا رِجَالَ يَا أَوْلَادِيَا
أَبْدَالُ يَا أَطْفَالَ هَلِّمُوا وَخُذُوا عَنِ الْبَحْرِ الَّذِي لِلسَّاحِلِ لَهُ، أَنَا النَّاطِرُ فِي
الْمَلُوحِ الْمَحْفُوظِ، أَنَا الْغَائِصُ فِي بِحَارِ عِلْمِ اللَّهِ وَمَشَاهِدَاتِهِ، أَنَا حُجَّةُ

الله ، أَنَا نَائِبُ رَسُولِ اللَّهِ وَوَارِثُهُ فِي الْأَرْضِ .

وَمِنْ كَلِمَاتِهِ أَيْضًا :

أَنَا أَفْضَلُ مَشَايِخِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ جَمِيعًا ، بَيْنِي وَبَيْنَ الْخَلْقِ بَعْدُ بَعِيدٌ
كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ .

وَمِنْ كَلِمَاتِهِ أَيْضًا :

أَنَا مِنْ وَرَاءِ أُمُورِ الْخَلْقِ وَعُقُولِهِمْ ، رَجَالَ اللَّهِ إِذَا وَصَلُوا إِلَى الْقَدَرِ أَمْسَكُوا
فَإِذَا وَصَلَتْ إِلَيْهِ دَخَلَتْ فِيهِ فَنَازَعَتْ أَقْدَارَ الْحَقِّ بِالْحَقِّ لِلْحَقِّ .

وَمِنْ كَلِمَاتِهِ أَيْضًا :

سَلَّمْتُ لِي الْأَرْضَ شَرْقًا وَغَرْبًا سُكْنِي وَغَيْرَ سُكْنِي ، بَرًّا وَبَحْرًا ، سَهْلًا وَ
جَبَلًا ، كُلِّهِمْ يُخَاطِبُونِي بِالْقُطْبِيَّةِ .

وَمِنْ كَلِمَاتِهِ أَيْضًا :

أَنَا سَيِّفٌ أَنَا قِتَالٌ ، أَنَا أَعْلَمُ مَا فِي بَطْنِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَأَنْتُمْ فِي نَظْرِي
بَيْنَ يَدَيَّ كَالْقَوَارِيرِ .

وَمِنْ كَلِمَاتِهِ أَيْضًا :

أُعْطِيْتُ الْآنَ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الْعِلْمِ اللَّدُنِّيِّ سَعَةً مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ .

شيخ ابوالحسن خرقاني :

صَعِدْتُ ظَهْرِيَّةً عَلَى الْعَرْشِ لِأَطُوفَ بِهِ فَطَفْتُ عَلَيْهِ الْفَ طُوفَهُ . أَوْ كَمَا قَالَ :
وَرَأَيْتُ حَوَالِيهِ قَوْمًا سَاكِنِينَ مُطْمَئِنِّينَ فَتَعَجَّبُوا مِنْ سُرْعَةِ طُوفَانِي وَ مَا
أَعْجَبَنِي طُوفَانِهِمْ فَقَالَتْ مِنْ أَنْتُمْ وَمَا هَذِهِ الْبُرُودَةُ فِي الطُّوفَانِ ، فَقَالُوا نَحْنُ
مَلَائِكَةٌ وَ نَحْنُ أَنْوَارٌ وَ هَذَا طَبْعُنَا لِأَنَّ قَدْرَانُ نَتَجَاوِزُهُ ، فَقَالُوا وَ مَنْ أَنْتَ وَ

ماهذه السُرعة في الطواف؟ فقلت بل أنا آدمي وفتي نور و نار و هذه
السُرعة من نتایج نور الشوق .

للشيخ محبي الدين في فتوحاته :

أنا ختم الولاية دون شك
يورث الهاشمي مع المسيح

و فيها أيضاً :

ولما أتاني الحق ليلاً مبشراً

بأني ختام الأمر في عمرة الشهر

و قال لمن قد كان في الوقت حاضراً

من الملاء الأعلى و من عالم الأمر

ألا فانظر و افيه فإن علامتي

على ختمه في موضع الضرب بالظهر

أنا وارث لاشك علم محمد

و حالته في السرميني و في الجهر

و اني لختم الأ و لياء محمد

ختام اختصاص في البدائة و الحضر

و من كلماته :

و النور بدري و الضياء ذكائي

الله أكبر و الكبير رداي

و حقايق الخلق الجديد امائي

و الشرق غربي و المغرب مشرقى

و البعد قربي و الدنو فنائي

و النار غيبي و الجنان شهادتى

أبصرت كل الخلق في مرائي

و اذا أردت تنزهاً في روضتى

أحد أخلفه يكون ورائى

و اذا انصرفت انا الامام و ليس لى

في كتاب " مقامع الفضل " لابن الآقا (طاب شراه) :

شیخ محی الدین در " فصوص " و " فتوحات " گوید که: هر که بت پرستید، به همان خدا را پرستیده باشد، و چون سامری گوساله ساخت که مردم را به عبادت او خواند، حق تعالی یاری نکرد هارون را بر سامری، از برای آن که می خواست که در هر صورتی پرستیده شود. حق تعالی نصاری را نکفیر نمود به سبب آن که به الوهیت عیسی (عَلَيْهِ السَّلَام) قائل شدند، بلکه به سبب آن که خدا را منحصر در عیسی دانستند، چنان که فرمود:

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ . . .

و خود را خاتم الاولیاء دانسته و گفته که: ختم ولایت به او شده و پیغمبران نزد او حاضر شدند به جهت تهنیت و مبارکبادی ختم ولایت، و نیز گفته که: جمیع انبیاء اقتباس علم می کنند از مشکوة خاتم انبیاء و جمیع اولیاء اقتباس علمی می کنند از مشکوة خاتم اولیاء، و گفته که: خاتم اولیاء افضل است از خاتم انبیاء در ولایت، چنان که خاتم انبیاء افضل است از سائر انبیاء در رسالت، و نیز گفته: اهل آتش در دوزخ تنعم می کنند و به آتش راحت می یابند و لذت می برند، و عذاب کافر منقطع خواهد شد، و عذاب مشتق است از عذاب به معنی شیرینی، اِنْتَهَى كَلَامُهُ فِي كِتَابِهِ الْمَذْكُورِ.

شرح " دیوان میبیدی ":

مؤیدالدین جندی در شرح " فصوص " گفته که: شیخ یعنی شیخ محیی الدین عربی در اول محرّم در اشبیلیه از بلاد اندلس - اشبیلیه من قواعِدِ الانْدَلُسِ وَلَهَا خَمْسَةٌ عَشْرَ يَوْمًا - به خلوت نشسته و نه ماه طعام نخورد، در اول عید مامور شد به بیرون آمدن، و مبشر شد به آن که خاتم ولایت محمد^ص است (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) .

و هم در شرح " فصوص " گوید :

مِنْ دَلَائِلِ خَتْمِيَّتِهِ أَنَّهُ كَانَ بَيْنَ كِتْفَيْهِ فِي مِثْلِ الْمَوْضِعِ الَّتِي كَانَ لِنَبِيِّنَا
(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عِلْمٌ مِثْلُ ذَرِّ الْحَجَلِ ثَابِتٌ تَقَعِيرُ تَسْعَ ، مِثْلُ
ذَرِّ الْحَجَلِ إِشَارَةٌ إِلَى أَنَّ خَتْمِيَّتَهُ النَّبُوَّةَ ظَاهِرَةٌ فَعَلَيْهِ وَخَتْمِيَّةُ الْوِلَايَةِ
بِاطِنَةٌ أَنْفَعَالِيَّةٌ ...

تا آنجا که می گوید : بعضی در تکفیر و تضلیل شیخ بسیار مبالغه دارند
و او را اکفر کفره پندارند، و چاره این مردم در غیبت، فراموشی و در
حضور خاموشی .

حافظ :

با مدتی مگوئید اسرار عشق و مستی
بگذار تا بمیرد در عین خود پرستی
عاشق شو آر نه روزی کار جهان سرآید
نا خوانده نقش مقصود از کارگاه هستی
تا علم و عقل بینی بی معرفت نشینی
یک نکته‌ات بگویم خود رامبین که رستی

يَقُولُ الْمُؤَلَّفُ (وَوَقَّهَ اللَّهُ تَعَالَى) :

وَ فِي " كَشْفِ الظُّنُونِ " لِكَاتِبِ الْجَلْبِي ، قَالَ :
كِتَابٌ " مَنَاقِبِ " مُحْيِي الدِّينِ ابْنِ عَرَبِيٍّ اِنْدَلُسِيِّ مِنْ تَأْلِيفَاتِ سَيِّدِ عَلِيِّ
بْنِ مَيْمُونِ الْمَغْرِبِيِّ الْمُتَوَفَّى سَنَةَ سَبْعِ عَشْرَةَ وَ تِسْعِ مِائَةِ (٩١٧) ، وَ سَمَّاهُ
" تَنْبِيهُ الْغَيْبِيِّ فِي تَنْزِيهِ ابْنِ عَرَبِيٍّ " وَ لِلسِّيُوطِيِّ اَيْضًا الْمُتَوَفَّى سَنَةَ اِحْدَى
عَشْرَةَ وَ تِسْعِ مِائَةِ (٩١١) وَ لِلشَّيْخِ اِبْرَاهِيمِ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَلْبِيِّ وَ سَمَّاهُ " تَنْبِيهُ
الْغَيْبِيِّ فِي تَكْفِيرِ ابْنِ عَرَبِيٍّ " وَ اَجَابَ عَنِ الَّذِي اَوْرَدَهُ السِّيُوطِيُّ وَ تَوَفَّى
سَنَةَ سِتِّ وَ خَمْسِينَ وَ تِسْعِ مِائَةِ (٩٥٦) ...

يَقُولُ الْمُؤَدَّبُ (وَقَفَّ اللَّهُ) :

بر عارف بصیر و ناقد خبیر و اهل انصاف خالی از جفاف و اعتساف ، واضح و لایح است که تمام این اقوال را از روی کذب و بهتان ، و غرور و طغیان ، و هوای نفس و خود نمائی ، و محض شهرت بین انام ، و گول و فریب مردمان عوام کالانعام گفته اند . و اکثر این کلمات را که این طایفه گفته اند ، محض لجاجت و عناد و خصومت و لِدَاد و ضِدِّیت و نِدِّیت و معارضه و منا له با شیعه اثنی عشریه است ، چون شنیده اند که شیعه گویند : ختم ولایت به وجود مبارک حضرت بقیه الله (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَهُ) شده است ، محیی الدین در مقام معارضه برآمده ، دعوی ولایت و خاتم الاولیائی می نماید .
و چون شنیده اند شیعه می گویند :

حضرت امیر المؤمنین (عَلِيهِ السَّلَام) در بالای منبر " سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي " فرمودند .

مقاتل بن سلیمان نیز بر منبر " سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي " و " سَلُونِي عَمَّا دُونَ الْعَرْشِ " می گوید و از او سؤال می کنند : اول حجتی که آدم بجا آورد سر او را کی تراشید؟ فریو می ماند و جواب نمی دهد . ابن جوزی هم می رود بالای منبر این دعوی بیجا را می نماید و این عبارت را می گوید ، خداوند تعالی زنی را می گمارد که او را مَجَاب می سازد و دعوی او را باطل می نماید . و قتاده در مسجد کوفه نیز این دعوی می نماید ، و مردی از او سؤال می کند از موری که با سلیمان (عَلِيهِ السَّلَام) تکلم کرد ، نر بود یا ماده؟ در جواب عاجز می شود ، و حال آن که تأنیث او از لفظ ضمیر " قَالَتْ " در قرآن ثابت است . چنانکه عمر بن الخطاب می گوید :

چهل خاتم در رکوع به سائل بخشیدم که آیه ای هم در حق من نازل شود - چنان که برای حضرت امیر المؤمنین (عَلِيهِ السَّلَام) نازل شد -
ابداً نازل نشد .

عجب تر این که صاحب کتاب " خصایص " محمد بن جریر طبری که از علماء اهل سنت و جماعت است با وجودی که امام او عمر بن الخطاب این کار را کرد و برای او آیتی نازل نشد، می گوید:

چهل مرتبه من هم در حالت رکوع انگشتی خود را در راه خدا به این آرزو و تمناً تصدق نمودم تا در شان من هم آیتی نازل شود، نازل نشد.

و شنیده اند که شیعه می گویند:

در معراج حضرت پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همه جا حضرت امیر المؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) را با خود دید.

و خود اهل سنت هم اقرار دارند، چنان که در " خلاصة المناقب " و " بحرالمعارف " مسطور است که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند: در شب معراج خداوند تعالی به من فرمود: یا محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که را از خلائق دوست می داری؟ گفتم: علی (عَلَيْهِ السَّلَام) . پس فرمودند: نگاه کن به جانب چپ خود. چون نگاه کردم دیدم علی (عَلَيْهِ السَّلَام) ایستاده (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطاهرین) .

اهل سنت هم در مقابل می گویند:

مُلاّی رومی صاحب " مثنوی " درشش سالگی به سیر ملکوت آسمانها رفت، چنان که در " سفینه الاولیاء " محمد داراشکوه قادری است .

و شیخ ابوالحسن خرقانی می گوید:

بعرش رفتم و هزار طواف نمودم در دور عرش .

دیگری می گوید:

در آسمانها رفتم مرتبه علی (عَلِيهِ السَّلَام) را دیدم، پست تر از خلفاء بود!

و نیز شنیده‌اند جماعت شیعه می‌گویند:

حضرت امیرالمؤمنین (عَلِيهِ السَّلَام وَالصَّلَاة) امام برجَن و انس بود، و پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن حضرت را به محاربه جنیان می‌فرستاد، و حکومت بر جن و انس داشت.

اهل سنت در مقابل می‌گویند:

شیخ عبدالقادر جیلانی امام برجَن و انس بود، و جن و ملک مانند انس پیش او می‌آمدند و کلمات او را می‌شنیدند، و حکم میان آنها می‌کرد، و " غَوْتُ الثَّقَلَيْنِ " او را به این جهت گویند که امام بر انس و جن و ملائکه بود.

و شنیده‌اند که شیعه می‌گویند:

آفتاب بر حضرت امیرالمؤمنین (عَلِيهِ السَّلَام) سلام می‌کرد و می‌گفت:
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوْلِيَا آخِرِيَا ظَاهِرِيَا بَاطِنُ ...

شیخ ابوالسعود بی‌گوید:

حضرت غوث یعنی شیخ عبدالقادر می‌گفت که: آفتاب و ماه بر من آیند تا بر من سلام نمی‌گویند.

و شنیده‌اند شیعه می‌گویند که:

سال و ماه و ایام هفته ائمه اطهارند (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) و عرض اعمال به آنها می‌شود.

اهل سنت گویند:

شیخ عبدالقادر گفت: سال و ماه و هفته و روز آمده بر من سلام می‌کنند و آنچه از خیر و شر در ایشان مقدر شده خبر می‌دهند.

چنان که محمد داراشکوه قادری در "سفینه الاولیاء" نوشته، و کتاب مذکور نزد حقیر مؤلف حاضر است به خط یکی از اهالی شاه جهان آباد، و تاریخ تألیف کتاب مذکور در سنه ۶ یک هزار و چهل و نه هجریه (۱۰۴۹) است، در آنجا می‌گوید که:

شیخ سیف‌الدین عبدالوهاب ولد غوث اعظم فرموده‌اند که: هیچ ماهی از ماهها نبود مگر که پیش از نو شدن بیامدی پیش والدین، اگر چنانچه در آن ماه بدی و سختی مقدر شده بودی، به صورت ناخوش آمدی، و اگر خیری مقدر بوده، به صورت نیکو آمدی. آخر روز جمعه سلخ جمادی الاخری سال پانصد و شصت جمعی از مشایخ نزد شیخ نشستند، جوانی خوب روی در آمد و گفت: *اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللّهِ*، من ماه رجب، آمده‌ام تا تو را تهنیت گویم، و در من هیچ بدی و سختی مقدر نشده، در آن ماه رجب هیچ ندیدند مردم مگر خیر و نیکویی. چون روز یکشنبه آمد سلخ رجب بود، شخصی کربه المنظر آمد و گفت: *اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللّهِ*، من شهر شعبانم، آمده‌ام که تو را تهنیت گویم، مقدر شده است در من موت و فناء خلق در بغداد و گرانی در حجاز و قتل و کشتن در خراسان. چون ماه شعبان آمد همه واقع شد، و شیخ عبدالقادر در ماه رمضان چند روز بیمار شدند، روز دو شنبه بیست و نهم رمضان جمعی از مشایخ چون شیخ علی هیبتي و شیخ نجیب الدین سهروردی و غیرهما پیش او نشستند، شخصی بابهاء و وقار تمام در آمد و گفت: *اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللّهِ*. من ماه رمضان، آمده‌ام که اعتذار کنم از آنچه بر تو مقدر شده بود در من، و وداع کنم تو را که این آخر اجتماع من است با تو. پس باز گشت و شیخ در ربیع الاخر

سال دوم وفات کرد و رمضان دیگر را در نیافت .

و نیز شنیده‌اند که شیعه می‌گویند :

اِئْمَةٌ مَا (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ) فرموده‌اند : اسامی شیعیان ما در نزد ما در صحیفه ثبت و ضبط است ، همچنین اسامی اعادی ما .

اهل سنت می‌گویند که :

شیخ عبدالرزاق فرزند شیخ عبدالقادر گفته که شیخ گفت : کاغذی به دست من دادند به مقدار درازی انتهای نظر ، دیدم که نام اصحاب و مریدان من که تا قیام قیامت نسبت خود را به من درست خواهند کرد ، در آنجا ثبت نموده‌اند ، و حکم شد که این همه را به تو بخشیدم . و شیخ گفت : قسم به عزّت و جلال خدا که قدم بر ندارم از پیش پروردگار خود ، تا روانه نسازد مریدان مرا با من سوی بهشت .

و شنیده‌اند که شیعه می‌گویند :

اِئْمَةٌ مَا (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ) موت و حیاتشان مساوی است ، چنان که در حال حیات ظاهری تصرفات در عوالم امکان داشتند ، در موت ظاهری هم تصرفات به تمام عوالم دارند .

اهل سنت و جماعت نیز گویند :

چنانچه شیخ عبدالقادر را در ایام حیات بر تمام عالم تصرف بود ، بعد از وفات در قبر نیز همان تصرفات را خدا به او داده است .

و نیز چون شنیده‌اند که شیعه اموات خود را در روضات متبرّکه و مشاهد مشرفه اِئْمَةٌ ظاهری (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ) دفن می‌کنند و می‌گویند عذاب از آنها برداشته می‌شود ، شیخ ابوبکر بطایحی می‌گوید که :

از حق تعالی عهد گرفتم که جسدی که در روضه من درآید، آتش آن را نسوزاند و عذاب از او برداشته می شود .

و قبر ابوبکر بطایحی در بطایح است .

خلاصه معارضات و مناوالات و ضدیت اهل طایفه سَنّت و جماعت را در مقابل شیعه اثنی عشریه در هر یک از مقالات و درجات چنانچه بخواهم بشمارم و ذکر نمایم کتابی خواهد شد ، شَهِدَ اللهُ تَعَالَى که تمام این نسبتها که این اشخاص در مقابل ائمه ما (صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) که به خود داده اند یا دیگران به آنها نسبت می دهند ، کَذِبٌ مَحْضٌ و مَحْضٌ کَذِبٌ و شهرت و ریاء و سَمْعُهُ و غرور و طغیان و عدوان است و هیچ مقصودی از این خرافات و جزافات ندارند إِلَّا إِطْفَاءُ انوارِ مَصَابِيحِ هُدَى (عَلَيْهِمْ صَلَوَاتُ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى) :

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ .

تَمَّتْ فِي صَبْحَةِ يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ شَهْرِ رَجَبِ الْكَافِي فِي بَلَدِهِ هَمْلَانَ ضَاهَا السَّعْدِ وَالْأَسَدِ وَالْحَدِيثِ
عَلَيْهِ بِدَوْلَتِهِ وَكَاتِبَانَا لَنَا طَائِفَتَا بَيْتِ الْحَرَامِ أَبِي الْكَوَاكِبِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا عَلَيْهِمَا
الْحَمْدُ أَصْلًا لِنَجْحِي كَمَا فِي سَنَةِ رُطْبَانِ مَجْمَعَةِ الْأَجْمَعَةِ مَا نَعْمَلُ نَجْمًا إِلَى الْأَمَلِ
۱۳۱۷

لغات دشوار

الف

آجال ، ج اجل : سرآمد ، عمر ، مهلت	احلاس ، ج حلس : زیر انداز
آجلاً : پس از گذشت زمانی ، با داشتن سر رسید	اِخْتِبَار : آزمودن ، خبردار شدن
آناً فآناً : پی در پی ، آن به آن	اِخْمَى : گزیده تر
آناء لیل : در طول شب	اِخْطَار ببال : به ذهن آمدن ، به فکر رسیدن
اباطیل ، ج باطل : سخن بوج ، بی پایه و نا -	اِخْلَاء ، ج خلیل : دوست صادق و مخلص
ابیدار	ادنی : نزدیکتر
ابدال ، ج بدل : جانشین ، جایگزین . در -	اراجیف ، ج ارجاف : خبری اساس ، گفتار
اصطلاح ، گروهی از مردان خدا که باید در	ازروی خیال
گوشه و کنار زمین همواره باشند و چون یکی	اراذل ، ج رذل : پست و فرومایه
از دنیا رود ، دیگری جای او را پر می کند .	ارجاس ، ج رجس : ناپاک ، بد نهاد
ابرام : پایدار ساختن ، استواری	ارواحُ الْعَالَمِیْنَ لَهُ الْفِداءُ : جان عالمیان
ابناء دنیا : فرزندان دنیا ، کنایه از کسانی	فدایش باد
که علاقه و دلبستگی شدید به امور دنیوی	اساطین ، ج اُسطوانه : ستون ، رکن . در
دارند .	اصطلاح ، شخصیت ممتاز در یک فن یا رشته
اِجماع : گرد آمدن بر امری ، پیوستن به یک	اسانید ، ج اسناد : سندها ، سلسلهٔ روایان
گروه . در اصطلاح ، اتفاق نظر فقها در حکمی	حدیث
اَحْرَى : سزاوارتر	اُسبوع : هفته

استبدال: جایگزین خواستن، به عوض گرفتن

استبعاد: دور شمردن، بعید دانستن

استدامت: دوام طلبیدن، درنگ نمودن

استشفاع: شفاعت خواستن، شفیع طلبیدن

استظهار: یاری خواستن، پشت گرمی

استعجاب: عجب و شگفت شمردن

استعلام: پرسیدن، خبرگرفتن

استغاثه: دادخواهی، زاری

استغراب: غریب و شگفت دانستن

استغراق: فرو رفتن، سخت سرگرم شدن

استقصاء: پی جوئی کردن، جستجوی عمیق و دقیق

استکشاف: پرده برداشتن، آشکار ساختن

استكفاء: کفایت خواستن، کارگزار طلبیدن

استداد: سختی، شدت یافتن

اشمئزاز: بیزاری، رمیدن

اضاعت: شباه کردن، هدر دادن

إضعاف: زیاد کردن، دوبرابر نمودن

أَطَابَ اللهُ شَرَاهُ: خدا خاک مزارش را پاک و خوشبوی نماید

اطفاء: فرو نشانیدن، خاموش کردن

أَعَادِي، ج اعداء: دشمنان

اعتساف: ستم رواداشتن، انحراف از مسیر حق و عدالت

أَعْرَاضُ، ج عرض، آبرو، حیثیت

أَعْرَظُهُ، ج عزیز: ارجمند، چیره

إِعْطَافٌ: مهربانی، روی خوش داشتن

أَعْلَى اللهُ مَقَامَهُ: خدا رتبه اش را بالا برد

أَعْنِي: منظورم اینست که، عنایت دارم به

اغاشه: فریاد رسی

أَغْلَى: گرانتر

افواه، ج فوه: دهان

اقاویل، ج اقوال: گفتارها، سخن ها

إِقْتِدَاءُ لِلنَّبِيِّ: به پیروی از پیامبر

أَقْلُّ الطَّلَبِ: ناچیزترین طلبه

إِكْسِيرُ أَحْمَرَ: جوهری که به آن مس را طلا کنند، هر چیز نایاب و ارزشمند

أَكْفَرُ كَفْرِهِ: کافرترین کافران

التقاط: برگرفتن پاره ای از چیزی

الحاح: ایستادگی، پافشاری

أَلْمَعَى: زیرک، تیزهوش

أَمْصَارٌ، ج مِصْر: شهر، دیار

انام: آفریدگان، مردم

إِنجَاح: برآمدن حاجت، رسیدن به پیروزی

إِنْشَاد: سرودن و خواندن شعر

إِنْفَاد: تمام کردن، نابود نمودن

إِنْفَادٌ: اجرای حکم، نافذ ساختن

اوتاد، ج وتد: میخ، چوب نگهدارنده طناب

خیمه: کنایه از مردان بزرگ معنوی

اوشق : استوارتر ، مورد اطمینان کامل

اورع : پارسا تر ، پرهیزگارتر

اولوا العزم : صاحبان اراده استوار .

در اصطلاح ، پیامبران بلند مرتبه

اهوال ، ج هول : ترس و بیم

ایقاعات ، ج ایقاع : پدیدار ساختن ، افکندن ،

به بدی گرفتار نمودن . در اصطلاح ، عمل یک

جانبه حقوقی

ایفاظ : بیدار ساختن ، هشدار دادن

ای وَالله : آری ، سوگند به خدا بده

بِعَوْنِ اللهِ تَعَالَى : بیاری خدای بلند مرتبه

بِنان : سرانگشت

بَهْرُ بَرَاهُنْهُ : برهانش روشن بوده و هست .

بعینتها : درست مانند آن

بیتونیت = بینونت : جدائی

پ

پژمان : اندوهناک ، افسرده

ت

تا بعین ، ج تابع : پیرو . در اصطلاح ، کسانی

که محضر اصحاب پیغمبر را درک کرده اند .

تأنیث : به جنس ماده نسبت دادن ، به کلمه

علامت مادگی افزودن

تأویل : بازگردانیدن ، تعبیر ، شرح کلام

به غیر ظاهر آن

تباکی : تظاهر به گریستن ، خود را به گریه

زدن

تَحَاشٍ : کناره گرفتن ، پرهیز کردن

تَحَسُّرٌ : افسوس خوردن ، پشیمانی

تَخَشُّعٌ : فروتنی ، کوچکی

تَخَفُّعٌ : افتادگی ، فروتنی

تَخَطَّى : پا را فراتر نهادن ، پیشی گرفتن ، از

ب

بَاهِرُ النُّورِ : نور افشان ، درخشان

بُؤْسٌ : سختی ، فشار

بِالْمَرَّةِ : یکباره

بِدَاءٍ : از نو آغاز نمودن ، دگرگون ساختن ،

آشکار شدن

بِرَابِءٍ ، ج بریه : آفریدگان

بُرْجِ حَمَلٍ : ماه فروردین

بَرَدَ اللهُ مَضْجَعَهُ : خداوند آرامگاه او را خنک

گرداند .

بِسالٍ : دلاوری ، شجاعت

بِطَالٍ : بیهودگی ، پرچی ، تنبلی

بَطْلٌ : پهلوان ، قهرمان

روایتی را گویند که اسنادش بسیار متعدد

و یقین آور باشد.

تَوَقُّعُ : امضاء کردن زیر نوشته ، دست خط

صادر از ائمه معصومین بویژه امام عصر(ع)

تَهَجُّدٌ : شب زنده داری ، بیداری شب برای

عبادت

تَيْمُنٌ : فرخنده و پرمیمت بودن

تیه : بیابان بی آب و علف که مسافران در آن

گم شوند .

ن

نُفَاثٌ : معتمدان ، روایان حدیث که سخن

آنها معتبر است .

نُمَيْنٌ : گرانبها ، پر قیمت

ج

جَازِمٌ : استوار ، برنده

جَبَلِيٌّ : طبیعی ، ذاتی ، فطری

جَزَافَاتٌ ، **جَزَافَةٌ** : گزافه ، سخن بیهوده یا

بسیار مبالغه آمیز

جَسْبٌ : خوراک درشت و سخت و بدگوار

جَلٌّ وَّ عَلَاٌ : شکوه مند و برتر بوده و خواهد بود .

جَلِيَّةٌ : روشن ، درخشان ، آشکار

راه بیرون شدن

تَدْلِيْسٌ : فریبکاری ، عوام فریبی

تَرْحِيْبٌ : خراب کردن ، فرستادن ، خوشامدگفتن

تَرْضِيْهٌ : خشنود ساختن

تَرْقُّعٌ : اوج گرفتن ، بالا رفتن

تَرْقِيْمٌ : نوشتن

تَسَامُحٌ : آسان گرفتن ، مدارا کردن ، سهل

انگاشتن

تَسْوِيْلَاتٌ ، **تَسْوِيْلٌ** : آراستن فریبکارانه

تَصْحِيْفٌ : دستکاری در نوشته که معنا را

دگرگون کند .

تَضْلِيْلٌ : گمراهی ، گمراه ساختن

تَطْرُقٌ : راه یافتن

تَطَاْفُرٌ : همدستی ، یاری دادن ، اصطلاحی

در طبقه بندی احادیث .

تَعْوِيْذٌ : پناه گرفتن ، دعائی که بخوانند یا

نوشته و همراه دارند تا از بلا یا درامان و

پناه بمانند .

تَغَاْفُلٌ : بی خبری ، تظاهر به غفلت

تَفَقُّدٌ : جستجوی گمشده ، جویا شدن از حال

کسی

تَقَاعُدٌ : کناره گیری ، بازنشستگی

تَلْوِيْحٌ : پوشیده ، سر بسته گفتن

تَنْعَمٌ : نعمت داشتن ، خوشگذرانی

تَوَاتُرٌ : پی در پی آمدن ، در اصطلاح علم حدیث

جَمْرَه : اخگر آتش ، پاره آتش

جَنَازَه ، ج جنازه : بدن مرده ، جسد

جَوَاحِرِیَه : مربوط به اندام بدن

جیران : همسایگان

خَصِیصِین ، ج خَصِیص : برگزیده ، ویژه

خَطَلٌ : سخن بی پایه و تنبیه ، ناسزا و فحش ،

سستی و شتابزدگی

خُفِیَه : پوشیده و پنهان و نهفته

خُلَّةٌ : دوستی صادقانه

خَوَاتِیم ، ج خاتام ، خاتمه : انگشتری ، مهر ،

فرجام و پایان هر چیز

خَوْفًا لِلْإِطَالَةِ : بخاطر ترس از طولانی شدن

کلام

خِشْوَمٌ : بن بینی و میان دو ابرو

ح

حَاشَا وَكَلَّا : بدور است و نه چنین است

حَدِيدَةٌ مُحَمَّاةٌ : آهن سرخ و گداخته

حَذَّوَالنَّعْلَ بِالنَّعْلِ : کنایه از دقت در برابری

ویکنواختی ، همانگونه که دو لنگه کفش با

هم برابرند .

حُرُوفٌ مُقَطَّعَةٌ : کلمات بریده . در اصطلاح ،

حروف بظاهر غیر قابل ترجمه آغاز بعضی از

سوره های قرآن مانند کهیعیص

حنیف : آئین مستقیم ، ثابت در دین

د

دَاهِیَه : زیرکی ، تیزهوشی ، کار بزرگ

دَأْبٌ : شیوه ، عادت ، شَأْنٌ

دِنَانِیرٌ ، ج دینار : واحد پول عرب

دَنَى : پست

دَوَاوِینٌ ، ج دیوان : دفتر ، بویژه دفتر شعر

دَیْدَنٌ : روش ، خوی ، عادت

خ

خَاطِفٌ : خیره کننده چشم

خَامِلِ الذِّكْرِ : بی نام و نشان ، از یاد رفته

خَدٌّ : گونه ، رخسار

خَصَائِلٌ ، ج خَصِیلةٌ : موی بافته سر ، عضله بدن .

در زبان فارسی به معنای فضیلتها بکار می

رود .

ذ

ذَابِعٌ : آشکار ، فاش

ذَرَّارِیٌ ، ج ذَرَّیَه : فرزند ، نسل آینده

ذَرِیعَه : وسیله ، واسطه ، دستاویز

رافقه : زیبا و پاک

راجح : دارای برتری

رجال الغیب : شخصیت های الهی که در گوشه و

کنار جهان بطور ناشناس زندگی می کنند.

رَجْمَةُ اللَّهِ : خدای رحمتش کند.

رُخَاءٌ : آسانی در زندگی و فراوانی نعمت

ردائت : پستی و تباهی

ردالت : فرومایگی ، پستی

رزایا، ج رزیه : پیشامدهای ناگوار

رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ : خشنودی خدا بر او باد.

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : خدا از او خشنود باشد.

رَطْبُ اللِّسَانِ : ترزبان ، کنایه از سخنی که

همواره بر زبان باشد.

رِقَاعٌ ، ج رُقْعَة : نوشته ، نامه ، پاره کاغذی که

بر آن نویسند.

رَقِيبٌ : نگاهبان ، دیده ور ، نام فرشته ای که

مراقب رفتار انسان است.

رَقِيبَةٌ : بندگی ، بردگی

رَوَاتٌ ، ج راوی : بازگوکننده حدیث و تاریخ

رَوْضَاتٌ ، ج رَوْضَة : گلزار . در اصطلاح ، مجالس

عزاداری

رَبِيبٌ : دو دلی ، تردید

زاهره : روشن و درخشان

زخارف، ج زُخْرَفٌ : نقش و نگار زرین ، سخن

به زیور باطل آراسته شده

زُنَادِقَه ، ج زِنْدِيقٌ : بی دین ، دهری ، پیرو

های مانی را نیز گفته اند.

زَيٌّ : لباس ، شکل و هیئت

س

سَامِعُ السِّرِّ وَالنَّجْوَى : شنونده سخن پنهانی و

در گوшы

سامیه : بلند پایه

سایر : روان ، جاری

سَرَائِرٌ ، ج سریره : راز ، رمز ، نیت قلبی ،

درون

سَرِيَانٌ : شب روی ، جریان خون در رگ ها ،

فرو نشستن خشم و اندوه

سُكْرٌ : مستی ، نداشتن هشیاری

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ : درود خدا بر همه

ایشان باد.

سلخ : روز آخر هر ماه قمری

سِمَاتٌ ، ج سِمَاتٌ : نشانه ، رتبه

سَمَاكٌ : ستاره بسیار بلندی در آسمان

سُمْعَه: خود نمائی، نوعی سخن گفتن آشکاره

دیگران هم بشنوند، ریا

سَمَك: ماهی

سَبَاح، ج سائِح: عبادتگر روزه دار

ضَرْبُ بِلَاد: سفر از وطن برای جنگ و تجارت

و ماندن در شهرها

ط

طَابَ شَرَاه: خاک مزارش پاک و خوشبوی باد.

طَرَفَةُ الْعَيْنِ: چشم برهم زدن، يك لحظه و آن

طَلِسْمَات، ج طلسم: نوعی از خطوط و اشکال و

مکتوبات برای خواص شگفت

طَوَعًا أَوْ كَرْهًا: خواه ناخواه، به میل یا اکراه

طَبِيسَان: بالابوش، نوعی لباس مخصوص

ع

عَاجِلًا: به شتاب، بی درنگ

عَاطِل: بیکاره، بیهوده

عَنَتِيد: همواره آماده، نام فرشته ای که در

هر حال مراقب اعمال انسان است

عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَهُ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَهُ: خدای در

آسایش او شتاب کند و قیام وی را آسان نماید.

عُجَالَه: آنچه با شتاب فراهم آید و مختصر باشد.

عَزَّ سُبْحَانَهُ: پاکی در نهایت شکوه است.

عِمَايَه: گروهی بین ده تا چهل نفر

عُظَلَّت: بیکارگی، بطالت

عِقَار: آب و زمین، اثاث خانه

ش

شَبَاهَةٌ مَا: همسان تقریبی، چیزی در مابۀ

شبهت

شَتَّى، ج شتیت: پراکنده

شِنَاعَت: زشتی و ناپسندی

شَنِيْعَه: ناپسند و زشت

شَوَاغِل، ج شاغله: سرگرم کننده، گرفتاری

شَهِدَ اللَّهُ تَعَالَى: خدای والا مرتبه گواه است.

ص

صَائِم: روزه دار، روزه گیر

صَح: درست دانستن، تصویب، امضاء

صُعُوبِيْت: دشواری، سختی و تنگی

صَفْح: گذشت و بخشش

صُوف: نوعی پارچه پشمی و خشن

ض

عقیب : دنباله ، دربی

عَلَقَهُ : پاره ای از خون بسته

عَلَى حَسَبِ اسْتِعْدَادِهِمْ : بمیزان شایستگی یا

آمادگی ایشان

عَلَى مُشْرِفِهَا آلاَفُ التَّحِيَّةِ وَ التَّحَفِّ : بر ساکن

آن محل هزاران درود و هدیه باد .

عَمَّا قَرِيبٍ : بزودی

عَمَّ نَوَالُهُ : بخشش او همگانی است .

عَوَامُ كَالْأَنْعَامِ : مردم نادان چهارپا صفت

عِيدَ أَضْحَى : عید قربان ، دهم دیحجه

غ

غدير: گودال آب ، عید اعلام خلافت حضرت

امیرالمومنین علیه السلام

غُصَصٌ ، ج غُصَّةٌ : اندوه سخت و گلوگیر

غَوَّثَ : پناه ، فریادرس

ف

فاشقه : برگزیده ، برتر ، ممتاز

فاتر : سست ، زبون

فارغُ البالِ : آسوده خاطر ، بدون نگرانی

فَانْتَظِرْ : پس چشم براه باش .

فَإِيضٌ : فروریز ، سرشار ، لبریز ، فیض بخش

فَتَأْمَلُ : پس نیک بیندیش .

فَتَذْكُرُ : پس بیاد آور .

فَتَرَبَّصْ : پس درانتظار باش .

فِتْنٌ ، ج فِتْنَةٌ : آزمایش دشوار و لغزاننده ،

آشوب

فُتُورٌ : سستی ، ناتوانی ، کندی

فَخِيمٌ : گرامی ، بزرگوار

فَدْوِيَّةٌ : چاکری ، جان نثاری

فَرَاخٌ ، ج فرسخ : واحدی از طول نزدیک به

۶ کیلومتر ، کنایه از مسافت زیاد

فَرَّاشٌ : رختخواب ، جامه خواب

فَرِيقَيْنِ : دوگروه ، گاهی به شیعیان و اهل

سنت و گاهی به پریان و آدمیان گفته می

شود .

فَرْعٌ : ناله ، زاری ، فریاد

فَضَائِحٌ ، ج فضیحت : رسوائی ، بدنامی

فَلَا حِظَّ : پس نظر کن .

فَلْيُرَاجِعْ : پس بایستی مراجعه شود .

فُوزٌ : رستگاری ، رسیدن به مقصد ، پیروزی

ق

قاهر: چیره ، پیروز

قَدَسَ اللّهُ رُوحَهُ : خدا روحش را پاک گرداند .

قُدْسٌ سِرٌّ : خاک مزارش پاک باد .

قَرَاتِيس ، ج قرطاس : کاغذ ، نامہ

قَوِيم : استوار ، پابرجا ، راست و درست

قِيَامُ الْقِيَامِ : برپاشدن قیامت

قَبْرَاط : واحد وزن معادل ۱/۲۱ مثقال کہ

بیشتر برای سنجش الماس بکار می رود .

ک

كَالْشَّمْسِ فِي رَاثِعَةِ النَّهَارِ : همچون خورشید

در بلندای روز

كَانَّهُ : بسان آنکه او ، گویا کہ او

كَبِيرٌ ، ج كبير : بزرگ ، والا مقام

كَتَبَهُ ، ج كاتب : نویسنده

كِرْبَةُ الْمَنْظَرِ : زشت رو ، بدسیما

كُشٌّ : كشتار

كَفَّارَةٌ : جرمه‌ای که با انجام آن گناه را می

پوشانند .

كَلْكٌ : قلم ، نی تراشیده که با آن می نویسند .

كَمَا يَنْبَغِي : آنگونه که شایسته و درخور است .

كُنَايَ ، ج كُنْيَة : نامی که رابطه شخص با پدر و

فرزندش را می رساند .

كَهْفٌ : پناهگاه ، خانه سنگی درون کوه

ل

لَمَحَالِه : ناگزیر ، بناچار

لَامِعَةٌ : درخشان ، تابان

لَايِحٌ : روشن و آشکار

لَيْسٌ : جامه ، تن پوش

لِدَادٌ : سرسختی و لجابت در دشمنی و جدال

لُدُنِّيَّةٌ : در اصطلاح به آنچه غیر اکتسابی و

عطای الهی باشد گویند .

لَعَلَّ : شاید ، امید است که

لَمَحِهِ : چشم بر هم زدن ، نگاه کوتاه و نهائی ،

زمان بسیار اندک

لَوْدَعَى : تیزهوش وزیرك ، سخنور و زبان باز

لِيُعَلِّمَ : باید دانسته شود .

م

مَاءٌ مَعِينٌ : آب رونده و جاری ، این عبارت

آیه ۳۰ سوره ملك در احادیث تأویل به وجود

مقدس امام عصر علیه السلام شده است .

مَاسِوًا : به غیر از

مَافَاتٍ : آنچه از دست رفته ، گذشته

مَا نَحْنُ فِيهِ : آنچه در آن هستیم ، موضوع مورد

بحث

مُؤَاخَذٌ : توبیخ شده ، دستگیر شده

مَأْرَبٌ ، ج مَأْرَبٌ : نیاز ، حاجت

مُؤَالَفٌ : همراه و همدل ، انس گیر

مُؤْتَلِفٌ : همبسته، سازگار، الفت گیرنده
مَأْثُورَةٌ : منقول، آنچه از معصومین (سلام
الله علیهم) رسیده باشد.

مَأْذُونٌ : مجاز، اجازه داده شده
مَوْئِنَةٌ : هزینه، خرج زندگی، بار معیشت
مُبْرَزٌ : ج مُبْرَزٌ : برجسته و برگزیده

مُبْرَهَنٌ : آشکار و روشن
مُبْغِضٌ : ج مُبْغِضٌ : دشمن کینه توز
مُتَبَجِّرٌ : بسیار دانا، آنکه در علمی از علوم
بمانند دریا باشد.

مُتَبَّعٌ : پژوهشگر ژرف نگر و پی گیر
مُتَحَنِّنٌ : لازم و واجب

مُتَحَفِّظٌ : خویشتن دار، پر حافظه
مُتَدَرِّجًا : به تدریج، آهسته آهسته

مُتَرِّدٌ : چشم براه، در کمین
مُتَرَفِّينٌ : ج مُتَرَفٌ : راحت طلب و عیاش
مُتَرَقِّبٌ : نگران، چشم دوخته، در انتظار

مُتَسَبِّهٌ : ج مُتَسَبِّهٌ : تظاهر کننده به شبیه
بودن، شبیه نما

مُتَشَبِّتٌ : پراکنده
مُتَمَيِّفٌ : گونه گونه و دسته دسته شده، به
گروه یا صنفی پیوسته

مُتَطَاوِرَةٌ : غلبه یابنده، در اصطلاح، حدیثی
که در حد تظافر باشد.

مُتَقَابِرٌ : ناجور، غیر همانند

مُتَفَقِّهٌ : ج مُتَفَقِّهٌ : آنکه بکوشد تا فقیه
جلوه کند، فقیه نما

مُتَقَشِّرٌ : ج مُتَقَشِّرٌ : ظاهر بین، قشری

مُتَكَثِّرَةٌ : بسیار زیاد، تکثیر پذیر

مُتَلَبِّسٌ : ج مُتَلَبِّسٌ : پوشنده، لباس دربر-
گیرنده

مُتَيْقِنٌ : یقینی، بی شبهه

مُجَابٌ : پاسخ داده شده

مُجَانِبَةٌ : پهلوی هم قرار گرفتن، از هم دور
شدن

مُجَرَّبٌ : ج مُجَرَّبٌ : آزموده، به تجربه رسیده
مُحَالٌّ : ج مَحَلٌّ : جای، مکان، منطقه

مُحْذَرَاتٌ : ج مُحْذَرٌ : پرهیز شده، دشوار
محظوظ، بهره مند، بهره ور

مُحَنٌّ : ج مُحْنٌ : رنج، آزمایش

مُخْذُولٌ : خوار و زبون

مُخْزُونَةٌ : نگهداشته و انبار شده، ذخیره شده

مُخْمَرٌ : سرشته، آمیخته باذات، تخمیر یافته
مُدْظَلَةُ الْعَالِي : سایه اش بلند پایه باد.

مُرَائِيٌّ : ریاکار، خودنما

مُرَادِفٌ : آنچه در ردیف یا در پی دیگری آید.
دو کلمه هم معنا

مُرَضِيٌّ : پسندیده، مورد خشنودی

مُرْعِيٌّ : رعایت شده، مورد رسیدگی

مُرْفُوعٌ : بر طرف شده. در اصطلاح، حدیثی که

مُعْضَلَات ، ج مُعْضَلَه : سختی ، دشواری مسئله ،

پیچیدگی

مَعْمُورَه : آباد شده

مَعْمُور : فراموش شده ، ناشناس ، مورد قهر

مَغْمُوم : اندوهگین ، غمرده

مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ : کسی که فرمانبرداریش لازم

و واجب شرعی باشد .

مُفْتًی : فتوی دهنده

مَفْرَع : بناهگاه

مَقْضَى الْمَرَام : کامروا ، کامیاب

مَكْرُمَت : بزرگی ، جوانمردی ، بخشندگی

مَكُونَات ، ج مَكُونَه : پنهان داشته ، نهانی

مَلَاهِی ، ج مَلَهَى : آلات و اسباب لهو و لعب

مَلْهُوفِین ، ج مَلْهُوف : دلسوخته ، ستمدیده ،

اندوهگین

مُمَاثِل : مانند هم ، برابر هم

مُمْتَنِعَات ، ج مُمْتَنِع : غیر ممکن ، نایاب

مُمَثَّل : تصویر شده ، مثال زده شده

مُمَهَّدَه : از پیش آماده شده ، زمینه سازی شده

مُنَاوَلَات ، ج مَنَاوَلَه : بخشش ، عطا

مُنَاهِی ، ج مَنَهَى : نهی شده ، بازداشته

مَنْدُوبَه : برگزیده ، مستحب

مَنْصُوبَه : ثبت و تعیین شده ، صریح کتاب و

سنت

مَنْضِبُط : باضابطه ، دارای انضباط

سلسلهٔ سندش در نهایت به معصوم می رسد .

مُرَقِبَات ، ج مُرَقِبَه : دیده ور ، نگهبان

مزارات ، ج مزار : زیارتگاه ، کتاب زیارت

مَزِیدِن : چشیدن

مُسْتَبَعِد : بعید شمرده شده ، دور از ذهن و

غیر قابل باور

مُسْتَطَرَف : برگزیده ، شگفت و نازه

مُسْتَفَاد : استفاده شده ، بدست آمده

مُسْتَفِیدَه : بهره ور ، بهره خواه

مُسْتَنْبِط : بیرون کشیده شده ، درک شده

مُسْتَوْدَع : به امانت نهاده شده و ناپایدار

مُسْتَوْفًی : تمام و کمال ، بطور کامل دریافت

شده

مُشَارِك : انباز ، شریک

مُشَافِهَةٌ : گفتگوی شفاهی و رو در رو

مِشْكُوتَه : جای چراغ

مُشَيَّدَه : استوار ، محکم ، برافراشته

مَصَابِيح ، ج مِصْبَاح : چراغ

مُصَلًی : جای نماز

مَضْجَع : خوابگاه ، آرامگاه

مُضْمَلٌ : نابود و ناپدید شونده

مَضْيِق : تنگنا ، دشواری

مُعَارِضَات ، ج مُعَارِضَه : ستبره جوش ، مقابله

مُعَاذِنَت : یاری ، همدستی

مَعَالِم ، ج مَعْلَم : نشانهٔ راه

مِنْ عِنْدِي: سرخود، من در آوردی

مِنْكَب: کتف، دوش

مَنْكُوب: به نکبت افتاده، مغلوب

مَنْكُوس: سرنگون، واژگونه

مَنْعِج: بلند مرتبه، استوار

مَوَالِت: دوستی، پیوستگی

مَوَالِيَان، ج مَوَالِي: دوست، پیرو راستین

مَوْجَّه: پسندیده، با قاعده

مُودَعَه: بامانت سپرده شده

مَوْفُور: فراوان

مَهْمُوم: اندوهگین، دلگرفته

مُهْتَا: گوارا، دلچسب، بی رنج و زحمت

ن

نَافِلَه: مستحب، عبادت غیر واجب

نَامِيَه: روینده و نمو کننده

نِبَالَت: نجاست، شرافت

نَبِيل: شریف، نجیب زاده، هوشمند

نَحْرِيْر: ماهر، دانا، زیرک

نَدِيْت: همانندی، همسانی

نُصُوص، ج نَصَص: صریح کلام، عین عبارت

نَعْسَه: حالت چرت و خواب سبک

نُعُوت، ج نَعْت: صفت، ویژگی، حسن

نِقَار: کینه و کدورت، نزاع و جدال

نُقْبَاء، ج نَقِيْب: مهتر قوم، گواه شناسا و آگاه

نَوَائِب، ج نَائِبَه: سختی، مصیبت

نَوَاهِي، ج نَاهِيَه: بازدارنده، حرام کننده

نَوَام: پر خواب، بسیار خواب رونده

و

وَإِمَامَاه: ای امام به فریادم برس

وَإِعْوَاثَه: ای دادرس به فریادم برس

وَإِوْبِيْلَاه: ای وای از رنج و دردی که رسیده

وَإِثْر: یگانه، نماز یک رکعتی در آخر نماز شب

وَإِحْيَا الْعَصْرِ وَالزَّمَان: یگانه دوران

وَإِدَائِع، ج وَدِيْعَه: سپرده، امانت

وَإِعْرَع: پرهیزگاری، پارسائی

وَإِعْرَعِ دَرْغِيْرَمَا وَضِعْ لَهُ: قرار دادن يك شیء در

وضعی که برای آن ساخته نشده.

وَإِعْدِحَاج: عزیمت حاجیان به مکه

وَإِعْفَقَهُ اللّٰهُ لِإِبْتِغَاءِ مَرْضَاتِهِ وَإِيْدَهُ بِتَأْيِيْدَاتِهِ:

خدا وی را در کسب خشنودی خود توفیق و

تأیید دهد.

وَإِعْلُوِيْت: انتساب به ولی داشتن

هـ

هَائِلَه: ترس آور، ترساننده

هَبُوطٌ : فرود آمدن ، پست شدن

هَلْمُ جَرًا : همچنين ، بهمين گونه

هَمَامٌ : سرور ، مهتر بزرگوار

هَمَجٌ رَعَاغٌ : مردم نادان و فرومایه ، مگسهای

ریز پشه مانند کثیف

هَيْمَنَةٌ : نگهبانی و نگهداری

ی

يَسِيرٌ : اندک ، آسان

يَوْمِنَاهُذَا : امروزه

۵	سخن ناشر: هدف کتاب و سرگذشت نویسنده
۱۵	مقدمه مؤلف: عرض ادب بساحت قدس حضرت مهدی (ارواحنا فداه)
۱۸	سخنی با برادران ایمانی در سختی و محنت عصر غیبت
۲۱	طبقه بندی مردم بر اساس مراتب معرفت حجت خدا
۲۴	اشارهٔ اجمالی به تکالیف طبقات مردم در غیبت
۲۸	تکلیف ۱: اعتقاد به لزوم وجود حجت الهی در هر زمان
۲۹	شناخت حجت عصر حضرت مهدی (سلام الله علیه)
۳۰	عقیده به نواب اربعه در غیبت صغری
۳۳	تکلیف ۲: شناسایی و پیروی نواب عام در غیبت کبری
۳۵	تکلیف ۳: احساس حالت مراقبه
۳۸	تکلیف ۴: ایجاد محبت قلبی
۴۱	تکلیف ۵: اظهار و ابراز علاقه و محبت
۴۴	تکلیف ۶: راز دل گفتن و نغمهٔ مهر و وفا سرودن
۵۰	تکلیف ۷: همت و دعا بر شبات قدم
۵۲	تکلیف ۸: تجدید پیمان بر توحید و نبوت و ولایت
۵۴	تکلیف ۹: پیروی دقیق از فرمان مولا
۵۵	تکلیف ۱۰: آداب پیش از خواب

۵۸	تکلیف ۱۱: آداب هنگام بیداری
۶۲	تکلیف ۱۲: آداب نماز شب
۶۵	تکلیف ۱۳: آداب هنگام طلوع فجر
۶۹	تکلیف ۱۴: آداب پس از نماز صبح
۶۹	سلام بر پیامبر
۷۰	دعای تقرب
۷۱	دعای تعقیب
۷۲	دعاهای عهد با خدا
۷۵	دعای عهد با ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)
۷۷	زیارت عهد امام عصر (علیه السلام)
۷۸	دعای عرض عقائد
۸۲	تکلیف ۱۵: آداب پیش از طلوع آفتاب
۸۲	دعای برای حضرت امیر (علیه السلام)
۸۴	تکلیف ۱۶: آداب روزهای هفته
۸۵	زیارت معصومین در ایام متعلقه به ایشان
۹۲	تکلیف ۱۷: آداب نمازهای یومیه (توجه - قنوت)
۹۵	تکلیف ۱۸: آداب نمازهای یومیه (تشهد - سلام)
۹۷	تکلیف ۱۹: آداب تعقیب نمازها
۹۸	بعد از نماز ظهر
۹۹	بعد از هر نماز
۱۰۰	بعد از نماز عصر
۱۰۱	بعد از همه نمازها
۱۰۳	تکلیف ۲۰: لزوم دعای بیروزی امام عصر (علیه السلام)
۱۰۵	تکلیف ۲۱: لزوم دعای حفظ و ایمنی آن امام
۱۰۸	تکلیف ۲۲: ادعیه مخصوصه

- ۱۰۸ دعای شبهای قدر (اللهم کن لولیک القائم بامرک ...)
- ۱۰۹ دعای حضرت رضا علیه السلام (اللهم اذفع عن ولیدک ...)
- ۱۱۳ دعای ایام البیض ماه رمضان (اللهم انی اذینک بظاعتک ...)
- ۱۱۴ دعای درخواست معرفت (اللهم عرفنی نفسک ...)
- ۱۱۵ دعای بعد از نماز عصر جمعه (اللهم عرفنی نفسک ...)
- ۱۱۹ دعای فرج (یا صاحب القدر ...)
- ۱۲۰ دعای زمان غیبت (اللهم انت عرفتنی نفسک ...)
- ۱۲۰ دعای ایام غیبت (یا من فضل علی ابراهیم ...)
- ۱۲۱ دعای غریق
- ۱۲۱ دعای حریق
- ۱۲۵ تکلیف ۲۳: ذکر صلوات
- ۱۲۵ صلوات اللهم صل علی ولیدک المحیی ...
- ۱۲۶ صلوات اللهم صل علی حجتک فی ارضک ...
- ۱۲۶ صلوات اللهم صل علی امامنا ...
- ۱۲۹ صلوات رسیده به ضرب اصفهانی
- ۱۳۲ تکلیف ۲۴: لزوم عرض سلام
- ۱۳۴ تکلیف ۲۵: ذکر سلام
- ۱۳۵ سلام آل یس (بروایت احتجاج)
- ۱۳۸ زیارت آل یس (بروایت بحار الانوار)
- ۱۴۳ سلام برای رفع گرفتاری (سلام الله کامل التام ...)
- ۱۴۹ تکلیف ۲۶: توجه در مواقع عرض اعمال
- ۱۵۵ استغفار
- ۱۵۸ تکلیف ۲۷: صداقت در ولایت
- ۱۶۰ تکلیف ۲۸: توجه و تذکر در ساعات و ایام مخصوصه
- ۱۶۳ تکلیف ۲۹: در شبهای قدر

۱۶۶	تکلیف ۳۰: در شب و روز جمعه
۱۷۰	تکلیف ۳۱: دیگر اعمال جمعه
۱۷۲	تکلیف ۳۲: ادامهٔ اعمال جمعه
۱۷۲	استغفار
۱۷۴	زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله)
۱۷۶	زیارت امام حسین (علیه السلام)
۱۷۸	توسل به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه)
۱۷۹	توسلی دیگر
۱۸۰	توسل جلیل القدر
۱۸۲	سلام بر ملائکه
۱۸۴	تکلیف ۳۳: ادامهٔ اعمال روز جمعه
۱۸۸	تکلیف ۳۴: دعای ندبه در صبح جمعه
۱۹۹	تکلیف ۳۵: ادامهٔ اعمال روز جمعه
۲۰۲	تکلیف ۳۶: اعمال عصر جمعه
۲۱۰	تکلیف ۳۷: دعای مخصوص در آخرین ساعات روز جمعه
۲۱۱	دعای دوم در آخرین ساعات روز جمعه
۲۱۴	تکلیف ۳۸: اعمال روز عاشورا
۲۱۶	تکلیف ۳۹: اعمال نیمهٔ شعبان
۲۲۰	تکلیف ۴۰: اعمال نوروز
۲۲۱	تکلیف ۴۱: اهداء خیرات و عبادات
۲۲۲	نمازهای هدیه به معصومین در ایام هفته
۲۲۵	تکلیف ۴۲: کیفیت اهداء نماز
۲۳۰	اهداء قرائت قرآن
۲۳۱	تکلیف ۴۳: مقدم داشتن در تمامی دعاها و نیکیها
۲۳۴	تکلیف ۴۴: اندوه قلبی از غیبت و غربت

- ۲۳۵ تکلیف ۴۵: انتظار فرج و ظهور
- ۲۳۶ تکلیف ۴۶: نبایش برای حفظ و پیروزی
- ۲۳۷ تکلیف ۴۷: اهداء صدقات به نیابت
- ۲۳۹ تکلیف ۴۸: حج رفتن و حج فرستادن به نیابت
- ۲۴۰ تکلیف ۴۹: برخاستن بشنیدن لقب مخصوص
- ۲۴۲ تکلیف ۵۰: زاری و نبایش برای حفظ ایمان و عقیده
- ۲۴۴ تکلیف ۵۱: استمداد در شدايد
- ۲۴۵ تکلیف ۵۲: عقیده به امکان راه جستن و ارتباط
- ۲۴۶ دو راه از راههای ارتباط
- ۲۴۹ تکلیف ۵۳: یاری جستن و عریضه نگاشتن در مهمات و مشکلات
- ۲۵۰ دو شیوه استمداد
- ۲۵۳ دو شیوه عریضه نگاری
- ۲۵۶ شیوه دیگری در استمداد
- ۲۵۷ تکلیف ۵۴: حضور در اماکن و مجالس مورد نظر آن حضرت
- ۲۵۸ تکلیف ۵۵: زندگی به شیوه معصومین (علیهم السلام) و ترک روش دنیاپرستان
- ۲۶۱ حدیث شریف نبوی به اسامه بن زید
- ۲۶۸ تکلیف ۵۶: مطالعه کتب ارزشمند در موضوع مهدویت
- ۲۷۱ تکلیف ۵۷: بزرگداشت آن نام مقدس در گفته ها و نوشته ها
- ۲۷۶ تکلیف ۵۸: آغاز نوشتار و گفتار و کردار با آن نام مقدس
- ۲۷۷ تکلیف ۵۹: ترک خروج مگر با حکم فقیه جامع الشرائط
- ۲۸۰ تکلیف ۶۰: اعتقاد به ولایت تکوینی و مقام معنوی معصومین (علیهم السلام)
- ۲۸۱ برخی از دعاوی گراف رؤسای صوفیه اهل سنت
- ۲۹۲ لغات دشوار

آشنائی با دیگر انتشارات بدر

- ۱ - ابوذر بدور از پیرایه ها : علامه مجاهد عبدالحسین امینی
رقعی .
- موضوع : شناخت چهره حقیقی ابوذر صحابی ارجمند پیامبر اکرم (ص) .
- ۲ - ابوطالب مظلوم تاریخ : علامه مجاهد سید عبدالحسین امینی
رقعی .
- موضوع : زدودن تهمت کفر از دامان پاک پدر بزرگوار امیر مؤمنان
علی علیه السلام .
- ۳ - اسلام در مبارزه بنیادی با فقر : غلامرضایات ، جیبی .
- موضوع : برنامه های اقتصادی اسلام برای ریشه کن ساختن عفریت فقر .
- ۴ - تئوری شناخت در فلسفه ما : مرجع شهید آیه الله سید محمد باقر
صدر ، رقی .
- موضوع : نقد و بررسی مسئله شناخت از دید فلسفه های مادی در پرتو
فلسفه متعالی اسلامی .
- ۵ - پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی : صدر الاسلام علی اکبر
همدانی ، وزیری .
- موضوع : راه و رسم ایجاد پیوند قلبی با ولی الله الاعظم حجة بن الحسن
علیه السلام در آمیزه ای از دعاها و سخنان معصومان .
- ۶ - رودر رو با اپارین در زمینه منشأ حیات : خلیل شکیبا ،
رقعی .
- موضوع : رد تئوری اپارین زیست شناس شوروی در مورد چگونگی
پیدایش نخستین سلول زنده .
- ۷ - سیمای زمامداران دادگستر و ستمگر در قرآن : دکتر محمد
مهدی رکنی ، رقی .
- موضوع : نگرشی تازه به تعریف قرآن از حکومت های حق و باطل .
- ۸ - طرح گسترده اقتصاد اسلامی : مرجع شهید آیه الله سید محمد
باقر صدر ، جیبی .
- موضوع : ساخت اقتصاد اسلامی و مقایسه محققانه با مکتب الحادای غرب
و شرق .

- ۹ - نظم، آیتی از حکمت فرازین؛ خلیل شکیبا، رقی .
 موضوع: اثبات وجود پروردگار از راه برهان نظم و پاسخ به دستاویز
 های ماتریالیستی .
- ۱۰ - نهادهای اقتصادی اسلام؛ مرجع شهید آیه الله سید محمد باقر
 صدر حبیبی .
 موضوع: تصویر کلی اقتصاد اسلامی، با عنایت به مسائل تازه اقتصادی .
- ۱۱ - انتظار بذر انقلاب؛ حسین تاجری، رقی .
 موضوع: نظاره ای بر ابعاد فردی اجتماعی انتظار ظهور حضرت مهدی
 علیه السلام .
- ۱۲ - دیر زیستی حضرت مهدی علیه السلام؛ مهدی کامران، حبیبی .
 موضوع: سخنی پیرامون طول عمر حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه
 الشریف .
- ۱۳ - راز نیایش منتظران: آیه الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی،
 رقی .
 موضوع: گفتاری در فضیلت انتظار حضرت مهدی علیه السلام و لزوم دعا
 برای فرج آن حضرت .
- ۱۴ - سپیده امید؛ رقی .
 موضوع: مجموعه ای از شمنند در عموم مباحث مربوط به ولادت، طول
 عمر، غیبت، قیام و انتظار مهدی موعود .
- ۱۵ - رسالت اسلامی در عصر غیبت؛ سید محمد صدر، رقی .
 موضوع: تکالیف اجتماعی منتظران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) .
- ۱۶ - رهنمودهای رهبر (پنج جزوه)؛ جیب پالتوئی .
 موضوع: بیانات گهربار و آموزنده رهبر کبیر انقلاب در موضوعات
 گوناگون .
- ۱۷ - جلوه های اخلاق و عرفان در داستانهای آسمانی؛ دکتر شریف
 رحمانی، رقی .
 موضوع: داستان پیامبران در قرآن و بهره های اخلاقی و تربیتی آن .

پخش از نشر کوکب

- ۱ - عبد الله بن سبا (سه جلد) : علامه سید مرتضی عسکری، وزیرى .
موضوع: بررسی داستان دروغین عبدالله بن سبا و دیگر داستانهای دروغین که مخالفین و ملحدین به عنوان لکه دار کردن دامان پاک تشیع آنها را ساخته اند .
- ۲ - نقش عایشه در تاریخ (سه جلد) : علامه سید مرتضی عسکری، وزیرى .
موضوع: معرفی چهره واقعی عایشه و مشکلاتی که او برای اسلام ایجاد نموده .
- ۳ - نقش ائمه در احیای دین (سه جلد) : علامه عسکری، رقی .
موضوع: ابهام زدائی پیرامون وظائف ائمه ظاهرین (علیهم السلام) و روشن نمودن تلاشهای مذبوحانه مخالفین در این جهت .
- ۴ - گامی در مسیر تربیت اسلامی : دکتر رجعی مظلومی، رقی .
موضوع: آشنائی با تربیت اسلامی در حدفاصل کودکی تا بلوغ .
- ۵ - آخرین تحول با حکومت ولی عصر (علیه السلام) : سید محمد مهدی خلخال، وزیرى .
موضوع: ۱- بررسی و شناخت قیام و حکومت جهانی امام عصر (علیه السلام)
۲- شناخت امام عصر از دیدگاه روایات .
- ۶ - نور مهدی: جمعی از نویسندگان، وزیرى .
موضوع: مجموعه مقالاتی پیرامون امام عصر (غیبت، قیام، نظام امامت و...) .
- ۷ - هشام بن الحکم، مدافع حریم ولایت: سید احمد صفائی، وزیرى .
موضوع: شرح جامع و مبسوط پیرامون زندگانی، افکار و عقاید و مناظرات هشام بن الحکم در برخورد با الحاد و روایاتی که از معصومین نقل نموده است .
- ۸ - با دنیای کودک آشنا شویم: سید ذلیل خلیلیان، رقی .
موضوع: رموز تربیت و پرورش کودک .
- ۹ - آخرین کتاب الهی (سرگذشت قرآن): دکتر رجعی مظلومی، رقی .
موضوع: سرگذشت تاریخی قرآن و چگونگی تدوین و سندیت آن .



شب به درازا کشید، چشمها، همه فرو خفتند، جز
چشمان شیدای شیفتگان که در سیاهی آسمان، فروغ ترا
می جویند، ای خورشید فروزان وجود .
دریای سیاه زندگی، سراسر گرداب و توفان شد،
پهن‌دشت انسانیت، کویری تفتان گشت و منتظران ،
نستوه و پایدار ، همچنان تورا می جویند، ای مهدی
موعود، ای منجی محبوب ، ای قائم منتقم .
... این کتاب در موضوع خود قدیمی ترین متنی
است که بطور مستقل و مبسوط در دسترس می باشد
... و یکپارچه پیرامون تکالیف و مسئولیتهای فردی
شیعیان در رابطه با حضرت صاحب الزمان نگاشته شده
و به حدود ۶۰ تکلیف با توضیحات لازم اشاره می کند .
از مقدمه کتاب

